



جایگاه مساجد
در فرهنگ اسلامی

- ۲۶ -

جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی

تهیه و تنظیم
زیرنظر حجۃ الاسلام والملمین علی رضائی

رضایی، علی

جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی / تهیه و تنظیم علی رضایی

قم: ثقلین ، ۱۳۸۲ .

ص ۳۸۳ .

ISBN 964 - 94842 - 2 - 1

فهرستنويسي براساس اطلاعات فيبا.

۱ - مسجدها.

الف. عنوان.

BP ۲۶۱ / ۵۶

کتابخانه ملي ايران

۲۹۷ / ۷۵

م ۸۲ - ۶۷۶۵

□ جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی □

ناشر: مؤسسه فرهنگي ثقلين
تهیه و تنظیم: حجۃ‌الاسلام والمسلمین علی رضایی
حروفچینی و ناظر چاپ: عباس رحیمی
لیتوگرافی: نینوا - قم
چاپ: چاپخانه نهضت - قم
قطع: وزیری - ۳۸۳ صفحه
تیراث: چاپ اول - ۵۰۰ نسخه
تاریخ: خرداد ماه ۱۳۸۲



نشانی :

دفتر مرکزی: تهران - تهرانپارس - بین‌فلکه دوم و سوم - خیابان ۱۸۲ غربی - پلاک ۶

تلفن ۷۷۲۳۱۲ - دورنوييس ۷۸۸۱۴۵۲

مرکزانشارات: قم - خیابان انقلاب - چهارراه سجادیه - کوچه شماره ۳۳ - پلاک ۱۳

تلفن ۷۷۳۴۴۶۷ - دورنوييس ۷۷۳۲۸۶۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شماره شابک ۱ - ۲ - ۹۴۸۴۲ - ۹۶۴

فهرست مطالب

۱۳ سخن ناشر
۱۵ پیشگفتار

بخش اول: جایگاه مساجد

۱۹ واژهشناسی
۲۲ واژه مسجد در قرآن
۲۳	۱ - جایگاه مسجد در متون دینی
۲۳ نخستین خانه توحید
۲۶ پرستش هدف مسجد
۲۸ تقاو، اساس مسجد
۳۱ آباد کردن مساجد ویرانی شرک
۳۴ کانون هدایت
۳۶ پایگاه خد ستم
۳۷ خانه خدا در زمین
۳۸ محظوب ترین مکان
۳۹ حرمت مسجد
۴۰ بنیاد مسجد
۴۰ جایگاه دانش
۴۲ رفتن به مسجد
۴۳ حضور مستمر در مسجد
۴۴ نشستن در مسجد
۴۵ همسایگان مسجد
۴۶ نظافت مسجد
۴۷ روشنایی مسجد
۴۸ خوشبو کردن مسجد

۴۹ آداب مسجد
۴۹ آداب ورود به مسجد
۵۰ ۱- طهارت
۵۱ ۲- زینت کردن
۵۲ ۳- مقدم داشتن پای راست
۵۲ ۴- دعا
۵۳ ۵- نماز تحيّت
۵۳ کارهای ناروا در مسجد
۵۳ ۱- بردن شیء نجس
۵۵ ۲- تزیین و تصویر
۵۶ ۳- خرید و فروش
۵۷ ۴- شعر خواندن
۵۸ ۵- سخن گفتن
۵۸ ۶- فریاد زدن
۵۹ ۷- آلوده کردن
۵۹ ۸- خوابیدن
۶۱ ۲- جایگاه و اهمیت مساجد در فرهنگ اسلام
۶۲ مسجد کانون ارتباطات
۶۵ مساجد در ادوار تاریخ
۶۵ صدر اسلام
۶۶ عصر فتوحات
۶۹ قبل از انقلاب اسلامی
۷۰ در انقلاب اسلامی
۷۲ ۳- مسجد پایگاه اجتماعی
۷۲ نخستین پایگاه عبادی- سیاسی
۷۳ نخستین کانون همدلی
۷۴ نخستین جایگاه دانش
۸۲ نخستین نهاد سیاسی
۸۵ نخستین پایگاه تبلیغاتی
۸۷ مرکز خدمات
۸۸ مسجد و دیگر عبادتگاهها
۸۹ نقش‌ها و عملکردها
۹۳ ساختمان

۹۷	۴ - معمار انقلاب اسلامی و مساجد
۹۷	مسجد در صدر اسلام
۱۰۰	مسجد در رژیم طاغوت
۱۰۳	مسجد به مثابه سنگر
۱۰۵	مسجد محل تربیت
۱۰۵	لزوم توجه به جماعت
۱۰۷	حضور در مساجد

بخش دوم: نقش مساجد در جوامع

۱۱۳	۱ - نقش مسجد در تاریخ
۱۱۳	اولین مسجد در تاریخ اسلام
۱۱۴	قداست مسجد
۱۱۵	سادگی و آراستگی مسجد
۱۱۶	رشد ساخت مسجد بعد از صدر اسلام
۱۱۸	ویژگی های مسجد
۱۱۸	۱ - خانه مردم
۱۱۹	۲ - پایگاه قضایی
۱۲۰	۳ - جایگاه حسنه
۱۲۰	۴ - خانه خبر
۱۲۱	۵ - محل رفع مشکلات
۱۲۱	۶ - پایگاه جهاد و نهضت
۱۲۲	۷ - مرکز آموزش
۱۲۷	۲ - نقش مسجد در فرهنگ اسلام
۱۲۷	۳ - مرکز سازماندهی نهضت های جهانی اسلام
۱۳۹	الف) قیام سربداران
۱۴۲	ب) نهضت مشروطه در ایران
۱۴۶	ج) انقلاب اسلامی ایران
۱۴۹	۴ - نقش مساجد در انقلاب اسلامی
۱۵۷	۵ - نقش مساجد در توسعه
۱۵۸	۱ - تعریف ارتباطات
۱۵۹	۲ - رسانه های ارتباط جمعی
۱۶۰	۳ - مسجد پایگاه ارتباطی متناسب با جوامع اسلامی
۱۶۲	۴ - ویژگی های ارتباطی مسجد در سازماندهی حرکت های اجتماعی و
۱۶۴	نتیجه گیری

بخش سوم: مساجد و تعالی انسان

۱۶۷	۱ - مهد ارتباط با خدا.
۱۷۰	سکوی پرش به آسمان.
۱۷۴	اهل مسجد.
۱۷۷	بنای مسجد.
۱۷۸	قصد قربت.
۱۸۰	اولین مسجد.
۱۸۱	بنای مسجد نبوی.
۱۸۲	فلسفه بنای مسجد.
۱۸۳	کارگر مسجد شهید ولایت.
۱۸۴	غبار مسجد.
۱۸۵	ویژگی‌های ساختمان مسجد.
۱۸۸	وسعت مسجد.
۱۹۰	عمران مسجد.
۱۹۵	تبديل کلیسا به مسجد.
۱۹۷	۲ - مسجد، مرکز انسان‌سازی
۱۹۷	پیام مسجد.
۱۹۸	مسجد خانه خدا برای انسان.
۲۰۰	پشتونه اخوت اسلامی.
۲۰۱	خانه رشد.
۲۰۱	سالم‌سازی جامعه.
۲۰۲	عامل پیشگیری از فساد.
۲۰۲	بانيان مسجد.
۲۰۳	خانه عدالت.
۲۰۳	محبوب‌ترین بندگان خدا.
۲۰۷	۳ - مسجد، پایگاه آزادگی و آزادی
۲۰۷	«مسجد» متعلق به کیست؟
۲۰۸	محدودیت دینی.
۲۱۴	ورود کفار به مساجد.
۲۱۹	محدودیت طبقاتی.
۲۲۴	محدودیت سیاسی.

بخش چهارم: مساجد و جوانان

۱ - عوامل اصلی جذب جوانان	۲۳۱
الف) امام جماعت	۲۳۱
۱ - ثابت بودن	۲۳۱
۲ - توانایی علمی	۲۳۱
۳ - نظم	۲۳۲
۴ - بیان ساده و شیوا	۲۳۲
۵ - ابتکار خلاقیت	۲۳۲
۶ - دوستی با جوانان و نوجوانان	۲۳۳
۷ - احترام و تواضع	۲۳۳
۸ - آراستگی ظاهری	۲۳۳
۹ - توانایی جسمی	۲۳۴
۱۰ - دارا بودن دانش لازم	۲۳۴
۱۱ - درک موقعیت سنی جوانان	۲۳۴
۱۲ - تهیه امکانات مالی	۲۳۴
ب) مسجد	۲۳۵
۱ - فضای مناسب و ظواهر خوب آن	۲۳۵
۲ - نظافت	۲۳۵
۳ - وسایل صوتی، گرمایز و سرماز	۲۳۵
۴ - تضمیم‌گیری متمرکز	۲۳۶
۵ - ایجاد امکانات فرهنگی ورزشی	۲۳۶
۶ - استفاده از افراد خوش صدا	۲۳۶
ج) هیئت امنای مسجد	۲۳۷
۱ - همکاری جدی	۲۳۷
۲ - تقسیم کار	۲۳۷
۳ - علاقه به کار	۲۳۷
۴ - تأمین بودجه	۲۳۸
۵ - توجیه جوانان و نوجوانان	۲۳۸
۶ - اهتمام به مستله جوانان و نوجوانان	۲۳۸
۷ - استفاده از تخصص‌های گوناگون	۲۳۹

۲۳۹	د) سایر عوامل
۲۳۹	۱- ترجمه و توضیح دعاها و اذکار
۲۴۰	۲- آشنا کردن جوانان به فلسفه اعمال عبادی
۲۴۰	۳- اخلاق و رفتار نمازگزاران
۲۴۰	۵- جذب از طریق دوستان
۲۴۱	۶- انعکاس فعالیت‌ها
۲۴۱	۷- رفع مشکلات
۲۴۱	۸- خادم
۲۴۳	۲- راهکارهای جذب جوانان به مساجد
۲۴۵	معرفی الگو
۲۴۷	رعایت اختصار
۲۴۷	معرفی آثار مادی
۲۴۹	تبیین لذائذ معنوی
۲۵۰	تشویق
۲۵۱	نمایش
۲۵۲	اردو
۲۵۳	مسابقات
۲۵۴	نوار
۲۵۴	نمایشگاه
۲۵۴	رعایت ادب
۲۵۵	کتب درسی
۲۵۷	۳- روش‌های تربیتی
۲۵۷	دوران بحران
۲۵۹	استقلال طلبی
۲۵۹	نوگرایی
۲۶۰	رشد عقلانی
۲۶۱	خود میانبینی
۲۶۲	ویژگی‌های مریان تربیتی مساجد
۲۶۲	۱- عشق به آرمان‌ها
۲۶۳	۲- دانش گستردده
۲۶۳	۳- جذاب بودن مریان
۲۶۴	۴- حفظ اعدال در آموزش‌های مذهبی
۲۶۴	توصیه‌هایی برای رفتار با نوجوانان و جوانان در مساجد

۲۶۷	۴ - موانع جذب جوانان به مساجد.....
۲۶۷	الف) درونی.....
۲۶۷	۱ - خانواده.....
۲۶۹	۲ - محیط‌های آموزشی
۲۷۰	۳ - جامعه.....
۲۷۲	۴ - خود فرد.....
۲۷۴	۵ - مسجد
۲۷۷	ب) بیرونی.....
۲۷۹	۵ - مسجد و تعلیم و تربیت
۲۸۱	کارکردهای آموزشی مساجد.....
۲۸۱	۱ - مسجد، نهادی آموزشی
۲۸۴	۲ - مسجد و مدرسه
۲۸۷	۳ - ویژگی‌های آموزش در مساجد
۲۸۹	۴ - مسجد و آموزش‌های اصلاح‌گرایان
۲۹۰	۵ - ظهور مدارس جدید
۲۹۱	۶ - نتیجه
۲۹۳	۶ - رابطه مسجد و مراکز آموزشی
۲۹۳	تاریخچه
۲۹۷	حلقه‌های علمی در مساجد.....
۲۹۹	نظام آموزشی در مساجد.....
۳۰۰	۱ - آداب آموزش
۳۰۰	۲ - زمان آموزش
۳۰۱	۳ - شیوه آموزش
۳۰۳	۴ - شیوه ارزیابی
۳۰۳	۵ - موضوعات درسی
۳۰۴	۶ - انتخاب استاد
۳۰۵	۷ - گواهینامه علمی
۳۰۶	۸ - شیوه کاریابی
۳۰۶	۹ - معاش استادان
۳۰۷	۱۰ - هزینه دانشجویان
۳۰۸	موقعیت علماء در جامعه
۳۰۹	مسجد و علوم جدید

بخش پنجم: هنر در مساجد

۳۱۳	۱ - معماری مساجد
۳۱۴	مسجد، عالی ترین جلوه معماری اسلامی
۳۱۹	مسجد کبود، به عنوان نمونه
۳۲۳	۲ - تجلی هنر اسلامی در مساجد.....
۳۲۳	الف - تعریف هنر
۳۲۳	۱ - هنر شهوی
۳۲۳	۲ - هنر شهدی
۳۲۴	ب - توصیف هنر
۳۲۵	مسجد نمایشگاه آثار هنری اسلام

بخش ششم: احیای مساجد

۳۳۵	الف) ضرورت‌ها.....
۳۳۷	۱ - مدیریت
۳۳۹	الف: مدیر و عوامل مؤثر در جاذبه مدیریتی
۳۴۵	ب: برنامه‌های مدیر
۳۴۸	ج: ضرورت شورای سیاستگذاری
۳۴۸	د: ضرورت تأمین آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ائمه محترم جماعات
۳۴۹	ه - ضرورت ارزشیابی
۳۵۰	و: توسعه شهرها و نقشه جامع آنها با محوری بودن مسجد
۳۵۲	ز: روابط عمومی
۳۵۵	ح: مدیریت سیاسی، اجتماعی امام جماعت مسجد
۳۵۹	(ب) راهبردهای اجرایی به منظور احیای مساجد
۳۶۳	۲ - کتاب‌شناسی مسجد





سخن ناشر

مسجد در هر نقطه جهان خانه خدا و عظیم‌ترین پایگاه فرهنگی و معنوی است و محلی برای نیاز و سجود به درگاه قادر متعال است.

مسجد آزادترین و پاکیزه‌ترین مکان در پهنه‌گیتی است که در بند کردن و آلوده کردنش حرام است، پس جایگاه آزادگان و پاکان است چه آن که الطیبات للطیبین.

مسجد مهمانسرای حضرت کریم است، محل انس با حضرت حق و تکمیل ایمان و تصفیه روح و مصافحه با صالحان و معانقه با فرشتگان و بیعت با ثقلین است. بیعتی که نقض و شکستن آن خسران ابدی را در پی دارد زیرا در روز قیامت مسجد از حالی بودن، قرآن از مهجور بودن اهل بیت علیهم السلام از مظلوم بودن خویش شکایت خواهد کرد و بذا به حال متشاکی‌ای که شاکی آنان این سه باشند آن هم در دادگاه عدل الهی.

خدایا توفیق حضور در مسجد و گسترش فرهنگ آن عمل به قرآن و اشاعه حقایق متعالی آن و پیروی از پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم و اهل بیت طاهرینش و دفاع از حریم آنان را به ما عنایت فرما.

مؤسسه فرهنگی ثقلین همه همت و توان خویش را در راستای نشر معارف اسلامی و گسترش فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم السلام قرار داده است و با عنایت

حضرت حق تاکنون در این راه قدم‌های استواری برداشته است و آثار گرانقدرتی را منتشر کرده است.

در همین راستا مجموعه حاضر را که محصول اندیشه ده‌ها نفر از متفکران و پیروان مخلص و صدیق قرآن و عترت می‌باشد و با بیان و بنان به هدف احیای مساجد در نظام اسلامی ارائه نموده‌اند و فاضل ارجمند جناب حجۃ‌الاسلام والمسلمین آقای رضایی زید عزه آن را تهییه و تنظیم نموده‌اند به پیشگاه فرهیختگان و اندیشمندان تقدیم می‌نماید.

و از محضر رب العالمین درخواست می‌نماییم در دنیا به ما توفیق خدمت به ساحت مقدس و منور مسجد، قرآن و اهل‌بیت ﷺ عنایت فرماید و در روز قیامت ما را مشمول شفاعت - نه شکایت - آنان قرار دهد.

مؤسسه فرهنگی ثقلین

پیشگفتار

مسجد مهمان خانهٔ خدا در زمین^(۱) جایگاه نزول برکات و خیرات آسمانی^(۲) خانهٔ آگاهی و عبادت، عشق و محبت، صفا و صمیمیت، ایثار و رحمت، تجلی بهشت خدا در زمین^(۳) تفریحگاه موحدان است.

چه کسی گمان می‌کرد یک چهار دیواری سادهٔ کوچک یک صد متری بی‌سقف روزی قلب تپندهٔ میلیون‌ها انسان شود و قرن‌ها به تأسی از آن پایگاه فکری و فرهنگی جوامع بشری و منادی توحید شود.

سخن از طلوع اسلام و مطلع آن و فجر صادق آیین محمدی ﷺ و مرکز اشاعهٔ آن، یعنی مسجد است؛ مرکزی که همچنان ابعاد وسیع روحانی و معنوی آن، چه بسا در زیر حجاب قصور و تقصیرها مخفی مانده است و قلم را یارای شرح و تفصیل آن نیست.

همین قدر بدانیم که در هر دوره و زمانی و به هر صورت مسجد نقش عظیم در گسترش تعالیم انسان‌ساز اسلامی بروز داده و به عنوان مکانی مقدس و ملجمتی شایسته محل عبادت و نیایش جهاد و اجتهاد و نشر و تعلیم علم و دانش

۱. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۵۱۷.

۲. من لا يحضره الفقيه: ج ۱، ص ۷۷.

۳. ترمذی دعوات: ج ۳، ص ۸.

بوده است.

مسجد النبی در مدینه نخستین پایگاه علمی، سیاسی، اجتماعی و حکومتی اسلام به شمار می‌رفت و مسجد در اسلام هیچ‌گاه تنها محل عبادت و نماز نبوده بلکه همواره مرکز آموزش و انسان‌سازی، سیاست و حکومت نیز بوده است. چرا که تعلیم و تربیت، اقامه قسط و عدل و رشد و تکامل انسان‌ها وظیفه اصلی و اساسی پیامبران الهی بوده است.

با عنایت به نقش عظیم و منحصر به فرد مساجد در طول تاریخ اسلام و نیز در پیدایش و تداوم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران با عنایت مقام معظم رهبری دامت برکاته حرکتی جدید در راستای تحقق اهداف عالیه مساجد آغاز شده است محتوای مجموعه حاضر که در پی تبیین جایگاه و اهمیت و نقش مساجد در متون دینی و فرهنگ اسلامی و نیز راهکارها و راهبردها و شیوه‌های احیای مساجد و نیز بررسی موانع موجود است نتیجه تلاش جمعی از نخبگان است که با نهایت اخلاص آنچه در توان داشتند با بیان و بنان به پیشگاه حضرت حق هدیه نموده‌اند که بعد از تنظیم و تلخیص و غنی‌سازی به محضر شما تقدیم می‌شود.

در پایان برخود لازم می‌دانم از همه کسانی که در تحقیق و تدوین این مجموعه عظیم زحمت کشیده‌اند بالاخص از الطاف بی‌دریغ ریاست محترم سازمان مساجد حضرت حجۃ‌الاسلام والمسلمین ابراهیمی زیدعزم که با ابراز محبت‌های خویش ما را به ادامه راه تشویق و ترغیب نمودند و زمینه‌های چاپ و نشر آن را فراهم نمودند تشکر و قدردانی نمایم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

على رضائي

عید قربان ۱۴۲۳

بخش اول

جايگاه مساجد

۱ - جايگاه و اهميت مساجد در متون ديني

۲ - جايگاه و اهميت مساجد در فرهنگ اسلام

۳ - مسجد پايگاه اجتماعي

۴ - معمار انقلاب اسلامي و مساجد

واژه‌شناسی

واژه مسجد در لغت، اسم مکان از فعل «سَجَدَ يَسْجُدُ» به معنای جایگاه سجده و محل عبادت است و از قاعده معروف اسم زمان و مکان در فعل ثلاثی مجرد مضامون العین مستثناست. البته، لغت دنانان بزرگی مانند «فراء» برآورد که مسجد به فتح عین الفعل نیز جایز است، اگرچه با این تلفظ تاکنون استعمال نشده است^(۱); به گفته «سیبویه» هرگاه فعل و عمل در این واژه مورد نظر نباشد، طبق قیاس، مفتوح خوانده می‌شود.^(۲)

در تعریف لغوی مسجد در معاجم و فرهنگ‌های لغت تعبیر گوناگون وجود دارد که در واقع، تمامی آنها به یک معنا بازگش می‌کند. «زجاج» در تعریف مسجد می‌گوید:

(٣) «كُلُّ مَوْضِعٍ يَتَبَعَّدُ فِيهِ فَهُوَ مَسْجِدٌ».

١. الطريحي، فخرالدين: جمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، المكتبة المرتضوية، تهران ١٣٦٨ هـ، ج ٣، ص ٦٥.
 ٢. الخوزى، اشـتونى، سعيد: اقرب الموارد فى فصح العربية و الشواره، المكتبة الحجازية، بيروت ص ٤٩٥ .
 ٣. الزبيدى، محمد مرتضى: تاج العروس (من اهر القاموس)، منشورات دارمكتبة الحياة، لبنان، ج ٢، ص ٣٧١ .

و «ابن اعرابی» گفته است.

**الْمَسْجَدُ يَفْتَحُ الْجِيمَ، مَحَرَّبُ الْبُيُوتِ وَ مُصْلَى
الْجَمَاعَاتِ.**^(۱)

و در مفردات «راغب اصفهانی» آمده است:

الْمَسْجِدُ مَوْضِعُ الصَّلَاةِ اعْتَبَارًا بِالسُّجُودِ.^(۲)

به این ترتیب، مسجد که در زبان عربی اسم مکان مشتق از ریشهٔ ثلاثی مجرد (سَجَدَ) است، در زبان فارسی به معنای جایگاه نماز و محل عبادت به کار رفته است. در اینکه چرا کلمه مسجد برای مکان عبادت و محل نماز استعمال شده است، گفته‌اند: از آنجا که سجود، شریفترین و مهمترین اركان نماز است، در آن بیش از دیگر افعال نماز انسان به خداوند نزدیک می‌شود، لذا اسم مکان را از این فعل اتخاذ و بر محل عبادت و نماز اطلاق کرده‌اند.^(۳)

در اصطلاح عرفی، مسجد عبادتگاه خاص مسلمانان است، ولی در قرآن کریم بر معابد اهل کتاب نیز اطلاق شده است:

﴿قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَتَتَحَذَّنَ عَلَيْهِمْ مَسَجِدًا﴾.^(۴)

آنان که به واقع احوال اصحاب کهف اطلاع یافتند، گفتند: به یادگار آنان برایشان مسجدی می‌سازیم؛ و:

﴿سَبَحَانَ الَّذِي أَسْرَى بَعْدِهِ لَيَلَّا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَىٰ

۱. الربیدی، محمد مرتضی: *تاج العروس* (من اهر القاموس)، منشورات دار مکتبة الحیاة، لبنان، ج ۲، ص ۳۷۱.

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، دارالکتب العلمیة، ص ۲۷۱.

۳. زرکشی، محمد بن عبدالله، *اعلام المساجد با حکام المساجد*، تحقیق ابوالوفاء مصطفی‌المراغی، دارالکتب المصرية، قاهره، ۱۴۰۳ هـ، ص ۲۸.

۴. کهف / ۲۱.

الْمَسْجِدُ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكَنَا حَوْلَهُ لِتُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا...».^(۱)

پاک و منزه است خدای که شبی بنده خود - محمد ﷺ -، را از مسجد حرام به مسجد اقصی که پیرامونش را مبارک و پرنعمت ساخت، سیر داد تا آیاتمان را به او بنمایانیم.

اصطلاح شرعی، مسجد به مکان معین و موقوف برای نماز اطلاق شده، چنانکه در متون فقهی در این باب آمده است:

«الْمَرَادُ بِالْمَسْجِدِ الْمَكَانُ الْمُوقَفُ عَلَى كَافَةِ الْمُسْلِمِينَ لِلصَّلَاةِ».^(۲)

گذشته از واژه مسجد، گاه «جامع» نیز بر این مکان اطلاق شده است. در واقع «جامع» صفت برای مسجد بزرگی است که در آن نماز جمعه برپا می شود.

گفته می شود، این واژه را نخستین بار خلیفه دوم، هنگامی که دستور بنای مساجد جامع را برای برگزاری نماز جمعه به والیان و استانداران شهرهای اسلامی صادر کرد، به کار برد. بنابر روایات تاریخی، «عمر» ضمن بخشنامه‌ای از کارگزاران خود در سرزمین‌های گشوده شده و دیگر شهرهای نوبنیاد خواست که «مسجدی مخصوص نماز جمعه و مساجد دیگری برای برگزاری نمازهای یومیه در میان قبایل بنا نهند و هنگامی که روز جمعه فرا رسید، مردم در مسجد الجماعه برای ادائی نماز جمعه گرد هم آیند».^(۳)

ولی به گفته مؤرخان، خود مردم این اصطلاح را از آغاز به کار گرفتند و به مساجدی که محل اقامه نماز جمعه بود، مسجد جامع یا جامع اطلاق کردند؛

۱. اسراء / ۱.

۲. التسجیفی، محمد حسن؛ جواهر الكلام، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۹۲ هـ، ج ۱۴، ص ۶۱.

۳. سیوطی، عبدالرحمن؛ حسن المحاضرة في أخبار مصر و القاهرة، مطبعة الموسوعات، مصر، ج ۲، ص ۱۴۹.

به تدریج که حکومت اسلامی گسترش و شمار مسلمانان افزایش یافت، شمار مساجد نیز در سرزمین‌های اسلامی رو به فزوونی گذاشت، همچنین الفاظی که برای مکان‌های عبادت به کار می‌رفت بیشتر شد، به طوری که با گذشت زمان به هر مسجدی که در آن نماز خوانده می‌شد، «جامع» یا «مسجد جامع» گفته شد.^(۱)

واژه مسجد در قرآن

واژه مسجد، جمعاً ۲۸ بار در قرآن کریم ذکر شده که در ۲۲ مورد به صورت مفرد^(۲) و در ۶ مورد دیگر، به صورت جمع آمده است.^(۳)

در این آیات، به اهمیت و جایگاه رفیع مسجد در اسلام، پاره‌ای از احکام مسجد و مسجدالحرام و احکام خاص آن، مسجدالاقصی و مسجد اصحاب کهف، اشاراتی شده است.

البته، آیه‌های دیگری نیز در قرآن درباره مسجد و اهمیت آن آمده است که هر چند لفظ مسجد در آنها نیامده است، ولی بنابر مفهوم این آیات و گفته تمامی مفسران، می‌توان در مورد مساجد، این آیات را نیز ذکر کرد.

از آنجاکه در این کتاب بر آن نیستیم تابه تفسیر و تبیین تمامی این آیات پیردازیم، تنها به ذکر آیاتی که بیان‌گر ابعاد گوناگون مسجد در جامعه اسلامی است، بستنده می‌کنیم.

۱. عبدالوهاب، حسن؛ *تاریخ المساجد الاشریه*، دارالکتب المصرية، قاهره، ص ۸.

۲. سوره بقره آیات ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۹۱، ۲۱۷، ۱۹۶؛ مائدہ / ۲؛ اعراف / ۲۹ و ۳۱؛ انفال / ۳۴؛ توبه / ۷؛ اسراء / ۱؛ کهف / ۲۱؛ عنکبوت / ۷؛ فتح / ۲۵ و ۲۷؛ حج / ۲۵.

۳. سوره بقره / ۱۴ و ۱۸۷؛ توبه / ۱۷ و ۱۸؛ حج / ۴۰؛ جن / ۱۸.

۱- جایگاه مسجد در متون دینی

نخستین خانه توحید

﴿اَنَّ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَبَكَةَ مَبَارِكًا وَ هَدَى
لِلْعَالَمِينَ﴾.

«همانا نخستین خانه‌ای که برای عمومی مردم قرار داده شد، همان است که در مکه قرار دارد، و مایه برکت و هدایت جهانیان است».

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْيَتَمَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامٍ
إِبْرَاهِيمَ مُصَلَّى وَعَهْدُنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي
لِلطَّائِفَيْنَ وَالْعَاكِفَيْنَ وَالرُّكْعَ وَالسُّجُودَ﴾.^(۱)

«به خاطر بیاورید هنگامی که ما خانه کعبه را مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم، و (فرمان دادیم) از مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود انتخاب کنید و ما به ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان

و مجاوران و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنید».

همان گونه که از این دو آیه شریفه برمی آید، خانه کعبه در مکه نخستین خانه توحید و یکتاپرستی و اول جایگاه و مرکزی است که برای پرستش خدای یگانه ساخته شده است.

در اینکه آیا این خانه از زمان حضرت آدم ﷺ بريا شده یا حضرت ابراهیم ﷺ آن را بنیان کرده، میان مفسران اختلاف است. بعضی برآند که بنیانگذار این خانه از ابتدا، حضرت ابراهیم ﷺ بوده و در زمان آدم ﷺ این خانه اصلاً وجود نداشته است.^(۱)

برخی دیگر بر این عقیده‌اند که خانه کعبه نخست به دست آدم ﷺ ساخته شد و بر اثر مرور زمان از بین رفت، لکن حضرت ابراهیم ﷺ آن را تجدید بنا کرد.^(۲) با شواهدی که از آیات مختلف قرآن و روایات در این زمینه موجود است، نظریه دوم تأیید می‌شود. در قرآن به نقل از ابراهیم ﷺ آمده است:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرَيْثَيٍّ بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمَ...﴾^(۳)

«پروردگارا بعضی از فرزندانم را در سرزمین خشک و سوزانی، در کنار خانه حرامت سکنی دادم».

از این آیه شریفه چنین برمی آید که اثری از خانه کعبه به هنگام ورود ابراهیم ﷺ با فرزندش اسماعیل ﷺ و همسرش هاجر، در سرزمین مکه وجود داشته است.

۱. رازی، ابوالفتوح : تفسیر، لقیم و حواشی مهدی الهی قمشه‌ای، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۲۵، ج ۱، ص ۳۱۱.

۲. رازی، ابوالفتوح: تفسیر، لقیم و حواشی مهدی الهی قمشه‌ای، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۲۵، ج ۱، ص ۳۱۱.

۳. ابراهیم / ۳۷

همچنین در آیه دیگری آمده است:

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنْ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ﴾. (۱)

«و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه را برآفرانند».

باید توجه داشت تعبیر بالا بردن قواعد (پایه‌ها) در این آیه، اشارتی است به اینکه شالوده خانه کعبه، پیش از ابراهیم علیه السلام وجود داشته و ابراهیم و فرزندش، آن پایه‌ها را بالا برده‌اند. امام علی علیه السلام در این مورد می‌فرمایند:

«الا ترون انَّ اللَّهَ سَبَحَنَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ، مِنْ لَدُنَ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَى الْآخَرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِالْحَجَارِ... فَجَعَلُهَا بَيْتَ الْحَرَامِ ثُمَّ أَمْرَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوْلَدَهُ أَنْ يَثْنَا أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ». (۲)

«آیا نمی‌بینید که خداوند سبحان، مردم جهان را از زمان آدم علیه السلام تا امروز وسیله قطعات سنگی... امتحان کرده و این سنگ‌ها روی هم چیده را خانه محترم خود قرار داده است؛ سپس، به آدم و فرزندانش فرمان داد که به گرد آن طواف کنند».

بنابراین، خانه کعبه را نخست حضرت آدم علیه السلام بنا نهاد و سپس بر اثر مرور زمان فرو ریخت و بعد به دست ابراهیم علیه السلام تجدید بنا شد. در هر صورت نکته مهمی که از این دو آیه مورد بحث، به خوبی بر می‌آید و آیات دیگر و روایات نیز آن را تأیید می‌کند، این است که مسجد نخستین مرکز و پایگاهی است که به منظور عبادت و پرستش خدای یگانه در زمین نهاده شد و پیش از آن، عبادتگاه دیگری که کانون عبادت و نیایش موحدان و خدایران باشد، وجود نداشته است، از ابوذر روایت شده است که از رسول اکرم علیه السلام راجع به نخستین مسجدی که در زمین بنیاد

۱. بقره / ۱۲۷.

۲. نهج البلاغه: خطبه تاصحه، ص ۷۹۴.

شده، سؤال کرد. حضرت ﷺ فرمودند:

مسجدالحرام و پس از آن مسجدالاقصی بنا نهاد شده است.^(۱)

از امیرالمؤمنان علی‌الله‌بَلَّغَ روایتی نقل شده است که مردی از آن حضرت پرسید: «آیا خانه کعبه، اول خانه‌ای است که در زمین ساخته شده است؟». امام علی‌الله‌بَلَّغَ فرمود:

«خیر، پیش از آن هم خانه‌هایی بود، لکن خانه کعبه نخستین خانه مبارکی است که برای پرستش و عبادت مردمان درست بنا شده است».^(۲)

پرستش هدف مسجد

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ اللَّهُ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾.^(۳)

«مساجد از آن خدادست، پس باید احمدی جز او را نخوانید».

در این آیه شریفه، مراد از دعا، عبادت و پرستش است، زیرا در جای دیگر دعا به معنای عبادت آمده است:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ

۱. طبرسی، الفضل: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامیه تهران، ۱۳۹۰ هـ، ص ۲۰۴.

۲. طباطبائی، سید محمد حسین: المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، نشر فرهنگی رجاء، تهران ج ۳، ص ۵۸۲ . ۳. جن / ۱۸ .

عِبَادَتِي سَيْدُ الْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ^(۱).

«پروردگارتان گفت مرا بخوانید تا دعایتان را مستجاب
بکنم، کسانی که از عبادت من سرکشی کنند بزودی با کمال
خواری داخل جهنم خواهند شد».

در اینکه منظور از کلمه مساجد در این آیه چیست، میان مفسران اختلاف است، برخی برآند که منظور از مساجد تمام مکانهایی است که در آنجا برای خدا سجده می‌شود و از مصادیق آن، «مسجدالحرام» و سایر مساجد است.^(۲) برخی مساجد را اعضای هفتگانه سجده دانسته‌اند. این گروه در تأیید ادعای خود، روایتی از امام محمد تقی علیہ السلام نقل می‌کنند که مراد از مسجد، عضوهای هفتگانه بدن آدمی است که در هنگام سجده باید روی زمین قرار گیرد.^(۳) «مبیدی» نیز گفته است:

«مراد از مساجد، مکان‌هایی است که برای نماز و ذکر خدا
بنا شده است و از «قتاده» در تفسیر این آیه روایت کرده است
که: یهودیان و مسیحیان هنگامی که وارد معابد خود می‌شدند،
به خداوند شرک می‌ورزیدند. از این رو خداوند مؤمنان را
فرمود: «هنگامی که وارد مساجد می‌شوید خدا را با خلوص
نیت بخوانید».^(۴)

از مجموع آرای مفسران در این زمینه چنین استفاده می‌شود که مراد از مساجد، همان مکان‌هایی است که برای عبادت خداوند بنا شده است و از مصادیق

۱. غافر / ۶۰ .

۲. المیزان، ج ۲۰ ، ص ۲۰۶ .

۳. المیزان، ج ۲۰ ، ص ۲۰۶ .

۴. مبیدی، رشید الدین: کشف الاسرار و عدّة الابرار، به انضمام علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۳۹، ج ۱۰ ، ص ۲۵۶ .

آن، «مسجدالحرام» و دیگر مساجد است. تفسیری که مساجد را عضوهای هفتگانه سجده دانسته، ممکن است از قبیل توسعه در مفهوم آیه باشد که این معنا نیز در این آیه منظوره شده است.

نکته جالب توجه اینکه، خداوند به جهت اهمیت و فضیلت مساجد بر دیگر مکان‌ها، مسجد را به خود منسوب کرده و متعلق به خود دانسته است تا مزیت آن بر دیگر مکان‌ها روشن شود.

اختصاص مساجد به خداوند که منزله از صفات حسّی است، جنبه سمبیلیک دارد و اشارتی است بر اینکه مساجد مورد توجه خاص ذات اقدس اوست، بنابراین، در مساجد جز کار خدایی نباید کار دیگری صورت پذیرد و جز مصالح مسلمانان، امر دیگری نباید مطرح شود؛ با این توضیح در تأسیس مساجد هم نمی‌توان نیتی بجز خدا، و هدفی غیر از اعتلای کلمه توحید داشت.

تفوی، اساس مسجد

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلٍ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنَّ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهُدُ إِنَّهُمْ لَكَادُبُونَ * لَا تَقْمِ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٌ أُسَّسَ عَلَى النَّعْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾.^(۱)

«منافقان کسانی هستند که مسجدی ساختند به قصد زیان رساندن بر پیامبر و مؤمنان و تقویت کفر و ایجاد جدایی میان مؤمنان و کمین‌گاه برای کسانی که با خدا و پیامبرش از پیش مبارزه کرده بودند. آنان سوگند یاد می‌کنند که نظری جز نیکی

نداشته‌ایم، اما خداوند گواهی می‌دهد که آنان دروغ می‌گویند، هرگز در آن به نماز نایستاد، آن مسجدی که از روز نخست براساس تقوا بنا شده شایسته‌تر است که در آن به نماز قیام کنی؛ چه، در این مسجد، مردانی هستند که دوست دارند پاک و منزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد».

این آیات در شان گروهی از منافقان است که با توطئه‌های «ابو عامر» مسیحی و برای تحقق بخشیدن به اهداف شوم و نقشه‌های شیطانی خود، به ساختن مسجدی در مدینه اقدام کردند که بعداً به نام «مسجد ضرار» معروف شد؛ ماجرا از این قرار است که به هنگام ظهور قدرتمند اسلام در مدینه، «ابو عامر» به شدت ناراحت شد، وی برای مبارزه با اسلام با منافقان «اویس» و «خرزرج» همکاری صمیمانه‌ای آغاز کرد. پیامبر اکرم ﷺ هنگامی که از نقشه‌ها و اهداف وی آگاه شد، در صدد تعقیب وی برآمد، «ابو عامر» از مدینه گریخت و به مکه آمد و از آنجا به طائف و سرانجام به شام رفت و در آنجا رهبری منافقان مدینه را بر عهده گرفت؛ او در نامه‌ای به منافقان مدینه نوشت که لشکری از سپاهیان رم به کمکشان خواهد آمد تا محمد ﷺ و یارانش را از مدینه خارج سازند.

همچنین از آنان خواست برای خود مسجدی نزدیک مسجد قبا بسازند و در موقع نماز، آنجا گرد آیند و زیر نقاب مسجد، برنامه‌های خود را عملی کنند.

هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ عازم غزوه «تبوک» بود، گروهی از این منافقان به نزد آن حضرت آمدند و به بهانه اینکه افراد ناتوان و بیمار و پیرمردان از کار افتاده نمی‌توانند در شب‌های بارانی و سرد زمستانی به مسجد قبا بیایند، از پیامبر ﷺ خواستند تا اجازه دهد که مسجدی در میان قبیله خود (بنی سالم) بسازند؛ پیامبر ﷺ فرمود:

«اکنون آماده نبردم و اگر به خواست خداوند متعال بازگشتم، پیش شما خواهم آمد و با شما در آن نماز خواهم گزارد».

منافقان در غیاب پیامبر ﷺ ساختمان مسجد را به پایان رسانند، پس از جنگ تبوک، نزد حضرت علیؓ آمدند و گفتند: دوست داریم که پیش ما بیاید و با ما در آن مسجد نماز گذارید؛ حضرت فرمود: «لباس مرا بیاورید تا بپوشم و با آنان بروم».

در این هنگام آیات فوق نازل شد و پرده از نقشه پلید آنان برداشت؛ بی‌درنگ پیامبر ﷺ گروهی از اصحاب را خواندند و به آنان دستور دادند که مسجد را آتش بزنند و بقایای آن را ویران کنند و جای آن برای مدتی محل زیاله شد.^(۱)

همان‌گونه که از این آیات بر می‌آید، بینانگذران این مسجد در زیر نقاب این نام مقدس، اهداف شومی را دنبال می‌کردند. بر این اساس، خداوند به پیامبر ش دستور می‌دهد که در چنین مسجدی که برای زیان رساندن به مسلمانان و گستردن کفر و الحاد در جامعه اسلامی بنا شده است هرگز قیام به عبادت نکند و به جای آن شایسته است پیامبر ﷺ در مسجدی به نماز ایستد که اساس تقوا و هدفی الهی بنیاد شده است. به اعتقاد مفسران و تأیید روایات معصومان ؑ، مراد از این مسجد، همان مسجد «قبا» است که در مقایسه با مسجد «ضرار» آمده است.^(۲) هر چند بنابر روایات که از رسول اکرم ﷺ نقل شده است^(۳)، این احتمال نیز وجود دارد که مراد مسجد رسول اکرم ﷺ باشد؛ اما با توجه به تعبیر «اول یوم» در این آیه شریفه و با توجه به اینکه مسجد قبا نخستین مسجدی بود که پس از هجرت نبوی ساخته شد، احتمال اول، مناسبتر به نظر می‌رسد.

سپس قرآن به ویژگی دیگر این مسجد اشاره کرد، فرموده است:

۱. واحدی نیشابوری، علی: اسباب النزول، ترجمه محمد جعفر اسلامی، انتشارات بنیاد علوم اسلامی، تهران، صص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۲. المیزان، ج ۹، ص ۶۲۲.

۳. تفسیر الضوح رازی، ج ۵، ص ۲۵۳.

﴿فِيهِ رَجَالٌ يَحْبُّونَ إِنْ يَتَطَهَّرُوا...﴾.

در اینکه مراد از طهارت در این آیه، پاکیزگی صوری و اجتناب از پلیدی‌های ظاهری است یا پاک شدن از گناهان و طهارت معنوی، در میان مفسران اختلاف است^(۱). پاره‌ای از روایات طهارت ظاهری را تأیید می‌کند^(۲). البته این روایات دلیل بر منحصر بودن مفهوم آیه به این مصدق نیست، یعنی ممکن است منظور از طهارت در اینجا هرگونه پاکیزگی از صوری و معنوی باشد.

در هر صورت، از این بحث چنین بر می‌آید: مسجد که کانون ایمان و تقوا و محیط پاکی و قداست و مرکز تبلور عبودیت و نیاش در برابر پروردگار جهان است، بایسته است که شالوده و اساس آن بر تقوا و پاکی بنا شده باشد و پاسداران و دست‌اندرکاران آن افرادی مؤمن، پرهیزکار و مصمم باشند و هرگاه بنایی برای اغراض ناپاک با نام مقدس مسجد به وجود آید، باید در هدم و از بین بردن آن کوشید، چنانکه رسول خدا ﷺ دستور ویران کردن و به آتش کشیدن مسجد «ضرار» را صادر فرمودند.

آباد کردن مساجد ویرانی شرک

﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمَرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبَطْتُ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ * إِنَّمَا يَعْمَرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهُ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنْ الْمُهْتَدِينَ﴾.^(۳)

۱. مجتمع البیان، ج ۵، ص ۷۳.

۲. المیزان، ج ۹، ص ۶۲۲.

۳. توبه / ۱۷ و ۱۸.

«مشرکان را نرسد که مساجد خدا را بنیاد کنند، با آنکه خود شاهد کفر خویشتن‌اند، چه، ایشان اعمالشان بی‌اجر و باطل است و خود در جهنم جاودانند. مسجد‌های خدا را تنها کسی عمارت می‌کند که به خدا و روز جزا ایمان داشته، نماز بپا دارد، زکات دهد و جز از خدا نترسد، باشد که آنان از هدایت یافتگان باشند».

بعضی از مفسران در سبب نزول این آیه گفته‌اند، آیه نخست در شأن «بنی عبدالدار» والیان و پرده‌داران کعبه نازل شده است، هنگام ظهور اسلام، با اینکه به آیین حق ایمان نیاورده بودند، بر آن بودند که همچنان در سمت خود باقی باشند که خداوند این آیه را فرو فرستاد.^(۱)

برخی دیگر بر آنند که این آیه در شأن «عباس بن عبدالمطلب» نازل شده است؛ جریان آن، چنین بود که در روز بدر مسلمانان «عباس بن عبدالمطلب» را که هنوز ایمان نیاورده بود، به سبب کفری که داشت سرزنش می‌کردند، عباس گفت: چرا «بدی‌های ما را یاد می‌کنید و از خوبی‌های ماسخنی نمی‌گویید؟» علی علیہ السلام فرمود: «مگر شما نیکی‌هایی هم دارید؟».

عباس گفت: «بلی ما مسجد الحرام را تعمیر می‌کنیم و پرده داری کعبه و سقایت حجاج را بر عهده داریم.» در این هنگام، آیه شریفه یاد شده نازل شد.^(۲)

در هر صورت، این آیه بیانگر این حکم کلی است که مشرکان و مخالفان اساس اسلام نمی‌توانند با این نیت پلید به عمارت مسجد بپردازنند، بلکه این وظیفه کسانی است که به خدا و رسولش ایمان داشته باشند.

۱. کشف الاسرار، ج ۴، ص ۱۰۲.

۲. تفسیر ابوالفتوح الرازی، ج ۵، ص ۱۴۰.

همچنین، در مورد آیه دوم، گروهی از مفسران معتقدند که مراد از تعمیر، تنها تعمیر حسی و ظاهری نیست، بلکه این واژه بر تعمیر معنوی، که همانا آباد نگاه داشتن مساجد و حضور در آنها برای ادائی نماز و کارهای سودمند است، دلالت دارد، چنانکه «میبدی» گفته است:

«عمارة المسجد دخوله و القعود فيه و قيل: عمارته رفع بنائه
و اصلاح ما استلزم منه و قيل: عمارته التعبد فيه و الصلوة
و الطواف». ^(۱)

«عمارت مسجد وارد شدن ونشیتن درآن است و به قولی،
بالا بردن بنای مسجد و نیکو کردن آن و به قولی، عمارت
مسجد عبادت کردن، نماز خواندن و طواف در آن است».

«زمخشری» نیز در تفسیر این کلمه گفته است:

«و العمارة تتناول رمّ ما استرم منها و قممها و تنظيفها و تنويرها
بالمصابيح و تعظيمها و اعتيادها للعبادة و الذّكر و من الذّكر درس
العلم بل هو اجلّه و اعظمه و صياتها معالم تبن له المساجد من
احاديث الدّنيا». ^(۲)

«کلمه عمارت (در این آیه) شامل ساختن و مرمت ویرانی‌های مساجد،
جارو، تنظیف و روشن کردن آنها می‌شود. همچنین احترام نهادن به مساجد
و بزرگداشت آنها رفت و آمد در آنها برای عبادت و ذکر خدا و مهم‌تر و ارزشمندتر از
همه، فraigیری دانش است. سپس «زمخشری» روایتی از رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم نقل می‌کند
که بر تعمیر معنوی در این آیه دلالت دارد؛ در بخشی از این روایت آمده است:

۱. کشف الاسرار، ج ۴، ص ۱۰۳.

۲. زمخشری، محمد: الكشاف دارالمعرفة، بیروت، ج ۴، ص ۱۷۹.

«ان بِيَوْتٍ فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ، وَ ان زُوَارِي فِيهَا
عُمَارَهَا...»^(۱).

«مساجد خانه‌های من در زمین است و آباد کنندگان
مسجد، زائران من در آنها‌یند».

در حدیث دیگری که از رسول اکرم ﷺ ذیل این آیه شریفه نقل شده است،
(عمارت) به حضور پی در پی در مساجد تفسیر شده است:

«اَذْ اَرَاتِمُ الرَّجُلِ يَعْتَدُ الْمَسَاجِدَ اَوْ يَتَعَاهِدُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهُدُوا
وَ عَلَيْهِ بِالْإِيمَانِ».^(۲)

«هر گاه کسی را دیدید که پیوسته به مسجد رفت و آمد
یا سرکشی می‌کند، به ایمان وی گواهی دهید».

به این ترتیب، کلمه تعمیر در اینجا ناظر به هر دو معنای صوری و باطنی
است، لذا، تنها کسانی در تأسیس مساجد و آباد نگاه داشتن آنها کوشانه هستند که
ایمان به خدا و روز واپسین دارند، نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و جز از خدا
نمی‌ترسند، که اینان ره یافتنگان حقیقی خواهند بود.

کانون هدایت

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا
بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ﴾.^(۳)

«در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده است که رفعت یا بند

۱. الكشاف، ج ۲، ص ۱۷۹ .

۲. رشید، رضا، محمد: المنار، دارالعرفة، بیروت، ج ۶، ص ۲۱۴ .

۳. نور / ۳۶ .

و در آنها نام او به بزرگی یاد شود، در این خانه‌ها هر صبح و شام مردان با ایمان به تسبیح او مشغولند».

«زمخشری» در ذیل این آیه کریمه گفته است: «کلمهٔ فی بیوت» در این آیه به کلمه «کمشکاه» در آیه قبل:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَكِّلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ
الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ...﴾.

وابسته است و مراد از «بیوت» در اینجا مساجد است.^(۱)

«عالّمه طباطبایی»^(۲) کلمه «فی بیوت» را به «کمشکاه» یا به جمله «یهدی» در آیه بعد متعلق دانسته است و بازگشت هر دو را به یک معنا می‌داند، که از مصادیق یقینی این بیوت، مساجدند که صرفاً برای این کار ساخته شده‌اند. همچنان‌که فرمود:

﴿وَ مَسَاجِدٌ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا﴾.^(۳)

«و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار بردۀ می‌شود».

در «کشف الاسرار» در ذیل این آیه آمده است که «ابن عباس» گفت:

﴿الْمَسَاجِدُ بِيَوْتِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ هِيَ تَضَعِيفٌ لِأَهْلِ السَّمَاوَاتِ كَمَا
تَضَعِيفُ النَّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ﴾.^(۴)

«مساجد خانه‌های خدا در زمین است. همان‌گونه که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند، مساجد نیز برای ملکوتیان نورافشانی می‌کنند».

۱. الكشاف: ج ۳، ص ۶۸.

۲. المیزان: ج ۱۵، ص ۱۷۸.

۳. حج / ۴۱.

۴. کشف الاسرار: ج ۶، ص ۵۳۶.

سپس میبدی در تفسیر کلمه رفع در این آیه می‌گوید:

«مراد از ترفع رفع اقدار است نه رفع ابنيه، زیرا در شرع،
دیوار مسجد بلند کردن و بالا بردن مکروه است. در خبر آمده
است که: مساجد را بزر دارند و سخن بیهوده در آن نگویند
و جز نام خدا، دیگری را نخوانند، چنانکه در جای دیگری
می‌فرماید: و یذکر فیها اسمه...».^(۱)

بنابراین، از مصادیق بارز این بیوت، مساجدند که چنین ویژگی‌هایی دارند.

پایگاه ضد ستم

﴿ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ
وَسَعَى فِي خَرَابِهَا...﴾.^(۲)

«و کیست ستمکارتر از آن که منع کرد و باز داشت مردم را از
مسجد و در خرابی آنها کوشید، تا نام خدا را در آنجا بر زبان
نیاید و بزر نشود».

بعضی از مفسران، نزول این آیه را در پیشامد «حدیبیه» دانسته‌اند که مشرکان
عرب نگذاشتند رسول اکرم ﷺ و اصحابش به مکه وارد شوند.^(۳) برخی دیگر
گفته‌اند که این آیه اشاره به خرابی بیت المقدس (۷۰ سال بعد از میلاد مسیح)
به دست سپاه «تیطس» رومی دارد، که شهر و مجسمه سلیمان را بکلی ویران کرد
و آثار یهود و اوراق تورات را سوزاند.^(۴) در هر صورت، ظاهر آیه را نمی‌توان ناظر

۱. همان مأخذ: ج ۶، ص ۵۳۷.

۲. بقره / ۱۱۴.

۳. المنار: ج ۱، ص ۴۲۱.

۴. المنار: ج ۱، ص ۴۲۱.

به واقعه مخصوصی دانست و هیچ قرینه‌ای برای چنین تطبیقی در میان نیست؛ این آیه بیان حقیقتی کلی است که حوادث گذشته را مانند خرابی‌های «بیت‌القدس»، حال را (زمان نزول آیه) مانند واقعه حدبیه و رخدادهای پس از آن مانند خرابی‌های مساجد، توسط صلیب‌های «قرامطه»، شامل می‌شود، بنابراین از مضمون این آیه چنین استفاده می‌شود که چون مساجد در طول تاریخ همواره پایگاه‌های وحدت و همدلی و سنگرهای مبارزه علیه طاغوت و فساد بوده است، کافران و اهل شرک و نفاق با ترس از این مراکز آنها را برای خویش خطیز جدی به حساب آورده‌اند لذا، به گواهی تاریخ، دشمنان خدا همواره کوشیده‌اند که با برنامه‌ها و نقشه‌های گوناگون خود، مساجد را از رونق و گرمی بیندازنند، براین اساس، قرآن کریم یکی از مهم‌ترین دلایل تشریع جهاد را پاسداری از حریم مقدس مساجد دانسته است:

﴿ وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِعْضٍ لَهُدِمَتْ صَوَامِعُ وَبَيْعَ
وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ
يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوْيٌ عَزِيزٌ ﴾.^(۱)

«اگر خدا بعضی از مردم را به بعضی دیگر دفع نمی‌کرد دیرها، کلیساها، کشت‌ها و مسجدها که در آنها نام خدا بسیار برده می‌شود، ویران می‌شد، خدا کسانی را که او را یاری کنند، یاری می‌کند، که خدا توانا و نیرومند است».

خانه خدا در زمین

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است که خداوند فرمود:

«الا ان بیوتی فی الارض، المساجد، تضیء لأهل السماء كما

تضیء النجوم لأهل الأرض». ^(۱)

«مساجد خانه‌های من در زمینند، همان‌گونه که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشنند، مساجد نیز برای اهل آسمان نور افشاری می‌کنند».

محبوب‌ترین مکان

رسول گرامی اسلام فرمود:

«المساجد مجالس الأنبياء». ^(۲)

«مسجد، جایگاه پیامبران است».

در خبری دیگر، پیامبر ﷺ می‌فرمایند:

«المساجد بيوت المتقين، و من كانت المساجد بيته ضمن الله له بالروح والراحة والجواز على الصراط». ^(۳)

«مسجد خانه پرهیزکاران است و کسی که مسجد خانه‌اش باشد خداوند آسايش، آرامش و عبور از صراط را برای او تضمین می‌کند».

همچنین فرمودند:

«خير البقاع المساجد».

«بهترین مکانها مساجدند».

۱. مستدرک الوسائل: صص ۳۱۳ و ۳۵۹.

۲. مستدرک الوسائل: صص ۳۱۳ و ۳۵۹.

۳. حال ناقه: صص ۳۵۹ و ۵۵۴.

حرمت مسجد

امام صادق علیه السلام خطاب به «یونس بن یعقوب» فرمودند:

«ملعون ملعون من لم يوقر المسجد، اتدرى يا یونس لم عظمَ
الله تعالى حق المساجد و انزل هذه الآية: «و انّ المساجد لله
فلا تدعوا مع الله احداً كانت اليهود و النصارى اذا دخلوا
كنائسهم اشركوا بالله تعالى، فامر الله سبحانه نبيه ان يوحّد الله
تعالى فيها و يعبده». ^(۱)

«ملعون است و ملعون است کسی که مسجد را گرامی
ندارد. ای یونس آیا می دانی چرا خداوند حق مساجد را بزر
داشت و آیه «ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً» را نازل
فرموده است، زیرا، یهود و نصاری هنگامی که داخل
کلیساهاي خود می شدند، به خداوند متعال شرك
می ورزیدند؛ پس، خداوند سبحان پیامبرش را فرمود که در
مسجد، خداوند را به یگانگی و تنها او را پرستش کنند».

در کلام ارزشمند دیگری از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است:
«انما امرنا بتعظيم المساجد لأنها بيوت الله في الأرض». ^(۲)

«همانا به بزرگداشت مساجد امر شده ایم، زیرا مساجد
خانه های خدا در روی زمین است».

۱ . مغزی، اسماعیل، جامع الاحادیث: ج ۴ ، ص ۴۵۲ .

۲ . وسائل الشیعه ، ج ۳ ، ص ۵۵۶ .

بنیاد مسجد

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

«من بنی مسجدًا و لو مفحص قطاة بنی الله له بیتا فی الجنة». ^(۱)

«هر کس مسجدی را بنا نهاد اگر چه به اندازه خوابگاه مرغ سنگخواره‌ای باشد، خداوند برای او در بهشت خانه بنا کند».

و در جای دیگری فرمود:

«من بنی مسجدًا فی الدّنیا اعطاه اللہ بكل شبر منه، او قال بكل ذراع منه مسیرة اربعين الف عام مدینه من ذهب و فضة و در و ياقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ». ^(۲)

«هر کس در دنیا مسجدی بنا کند، خداوند در برابر هر وجب یا ذراع از آن به او مسیر چهل هزار سال شهر از طلا، نقره، در، یاقوت، زمرد، زبرجد و مروراً بعطا فرماید».

جایگاه دانش

رسول گرامی اسلام فرمود:

«ما جلس قوم فی مسجد من مساجد الله تعالیٰ يتلوون كتاب الله يتذمرون بهم إلّا تنزلت السكينة و غشيتهم الرحمة و ذكرهم الله فيمن عنده». ^(۳)

۱. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۶.

۲. جواهر الكلام: ج ۱۴، ص ۷۳.

۳. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۳.

«قومی در مسجدی از مساجد خداوند متعال برای تلاوت
قرآن و آموختن آن به یکدیگر ننشینید، مگر آنکه آرامشی
برایشان نازل و رحمت الهی شامل حالشان شود و خدا از
ایشان در میان کسانی که نزد او هستند، به بزرگی یاد کند».

در کلام دیگری از آن حضرت آمده است:

«انما نصبت المساجد للقرآن». ^(۱)

«همانا مساجد برای قرآن بنیاد گردیده است».

در متون حدیثی از اهل سنت است که رسول خدا عليه السلام فرمود:

«من غدا اوراح الى المسجد لا يريده غيره ليعلم خيراً و يعلمه
ثمّ رجع الى بيته الّذى خرج منه كان كالمجاحد فى سبيل الله
رجع غانما». ^(۲)

«اگر شخصی بامدادان یا شبانگاه راه مسجد را در پیش گیرد
و صرفاً هدف او فraigیری راه خیر و نیکبختی باشد یا بخواهد
آن را به دیگران تعلیم دهد، همانند مجاهدی است که در راه
خدا به جهاد پرداخته و با غنیمت بازگردد».

از اصحاب رسول اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم روایت شده است که گفتند:

«كَمَا فِي مسجد رسول الله ﷺ حلقاً نتحدث اذا خرج علينا
رسول الله من بعض حجره فنظر الى الحلق، ثمّ جلس الى
اصحاب القرآن فقال: بهذا المجلس امرت». ^(۳)

۱. جواهر الكلام: ج ۱۴، ص ۱۱۲.

۲. مالک بن انس؛ الموطا، چاپ مصر، ص ۵۶.

۳. الکاند هلوی، حیاة الصحابة: چاپ بیروت، ج ۳، ص ۱۰۶.

«ما در مسجد رسول الله به صورت حلقه‌هایی نشسته بودیم و سخن می‌گفتیم که رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} وارد مسجد شد و پس از نگاهی که به این حلقه‌ها کرد، در گروه قاریان قرآن نشست و گفت من به حضور در این مجالس مأمور شده‌ام».

همچنین، روزی پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} از خانه بیرون آمد، در مسجد دو مجلس دید که در یک مجلس در مورد امور دینی بحث و بررسی می‌شود و در مجلس دیگر، گروهی مشغول درخواست از خدا بودند. حضرت فرمودند:

«كلا المجلسين الى خير اما هؤلاء فيدعون الله و اما هؤلاء فيتعلمون و يفقهون الجاهل هؤلاء افضل بالتعليم ارسلت». ^(۱)

«هر دو مجلس نیک است. آن گروه خدا را می‌خوانند و آن گروه می‌آموزند و مطالب را به نادانان می‌فهمانند، که این گروه برترند. من برای تعلیم فرستاده شده‌ام».

رفتن به مسجد

از رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} روایت شده است:

«من مشی الى مسجد من مساجد الله تعالى فله بكل خطوة خطها حتى يرجع الى منزله عشر حسنات و محي عنه عشر سيّرات و رفع له عشر درجات». ^(۲)

«هر کس راهی را به سوی مسجدی از مساجد خداوند متعال در پیش گیرد، در برابر هر گامی که از هنگام رفتن

۱ . العاملی، زین الدین، منیة المرید: چاپ قم، ص ۲۶ .

۲ . بحرانی، یوسف، الحدائق الناظرة فی احكام العشرة الطاہرۃ: چاپ نجف، ج ۷ ، ص ۲۶۴ .

برمی دارد تا زمانی که به منزلش بازگردد، برای او پاداش ده کار نیک نوشته شود، و ده گناه از او محو گردد و ده درجه رفعت یابد».

همچنین در کلام با ارزش دیگری از آن حضرت است:

«بَشَّرَ الْمَشَائِنَ إِلَى الْمَسَاجِدِ فِي ظُلْمِ اللَّيلِ بِنُورِ سَاطِعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ».^(۱)

«بشارت باد کسانی را که در شباهای تاریک آهنگ رفتند به مساجد کنند، که اینان در روز قیامت از نوری درخشان برخوردار خواهند بود».

از امام صادق علیه السلام روایت شده:

«مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسَاجِدِ لَمْ يَضْعِ رجُلًا عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَةِ».^(۲)

«هر کس به سوی مسجدی حرکت کند در برابر هر گامی که برتر و خشک نهد، زمین تا طبقات هفتگانه اش برای او تسییح خداوند را خواهد گفت».

حضور مستمر در مسجد

از امام علی علیه السلام روایت شده است:

«مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ أَحَدَى الثَّمَانِ: أَخَا مُسْتَفَادٍ فِي اللَّهِ أَوْ عَلِمًاً مُسْتَطْرِفًا أَوْ آيَةً مُحَكَّمَةً أَوْ يَسْمَعُ كَلْمَةً تَدَلُّ عَلَى

۱. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۴.

۲. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۴۸۰.

هدی، او رحمة متظرة او کلمة تردد عن ردی، او یترک ذنبا خشیه
او حیا».^(۱)

«هر کس پی در پی به مسجد رود به یکی از هشت چیز
دست خواهد یافت؛ برادری که در راه خدا از وی بھرہ گیرد،
دانشی که نو و سودمند باشد، نشانه محکمی که او را راهنمای
باشد، شنیدن جمله‌ای که او را به نیکی رهنمون شود،
رحمتی از خداوند که منتظرش باشد، سخنی که او را از بدی
باز دارد، گناهی را بر اثر خوف و خشیت ترک کند یا از گناهی از
روی شرم و حیا خودداری ورزد».

نشستن در مسجد

از امیرالمؤمنین علی علیل است:

«الجلسة في الجامع خير لى من الجلوة في الجنة لأن الجنة
فيها رضى نفسي والجامع فيه رضى ربّي».^(۲)

«نشستن در مسجد برای من بهتر از نشستن در بهشت
است، زیرا در بهشت خود را خشنود می‌سازم و در مسجد
پروردگارم را».

همچنین، روایت شده است که عثمان بن مظعون به رسول خدا گفت:
«می‌خواهم رهبانیت اختیار کنم».

۱. همان مأخذ: ج ۳، صص ۴۸۰ و ۴۸۲.

۲. همان مأخذ، ج ۳، صص ۴۸۰ و ۴۸۲.

پیامبر ﷺ فرمود:

«لَا تَفْعُلْ يَا عُثْمَانَ فَإِنْ تَرْهَبْ أَمْتَى الْقَعْدَةِ فِي الْمَسَاجِدِ انتَظَارَ
الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ». ^(۱)

«ای عثمان چنین کاری مکن که رهبانیت امّت من،
نشستن در مسجد به انتظار نماز پس از نماز است».

همسايگان مسجد

امام علی علیہ السلام می فرمایند:

«لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسَاجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عَذْرًا
وَبِهِ عَلَّةٌ فَقِيلَ مَنْ جَارَ الْمَسَاجِدِ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ:
مِنْ سَمْعِ النَّذَاءِ». ^(۲)

«کسی که همسایه مسجد است و برای نماز در مسجد
حضور نمی‌یابد، از اجر و ثواب معنوی نماز برخوردار نیست،
مگر کسی که بیماری یا عذری او را از این کار بازدارد؛ آنگاه از
آن حضرت پرسیده شد که همسایه مسجد کیست؟ فرمودند:
کسی که صدای اذان مسجد را بشنود».

هنگامی که به آن حضرت خبر دادند که در کوفه قومی هستند در همسایگی
مسجد که در جماعت مسلمانان حاضر نمی‌شوند، امام علی علیہ السلام بشدت عصبانی شدند
و فرمودند:

۱. همان مأخذ: ج ۳، ص ۸۵.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶.

«و لیحضرن معنا صلوتنا جماعت او لیحولن عنّا و لا یجاورو نا
و لانجاورهم». ^(۱)

«باید به نماز جماعت با ما در مسجد حاضر شوند،
و گرنه باید از ما چشم پوشند و با ما همسایه و همچوار نباشند
و ما نیز با آنان مجاور نباشیم».

از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است:

«شکت المساجد الی الله تعالیٰ الذین لا یشهدونها
من جیرانها فاوھی الله الیها و عرّتی و جلالی لا قبلت لهم صلاة
واحدة و لا اظهرون لهم فی الناس عدالة و لا نالتهم رحمتی
و لا جارونی فی جتنی». ^(۲)

«مسجد از همسایگانش که از آن زیارت نکردند در نزد خدا
شکایت بردنند. پس خداوند به آنها وحی کرد: به عزت و جلال
سوگند که نمازشان را نپذیرم و عدالتshan را در میان مردم
آشکار نسازم و رحمت من به آنان نخواهد رسید و در بهشتمن در
چوار خویش قرارشان نخواهم داد».

نظافت مسجد

در آباد کردن معنوی و صوری مساجد، روایاتی از پیشوایان گرامی اسلام
به ما رسیده است که از هر مورد، به نمونه‌ای بستنده می‌کنیم.
پیامبر اکرم ﷺ به ابوذر سفارش کرد: کسی که به نیکی مساجد خدا را آباد

۱. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۱۸.

۲. جواهر الكلام: ج ۱۴، ص ۱۳۸.

کند، شوابش از جانب خداوند بهشت است. ابوذر گفت از پیامبر پرسیدم،
چگونه مساجد خدا آباد می‌شود؟ فرمودند:

«لارتفاع الا صوات فيها و لا يخاض فيها بالباطل و لا يشترى
فيها ولا يباع و اترك اللغو ما دمت فيها». ^(۱)

«صداتها در آن بلند نشود، و در آن باطلی انجام نگیرد و از
خرید و فروش خودداری شود و تا وقتی که در مسجد هستی،
از کار لغو و بیهوده دوری کن».

درباره پاکیزه نگاه داشتن مسجد از رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم روایت شده است:

«من قم مسجداً كتب اللہ له عنق رقبة و من اخرج منه ما يقذى
عيناً كتب اللہ عزّ و جلّ له كفلين من رحمته». ^(۲)

«هر کس مسجدی را جارو کند خداوند برای او پاداش آزاد
کردن یک بنده را می‌نویسد، و کسی که خاشاکی را که به چشم
می‌رود، از مسجد خارج کند، خداوند برای او بهره و نصیبی
دو چندان از رحمتش قرار می‌دهد».

روشنایی مسجد

رسول اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم فرمود:

«من اسرج فى مسجد من مساجد الله سراجا لم تزل الملائكة
و حملة العرش يستغفرون له مادام فى ذلك المسجد ضوء من

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۷

۲. همان مأخذ، ج ۳، ص ۵۱۱

(۱) **ذلك السراج**.

«هر کس در مسجدی از مساجد خدا چراغی افروزد، پیوسته فرشتگان الهی و حاملان عرش تا هنگامی که آن چراغ روشنایی دارد، برای او طلب آمرزش می‌کنند».

و در جای دیگر فرمود:

(۲) **من احّب ان لا يظلم لحده فلينور المساجد**.

«هر کس دوست دارد قبرش تاریک نباشد، مساجد را نورانی سازد».

خوشبو کردن مسجد

از امام علیؑ به نقل از رسول خدا ﷺ روایت شده است:

«جَبَّوْا مساجدكُمْ مجانينِكُمْ... إِلَى أَنْ قَالَ وَجَمَّرُوهَا فِي كُلِّ
سبعةِ أيام...».

«دیوانگان را از مساجد خود دور دارید... در هر روز هفته، آنها را خوشبو کنید».

در خبر دیگری از رسول خدا ﷺ آمده است:

(۳) **وَ جَمَّرُوهَا فِي الْجَمْعِ**.

«مساجد خود را جمعه‌ها خوشبو کنید».

۱. جواهر الكلام: ج ۱۴ ، ص ۸۸ .

۲. مستدرک الوسائل: ج ۳ ، ص ۳۸۶ .

۳. مستدرک الوسائل: ج ۳ ، ص ۳۸۶ .

۴. کاظمی، سید محمد مهدی، تحفة الساجد فی احکام المساجد: بغداد، ۱۳۷۶ هـ، ص ۵۰ .

آداب مسجد

فقه اسلامی به منظور حفظ قداست و حرمت خاص مساجد برای مسلمانان وظایفی را لازم دانسته است و احکام و مقرراتی وضع کرده است؛ این دستورها در متون فقهی با عنوان «احکام مسجد» در سه محور مستحبات، مکروهات و محرمات از سوی فقهای اسلامی به طور مبسوط و مستدل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که قسمتی از آنها در باب کیفیت بنا و ساختمان مسجد، بخشی دیگر در باب آداب ورود به مسجد و بعضی درباره کارهایی است که باید در مسجد از آنها اجتناب کرد.

از آنجا که ذکر تمامی این احکام و بحث و بررسی فقهی آنها مستلزم تحقیق و تأثیفی جداگانه است، ناگزیر به اختصار در این کتاب بیان می‌شود:

آداب ورود به مسجد

لازم است هنگامی که آهنگ رفتن به مسجد و قصد احرام حضور خانه خدا را می‌کند، به اندازه توانایی اش در شناخت آداب حضور، کوشای باشد، زیرا هرچه معرفت بیشتر باشد، عمل با ارزش‌تر و مراعات ادب سبب تقرب بنده به خدا می‌شود؛ در خبری از امام صادق علیه السلام است:

«هرگاه به در مسجد رسیدی، پس بدان که تو آهنگ سلطان بزر و ملکی عظیم کرده‌ای که بر بساطش، جز پاکیزگان کسی پا ننهد و برای مجالست با او، جز به راستگویان و راست کرداران اجازه داده نشود؛ آنگاه که بر بساط او قدم نهی، بدان که اگر اندک غفلتی از تو سر بزند، در خطروی عظیم و پرتگاهی سهمگین قرار گرفته‌ای؛ پس در پیشگاه او به ناتوانی و تقصیر خود اعتراف کن، زیرا که قصد عبادت و انس با او

کرده‌ای، و اسرارت را بُر او عرضه کن و بدان که او پنهان و آشکار همه آفریده‌ها را می‌داند، و در حضور او بسان فقیرترین بندگان باش و قلبت را از آنچه تو را از او باز می‌دارد و به خود مشغول می‌کند، حالی کن، زیرا او، جز پاکیزه‌ترین و خالص‌ترین دل‌ها را نپذیرد و نیک بنگر نام تو از کدامین دفتر خارج می‌شود؛ پس اگر حلابت مناجات با او را چشیدی و لذت سخن گفتن با او را احساس کردی و از جام رحمت و کرامت او نوشیدی، این نشانه حسن اقبال او به تو و اجابت دعوت از سوی اوست و بدان که برای خدمت او شایسته هستی، پس، داخل مسجد شو که اذن و امان به تو داده است»^(۱).

بنابراین، لازم است انسان تا آنجا که می‌تواند در تحصیل آداب باطنی بکوشد تا آمادگی حضور در این محفل انس را در خود بیابد و برای اینکه از هر جهت بتواند از این توفیق بهره‌مند شود، گذشته از آداب باطنی، بایسته است که آداب ظاهري مسجد را نیز رعایت کند؛ از جمله این آداب است:

۱ - طهارت

از رسول گرامی اسلام است که خداوند می‌فرماید:

«الا ان بيؤتى فى الارض المساجد... الا طوبى لعبد توضا فى
بيته ثم زارنى فى بيته الا ان على المزور كرامة الزائر»^(۲).

«همانا، مساجد خانه‌های من در زمین است.. همانا خوشا

۱ . مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار: تمرسته الوفاء، بیروت، ۱۴۳ هـ، ج ۸۳، ص ۳۷۴ .

۲ . مستدرک الوسائل: ج ۳، صص ۳۵۲ و ۳۸۰ .

به حال کسی که در خانه‌اش وضو بگیرد، سپس مرا در خانه‌ام زیارت کند، همانا بر زیارت شده است که زائرش را گرامی دارد».

در خبر دیگری از آن حضرت آمده است:
«لَا تَدْخُلُ الْمَسَاجِدَ إِلَّا بِالطَّهَارَةِ». ^(۱)

«با طهارت به مساجد وارد شو».

۲ - زینت کردن

از امام صادق ع در تفسیر آیه شریفه:

«وَخَذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ».

«برگیرید زینت‌هایتان را در هر مسجدی».

روایت شده است که فرمودند:

«إِيَّكُمْ أَنْظَفْتُمُ الْأَنْوَارَ إِلَيْكُمْ تَرْزِيقًا مِّنْ رَبِّكُمْ فِي الْجَمَعَاتِ وَالْأَعِيَادِ». ^(۲)

«برگیرید لباس‌هایی را که با آنها خود را برای حضور در نمازهای جمعه و عید زینت می‌کنید».

همچنین در روایتی آمده است: در شب سردی، یکی از غلامان امام سجاد ع در حالی که آن حضرت لباس‌های زیبایی بر تن داشت و خود را معطر کرده بود، با او روبرو شد. وی از آن حضرت پرسید: در این ساعت و با چنین هیبتی،

۱. مستدرک الوسائل: ج ۳، صص ۳۵۲ و ۳۸۰.

۲. وسائل الشعیة: ج ۳، ص ۳۳۳.

آهنگ کجا دارید؟ امام فرمود: «الى مسجد جَدِّی رسول اللَّه». ^(۱) «به طرف مسجد جَدِّم، رسول خدا». ^(۲)

۳ - مقدم داشتن پای راست

از رسول اکرم ﷺ است که:

«تعاهدوا تعالکم عند ابواب مسجدکم». ^(۲)

«کفش‌های خود را نزدیک در مسجد بازرسی کنید».

و امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«اذا دخلت المسجد فادخل رجلک اليمنى و صلّ على النّبى و آله». ^(۳)

«به هنگام ورود به مسجد پای راست را مقدم بدار و بر پیامبر و خاندانش درود فرست».

۴ - دعا

از رسول اکرم ﷺ روایت شده که به هنگام ورود به مسجد، این دعا خوانده شود:

«بسم الله و على الله توكلت و لا حول ولا قوّة الاّ بالله». ^(۴)

از حضرت فاطمه علیها السلام هنگامی که می‌خواست وارد

۱. همان مأخذ: ج ۳، صص ۵۰۳ و ۵۰۴.

۲. همان مأخذ: ج ۳، صص ۵۰۳ و ۵۰۴.

۳. مستدرک الوسائل: ج ۳، صص ۳۹۲ و ۳۹۳.

۴. مستدرک الوسائل: ج ۳، صص ۳۹۲ و ۳۹۳.

مسجد شود، این دعا را می خواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ افْتَحْ لِي ابْوَابَ رَحْمَتِكَ». ^(۱)

«خدایا بیامرز گناهان مرا و درهای رحمت را به رویم
بگشا».

۵- نماز تحيّت

از دیگر آداب ورود به مسجد خواندن نماز تحيّت است، از «ابودر» روایت شده است که رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم فرمود:

«يا اباذر انَّ للمسجد تحيّه... رکعتان ترکعهما». ^(۲)

«ای اباذر برای مسجد تحيّتی است... که به دو رکعت گزارده می شود».

کارهای ناروا در مسجد

از آنجا که مسجد خانه خداست، نباید اموری را که جنبه حرمت یا کراحت دارند انجام داد. اینک، مهمترین احکام این باب را در دو محور محرمات و مکروهات به اختصار از نظر می گذرانیم:

۱- بردن شیء نجس

بردن چیزهای نجس در صورتی که موجب هتك حرمت مسجد شود، حرام است و بر حرمت آن، گذشته از اجماع فقهاء به این آیه شریفه نیز استدلال شده است:

۱. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۵۱۸.

۲. همان مأخذ: ج ۳، ص ۵۱۸.

«أَنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نُجُسٌ فَلَا يَقْرُبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ».^(۱)

چنانکه از این آیه کریمه بر می‌آید، راه دادن کفار و مشرکان به مساجد جایز نیست؛ همچنین نجس کردن زمین، سقف، دیوارها و وسائل مسجد حرام و تطهیر شرعی آن، واجب فوری است^(۲) و بر وجوه آن، به این آیه شریف استدلال شده است^(۳) :

﴿وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفَيْنَ وَالْعَالَمِيْنَ وَالرُّكَّعَ السُّجُودَ﴾.^(۴)

«و از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از بت پیردازند و از هر پلیدی پاکیزه دارید تا اهل ایمان به طوف و اعتکاف حرم بیایند و در آن، نماز و اطاعت خداوند را بجا آورند».

همچنین، توقف جنب و حائض نیز در مسجد با استناد به این آیه و روایتی که در زیر می‌آید، حرام است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَإِنْتُمْ سَكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جَنِبَا إِلَّا عَابِرٍ سَبِيلٍ حَتَّى تَقْتَسِلُوا...».^(۵)

«جمیل» می‌گوید: از ابا عبدالله علیہ السلام در مورد جنبی که در مساجد می‌نشیند،

۱. تحفة الساجد في احكام المساجد: ص ۶۸ .

۲. طباطبایی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، تعلیق امام خمینی قده، مکتبة الوجданی، قم، ۱۴۰۰ هـ، ص ۲۱۲ .

۳. تحفة الساجد في احكام المساجد: ص ۶۸ .

۴. بقره / ۱۲۵ .

۵. شهابی، محمود، ادوارفعه: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش، ج ۱، ص ۱۶ .

پرسیدم، ایشان فرمودند:

«لا ولكن يمر فيها كلها الا المسجد الحرام و مسجد
رسول الله ﷺ». ^(۱)

«نه، لکن از آن می‌تواند عبور کند، بجز مسجد حرام و مسجد
رسول خدا ﷺ».

۲ - تزیین و تصویر

«علامه حلی» سبب حرام بودن طلاکاری و تذهیب مساجد را چنین بیان داشته است:

«لأن ذلك لم يفعل في زمن النبي ﷺ ولا في زمن الصحابة
فيكون أحاديثه بدعة». ^(۲)

چنانکه از گفته علامه برمنی آید، حرمت این امر به این لحظه است که در زمان پیامبر ﷺ و صحابه نبوده اجرای آن نوعی بدعت است. در این زمینه روایاتی نیز از طرق عامه نقل شده است که برخی از فقهاء در حرمت این امر، بدان استدلال کرده‌اند ^(۳) و در باب نقش بستن در مسجد به صور، اکثر فقهاء قائل به تحريم شده‌اند، «محقق حلی» در این باب گفته است:

«و يحرم زخرفتها و نقشها بالصور». ^(۴)

همچنین شهید ثانی در این باره گفته است:

۱. وسائل الشیعه: ج ۱، باب ۹، ح ۲.
۲. تحفة الساجد في أحكام المساجد: ص ۸۷.
۳. جواهر الكلام: ج ۱۴، ص ۸۹.
۴. محقق حلی، جعفر، شرایع الاسلام: تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۹ هق، ج ۱، ص ۱۱۷.

«و لاريب فى تحريم تصوير ذى الرّوح فى غير المساجد
ففيها أولى».^(١)

بعضی از فقهاء در نقش بستن مسجد به تصویر جانداران قایل به احتیاط شده‌اند، چنان که در عروة الوثقی آمده است:

«بل الا هو ط ترك نقه بالصور».^(٢)

باید یادآور شد که به جز احکام مذکور، احکام دیگری نیز تحت عنوان محرّمات مساجد در نصوص فقهی آمده است که به منظور اجتناب از اطالة کلام، از ذکر آنها در اینجا خودداری می‌شود.

٣ - خرید و فروش

از کارهایی که شایسته است در مسجد از آن اجتناب کرد، خرید و فروش است. در روایتی از امام علی عليه السلام به نقل از رسول خدا عليه السلام آمده است که:

«جنبوا مساجدکم مجانينکم و صبيانکم الى ان قال و بيعكم
و شرائكم».^(٣)

«مسجد خود را از ورود دیوانگان و بچه‌ها... و خرید و فروش برکنار دارید».

از امام صادق عليه السلام است:

«جنبوا مساجدکم الشراء و البيع...».^(٤)

١. عاملی، زین الدّین، الرّوضة البهیة فی شرح اللّمعة الدّمشقیة: جامعۃ النّجف الدّینیّة، ١٣٩٨ هـ، ج ١، ص ٥٥٤ .

٢. العروة الوثقی: ص ٢١٢ .

٣. مستدرک الوسائل: ج ٣، ص ٣٨١ .

٤. وسائل الشیعه: ج ٣، ص ٥٠٧ .

در متون فقهی نیز بر کراحت این امر تصریح شده، چنانکه «علامه حلی» در این باره گفته است:

«فِمَحَلٌ الْبَيْعُ وَالشَّرَاءُ وَسَائِرُ الْمَعَامِلَاتِ إِلَّا سُوقٌ
لَا مَساجِدَ لِأَنَّهَا بُنِيتَ لِلْعِبَادَةِ لَا غَيْرَ». ^(۱)

۴ - شعر خواندن

از دیگر مکروهات مسجد، خواندن شعر در آن است؛ چنانکه از رسول خدا روایت شده است:

«مِنْ سَمِعْتُمُوهُ يَنْشِدُ الشِّعْرَ فِي الْمَسَاجِدِ فَقُولُوا اللَّهُ فَاكِ أَنْما
نَصْبُتِ الْمَسَاجِدَ لِلْقُرْآنِ». ^(۲)

«اگر از کسی شنیدید که در مسجد شعر می‌خواند، به او بگویید، خدا دهانت را خرد کند؛ همانا، مساجد برای خواندن قرآن بنیاد شده است».

البته خواندن اشعار آموزنده که در باب موعظه، حکمت پند و اندرز و امثال آن باشد، بلامانع است و از چنین کراحتی برخوردار نیست، چنانکه شهید ثانی به نقل از شهید اول گفته است:

«وَلَيْسَ بِبَعِيدٍ حَمْلُ اِبْاحَةِ اِنْشَاءِ الشِّعْرِ عَلَى مَا يَقُلُّ مِنْهُ وَ تَكْثُرُ
مِنْفَعَتُهُ كَيْتَ حِكْمَةً أَوْ شَاهِدَ عَلَى لِغَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سَنَةٍ
نَبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ شَبَهِهِ لَأَنَّهُ مِنَ الْمَعْلُومِ أَنَّ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاللهُ كَانَ يَنْشُدُ بَيْنَ
يَدِيهِ الْبَيْتَ وَالْأَبْيَاتِ مِنَ الشِّعْرِ فِي الْمَسَاجِدِ وَلَمْ يَنْكُرْ ذَلِكَ». ^(۳)

۱. تحفة الساجد في أحكام المساجد: ص ۱۱۷ به نقل از المنتهي، ص ۲۸۸.

۲. همان مأخذ: ص ۱۴۱.

۳. الروضة البهية: ج ۱، ص ۵۴۸.

۵- سخن گفتن

پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است:

«يَأْتِي فِي أَخْرِ الْزَّمَانِ قَوْمٌ يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ حَلْقًا ذَكْرَهُمْ لِلَّدْنِيَا وَحُبُّ الدِّنِيَا لَا تَجَالِسُوهُمْ فَلِيْسَ اللَّهُ فِيهِمْ حَاجَةٌ».^(۱)

«در آخر الزمان گروهی از مردم به مساجد می‌آیند و حلقه وار به گرد یکدیگر می‌نشینند، ذکر آنان فقط درباره دنیا و دوستی آن است؛ پس با آنان منشینید که خداوند به آنان نیازی (توجهی) ندارد».

در روایت دیگری است که:

«الْحَدِيثُ لِلْبَغْيِ فِي الْمَسَاجِدِ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتَ كَمَا يَأْكُلُ الْبَهْمِيَّةَ الْحَشِيشَ».^(۲)

«سخن ناروا در مسجد، حسنات و کارهای نیک را از میان می‌برد، همان گونه که گوسفند علف می‌خورد».

در متون فقهی نیز بر مکروه بودن این کار تصریح شده، چنانکه در عروة الوثقی آمده است:

«و يَكْرَهُ التَّكْلِمُ بِأَمْرِ الدِّنِيَا».^(۳)

۶- فریاد زدن

از دیگر مکروهات مسجد، فریاد زدن در آن است که تمامی فقها بر کراحت آن اتفاق کرده‌اند؛ صاحب عروة در این باب گفته است:

۱. مستدرک: ج ۳، ص ۳۷۱.

۲. تحفة الشاجد: ص ۱۷۷.

۳. العروة الوثقی: ص ۲۱۳.

(١) «ويكره رفع الصورت الا في الاذان و نحوه».

بر کراحت این امر، به روایاتی استناد شده که از آن جمله روایتی است از ابوذر
که گفته است: از رسول خدا پرسیدم مساجد چگونه آباد می‌شود، آن حضرت
فرمود:

«لا ترفع فيها الا صوات ولا يخاض فيها بالباطل...».

«صدا در آنها بالا نرود و سخنان باطل در آنها رد و بدل نشود».

۷- آلوده کردن

از رسول اکرم ﷺ روایت شده است:

«من وقَّرَ المسجدِينَ نحَّاهُمْ لِقَيْ اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ ضَاحِكًا
قد اعطى كتابه سميته...».^(٣)

«هر کس مسجد را گرامی دارد و از افکنندن آب دهان و بینی در آن خودداری کند، در روز قیامت به لقای الهی نائل خواهد شد. در حالی که شادمان است و نامه اعمالش به دست راستش داده می‌شود».

۸ - خوایدن

از دیگر مکروهات مسجد، خوابیدن در آن است. اکثر فقهاء به کراحت این امر قایل شده‌اند، زیرا با وجوب تعظیم مساجد که در روایات بدان اشاره شده است،

۱ . همان مأخذ: ص ۲۱۳ .

٢ . بحار الأنوار: ج ٣ ، ص ٣٧ .

٣٧٥ ص، ج ٣، مستدرک الوسائل

منافات دارد و از طرفی، موجب نقص حرمت مسجد می‌شود.

از رسول اکرم ﷺ روایت شده است:

«من نام فی المسجد بغير عذر ابتلاه اللہ بلاء لا زوال له».^(۱)

«هر کس بون هیچ عذری در مسجد بخواهد، خداوند او را

به گرفتاری مبتلا می‌کند که از بین رفتی نیست».

همچنین، از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه:

﴿لاتقربوا الصّلوة و انتم سکاری...﴾.

روایت شده که مراد از «سکر»، خوابیدن است^(۲) از آنجاکه بنابر قرینه

معنوی در این آیه و بنا بر مفاد روایات و گفته اکثر مفسران در این زمینه،

مراد از «صلوة» در این آیه، مسجد است.^(۳)

بنابراین از آیه مورد بحث چنین استنباط می‌شود که خوابیدن در مسجد مورد

نهی قرار گرفته است.

۱. همان مأخذ: ج ۳، ص ۳۷۲.

۲. مستدرک الوسائل: ص ۱۵۸.

۳. همان مأخذ: ص ۱۵۹.

۲ - جایگاه و اهمیت مساجد در فرهنگ اسلام

مسجد مهم‌ترین پایگاه عقیدتی، فکری و معنوی اسلام و پیوسته کانون هدایت و مبارزه علیه کفر و الحاد و ملجأ و مامن دلباختگان حق و فضیلت بوده است.

چشمۀ زلال مبارزه و نهضت علیه باطل در طول تاریخ از مسجد جوشیده و پژمرده جامعه اسلامی را سیراب کرده است. قیام مقدس مردم ایران که به برقراری حکومت عدل اسلامی انجامیده در طول حیات خویش نیرو و توان خود را از مساجد یافته و تمام نقشه‌های شوم دشمنان اسلام را که کمر همت به نابودی اسلام ناب بسته‌اند، خنثی کرده است.

به فرموده امام راحل رهنما :

«مساجد در انقلاب اسلامی ایران، مرکز انقلاب و مرکز آشنایی مردم با اسلام و وظایف شرعی آنان در جهت پاسداری از ارزش‌های والای اسلام بوده است».

«مسجد محلی است که از آن باید امور اداره بشود این مساجد بوده که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد، این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند، این طور نباشد که خیال کنیم حالا دیگر ما پیروز شدیم،

دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؟ پیروزی ما برای اداره مسجد است».^(۱)

مقابله با هجوم فرهنگی که با تمام امکانات به جنگ علیه ارزش‌های اصیل اسلامی ما پرداخته است، باید به گستردگی مقابله با هجوم نظامی باشد، اگر به فرموده رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در زمان جنگ تحمیلی، جنگ در راس امور بود، اکنون توجه و هشیاری و تجهیز تمام قوای مادی و معنوی علیه هجوم فرهنگی که هستی معنوی ما را هدف قرار داده، در رأس امور است و هشدار و بیدار باش رهبر انقلاب اسلامی در خصوص ضرورت مبارزه با تهاجمات فرهنگی غرب ندای مسئولیت‌سازی بود برجان سریازان آن قائد عظیم الشأن در سنگر مساجد، که ترفندهای آنان را ناکام گذاشت؛ مخصوصاً نیروهای فعال و کارآمد و آینده‌ساز کشور و اسلام یعنی جوانان و نوجوانان باید آن را دریابند.

از سوی دیگر برای برقراری امنیت اجتماعی و داشتن جامعه‌ای سالم، توجه به مسجد و شناسایی جایگاه آن، ضروری است، مقایسه میزان جرائم در جوامع اسلامی و جهان کفر و الحاد، میئن آن است که در آن جوامع به علت حاکمیت فرهنگ مادی معضلات فرهنگی و اجتماعی زیادی وجود دارد که در جامعه اسلامی از آنها اثری نیست، لذا مساجد می‌توانند با اشاعه فرهنگ اسلامی، جرائم و بزهکاری‌ها را در جامعه اسلامی هر چه بیشتر کاهش دهند و امنیت اجتماعی را به ارمنان آورند.

مسجد کانون ارتباطات

مسجد از جمله محدود پدیده‌های اجتماعی است که با تمام قشرهای مردم به نوعی در ارتباط است.

۱. صحیفه نور: ج ۱۲، صص ۳۳۰، ۳۳۴، ۲۰ تیرماه ۱۳۵۹.

مسجد اگر پاسخگوی نیازهای جامعه خویش نباشد به هیچ وجه نمی‌تواند جایگاه مقدس خود را در میان اقشار مردم حفظ کند. شهید مطهری ^{ره} می‌فرماید:

«مسجد مدینه در صدر اسلام تنها برای ادائی فریضه نماز نبود، بلکه مرکز جنب و جوش و فعالیت‌های دینی و اجتماعی مسلمانان، همان مسجد بود. هر وقت لازم می‌شد اجتماعی صورت بگیرد مردم را به حضور در مسجد دعوت می‌کردند... از ساخت نخستین عبادتگاه مسلمانان تاکنون بیش از دوازده قرن می‌گذرد، در طول این مدت، مسجد در دوره‌های گوناگون حکومت‌های اسلامی در عربستان و ایران در مناسبات سیاسی و تصمیم‌گیری‌های عمومی جامعه نقش اساسی و زیربنایی ایفا می‌کرده است. تمام امور مربوط به جامعه اسلامی در مسجد مورد بررسی قرار می‌گرفت و حتی محل درس و مدرسه در روزگار پس از ظهور اسلام تا دوران حکومت بنی‌امیه عبارت از مساجد و احیاناً برخی از اماکن عمومی و خصوصی بوده است؛ علما و دانشمندان در «مسجد نبوی» و «مسجد الحرام» و سایر مساجد دیگر، علوم دینی و ادبی آموختند و حتی مراکزی که بعدها به عنوان مدارس پیشرفتی در کشورهای اسلامی تأسیس شد، از نظر معماری، تحت تاثیر شکل و فرم مساجد به وجود آمد.

اساساً تأسیس حلقه‌های مساجد برای تعلیم و تعلم از ابتكارهای فرهنگ غنی اسلامی است، به گونه‌ای که این شیوه کار تحت هیچ یک از فرهنگ‌ها و تمدن‌های موجود، همزمان با ظهور اسلام، نبوده است؛ تمامی این مساجد با سادگی خاص خود به وجود آمده بودند و به هیچ وجه اثری از معماری معابد و کلیساها ایران و مصر و روم در آن به چشم

نمی‌خورد. در زمان پیامبر اسلام ﷺ و دورهٔ بعد، از مساجد به عنوان پایگاه تعلیم و تعلم و آموزش معارف اسلامی بوده است و هدف اساسی مجالس که در مساجد دایر می‌شد، عبارت از تعلیمات دینی و تفسیر قرآن و تدریس حدیث بود، این‌گونه معلمان و یا گویندگان دارای کرسی و منبری بودند که بر روی آن جلوس می‌کردند و برای شاگردان کلاس‌ها، فقه و حدیث و تفسیر تدریس می‌کردند. در «مسجد نبوی» و مساجد اولیه اسلام، در کنار اجتماع دینی و مذهبی، حلقه‌های علمی دایر می‌شد، نخستین کسی که در «مسجد نبوی» قصه‌های آموزنده به مردم تعلیم می‌داد، سخنور گویا و فصیح و صحابی پیامبر گرامی ﷺ، «تمیم‌داری» بود. بعدها در مساجد، مانند مدارس، حجره‌هایی برای طلاب و دانشجویان ساخته شد که هنوز نمونه بسیاری از این‌گونه مساجد در ایران و سایر کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد، لذا مدرسه و مسجد، علی‌رغم اختلاف در مفهوم لغوی آن، غالباً از نظر مصدق، متراffد بوده‌اند، حتی مراکز علمی مانند «جامع الازهر» مصر از جهت مذهبی عبادی و علمی به صورت کانون عظیمی برای تعلیم و تعلم شناخته شد و متقابلاً مدارس نیز دارای مسجدی بود که نماز جماعت در آن اقامه می‌شد و به هر حال صبغه و رنگ مذهبی و عبادی خود را حفظ می‌کرد؛ امروزه نیز از مساجد چه در حوزه‌های بزر علمی و چه در شهرهای دیگر، به عنوان مدرسه و مرکز تعلیم معارف دینی، استفاده می‌شود و بسیاری از مراجع و مدرسان جلسه‌های درسی خود را در مساجد دایر می‌کردند».

مساجد در ادوار تاریخ

به طور اجمالی می‌توان ادوار ذیل را مطرح ساخت:

۱ - جایگاه مساجد در صدر اسلام.

۲ - جایگاه مساجد تا قبل از انقلاب اسلامی.

۳ - جایگاه مساجد در عصر انقلاب اسلامی.

صدر اسلام

در صدر اسلام امور عبادی، سیاسی و قضایی در مسجد انجام می‌شد.

مسجد مرکز فراغیری علوم، حل و فصل خصومات، توجه به محرومان، اعلام بسیج

عمومی، آشنایی با اوضاع سیاسی و اجتماعی و تصمیم‌گیری و وعظ و خطابه بود.

مسجد این دوره ساده و به دور از تجملات با کارکردی بسیار و دارای جایگاهی
محوری در جامعه اسلامی بودند.

پیامبر عظیم الشأن اسلام ﷺ در زمان حیات خویش، ۹ مسجد بنا کردند؛

اولین آنها مسجد قبا است که آیه:

﴿لِمَسْجِدِ اسْسِنْ عَلَ التَّقْوَىٰ مِنْ اولِ يَوْمٍ احْقَقَ انْ تَقُومَ فِيهِ﴾.

در شأن آن نازل شد و در بنای آن شخص رسول اکرم ﷺ و امیر المؤمنین

علیؑ و اصحاب شرکت داشتند، چنان‌که نقل شده «بن ابی اویی» در سوگواری

برای همسرش می‌گفت:

«او شب‌ها سنگ برای ساخت مسجد قبا جمع می‌کرد

و ما روز چنین می‌کردیم».

درباره سادگی و دوری از تجملات مساجد این دوره، یکی از مستشرقین

می‌نویسد:

«مسجد ساده‌ای که پیامبر در مدینه بنا کرد سرمشقی بود

که در قرن اول اسلام برای ساختمان مسجدهای عمومی به کار می‌رفت، مسجد فضای بازی بود که اطراف آن را دیوارهای خشتشی احاطه کرده بود، بعدها پیامبر دستور داد با اتکا به بنای مجاور، طاق مسطح بسازند تا همه فضای باز را بپوشاند و از آفتاب جلوگیری کند، سقف از تنہ‌های نخل بود که بر آن بر خرما و گل می‌ریختند، پیامبر ﷺ یک تنہ خرما را که به زمین استوار شده بود، تکیه‌گاه خود کرد که پهلوی آن می‌ایستاد و برای جماعت خطبه می‌خواند؛ بعدها منبر سه پله‌ای از چوب «سلر» ساختند، «بلال حبشي» بالای بام آن می‌رفت و با صدای گرم خود اذان می‌گفت و مردم را به نماز فرا می‌خواند.

از این توصیف وضع مسجد را به صورتی بسیار ساده، صحنه برای نماز و سقفی برای محافظت نمازگزاران که منبری برای خطابه داشت، می‌توان شناخت.

مسجد این عصر همه زیر لوای پیامبر اسلام ﷺ بود؛ مسجد «ضرار» که در خلاف جهتگیری اسلام قرار گرفت و به قصد تفرقه و نفاق بنا شد، تخریب و به آتش کشیده شد.

عصر فتوحات

فتوات و کشورگشایی‌های مسلمین، آنها را با تمدن و فرهنگ کشورها آشنا کرد. به چنگ آوردن کاخ‌ها و اینیه، آنها را به سوی زندگی اشرافی و تجملی سوق داد، مخصوصاً در زمان خلفای بنی امية دلبستگی به زر و زیور دنیا فزوونی گرفت و بالطبع مساجد از جایگاه اصلی و مهم خود، در قالب کانون هدایت و رهبری جامعه در ابعاد سیاسی و اجتماعی، کم فروغ شد و به جای آن کاخ‌ها و دارالحکومه‌ها سر برافراشت.

البته اهمیت و نقش مساجد و توجه مسلمین به آنها، مانع از آن بود که منجر به محو این جایگاه عظیم شود، از طرف دیگر حکام نالایق می‌توانستند از این کانون در جهت اهداف شخصی و دنیوی خود استفاده کنند، مضاراً، آشنا شدن مسلمین با فرهنگ و هنر و تمدن کشورهای مفتوحه، آنان را به سوی توجه به هنر و معماری مساجد سوق می‌داد، این عوامل دست به دست هم داد و هنر و معماری در مساجد، سادگی و بی‌آلایشی آن را با کارکردی عظیم از مساجد گرفت و اهتمام مسلمین صرف تزئین و سنگ و کاشی مناره و محراب مساجد شد.

نخستین مسجد که در نواحی مفتوح، بنا شد مسجدی بود که «عتبة بن غزوان» در بصره بنیان کرد که از گل و خشت ساخته شده و طاقش از علف پوشانده شده بود، مسجد کوفه را که به شیوه ساده بنا شده بود، «زیاد بن ابیه» حاکم معاویه از نو به شیوه ساسانی ستون نهاد و در آفریقا و مصر نیز در ابتدا مساجد ساده بنا شد، اما بعدها «عمرو عاصم»، منبری که پادشاه مسیحی به او ارمغان داده بود، در مسجد مصر قرار داد. در ایران نیز «سعد بن ابی وقار»، ایوان شاهنشاهی ایران را محل عبادت قرار داد؛ در دمشق «ولید اول» کلیسای «قدیس یوحنا» را از نو ساخت و آن را مسجد نامید. در «حمص» ساختمانی بود که هم به صورت مسجد و هم کلیسا از آن استفاده می‌شد.

در این دوره، حاکمانی که با القاب «خلیفه» و امیر مؤمنان اداره مسلمین را بر عهده داشتند، کم کم از مکارم اخلاق اسلامی دور و بیگانه شدند و با سرمستی از فتوحات، که هدایا و غنایمی فراوان برای آنها به ارمغان آورد به خوشگذرانی و تجمل‌گرایی روی آوردند و به آراستن مظاهر حکومت خود مشغول شدند. از دید آنها مساجد، جایگاه معارف و علوم سرنوشت ساز انسان نبود تا با هوشیاری و بیداری و بینش عمیق، نقش خود را ایفا کنند، افتخارات با ترازوی معماری و هنر مساجد، ارزیابی می‌شد؛ مساجد آراسته به معماری، نشانه اقتدار و شوکت حکام به شمار رفت، در تاریخ می‌خوانیم:

«معاویه بدعتنی ناپسند نهاد و «مقصوروه» را به مساجد افزود که به سبب آن ملامت بسیار شد، مقصوروه مکانی در داخل مسجد بود که اطراف آن حصاری بود و به خلیفه اختصاص داشت، مقصوروه برای حفظ جان خلیفه ساخته شد.

عبدالملک می‌خواست مسجدی بسازد که رونق آن از کلیسا بیشتر باشد، به این لحاظ به آراستن آن کوشید. «ابن ابی‌عامر» از خلفای اموی اندلس (۴۰۰ - ۳۶۶ هـ) در سال ۳۸۷ هـ کلیسای «ستیاگو» را که زیارتگران از اقطار اروپا به آنجا می‌آمدند، ویران کرد و آنگاه در حالی که گروه فراوان اسیران مسیحی درها و ناقوس‌های کلیسا را پیشاپیش او حمل می‌کردند، مظفرانه به «قرطبه» بازگشت، درهایی که از کلیسای «ستیاگو» آورده بود، به مسجد بزر پایتخت نصب شد و ناقوسها را در بناهای اسلامی به جای چراغ، به کار برداشت و مسیحیان را به همان حال که زنجیر به پای داشتند، به تعمیر مسجد گرفتند».

از نکاتی که در این دوره شایان توجه است، توافق بین حکام (حتی با غیرمسلمانان) است که اسم آنان در خطبه‌های نماز جمعه به عظمت یاد شود.

در دوره «عثمان» بر مساحت «مسجد النبی» ﷺ افزوده شد. در این دوره مسجد را سفیدکاری کردند و سنگ‌های منقوش در عمارت آن به کار برداشت و به جز از طرف شرقی، از جهات دیگر، آن را توسعه دادند و ستون‌های سنگی در آن کار گذاشتند و سقف آن را با چوب ساج پوشانیدند، محرابی هم برای مسجد ترتیب دادند، لکن برخی گفته‌اند اولین محراب را در اسلام، مروان بنا کرد و برخی دیگر این ابتکار را به «عمر بن عبدالعزیز» نسبت داده‌اند که در زمان خلافت «ولید» دست به بنای محراب زده است، «ولید» به پادشاه روم پیغام داد که من می‌خواهم مسجد

پیامبر خودمان را تعمیر کنم و تو مرا در این کار یاری کن، پادشاه روم، گروهی با هشتاد هزار مثقال طلا برای این منظور به مدینه فرستاد. همچنین «عمر بن عبدالعزیز» در چهار گوشه مسجد چهار مناره ساخت و محرابی نیز برای مسجد بنا کرد. «جامع دمشقی»، معروف به مسجد بنی امية، باشکوهترین مساجد دنیا و از حیث زیبایی و دلگشاپی بی نظیر بود که «ولید بن عبدالملک بن مروان» آن را ساخت؛ وی از امپراتور روم در قسطنطینیه درخواست کرد که صنعتگران آنجا را برای او بفرستند، که در نتیجه، دوازده هزار صنعتگر از روم به دمشق آمدند و بنای مسجد را بر عهده گرفتند.

ولید، این مسجد را با صفحه‌های طلای معروف به نسیفاء و موذائیک، که با رنگ‌های گوناگون غریب و زیبا تزئین کرد.

گذشته از این مساجد، سایر مساجد، مساجد اصلی و جامع به حساب می‌آمدند، از سوی دیگر مساجد دیگر نیز بودند که به همت مردم ساخته می‌شد؛ در مجموع، مساجد در جنبه عبادی و علمی فعال بودند و عمدهاً فرقی بین مدرسه و مسجد در این دوره نمی‌توان قائل شد. مساجد، مرکز علمی به روی طالبان علم گشوده بود و بین فراغیری علوم و علوم دینی تمایز و تفاوتی نبود، همه دانشمندان پرورش یافتنگان مساجد بودند. آموزش، همراه و همزاد با پرورش و تربیت اسلامی بود.

قبل از انقلاب اسلامی

حاکمان نالایق که هستی خود را در تفرقه میان مسلمین و ناآگاهی آنها و بیگانگی از فرهنگ اسلامی می‌دیدند، به انحصار گوناگون سعی کردند هویت واقعی مساجد را محو سازند و آنها را جایگاه عبادتی که حرف از دنیا و سیاست و مشکلات جامعه با آن منافات دارد، مطرح کردند؛ در قرون اخیر با بیشرفت علم، صنعت و بدینی به کلیسا و دستگاه پاپ، روش فکران غربیزده نیز به یاری حاکمان

نالایق شتافتند و بدون در نظر گرفتن تفاوت کلیسا و مسجد و دستگاه پاپ با عالمان دینی، جنگی ظالمانه علیه دین آغاز کردند و با تقسیم علوم به جدید و قدیم، تمام مساعی خود را برای منزوی کردن علوم اسلامی به کار گرفتند؛ در این میان انزوای مسجد و کاهش نقش آن در جامعه، نیاز به تبیین ندارد؛ در عین حال مساجد پایگاه و جایگاه نهضت‌های مقدس بسیاری در دو قرن اخیر بوده و صفحات سفیدی در تاریخ گشوده است.

رژیم گذشته نیز چون اسلاف خویش با توجه به اهمیت مساجد، سال‌ها تلاش کرد تا این مراکز مهم سیاسی - عقیدتی را همچون سایر ارزش‌های اسلامی از درون مسخ و بی‌محتوا کند و مساجد را جز برای مجالس فاتحه‌خوانی و تجمع مشتی بیکار تن پرور نزد مردم، نشان ندهد و در نهایت مردم را از مسجد گریزان کند، از جمله شیوه‌های این رژیم انتخاب مهره‌های دست نشانده و مزدور تحت نام «هیئت امناء» برای مساجد بود که در برابر حرکت‌های مردمی موضع می‌گرفتند.

در انقلاب اسلامی

نیروهای فعال در مساجد به طور مستقیم در متن انقلاب شرکت جستند، به گونه‌ای که از آن پس، مساجد نقش پایگاه ارتباطی مردم را به عهده داشتند و در وضعی که نهضت اسلامی فاقد هرگونه تشکیلات منطبق با معیارهای معمولی بود، مساجد توانستند این نارسایی مهم را جبران کنند و به انسجام نیروهای مردمی پردازنند، مساجد محتوای اصیل خود را که همان عامل تشکل و انسجام امت مسلمان و همچنین تربیت کادرهای اصیل اسلامی بود، باز یافتد؛ تاریخ، به آتش کشیدن مساجد کشور از جمله مسجد جامع کرمان را که توسط عوامل مزدور و رژیم منحوس پهلوی در زمان اوچگیری انقلاب، انجام گرفت، هرگز فراموش نخواهد کرد، امت مسلمان ایران در آن روزها بخوبی به این مهم واقف بود که مساجد،

میراث گرانبهای پیامبر اسلام ﷺ است و باید با همه وجود در برابر آن احساس مسئولیت کرد.

پس از انقلاب اسلامی نیز بسیاری از برنامه‌های انقلاب، مانند رفراندوم، شوراهای محلی، کانون‌های بسیج اقتصادی و دیگر ضرورت‌های زمان در مساجد تشکیل شد، در آغاز جنگ تحمیلی، مساجد اصلی ترین پایگاه نیروهای پیشو و و انقلاب به گردآوری جوانان و سازماندهی تشکیل نیروهای رزمی و مردمی همت گماشت و همه روزه شمار بسیاری از نیروهای جنگی را به میدان نبرد گسیل می‌کرد.

امام جماعت مساجد در محله‌های گوناگون، جوانان پرشور و مؤمن رزمnde را پیرامون خود جمع می‌کرد و بسیاری از نوجوانان کشورمان حساس‌ترین دوران زندگی خود را در مساجد گذراندند. با صدور فرمان امام خمینی ره برای تشکیل ارتش بیست میلیونی نیز تنها جایی که ظرفیت و قابلیت جذب و آموزش و سازماندهی نیروهای بسیج را دارا بود، مساجد محله‌ها بودند که توانستند در مدتی کوتاه جوانان غیور را در چارچوب تشکیلات مردمی «بسیج»، گرد آورند.



۳ - مسجد پایگاه اجتماعی

نخستین پایگاه عبادی - سیاسی

پیامبر اکرم ﷺ پس از هجرت به مدینه به منظور تشکیل جامعه اسلامی و استقرار نظام اعتقادی و اجتماعی اسلام، رسماً دولت اسلامی را در این شهر بنیاد نهاد؛ طبیعی است ایجاد چنین دولتی، پرداختن به امور نوین و بنیانگذاری مؤسسات و طرح مسائلی جدید را ضروری می‌نمود، که از جمله آنها تأسیس نهادی اجتماعی برای تجمع نیروها و مرکزی برای رسیدگی به مسائل مردمی و تبیین سیاست اسلام بود.

بر این اساس، پیامبر اکرم ﷺ، مسجد را به عنوان نخستین پایگاه و مجمع مسلمانان برای پرداختن به چنین اموری برگزید. به دستور آن حضرت، زمینی خریداری و بنای مسجد آغاز شد؛ رسول خدا ﷺ همراه با مهاجران و انصار با حرکتی بنیادین و اجتماعی به کار ساختن مسجد پرداختند و بر اثر کوشش و اهتمام ایشان، ساختمان مسجد در مدتی کوتاه به اتمام رسید. این مسجد، ساده و بی‌پیرایه و بسیار ابتدایی بود، زمینش از ریگ، دیوارهایش از خشت، منبرش از چوب و سقفش از شاخ و بر درختان^(۱)، اما چون جایگاه عبادت و نیایش

۱. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری: بیروت، ۱۹۵۷م، ج ۱، صص ۲۳۱ و ۲۵۰.

رسول خدا ﷺ و مؤمنان راستین بود، فضایش آکنده از معنویت، خلوص، صفا، صمیمیت، ایمان و عشق به پروردگار بود.

مسجد نه تنها به صورت جایگاه اصلی اجتماع مؤمنان برای برگزاری مراسم عبادی مورد استفاده بود، بلکه کانون معارف و احکام اسلامی، مرکز جهاد تبلیغاتی و ارشادی، قرارگاه سیاسی و اداره دولت نیز به شمار می‌رفت. به این ترتیب، مسجد در آن روزگار از نظر عملکرد نهادی با چندین نقش بود.

نخستین کانون همدلی

در بینش اعتقادی مسلمانان، مسجد از آغاز به عنوان خانه خدا و محبوب‌ترین مکان‌ها، از ارزش و قداست خاصی برخوردار بود. استفاده از این مکان مقدس، مستلزم مراعات آدابی خاص و احکامی ویژه بود، که مسلمانان از طریق قرآن کریم و رهنماوهای پیامبر اکرم ﷺ با آنها آشنا شده بودند.

اهتمام خاص رسول خدا ﷺ به برگزاری نماز جماعت در مسجد، سبب می‌شد که مسلمانان، جملگی در هر شبانه روز پنج بار برای شرکت در این آیین عبادی سیاسی در مسجد حضور یابند و با برپایی صفحه‌ایی منظم، همه با هم به عبادت خدا پردازنند.

بدیهی است، چنین اجتماع و گردهمایی که در آن افراد کوچک و بزر، ضعیف و نیرومند، فقیر و غنی در کنار یکدیگر به نماز می‌ایستادند، تا چه حد تفاق‌ها و کینه‌ها، بدینه‌ها و بدخواهی‌ها، و همچنین اختلافات طبقاتی را از میان می‌برد و جای خود را به مهر و صفا و برادری و برابری می‌داد و تا چه اندازه این صفوف به هم فشرده مؤمنان، سبب ایجاد وحشت و هراس در دلهای منافقان و دیگر مخالفان آیین نوین می‌شد.

در پرتو این گونه اجتماعات، مسلمانان می‌توانستند به فراگیری دانش‌های

سودمند و نیز حل و فصل بسیاری از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعهٔ خویش بپردازند، به این ترتیب، مسجد، در قالب نخستین کانون عبادی، نقشی بسیار مؤثر در تحقق سازندگی فردی و اجتماعی مسلمانان و بالطبع پیدایش جامعه‌ای هماهنگ، متحده، نیرومند و مقاوم در آن روزگار، بر عهده داشت.

نخستین جایگاه دانش

زمانی اسلام در «جزیرة العرب» ظهر کرد که جهل و بی‌خبری، بخش گسترده‌ای از جهان آن روز را فرا گرفته بود و امواج ظلمت، حتی محیط‌های نیمه درخشان را سخت می‌کویید. حجاز - که به مهبط وحی مفتخر شد - چنان در شرک، خرافه‌پرستی و سنت‌های زشت جاهلی غوطه ور بود که چیزی به نام دانش و کسب آگاهی در آن محیط مفهومی نداشت؛ امام علی علیه السلام که شاهد چنین روزگاری بود، آن را بدین گونه توصیف می‌کند:

«به هنگامی پیامبر را برانگیخت که مردم جهان در
وادی حیرت، گمراه و در میان امواج فتنه‌ها سرگردان بودند.
هوس‌های کشنده، عقل‌های آنها را ریوده بود و در میان
اضطراب و جهل، سرگردانی گرفتار بودند». ^(۱)

اعراب جزیره تا آن حد در بیسوادی و دوری از علم و آگاهی به سر می‌بردند که قرآن کریم با تعبیر «امین» (بی‌سوادان) از آنان یاد کرده است.^(۲) به شهادت تاریخ هنگامی فروغ اسلام در این محیط تاریک تاییدن گرفت که جز هفده نفر در میان ایشان، عموماً خواندن و نوشتن نمی‌دانستند.^(۳) در چنین محیط تیره‌ای،

۱. نهج البلاغه: خطبه ۹۱، ص ۲۸۲.

۲. جمعه ۲.

۳. بلادری، احمد بن بحی، فتوح البلدان، با تعلیق رضوان محمد رضوان، بیروت دارالکتب العلمیة، ص ۳۸۲.

اسلام دعوت خود را با علم آغاز کرد. در نخستین آیاتی که بر پیامبر ﷺ نازل شد، اولویت دانش و معرفت مورد تأیید قرار گرفت.

﴿ اقْرَأْ يَاسِمْ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلْقٍ. إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلِمَ بِالْقَلْمَنْ عَلِمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾.^(۱)

«بخوان به نام پروردگارت که تو را آفرید، آدمی را از خون
بسته آفرید؛ بخوان و پروردگار تو گرامی است؛ آن پروردگاری
که انسان را به وسیله قلم آموخت، آموخت، آنچه را
نمی‌دانست). و از خداوند برای اول بار با نام «رب» که از ماده
«تربیت» است، یاد شد».

در آیاتی دیگر امر تعلیم از مهمترین اهداف رسالت پیامبر ﷺ و وظایف اصلی آن حضرت برشمرده شد:

﴿ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾.^(۲)

براساس این دیدگاه، این آیین الهی فراگیری دانش را پیشاپیش هر کاری قرار داده و نشر علم را از مهمترین اهداف خود دانسته است، آیات قرآن را که پیوسته فرود آمد، مسلمانان را با بیانات گوناگون، به اندیشیدن و بهره جستن از خرد خویش به منظور کسب آگاهی فرا خواند، به اندیشیدن و بهره جستن از خرد خویش به منظور کسب آگاهی فرا خواند، که از آن جمله است: «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»، «لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»، «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ»، «فَانظُرُوا» و نظایر فراوان این آیات که در همه آنها افراد مسلمان را به تعقل و آزاداندیشی فرا می‌خواند و روحیه دانش‌اندوزی

۱. علق / ۱ - ۵.

۲. جمعه / ۲.

و اندیشه ورزی را در ایشان تقویت می‌کرد.

سخنان رسول اکرم ﷺ و رهنمودهای آن حضرت نیز آکنده از ارج‌گذاری بر دانش و دانشمندان و تشویق به فراغیری علم و تحصیل و معرفت بود، که از آن همه است:

﴿ طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ ﴾.

«فراگرفتن دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است».

«مَن سَلَكَ طَرِيقًا طَلَبٌ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُّ أَجْتَهَا الطَّالِبُ الْعِلْمَ رِضًا بِهِ وَإِنَّهُ يَسْتَغْفِرُ لَطَالِبِ الْعِلْمِ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْحُوتَ فِي الْبَحْرِ وَ فَضْلُ الْعَالَمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلَ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النَّجُومِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَأَنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَتَّهُ الْأَنْبِيَاءَ». ^(۱)

«کسی که به راهی رود برای دانش جویی، خداوند او را به راهی سوی بهشت رود. همانا فرشتگان با خرسندي بالهای خویش برای دانشجو فرو نهند و اهل زمین و آسمان حتی ماهیان دریا برای دانشجو آمرزش طلبند و برتری عالم بر عابد مانند برتری ماه شب چهارده است بر ستارگان دیگر و دانشمندان وارث پیغمبرانند».

﴿ أُطْلِبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّينِ ﴾. ^(۲)

«طلب کنید دانش را اگر چه در چین باشد».

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی: ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت ﷺ، تهران، ج ۱، ص ۴۲.

۲. شهید ثانی، زین الدین الجبیعی، منیة المرید: اعداد سید احمد حسینی، مجمع الدخائر الاسلامیة، قم، ۱۴۰۲ هـ، ص ۲۵.

با پیدایش چنین زمینه‌ای که اسلام در آن روزگار جاھلی به وجود آورد، دانش و تحصیل آگاهی در میان پیروان این آیین رواج یافت و چونان فریضه‌ای دینی و واجبی عینی شد، در پرتو این مکتب بود که مساجد، جایگاه‌های اصلی عبادت شد و در قالب نخستین کانون‌های دانش، مورد استفاده قرار گرفت.

پیامبر اکرم ﷺ، مسجد بزر مدینه را پایگاه اصلی علوم و معارف اسلامی قرار داد و خود به عنوان نخستین معلم در این دانشگاه اسلامی، عرب آن روزگار را برای کسب دانش در یک حلقه به گرد وجود خود فرا خواند و در پرتو آیات قرآن کریم و افاضات آموزندۀ خویش به تعلیم و تربیت ایشان پرداخت.

در «صحیح بخاری» آمده است: روزی رسول خدا ﷺ در مسجد نشسته بود، گروهی از اصحاب نزد او حضور داشتند، در این هنگام سه نفر وارد شدند. دو تن از ایشان به سوی پیامبر ﷺ رفتند، و در خدمت آن حضرت ایستادند، یکی از آن دو، جایی برای خود در حلقه اصحاب پیدا کرد و همانجا نشست و دیگری در پشت سر حضار، جای گرفت. نفر سوم در حالی که از حاضران روی بر تافته بود، از مسجد بیرون رفت. پیامبر ﷺ فرمود: آیا شما را از حال این سه نفر آگاه کنم؟ اما یکی از ایشان به خدا پناه برد، پس خداوند او را جای داد، دومی شرمگین شد، پس خداوند از وی شرم کرد، و اما سومی اعراض کرد، پس خدا نیز از وی اعراض کرد.^(۱)

همچنین پیامبر ﷺ به منظور تعمیم خواندن و نوشتن در میان مسلمانان فردی به نام «عبدالله بن سعید» را مأمور کرد تا خواندن و نوشتن را به دیگران بیاموزد.^(۲) پس از آنکه وی مدتی به امر سوادآموزی مردم مدینه مشغول بود،

۱. بخاری، ابو عبدالله بن محمد، الجامع الصحيح: شرح الکرمانی، دارالحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۱ هـ، باب العلم، ج ۱، ص ۱۵.

۲. عزتی، ابوالفضل، آموزش و پژوهش اسلامی: انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۶۶، ص ۲۸۷.

عده‌ای خواندن و نوشتن قرآن را فرا گرفتند. پس از جنگ بدر نیز پیامبر ﷺ مقرر کرد اسیران با سواد جنگ می‌توانند برای آزادی خود ده کودک را خواندن و نوشتن بیاموزند^(۱)، به این ترتیب از آنجا که سواد خواندن و نوشتن جنبه دینی و تقدس داشت، مساجد به صورت نخستین کانون‌های سواد آموزی نیز مورد استفاده قرار گرفت.

مسجد مدینه و دیگر مساجد این شهر به روزگار پیامبر ﷺ رسماً به صورت مراکز تعلیم و تعلم قرآن و بحث و بررسی مسائل دینی درآمد. مسلمانان پس از ادای فرایض دینی یا در فرصت‌های دیگر، در حلقه‌های علمی که از سوی بعضی بزرگان صحابه همچون امام علی علیهم السلام و دیگران تشکیل می‌شد، با شور و شوقي فراوان شرکت می‌جستند و به فراغیری قرآن و فقه اسلامی می‌پرداختند؛ گاه رسول خدا ﷺ خود نیز به منظور تشویق اصحاب در این حلقه‌ها و نشست‌های علمی حضور می‌یافت و با این کار مقام دانش و دانشمندان را ارج می‌نهاد. «بن عبد البر» به نقل از یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ به نام «ابی القمراء» آورده است: «ما در مسجد رسول خدا ﷺ حلقه‌هایی داشتیم. وقتی، آن حضرت از حجره‌اش بیرون آمد، به حلقه‌های داخل مسجد نگریست. آنگاه در کنار اصحاب قرآن نشست و فرمود:

﴿بِهِذَا الْمَجْلِسِ أُمِرْتُ﴾.^(۲)

چنانکه پیش از این اشاره کردیم، تشکیل حلقه‌های علمی منحصر به مسجد النبی نبود، بلکه در دیگر مساجد مدینه نیز نشستهای بحث و بررسی مسائل دینی

۱. قلقشندي، ابوالعباس احمد، صبح الاعشى فى صناعة الانشاء: قاهره، ۱۹۱۷ م، ج ۳، ص ۱۴؛ كتاني، التراتيب الادارية، دارالحياء التراث العربي، بيروت، ج ۱، ص ۴۸.

۲. ابن عبدالبر، يوسف، الاستيعاب فى معرفة الاصحاب: تحقيق على محمد البجاوى، مكتبة النهضة، قاهره، ج ۴، ص ۱۶۴.

برپا می شد، چنانکه مکحول گفته است:

«ده تن از یاران پیامبر ﷺ مرآگفتند که ما در مسجد «قبا» درس می خواندیم، چون پیامبر بیرون می رفت فرمود: «آنچه می خواهید بدانید فرا گیرید و خدا شما را پاداشی ندهد، مگر آنچه فرا گرفته اید به کار بندید». ^(۱)

باید دانست فعالیت های آموزشی در مسجد در آن روزگار تنها در زمینه فراگیری قرآن و مسائل دینی نبود، بلکه جلسات ادبی نیز در مسجد تشکیل می شد؛ شاعران، سروده های خود را در مسجد در حضور پیامبر ﷺ می خواندند و گاه از سوی آن حضرت به دریافت جایزه مفتخر می شدند. «کعب بن زهیر» قصيدة معروف خود «بانَتْ سُعَادٍ وَ قَلْبِي الْيَوْمَ مَبْتُولٌ» را که در مدح رسول خدا ﷺ سروده بود، در مسجد مدینه در حضور پیامبر ﷺ خواند و از آن حضرت جایزه دریافت کرد ^(۲) و نیز گفته اند: پیامبر ﷺ دستور داد تا در مسجد برای «حسان بن ثابت» منبری نهادند و او اشعارش را بالای منبر می خواند. ^(۳)

به جز روایات مزبور، گزارش های فراوان دیگری در متون تاریخی موجود است که بر فعالیت های ادبی در مسجد به روزگار رسول اکرم ﷺ دلالت دارد، که از آن همه به ذکر نمونه ای دیگر در اینجا اکتفا می شود.

در ذیل گزارش اسلام آوردن «وفد تمیم» در حضور پیامبر ﷺ آمده است:

۱. زرقانی، محمد عبدالعظيم مناهل العرفان فی علوم القرآن: انتشارات داراحیاء الكتب العربية، ج ۱، ص ۳۱۴.
۲. رفیع الدین همدانی، اسحق بن محمد، سیرت رسول الله ﷺ: تحقيق اصغر مهدوی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۹۵۲.
۳. واقدی، محمد بن عمر، المغازی: ترجمة محمود مهدوی دامغانی، انتشارات مرکز دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۷۴۵.

«عطارد بن حاجب» که رئیس و پیشوای قوم بنی تمیم بود، با جماعتی از اقوام خود که از جمله ایشان «اقرع بن حایس» و «زبرقان بن بدر» بودند به حضور پیامبر ﷺ در مسجد رسیدند و گفتند:

«یا محمد آمده‌ایم با تو مفاخرت کنیم و مفاخر و مآثر خود
برشمریم».

پیامبر ﷺ فرمود:

«برخیزید و بگویید تا چه خواهید».

آنگاه «عطارد بن حاجب» که پیشوای خطیب ایشان بود، برخاست و این خطبه فرو خواند:

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَلَيْنَا الْفَصْلُ وَ هُوَ أَهْلُهُ، الَّذِي جَعَلَنَا مُلُوكًا
وَ وَهَبَ لَنَا أَمْوَالًا عَظِيمًا».

چون این بخواند به زمین نشست.

آنگاه سید، «ثابت بن قیس» را بخواند و گفت: برخیز وی را جواب ده.
پس گفت: «ثابت بن قیس» بر پای خاست و گفت:

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ خَلَقَهُ قُضِيَّ فِيهِنَّ
أَمْرَهُ وَ سَمِعَ كُرْسِيَّهُ عَلَمُهُ».

و چون از این فارغ شده بود، دیگر شاعر ایشان برخاست و اشعار بگفت،
چون زبرقان که شاعر ایشان بود این شعر بگفت، «حسان بن ثابت» نه حاضر بود.
سید کس بفرستاد و او را بخواند و حسان به مسجد آمد و اشعاری بخواند.^(۱)
در آن روز پس از اینکه حسان اشعارش را به پایان برد، پیامبر ﷺ فرمود:
خداآوند حسان را تا زمانی که از رسول خدا دفاع کند، به روح القدس تأیید می‌کند،

۱ . سیرت رسول الله ﷺ : ج ۲ ، ص ۱۰۹۲ .

در آن روز پیامبر ﷺ و مسلمانان از خطبهٔ ثابت و شعر حسان شادمان شدند.^(۱)

به این ترتیب: مسجد به عنوان نخستین پایگاه علمی در جامعهٔ نو خاسته اسلامی رسالت خود را در انتشار علم و دانش و گسترش فرهنگ اسلامی آغاز و در این زمینه نقش بسیار مؤثری ایفا کرد. با گذشت زمان بتدریج موجبات علمی آن فراهم شد و همواره مسیر رشد و ترقی را پیمود، بدانسان که تا سدهٔ چهارم هجری قمری، مسجد به عنوان مهم‌ترین جایگاه دانش در جهان اسلامی همچنان فعال بود.

نخستین نهاد سیاسی

از آنجاکه در حکومت اسلامی میان مقامات مسئول و توده‌های مردم جدایی نیست و مسلمانان می‌توانند بر مسیر و جهت‌گیری‌های حکومت و بر پیشرفت امور جامعهٔ نظارت کنند و مواضع خود را در مسائل سیاسی به طور آشکار اعلام نمایند و با ارائه برنامه‌ها، طرح‌ها و پیشنهادهای سازندهٔ حکومت را یاری دهند، براین اساس پیامبر اکرم ﷺ پس از بنیان‌گذاری نظام نوین اسلامی در مدینه به منظور مداخله مسلمانان در شیوهٔ حکومت و آگاه ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که مرکزی عمومی و محل تجمع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگردید.

پیامبر اکرم ﷺ در مسجد اصول سیاسی اسلام را، بویژه در اموری که می‌دانست مسلمانان از نظریات و تجربیات مفیدی برخوردارند، به شورا گذاشت؛ در متون تاریخی آمده است که پیامبر ﷺ برای اتخاذ مواضع مناسب در جنگ بدر، در یکی از مساجد اطراف مدینه به نام مسجد «عرقُ الظُّبیه» با اصحاب به مشورت

۱. المغازی: ج ۳، ص ۷۴۵.

پرداخت^(۱) همچنین برای رفتن به جنگ «احد» در مسجد مدینه با مسلمانان تبادل نظر کرد.^(۲)

پیامبر اکرم ﷺ مقدمات فکری و اجتماعی بیشتر غزوات را در مسجد فراهم می‌کرد، آن حضرت با ایراد خطبه‌های گرم و پرشور، مسلمانان را برای نبرد با دشمنان اسلام بسیج و از همانجا جنگجویان مسلمان را به جبهه‌های نبرد اعزام می‌کرد. به گفته «ابن هشام»، پیامبر ﷺ و اصحاب برای حضور در غزوه احد روز جمعه پس از پایان نماز از مسجد حرکت کردند.^(۳)

در مغازی واقعی آمده است که: پیامبر ﷺ برای شرکت در جنگ «حمراء الاسد» در حالی که بشدت مجروح شده بود (از جنگ احد) وارد مسجد شد و دو رکعت نماز گزارد. مردم جمع شده بودند و اهالی بالای مدینه هم وقتی فرمان را شنیدند خود را به مسجد رساندند؛ سپس پیامبر ﷺ دو رکعت نماز گزارد و فرمود که اسبیش را بر در مسجد حاضر کنند؟ آن حضرت زره پوشیده و مغفر برروی سر انداخته بود، به طوری که تنها چشمانش دیده می‌شد^(۴). با این ترتیب، مسجد به عنوان پایگاه جهاد و نهضت نیز نقش عمدی در آن روزگار داشت.

فرستادگان قبایل و سران اقوام مختلف آن روز که گاه برای برخی از مذاکرات با پیامبر ﷺ به مدینه می‌آمدند، در مسجد، با آن حضرت دیدار می‌کردند.^(۵)

۱. سمهودی، شهاب الدین احمد الحسینی، وفاء الوفاء با خبار دارالمصطفی: مطبعة الآداب، مصر ۱۳۲۶ هـ، ج ۲، ص ۱۶۷.

۲. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبوية: مصر ۱۳۵۵ هـ، ج ۳، ص ۶۷.

۳. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبوية: مصر ۱۳۵۵ هـ، ج ۳، ص ۶۷.

۴. المغازی: ج ۱، ص ۲۴۷.

۵. ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی اسلام: ترجمه ابوالقاسم پایانده، تهران، ج ۱، ص ۱۰۲.

جريان ملاقات آن حضرت با نمایندگان قبیله «شقیف» در مسجد مدینه از جمله رویدادهای مهم عصر مدنی است که اکثر مورخان به تفصیل به ذکر آن پرداخته‌اند.

چنانکه واقع می‌گوید: «پیامبر اکرم ﷺ دستور داد سه سایبان از شاخ و بر درخت خرما در مسجد بسازند و ایشان در آن سایبان‌ها شب‌ها تلاوت قرآن اصحاب را می‌شنیدند و شاهد عبادت آنان بودند. همچنین هنگام نمازهای واجب، شاهد صفواف نماز مسلمانان بودند نمایندگان، چند روزی در آنجا ماندند تا به دعوت رسول خدا ﷺ اسلام آورندن».^(۱)

فعالیت‌های قضایی، فصل خصومات، اجرای حدود بر بزهکاران و حبس و تأديب ایشان نیز در مسجد انجام می‌گرفت؛ پیامبر اکرم ﷺ به حکم «فَاحْكُمْ بِمَا أَنزَلَ اللّهُ...»^(۲).

و نیز کریمهٔ قرآنی:

«فَلَا وَرَبَّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجاً مَعَاقَضَيَتِ...»^(۳).

«به پروردگارت سوگند که ایمان نمی‌آورند مگر اینکه تو را حکم قرار دهند در آنچه میان ایشان اختلاف است، سپس در خود احساس گرفتاری نمی‌کنند در آنچه قضاوت کنی...».

شخصاً به امر قضاوت در میان مسلمانان می‌پرداخت و مشکلات ایشان را حل و فصل می‌کرد^(۴). اگر متهمی به زندان و یا جاری شدن حد محکوم می‌شد،

۱. المغازی: ج ۳، ص ۷۳۳.

۲. مائدہ / ۴۸.

۳. نساء / ۶۵.



۴. قرشی، محمد بن محمد، معالم القرابة في أحكام الحسبة: تحقيق محمد محمود شعبان

اجرای این حدود در مسجد صورت می‌گرفت. همچنین، اسیران را پس از جنگ به مسجد می‌آوردند تا پیامبر ﷺ در باره آنها حکم صادر کند.^(۱) به این ترتیب، مسجد در آن روزگار یک دادگستری به تمام معنا نیز بود که کلیه امور قضایی در آن حل و فصل می‌شد.

باید یادآور شد که مسجد از نظر عملکردهای سیاسی در دوره‌های بعد نیز همچنان فعال بود و همان گونه که در جای خود خواهد آمد، بیشتر امور سیاسی آن روز همچون معرفی خلیفه، مراسم بیعت با وی، عزل و نصب استانداران و دیگر کارگزاران و مسئولان مملکتی، نشست‌های مشورتی، تحریض و ترغیب مسلمانان برای جهاد با کفار، اعزام نیرو به جبهه‌های نبرد و نیز امور قضایی، مانند دادرسی، بازداشت، حبس و اجرای حدود، همگی در مسجد صورت می‌گرفت. به این ترتیب، مسجد از آغاز حیات سیاسی در زمان رسول اکرم ﷺ تا اوایل عصر عباسی، مرکز کل فعالیت‌های سیاسی نهضت جهانی اسلام به شمار می‌رفت.

نخستین پایگاه تبلیغاتی

بی‌شک انگیزه و هدف اصلی از هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه، به گونه‌ای که تاریخ گواهی می‌دهد، یافتن محیطی مناسب و آرام و دست‌یابی به وسائل و امکانات لازم برای تبلیغ و گستردن آیین اسلام بود؛ براین اساس، پس از استقرار رسول خدا ﷺ در مدینه، مسجد که تنها مرکز عمومی و کانون ارتباط جمعی در جامعه نو خاسته اسلامی به شمار می‌رفت، به عنوان پایگاه اساسی کل فعالیت‌های تبلیغاتی مسلمانان، مورد استفاده قرار گرفت.

→ و صدیق احمد عیسی المطیعی، الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر، ۱۹۷۶ م، مقدمه، ص ۱۵؛ مذکور، محمد سلام، القضاء في الإسلام، قاهره، ص ۲۲ .
۱. الجامع الصحيح : ج ۳ ، ص ۱۲۳ .

پیامبر اکرم ﷺ در این پایگاه بزر تبلیغی در پرتو تعالیم آسمانی اسلام و از طریق تدریس، وعظ، ارشاد، واپرداخت خطبه‌های نماز جمعه و دیگر سخنرانی‌ها به نشر فرهنگ عظیم اسلامی پرداخت و با برپایی آیین‌های باشکوه جمعه و جماعات و تشکیل حلقه‌های علمی در این مکان، مجد و عظمت آیین خویش را به نمایش گذاشت.

برپایی صفوف به هم فشرده مؤمنان برای ادائی فرایض روزانه و نیز تلاوت دلنثین آیات قرآن که به همت بعضی از صحابه همچون «عبدالله بن مسعود»، «ازید بن ثابت»، «ابی بن کعب» و دیگران انجام می‌شد، در افراد و گروه‌هایی که گه‌گاه به مدینه آمدند تأثیر بسیار چشمگیری داشت. چنانکه فرستادگان قبیله «شقیف» که به منظور مذکوره با رسول خدا ﷺ به مدینه آمد بودند، با دیدن چنین مناظری سخت تحت تأثیر مسلمانان قرار گرفتند و به آیین اسلام گرویدند.^(۱)

بدین‌سان بر اثر کوشش‌های تبلیغی مسلمانان در مسجد پیامبر ﷺ، زمینه‌های مناسبی برای پذیرش اسلام و دیگر افراد به وجود آمد، به طوری که هرگاه نماینده‌ای از سوی یکی از قبایل و اقوام برای کسب اطلاع از آیین جدید به مسجد مدینه می‌آمد، بی‌درنگ اسلام را پذیرا می‌شد و به آن گردن می‌نهاد.

همچنین، مسجد پیامبر ﷺ در مدینه، دانشگاه بزر تبلیغی را می‌مانست که در آن رسول خدا ﷺ در پرتو افاضات آموزنده خویش به تربیت مبلغان ورزیده‌ای همت گماشت و آنان را پس از آگاهی از قرآن و فقه اسلامی، به نقاط مختلف جزیره‌العرب اعزام کرد تا در پرتو هدایت و تعلیم، مردم آن بلاد را از ظلمت جهل و شرک برهانند و به آغوش اسلام فرا خوانند؛ چنانکه تاریخ گویای آن است، بر اثر فعالیت‌های تبلیغی این گروه از دانش آموختگان مکتب وحی و مدرسه رسالت بود که نه تنها اسلام در سراسر جزیره‌العرب راه یافت، بلکه در فاصله

۱. المغازی: ج ۳، ص ۷۳۴.

کوتاهی پس از رحلت رسول خدا^{علیه السلام}، این آیین آسمانی بخش گستردگی‌ای از جهان آن روزگار را فرا گرفت، در نتیجه این فتح فرهنگی و ایدئولوژیکی بود که مسجدها، منبرها، مجالس درس فقه، حدیث، ادبیات، کلام تفسیر، اخلاق و دیگر دانش‌های اسلامی در سرتاسر سرزمین‌های قلمرو اسلام نمودار شد.

بدین‌گونه، بر اثر موج علمی و فرهنگی که این مبلغان مسلمان در نخستین سده‌های اسلامی در این نقاط ایجاد کرده بودند، مسجدها در تمام شهرهای بزر و حتی روستاهای صورت کانون‌های دانش و نشر فرهنگ و تمدن اسلامی درآمد.

مرکز خدمات

از همان آغاز، مسجد علاوه بر نقش‌های علمی، سیاسی و تبلیغی در زمینه فعالیت‌های امدادی و خدمات اجتماعی نیز نقشی عمده داشت، گروهی از مستمندان مسلمان در مسجد زندگی می‌کردند و از کمک‌های مالی پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} و دیگر مسلمانان بهره‌مند می‌شدند. این گروه که قریب به چهارصد تن از اصحاب پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} را تشکیل می‌دادند، به دستور آن حضرت در بخشی از مسجد که مسقف بود، سکنی گزیده بودند و ضمن اقامت در آنجا، قرآن می‌آموختند، روزه می‌داشتند و به جنگ می‌رفتند.^(۱)

در «طبقات ابن سعد» آمده است: شب‌ها رسول خدا^{علیه السلام} اصحاب صفة را فرا می‌خواند و هر چند تن از ایشان را برای صرف شام به منزل یکی از انصار می‌فرستاد و گروهی نیز با خود به منزل می‌برد و در آنجا از ایشان پذیرایی می‌کرد.^(۲) خدمات پزشکی و درمانی مجروحان جنگ نیز در مسجد صورت می‌گرفت،

۱. غنیمة، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی: ترجمه محمد وحید گلپایگانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۰ هـ، ص ۱۱۲.

۲. الطبقات الکبری: ج ۱، ص ۲۲۵.

به گفته «واقدی»، مجروحان جنگ احد در مسجد معالجه می‌شدند، مردم در مسجد، چراغ و آتش برافروخته بودند و مجروحان را مداوا می‌کردند^(۱). همچنین در جنگ خندق به دستور پیامبر ﷺ، خیمه‌ای در مسجد برپا شد و «سعد بن عباده» که در این جنگ مجروح شده و در آنجا بستری بود، مردم برای عیادت او به مسجد می‌آمدند.^(۲)

«احمد عیسی» در کتابی که در باب بیمارستان‌ها نوشته، معتقد است که نخستین بیمارستان در اسلام، همان خیمه‌ای بوده است که پیامبر ﷺ هنگام جنگ خندق برای درمان زخمیان در مسجد مدینه برپا کرد و زنی «رفیده» نام را برای رسیدگی به حال مجروحان برگماشت.^(۳) به این ترتیب، می‌توان گفت که مسجد در آن روزگار و در مواردی، نقش بیمارستان امروز را نیز ایفا می‌کرد.

از خدمات اجتماعی دیگری که در زمان رسول ﷺ در مسجد صورت می‌گرفت، پخش کمک‌های مالی میان مسلمانان بود؛ در آن زمان هرگاه مالی از ناحیه‌ای به مدینه می‌رسید، آن را به مسجد پیامبر ﷺ می‌آوردند و با نظر آن حضرت میان مردم تقسیم می‌شد، این رسم در مدت خلافت ابوبکر نیز باقی بود.^(۴)

مسجد و دیگر عبادتگاه‌ها

همزمان با ظهور اسلام، اقوام و ملل مختلف جهان آن روز، برحسب دیانت‌ها،

۱. المغازی: ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. الجامع الصحيح: ص ۱۲۳.

۳. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی: ص ۱۶۸.

۴. ابن طقطقی، محمد بن علی، تاریخ فخری: ترجمهٔ محمد وحید گلپایگانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۰ هـ، ق، ص ۱۱۲.

معابد و پرستشگاه‌هایی که داشتند، از قبیل: کلیساها مسیحیان در مناطق روم، آتشکده‌های ایرانیان و نیز عبادتگاه‌های اعراب جاهلی در جزیره‌العرب، با سیری در تاریخ ادیان و با نگاهی به وضع موجود پاره‌ای از این معابد که تاکنون باقی است، می‌توان به تفاوت‌های میان مسجد و دیگر عبادتگاه‌های موجود آن زمان به خوبی بی‌برد.

در این کتاب بر آن نیستیم که به بحث و بررسی تفصیلی درباره تفاوت‌های مسجد با هر یک از معابد بپردازیم، بلکه تنها اهم این تفاوت‌ها را از دو نظر نقش‌ها و عملکردها، و ترکیب و نمای ساختمان، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

نقش‌ها و عملکردها

مسجد از آغاز، تنها در قالب معبدی ساده برای برگزاری مراسم عبادی بنیان نشده بود، بلکه از بدرو تأسیس علاوه بر اینکه جایگاه عبادت و محل ادای فرایض دینی مسلمانان بوده به صورت کانونی فراگیر، مرکز تمام فعالیت‌های آموزشی، سیاسی و اجتماعی آنان نیز به شمار می‌آمد، اما هیچ یک از معابد موجود آن زمان چنین عملکردهایی نداشت و فعالیت‌های رایج در آنها به مراسم مذهبی بسی روح و بی محتوا محدود می‌شد.

برای نمونه بجاست به گوشه‌ای از مراسم و اعمال مذهبی مسیحیان در کلیسا و سپس مراسم و تشریفات خاص زرتشتیان که در آتشکده‌های آنان از آغاز تاکنون معمول بوده است، نگاهی کوتاه داشته باشیم.

عبادت در کلیسا برخلاف نیایش در مساجد که به صورت جماعت و از شکوه و عظمت خاصی برخوردار است و موجب پیوند مسلمانان با حضرت حق و نیز موجب تحکیم روابط و تحقق وحدت در جامعه اسلامی می‌شود. تنها به رفتن مسیحیان به کلیسا برای گوش دادن به سخنان کشیشان و هم آهنگ شدن در

خواندن سرودهای مذهبی خلاصه می‌شود. این نوع نیایش هم اگر صدرصد درست می‌بود، تنها به حضور در کلیسا، آن هم هفته‌ای یک روز و یک ساعت محدود می‌شد.^(۱)

به هنگام نیایش، کشیش مسیحی عباراتی از انجیل نقل می‌کرد و دیگر مسیحیان با وی به زمزمه می‌پرداختند.

سخنانی که مجموعه نیایش مسیحیان را تشکیل می‌داد، چنین بود:

«ای پدر ما که در آسمان هستی و نام تو مقدس باد،
و ملکوت تو بباید، اراده تو چنانکه در آسمان است در زمین
هم حکمفرما باشد. امروز نان کفاف ما را بده، قصور ما را
ببخش، همچنانکه ما قصور دیگران را درباره خود می‌بخشیم؛
ما را هرگز به کارهای ناروا مکشان، ولی ما را از تبهکاران رهایی
بخش، زیرا فرمانروایی و قدرت و پیروزی برای ابد از آن
توست، آمين». ^(۲)

به جز این نیایش، یکی دیگر از اعمال مذهبی مسیحیان که در شب میلاد مسیح صلی الله علیه و آله و سلم در کلیسا برگزار می‌شده است، مراسم «عشای ربانی» است؛ در این مراسم، کشیش بزر، پیشکاران خود را فرمان می‌دهد تا آرد بسیار خوبی خمیر کنند و نان فطیری بپزند و پیش او بیاورند، آنگاه پدر روحانی نان را با شیشه شراب به کلیسا می‌برد و پس از زدن ناقوس، مسیحیان را برای اجرای این سنت آماده می‌کند، پس از اینکه کشیش از مقابل صف مسیحیان عبور کرد، رو به مشرق می‌ایستد، وی در حالی که آن نان را در دست دارد اوراد و ازکاری می‌خواند و سپس به آن نان سجده می‌کند و جمیع حضار نیز از او تبعیت می‌کنند؛ سپس، پدر روحانی

۱. مسیحیت و عهدین: صص ۲۲ - ۲۳.

۲. ترابی، علی، تاریخ ادیان: انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۴۱، ص ۲۰۷.

جام شراب را به دست می‌گیرد و همگی بر آن شراب سجده می‌کنند.

کشیش نان را خرد می‌کند و هر قسمی از آن را در دهان یکی از مسیحیان می‌گذارد، آنگاه همگی از ظرف شراب جرعه‌ای می‌نوشند و با این عمل، یعنی خوردن نان و نوشیدن شراب تمامی گناهانشان آمرزیده می‌شود.^(۱)

حال باید دید تفاوت میان آن گونه اعمال مرسوم در کلیسا و مراسم رایج در مسجد مانند نمازهای جماعت، آیین‌های جموعه، اذان، ذکرها، اوراد و تسبیح‌های اسلامی تا چه اندازه است.

درباره مراسم عبادی در آتشکده‌ها نیز باید دانست که این مراسم به یک سری تشریفات و اعمال مذهبی خاص محدود می‌شد، که به‌هیچ روی با فعالیت‌های رایج در مساجد شایسته مقایسه نیست. به گفته «دکتر معین» در آیین «مزدیسنا»، مانند مذهب کاتولیک مسیحی و برخلاف اسلام که مساجد آن ساده و بی‌تشریفات، و عاظ اسلام دارای لباس عادی روحانی هستند، آلات و ادوات فراوان و تشریفات مذهبی بسیار معمول است، این تشریفات در آتشکده‌ها نیز جاری است، در هر آتشکده کانون ویژه‌ای برای برافروختن آتش هست که جز موبد، نگهبان آتش، احدی حق ورود به آن محدوده را ندارد. موبدان که به سوی آتش می‌روند، «پنام» (دهن بند) بر روی می‌بنندند تا از دم ایشان آتش مقدس آلوه نشود.^(۲)

در «یزشن گاه» (محل برگزاری تشریفات عبادت) آلات و ادوات ویژه‌ای به کار گرفته می‌شود، از جمله هاون و دسته هاون است که به منزله ناقوس مسیحیان

۱. حقیقت مسیحیت: هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، قم، ۱۳۵۵، صص ۱۱۹ - ۱۲۲، به نقل از انسیس الاعلام، ج ۱، ص ۲۹۶.

۲. معین، محمد، مزدیسنا و ادب فارسی: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۶، صص ۱۹۴ - ۱۹۶.

به شمار می‌رفت و برای فشردن «هوم» (گیاه مقدس) استعمال می‌شد «برسم» که از چوب درختان مقدس مانند انار تهیه می‌شد، «برسدان»، «برسمچین»، چند پیاله کوچک برای هوم و پراهم (تشت نه سوراخه)، و «ورس» که ریسمانی است و از موی گاو بافته می‌شود، بود. باید توجه داشت که تهیه و تصفیه آتش نیز برای آتشکده‌ها مستلزم تشریفات گوناگون است، که در «وندیدار» یکی از اجزای اوستای ساسانی توضیح داده شده است:^(۱)

به این ترتیب می‌توان دریافت که فعالیت‌های رایج در این معابد به همین گونه آداب و تشریفات خاص، خلاصه می‌شد و از عملکردهای آموزشی، سیاسی و اجتماعی مساجد در این عبادتگاه‌ها خبری نبود؛ برای نمونه می‌توان مقایسه‌ای میان نقش آموزشی مساجد و تأثیر چشمگیر آن در شکوفایی و رشد فرهنگی مسلمانان و نیز عملکرد و نقش آتشکده‌ها در این زمینه در ایران آن روزه داشت.

با سیری در تاریخ مردم ایران در آن روزگار، در می‌یابیم که مسئله تعلیمات عمومی پیش از ظهر اسلام در ایران وجود نداشت و برای نخستین بار به وسیله اسلام مطرح و فعالیت آن از مساجد به عنوان جایگاه‌های اصلی دانش آغاز شد. به گفته «استاد نفیسی»، پیش از اسلام، تعلیم و تربیت و فراگرفتن علوم متداول، اول به موبزادگان و نجیب زادگان اختصاص داشت^(۲)، اغلب نزدیک به اتفاق مردم ایران از آن محروم بودند؛ به این ترتیب با وجود آن همه آتشکده که در شهرها، بخش‌ها و دیگر نقاط ایران فعالیت داشت، وضع آموزش عمومی بدین‌گونه بود، اماً پس از ظهر اسلام و تابش فروغ دامن‌گستر آن بر سرزمین ایران، تحصیل دانش چونان وظیفه‌ای مقدس مورد توجه نو مسلمانان قرار گرفت و دیری نپایید که در

۱. معین، محمد، مزدیسنا و ادب فارسی: انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۲۶ ، صص ۱۹۴ - ۱۹۶ .

۲. نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی ایران: تهران، ج ۲، صص ۲۵ - ۲۶ .

پرتو عملکردهای علمی مساجد، زمینه مساعدی برای ظهور نوابغ بزرگ به وجود آمد و تمدنی اساسی پایه‌گذاری شد.

با توجه به نکات پیش گفته، می‌توان به تفاوت بین نقش‌ها و عملکردهای مسجد و فعالیت‌های رایج در دیگر معابد و پرستشگاه‌های موجود آن زمان پی‌برد.

ساختمان

همان گونه که قبلًاً اشاره شد، مساجد عصر رسول خدا^{علیه السلام} بناهایی بسیار ساده و ابتدایی بود، این مساجد محدوده‌هایی بودند که یک سوی آنها برای پرهیز از باد و باران با شاخ و بر درختان پوشیده شده بود و قسمت دیگر آن بدون سقف بود. بر سقف مسجد هم بام گلینی نبود که جلوی باران را بگیرد، هنگامی که باران می‌آمد، مسجد پر از گل و لای می‌شد.^(۱)

زمین مسجد هم شنزاری بیش نبود که مسلمانان بر روی آن نماز می‌خواندند. خلاصه مساجد آن روزگار ساده و بسیار پیرایه بود، اما برخلاف مساجد ساختمان‌های بسیار مجلل و با شکوه به معابد اختصاص داشت. در آنها ابزار و آلات فراوان و اشیایی از قبیل مجسمه، جواهرات و سنگ‌های قیمتی بسیاری وجود داشت.

در اینجا برای نمونه، ترکیب ساختمانی پاره‌ای از این عبادتگاه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

«ابن رسته»، اطلاعات بسیار جالبی در باب کیفیت بنای بعضی از کلیساها قسطنطینیه به دست می‌دهد که در اینجا به نقل بخشی از آن می‌پردازیم:

۱. ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفيسة: ترجمه و تعليق دکتر حسین قره‌چانلو، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۴۱.

«کلیسای سلطان دارای ده در است که چهار در آن از طلا و شش در دیگر از نقره ساخته‌اند، در کلیسا جایگاهی است که سلطان در آن می‌نشینند؛ مساحت و اندازه آن چهار ذراع است که آن را از یاقوت و مروارید زینت کرده‌اند. سایر سقف‌های کلیسا از طلا و نقره مزین شده است».^(۱)

همچنین در وصف یکی از کلیساها رومیه گوید:

«در وسط شهر کلیسا بزرگی واقع شده که صد ذراع ارتفاع دارد، بر سر آن برج، گنبدی از جنس سرب ساخته‌اند، دیوارهای این کلیسا با طلا پوشیده و درهای آن از مس چینی ساخته شده است. درهای داخلی که به نمازگاهشان باز می‌شود، همه پوشیده از طلاست. جایگاه‌هایی را که کاهنان در آنها می‌نشینند، از طلا پوشانده‌اند. در آن کلیسا هزار بابزن طلایی وجود دارد که در وسط هر صلیب، مرواریدی نشانده‌اند».^(۲)

«مسعودی» نیز در باب معابد یونانیان و مردم شام قدیم به تفصیل سخن گفته و یادآور شده است که بیشتر آنها بنایان بسیار مرتفع با سنگ‌های تراشیده و نقش‌های عجیب داشتند و در خود، بتها، مجسمه‌های طلا و نقره و اقسام جواهرات داشته است.^(۳)

۱. ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفيسة: ترجمه و تعلیق دکتر حسین قره چانلو، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۵، ص ۱۴۱.
۲. همان: صص ۱۴۹ - ۱۵۰.
۳. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب: ترجمة ابوالقاسم پاینده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۴، ج ۱، صص ۵۹۳ - ۵۹۷.

اینک جای آن دارد که نگاهی هم به شکل و نمای ساختمانی آتشکده‌های ایرانیان پیش از اسلام داشته باشیم، در کتاب «مزدیسنا» و «ادب پارسی» در این باب آمده است:

«آتشگاه را در محلی قرار می‌دهند که اطراف آن حتماً باز باشد، در هر آتشکده کانون ویژه‌ای برای برافروختن آتش هست، در سمت راست مقر آتش، اتاقی است وسیع و چهار گوشه که به قسمت‌های متعدد مساوی تقسیم شده و هر یک را برای وظیفه‌ای معین اختصاص داده‌اند، این اتاق را «یزشنگا» (محل برگزاری تشریفات عبادی) می‌نامند. در شریعت رزتشت این قاعده مقرر بود که آفتاب بر آتش نتابد، بنابراین سبک جدیدی در ساختمان آتشکده معمول شد، یعنی اتاقی معمولاً تاریک در وسط می‌ساختند که مکان افروختن آتش در آتشدان بود». ^(۱)

«کریستین سن» نیز درباره ساختمان آتشکده‌ها نوشته است:

«شکل بنای آتشکده‌ها در هر جا یکسان بود، آتشدان در وسط معبد قرار داشت و پیوسته آن آذر مقدس در آن می‌سوخته است. معمولاً هر آتشکده هشت درگاه و چند اتاق هشت گوشه داشته است». ^(۲)

در متون تاریخ نیز از ترکیب ساختمانی برخی از آتشکده‌ها سخن بهمیان آمده است، چنانکه «مسعودی» در وصف خرابه آتشکده قدیم استخر،

۱. مzdīsna و ادب فارسی: صص ۱۹۶ - ۱۹۴.

۲. کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان: ترجمه رشید یاسmi، انتشارات ابن‌سینا، تهران، ۱۳۵۱، صص ۱۸۲ - ۱۸۳.

چنین نوشته است:

«بنایی عجیب و معبدی بزر است و ستون‌های سنگی
شگفتانگیز دارد. سر ستون‌ها مجسمه‌های سنگی زیبا
به شکل اسب و حیوانات تنومند دیگر ساخته شده است
و محوطه‌ای با یک باروی بلند سنگی اطراف آن هست،
و تصویر اشخاص را با نهایت دقیق تراشیده‌اند». ^(۱)

از مجموعه آنچه گذشت، می‌توان به تفاوت آشکار میان مسجد و دیگر
معابد موجود آن زمان، چه از لحاظ عملکردها و نقش‌های هر یک در جوامع آن
روز، و چه از حیث سادگی و بسیاریگی مسجد و تشریفات آنچنانی در آن
عبادتگاه‌ها، پی برد.

۱. مروج الذهب: ج ۱، ص ۶۰۵.

۴ - معمار انقلاب اسلامی و مساجد

بی تردید در اندیشه امام خمینی ره، مسجد مقام و جایگاه ویژه‌ای دارد و اهمیت آن شایسته مقایسه با هیچ مرکز و محل دیگری نیست، به عقیده آن حضرت، مسجد سنگری است که هیچ یک از سنگرهای اسلام به اندازه آن توانایی دفاع و حمایت از اسلام و انقلاب را ندارند.

اهتمام ایشان به مسجد مربوط به اوخر عمر پر برکتشان نبود، بلکه ایشان از شروع نهضت - و چه بسا قبل از آن - به مسجد و اهمیت آن سفارش و نصیحت می‌کردند؛ سعی ما در این بخش آن است که اندکی از توجه و اهتمام بسیار آن عزیز امام راحل ره را برای خوانندگان کتاب بازگوییم.

مساجد در صدر اسلام

مسجد النبی واقع در مدینه منوره، هم محل عبادت و ادای فرایض دینی، و هم مکانی برای مشورت و تصمیم‌گیری در امور سیاسی، جنگ و صلح، بهداشت و بهزیستی، آموزش و فراگیری علوم گوناگون بود.

همچنین پناهگاه و ملجأ غریبان، بی‌کسان و ابن السّبیل (در راه ماندگان) و محل توزیع و تقسیم صدقات و زکات و...، میان آنان بود.

حضرت امام ره در اهمیت مساجد در صدر اسلام می‌فرمایند:

«در صدر اسلام هر وقت مسلمین می‌خواستند به جنگ عزیمت کنند از مساجد تجهیز می‌شدند و هر وقت که کار مهمی داشتند، در مساجد آن را مطرح می‌ساختند و درباره مسائل سیاسی به بحث و گفتگو می‌نشستند... سعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگرد و توجه داشته باشید که عزلت و کناره‌گیری در اسلام نیست».^(۱)

حضرت امام ره در جای دیگری با اشاره به فعالیت گسترده مسجد اظهار می‌دارند:

«از مسجد راه می‌انداختند لشکر را به جنگی که باید بکنند و به آنجایی که باید بفرستند؛ از مسجد مسائل سیاسی طرح ریزی می‌شد؟ از مسجد، مسجد محل این بود که مسائل سیاسی در آن طرح بشود. مع الاسف مساجد را ما کاری کردیم که بکلی از مصالح مسلمین دور باشد و با دست ما آن طرح‌هایی که برای ما ریخته بودند، با دست خود ما پیاده شد».^(۲)

«مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش حرکت‌های اسلامی بوده. از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در بیرق اسلام بوده است. همیشه در

۱. صحیفه نور: ۲۲ جلدی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱۷، ص ۵۴: «بیانات امام در جمع ائمه جمیع مراکز استان‌های سراسر کشور»، ۱۳۶۱/۷/۲۲.

۲. همان: ج ۱۸، ص ۲۷۶: «بیانات امام در جمع مهمنان شرکت کننده در دومین کنگره جهانی ائمه جمیع و جمیعات»، ۱۳۶۳/۲/۲۳.

صدر اسلام مسجد مرکز حرکات و جنبش بوده است».^(۱)

موارد فراوانی از این قبیل سخنان در کلام امام راحل^{علیه السلام} به چشم می‌خورد که مجال بحث می‌خواهد، برای نمونه دو مورد دیگر از فرمایش‌های حضرت امام^{علیه السلام} بیان می‌شود:

«مسیحیون خیال نکنند که اسلام هم، مسجد هم، مثل کلیساست. مسجد وقتی در آن نماز برپا می‌شده است، تکلیف معین می‌کرده‌اند؛ جنگ‌ها از آن شالوده‌اش ریخته می‌شده است، تدبیر ممالک از مسجد، شالوده‌اش ریخته می‌شده است. مسجد مثل کلیسا نیست.

کلیسا یک رابطه فردی ما بین افراد و خدای تبارک و تعالی - علی زعمهم - است، لکن مسجد مسلمین در زمان رسول خدا^{علیه السلام} و در زمان خلفایی که بودند... مسجد مرکز سیاست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبه جمعه مطالب سیاسی، مطالب مربوط به جنگ‌ها، مربوط به سیاست مدون، این‌ها همه در مسجد درست می‌شده است. شالوده‌اش در مسجد ریخته می‌شده است، در زمان رسول خدا^{علیه السلام} و در زمان دیگران و در زمان حضرت امیر^{علیه السلام}.^(۲)

«ما یک چنین سلطانی دیده‌ایم که چراغ را خاموش می‌کند که آن چراغ به قدر دو دقیقه که با این شخص می‌خواهد

۱. همان: ج ۶، ص ۴۹: «بیانات امام در جمع اعضای هیئت نمایندگی عالی رتبه روحانی عربستان سعودی»، ۱/۲۰۵۸.

۲. همان: ج ۱، ص ۶۴: «بیانات امام در مورد وظایف و مسئولیت‌های رؤسا و سلاطین دول اسلامی و علمای اسلام».

صحبت عادی بکند، صحبت رفاقتی مثلاً بکند، این دیگر روشن نباشد؛ خودش هم دستگاه و بارگاهش این مسجد است؛ توی این مسجد می‌آید می‌نشیند، همه می‌آیند حرف‌هایشان را به او می‌زنند؛ از مسجد هم لشکر درست می‌کند و می‌فرستد به این طرف و آن طرف».^(۱)

از مجموع بیانات و فرمایش‌های امام راحل ره درمی‌یابیم که در صدر اسلام مسجد مرکز تصمیم‌گیری فرماندهی و اعزام نیرو به جنگ بوده و اصول سیاست اسلام و تصمیمات مهم حکومتی و سیاسی با تجمع در مساجد و مشورت و همافکری با مسلمانان گرفته می‌شده است.

مسجد در رژیم طاغوت

از جمله ترفندهای استعمار برای محو اسلام، خاموش کردن چراغ و رونق مساجد بوده است، این حیله خائنانه در رژیم‌های گذشته تا حد زیادی مؤثر افتاد و دولت‌های حاکم نیز در بسیاری موارد از این ترفند خائنانه استقبال کردند.

یکی از موضوعاتی که حضرت امام ره به کرات به آن اشاره کرده‌اند، همین وضع اسفبار مساجد در رژیم‌های گذشته بوده است:

«اسلام منزوی در مساجد بود؛ با اسم اسلام، اسلام را منزوی کردند؛ در چهار دیوار مساجد، مساجد بی تحرک. این مسجد‌الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم علیه السلام مرکز جنگ‌ها و مرکز سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. این طور نبوده است که در مسجد پیغمبر علیه السلام همان مسائل

۱. همان: ج ۲، ص ۲۳۵: «بیانات امام در مورد ابعاد سیاسی عبادی احکام اسلام و کیفیت حکومت اسلامی»، ۱۳۵۸/۸/۶.

عبدی نماز و روزه باشد، مسائل سیاسی‌اش بیشتر بوده.

هر وقت می‌خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را بسیج کنند
مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می‌کردند این امور را».

«مع الاسف در دنبال تبلیغات از صدر اسلام یعنی بعد از
یک مدتی تا زمان ما مساجد یک مساجدی شده بود که اسلام
در آنجا محکوم می‌شد؛ محکوم کردن اسلام به این نیست که
کسی بگوید: من اسلام را محکوم می‌کنم. محکوم کردن اسلام
به این است که از چیزی که اسلام می‌خواهد، در مسجد زیر پا
گذاشته شود». ^(۱)

حضرت امام خمینی ره در یکی از سخنرانی‌های سال ۴۳ که درباره
نقش‌های استعمار برای غارت ممالک اسلامی ایراد کردند، در باره سران رژیم
منحوس پهلوی فرمودند:

«آنجا (غرب) رؤسای بزر جمهور یکشنبه می‌روند آن
طوری که گفته می‌شود سراغ مراسم مذهبی‌شان؛ اینجا شما
یک نفر از این‌ها را توی مسجد می‌بینید؟ بله، گاهی وقت‌ها
پدرش می‌میرد، برادرش می‌میرد، چه می‌شود یک عبوری هم
از اینجا می‌کند یا تمسخر و کذا، اما مسجد نیست این که در
نماز (سلطین ما) حاضر می‌شوند». ^(۲)

«مع الاسف تبلیغات زیادی که شاید از ۳۰۰ سال پیش شده

۱. همان: ج ۱۸، صص ۶۷ - ۶۸ : «بیانات امام در دیدار با نماینده امام و سرپرست حجاج
ایرانی و روحانیون کاروان‌های حج»، ۱۳۶۲/۵/۲۶.

۲. همان: ج ۱، ص ۹۲ : «بیانات امام در مورد نقشه‌های استعمار برای غارت
ممالک اسلامی»، ۱۳۴۳/۶/۱۸ .

است، یعنی از آن وقتی که غرب به اینجا راه پیدا کرده و مطالعات در حال مردم مشرق عموماً کرده‌اند و رسیدگی به اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و اخلاقی مردم شرق آنها کرده‌اند. همه این‌ها را مطالعه کردند و به آن نتیجه رسیدند که مسجد و محراب را و دانشگاه را باید به یک وضعی درست کرد که نتیجه نداشته باشد. یعنی آن نتیجه‌ای که از مسجد و محراب و منبر و از دانشگاه باید حاصل بشود ختنی کنند، چه بکنند، مأمورشان که رضاخان آمد و شاید (اگر) شما یادتان نباشد که چه کرد. تمام منابر تعطیل شد، تمام مساجد نیمه تعطیل، تمام مجالس روضه خوانی همه از بین رفت...».^(۱)

حضرت امام ره در جایی دیگر فرمودند:

«ما که هنوز شاهد صدمات جانکاه شاه به اسلام بزر و کشورهای اسلامی هستیم، جشنی نداریم. ما که در هر فرصت مدارس و مساجد و دانشگاه‌هایمان مورد هجوم مأمورین شاه است، چطور ممکن است چراغانی کنیم». ^(۲)

با توجه به سخنان بنیانگذار جمهوری اسلامی، منظور رژیم گذشته این بوده است که مساجد را از رونق بیندازند و جوانان را که نیروی انسانی فعال جامعه اسلامی هستند، از مساجد به محافل فساد و بی‌بند و باری بکشانند و مسجد را به محل عبادت یک مشت پیرمرد و پیرزن اختصاص دهند، اما سیاست مدبرانه

۱. همان: ج ۷، ص ۱۲۷: «بیانات امام در دیدار با جامعه و عاظ تهران»، ۱۳۵۸/۳/۲۶.

۲. همان: ج ۲، ص ۷۹: «پیام امام به امت مسلمان ایران در خصوص اعیاد مذهبی»، ۱۳۵۷/۴/۱۲

رهبر کیم انقلاب حضرت امام خمینی رض به گونه‌ای بود که هرگاه احساس خطری برای اسلام می‌کرد، صریحاً با اعلام خطر خود، مردم را از حیله و مکر دشمنان اسلام آگاه می‌ساخت که نمونه بارز آن در سخنان اخیر الذکر ایشان راجع به اعیاد مذهبی و لزوم تداوم نهضت و هوشیاری ملت در برابر مردم فریب‌های شاه خائن دیده می‌شد.

مسجد به مثابه سنگر

از همان ابتدا، حضرت امام به این نکته عنایت داشتند که مسجد در اسلام یک سنگر است و به مسجد باید به عنوان یک سنگر توجه و عنایت داشت، سنگر محلی است که نیروهای انسانی را از شیوخون و حمله دشمن درمان نگه می‌دارد و نیز در سنگر باید نیروها را تجهیز کرد تا برای حمله سنگین به دشمن آماده شوند. از این رو نقش مسجد فقط یک تهاجم علیه استبداد و فساد و بی‌بند و باری و این قبیل توطئه‌ها را پی‌ریزی کرد.

حضرت امام رض در سال ۴۷ در نامه‌ای خطاب به شهید حجت‌الاسلام «سعیدی» می‌فرمایند:

«در هر صورت سنگرها را حتی‌الامکان نباید از دست داد». ^(۱)

ایشان در پیامی خطاب به ملت ایران ابراز داشتند:

«مساجد و محافل دینیه را که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هر چه بیشتر گرم و مجهز نگه دارید». ^(۲)

۱. همان: ج ۱، ص ۱۴۸: «نامه امام خطاب به حجت‌الاسلام شهید سعیدی».

۲. همان: ج ۱، ص ۱۹۰: «پیام امام به ملت ایران»، ۱۳۵۱/۶/۲۰.

حضرت امام ره در جمع روحانیون تهران فرمودند:

«این مساجدها را سنگر قرار بدهید برای اسلام.
در صدر اسلام از این مساجدها همه چیز بیرون می‌رفت.
مسجد محل قضاوت بود. مسجد محل چه بود، مسجد محل
بسیج بود، بسیج سپاه بود؛ این مساجدها را شما باید محکم
نگه دارید، و این مساجد سنگرهای اسلام است. محراب،
محل حرب است؛ این‌ها سنگرند برای اسلام حفظ کنید
اینها را». ^(۱)

و در جمع طبقات دیگر مردم فرمودند:

«این‌ها از مسجد بد دیدند خصوصاً در این دو سه سال اخیر؛
در این دو سه سال اخیر مسجد یک محلی بود که مردم را
به نهضت و به قیام بر ضد ظلم تهییج می‌کرد؛ این‌ها می‌خواهند
این سنگر را بگیرند». ^(۲)

حضرت امام ره همین سفارش را به دانشجویان کرده‌اند:

«اینها از مسجد می‌ترسند... شما دانشگاهی‌ها،
شما دانشجویان، همه‌تان مساجد را بروید پر کنید،
سنگر هست اینجا، سنگرهای را باید پر کرد». ^(۳)

۱. همان: ج ۱۵، ص ۵۸: «بیانات امام در جمع روحانیون تهران»، ۱۳۶۰/۴/۱۰.

۲. همان: ج ۱۳، ص ۱۷۷: «بیانات امام در جمع اقشار مختلف مردم قم»، ۱۳۵۹/۸/۲۷.

۳. همان: ج ۱۳، ص ۱۷۷: «بیانات امام در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات و معارف اسلامی»، ۱۳۵۹/۳/۱۴.

مسجد محل تربیت

«این مساجد باید مرکز تربیت صحیح باشد، و مساجد بحمدللہ اکثراً این طوری است. اشخاصی که در مسجد می‌روند، باید تربیت بشوند، تربیت‌های اسلامی مساجد را خالی نگذارید؛ آنهایی که می‌خواهند نقشه بکشند و شما را دور کنند از مساجد، دور کنند از مراکز تعلیم و تربیت، آنها دشمن‌های شما هستند.

باید در ماه مبارک رمضان تربیت و تعلیم به تمام معنا در همه بعدهایش در مساجد باشد، در محافل دیگر باشد؛ مساجد را خالی نگذارید... انقلاب از مساجد پیدا می‌شود؛ از مساجد این طور امور تحقق پیدا می‌کند. هم دانشگاه‌ها را حفظ کنید، هم مساجد را حفظ کنید، منافات با هم ندارند.

دانشگاهی باشید، مسجد هم بروید، مساجد را هم تعمیر کنید، مساجد را هم آباد کنید از رفتن خودتان». ^(۱)

لزوم توجه به جماعت

بدیهی می‌نماید که اهمیت مسجد از این لحاظ است که جماعتی در آن تشکیل می‌شود و همه کارهای آنان در مسجد صورت می‌پذیرد؛ یعنی در کنار نماز جماعت رسیدگی به دیگر امور نیز به صورت جماعت صورت می‌پذیرد،

پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرمودند:

«يد الله مع الجماعه».

«دست خدا همراه جماعت است».

۱. همان: ج ۱۲، ص ۲۱۷ - ۲۱۸؛ «بیانات امام در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور و استانداری‌ها و رؤسای آموزش و پژوهش سراسر کشور». ۱۳۵۹/۱۰/۱.

«نماز را در جماعت بخوانید، اجتماع باید باشد».^(۱)

«اجتماعاتتان را حفظ کنید. مساجدتان را محاکم نگه دارید».^(۲)

«اجتماع کنید نمازهای جمعه را با شکوه بجا آورید و نمازهای غیر جمعه را هم که شیطانها از نماز می‌ترسند، از مسجد هم می‌ترسند».^(۳)

«مع الاسف، ما استفاده نتوانستیم بکنیم از این اجتماعاتمان، نه از آن اجتماعات بزرگمان و نه از این اجتماعات کوچکمان؛ این برای این بود که تبلیغات اسباب این شده بود که مسجدی‌ها را در آن مسجد محصور کرده بود؛ مسجد مرکز تبلیغ است؛ در صدر اسلام از همین مسجدها جیش‌ها، ارتش‌ها راه می‌افتد. مرکز تبلیغ احکام سیاسی و اسلامی بوده هر وقت یک گرفتاری را طرح می‌کردند، صدا می‌کردند که «الصلة مع الجماعة»، اجتماع می‌کردند، این گرفتاری را طرح می‌کردند، صحبتها را می‌کردند مسجد مرکز اجتماع سیاسی است و از یک قدری وسعتش زیادتر می‌شود نماز جمعه باید در هر فرصت و برای هر حادثه،

۱. همان: ج ۱۲، ص ۱۴۸: «بيانات امام در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات و معارف اسلامی»، ۱۳۵۹/۳/۱۴.

۲. همان: ج ۱۲، ص ۱۴۹: «بيانات امام در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات»، ۱۳۵۹/۳/۱۴.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۹: «بيانات امام در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات»، ۱۳۵۹/۳/۱۴.

اجتماعات خود را هر چه بیشتر در مساجد و محافل
و فضاهای باز عمومی برپا نمایید، و از قرآن کریم و عدالت
اسلامی دفاع کنید».^(۱)

حضور در مساجد

با توجه به مجموع سخنان پیامبرگونه امام راحل^{ره} در مورد نقش مهم
و سرنوشت‌ساز مساجد در جامعه اسلامی، بجاست در بخش آخر این بحث
به سفارشات و نصایح امام راحل عظیم الشأن^{ره} توجه کنیم و در ضمن،
مسائل ضروری قابل طرح در مساجد را از کلام ایشان بشنویم.

«این مساجد است که این بساط را درست کرد، این مساجد
است که نهضت را درست کرد؛ در عهد رسول الله^{علیه السلام}
هم و بعد از آن هم، تا مدت‌ها مسجد مرکز اجتماع سیاسی
بود؛ مرکز تجویش جیوش بود. محراب یعنی مکان حرب،
مکان جنگ، هم جنگ با شیطان و هم جنگ با طاغوت.
از محراب‌ها باید جنگ پیدا شود، چنانچه بیشتر، از محراب‌ها
و از مسجدها پیدا می‌شد».

«ای ملت، مساجدهای خودتان را حفظ کنید.
ای روشنفکران، مساجدها را حفظ کنید، روشنفکر غربی
نباشید، روشن‌فکر وارداتی نباشید؛ ای حقوقدان‌ها مساجدها
را حفظ کنید؛ بروید به مسجد... تا این نهضت به شمر برسد،

۱. همان: ج ۲، ص ۹۸ «پیام امام به ملت شریف ایران و دعوت به تداوم نهضت».

. ۱۳۵۷/۶/۱۵

مملکت شما نجات پیدا کند».^(۱)

امام راحل در سال ۵۷ فرمودند:

«گویندگان محترم در مجتمع و مساجد وظیفه دارند که مصایب واردہ بر ملت ایران را در این ۵۰ سال سلطنت پهلوی، خصوصاً در این چند ماه اخیر و کشتار اخیر شهر مقدس مشهد در جوار حضرت ثامن‌الائمه علیه السلام و در رفسنجان به سمع مردم برسانند و آنان را از مسائلی که مفید برای اسلام و مصالح مسلمین است، آگاه گردانند».^(۲)

ایشان در سال ۵۲ یعنی در اوج اختناق رژیم مستمساهی ابراز داشتند:

«وظیفه علمای اعلام و مبلغین است که جرائم اسرائیل را در مساجد و محافل دینی به مردم گوشزد کنند».^(۳)

این تأکید و سفارش فقط مخصوص دوران قبل از انقلاب نبود، بلکه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نیز به آن سفارش می‌کردند؛ به طوری که در فرازی از پیام برائت به زائران بیت‌الله‌الحرام در سال ۶۶ چنین فرمودند:

«مسجد بهترین سنگرها و جمیع و جماعات مناسب‌ترین میدان تشكیل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند؛ امروز دولت‌ها و سرسپرده‌گان ابرقدرت‌ها اگرچه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته‌اند و همچون دولت هند مسلمانان بی‌گناه و بی‌پناه

۱. همان: ج ۷، ص ۵۸ «بيانات امام به مناسب سالگرد ۱۵ خرداد»، ۱۳۵۸/۳/۱۵.

۲. همان: ج ۲، ص ۸۴ «پیام امام به ملت ایران در مورد لزوم تداوم نهضت و هوشیاری ملت در برابر مردم فریب‌های شاه»، ۱۳۵۷/۵/۵.

۳. همان مأخذ: ج ۱، ص ۲۰۷، ۲۰۷/۶/۲۲۳.

آزاده را قتل عام می‌کنند، ولی هرگز جرئت و قدرت تعطیل مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند و نور عشق و معرفت میلیون‌ها مسلمان را نمی‌توانند خاموش کنند. در عین حال اگر آنان مساجد و محافل مذهبی و سیاسی علمای اسلام را به تعطیلی بکشانند و حتی علمای اسلام را در ملأاعام به دار کشند، خود، دلیل مظلومیت اسلام و موجب توجه بیشتر مسلمانان به روحانیت و پیروی از آنان می‌شود».^(۱)

سخن را با دو فراز دیگر از سخنان گهربار آن امام عظیم القدر^{ره} به پایان می‌بریم، با اذعان به این نکته که آنچه اشاره شد مجموع بیانات حضرت امام^{ره} درباره مساجد نبود، حتی اگر بتوانیم همه مواردی که آن حضرت درباره مساجد و اهمیت آن فرموده‌اند بازگو کنیم، از بیان توجهات قلبی و عنایات ذهنی و فکری ایشان عاجز و قاصریم.

«من امیدواریم که همه آقایان در این ماه مبارک همتستان را صرف کنند به اینکه مردم را مهیا نگه دارند و مردم را مجهز نگه دارند، اسلام را با دست مردم نگه دارید و خودتان هم در مساجد، در منابر، مردم را دعوت به صلاح بکنید، و دعوت به اینکه دنبال مسائل باشند و بگویید به آنها که «فاستقم كما امرت و من تاب معك»، آنی که پیغمبر را نگران کرده است^(۲). مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود، این مساجد بود که این پیروزی را با رأی ملت ما درست کرد؛

۱. همان مأخذ: ج ۲، ص ۱۲۷، ۱۳۶۶/۵/۶.

۲. همان مأخذ: ج ۱۸، ص ۲۱، ۱۳۶۲/۳/۲۱.

این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند؛ این طور نباشد که خیال کنند که حال ما دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؛ پیروزی ما برای اداره مسجد است، مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است، بسط فقه اسلامی است و آن مساجد است. این‌ها را خالی نگذارید. این یک توطئه است که می‌خواهند مساجدها را کم کم خالی کنند... اینکه می‌آیند مساجدها را می‌خواهند خلوت کنند و بیچاره جوان‌ها و متدينین ما هم اشتباهًا به خطای روند، این است که مساجدها کم کم امسال یک قدری ماه رمضانش کمتر باشد، سال دیگر یک خرد کمتر، بعد از ده سال، پانزده سال دیگر چه بشود. آنها عجله ندارند، به تدریج هر چه شد؛ شما باید هشیار باشید که مساجدهایتان و محراب‌هایتان و منبرهای تان را حفظ کنید و بیشتر از سابق، شمایی که این معجزه را از مسجد دیدید که هم قدر تها را در هم شکست... نباید سستی کنید... مساجدها را محکم نگه دارید و پرجمعیت کنید.

من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان‌ها، حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به او وابسته است^(۱).

۱. همان مأخذ: ج ۱۲، صص ۳۳۰-۳۳۴، ۱۳۵۹/۴/۲۰.

بخش دوم

نقش مساجد در جوامع

- ۱ - نقش مسجد در تاریخ
- ۲ - نقش مسجد در فرهنگ اسلام
- ۳ - مرکز سازماندهی نهضت‌های جهانی اسلام
- ۴ - نقش مساجد در انقلاب اسلامی
- ۵ - نقش مساجد در توسعه

۱- نقش مسجد در تاریخ

اولین مسجد در تاریخ اسلام

ظهر روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول، رسول خدا^{علیه السلام} با همراهان خود به قبا - که واحه‌ای نزدیک مدینه است - وارد شدند، چهار روز در آنجا ماندند و مسجد قبا را بنیان نهادند.

هنگام ورود ایشان به مدینه، هر یک از بزرگان قبیله از پیامبر^{علیه السلام} دعوت کردند که در محله آنان فرود آیند و می‌گفتند: هر چه اسلحه، مردان جنگجو، مال و آذوقه بخواهی در دفاع از تو آماده است. حضرت^{علیه السلام} فرمودند: «شتر را رها و راه او را باز کنید، که او مأمور است».

شتر محله‌ها را یکی بعد از دیگری پشت سر نهاد تابه محله «بنی مالک بن نجار» رسید و در جایی که هم اکنون مسجد نبوی قرار دارد، زانو زد و خوابید.

زمین مزبور متعلق به دو کودک یتیم به نام‌های «سهل» و «سهیل» بود که تحت سرپرستی «معاذ بن عضرا»، در آن زمین، خرما خشک می‌کردند. شتر رسول خدا^{علیه السلام} در آن زمین خوابید، ولی آن حضرت پیاده نشدند، از این رو برخاست و چند قدمی برداشت، ولی مجدداً به پشت سر خود نگاه کرد به همان جای اول بازگشت، همانجا زانو زد، خوابید و گردن و سینه خود را نیز به زمین چسباند. در این وقت، رسول خدا^{علیه السلام} از شتر پیاده شدند و پرسیدند: «این زمین کیست؟» «معاذ بن عضرا» عرض کرد: «اینجا متعلق به فرزندان یتیم عمرو،

سه‌هل و سهیل است که تحت سرپرستی من هستند». من آن دو را راضی می‌کنم تا آن را به شما واگذار کنند و شما در اینجا مسجدی بنا کنید.

پس از جلب رضایت دو کودک، رسول خدا^{علی‌الله‌ السلام} دستور داد که در آنجا مسجدی بنا کنند و خود شخصاً دست به کار ساختن بنا شدند تا مسلمانان نیز ترغیب شوند؛ از همین رو، عموم مهاجر و انصار با کوشش فراوان در بنای مزبور شرکت جستند.

به این ترتیب، مکانی که در واقع پایه‌های اساسی حکومت اسلامی در آن بنیانگذاری شد و کانون فعالیت‌های مهم نهضت جهانی اسلام به شمار می‌رفت، تأسیس شد.

قداست مسجد

مسجد در نزد مسلمانان قداست خاصی دارد، تا آنجا که از جانب شرع مقدس اسلام، برای آن احکام ویژه‌ای صادر شده است.

نجس کردن زمین، سقف، بام و طرف داخل مسجد حرام است، هر کس بفهمد که نجس شده است، باید فوراً نجاست آن را بطرف کند.

تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ در آن مستحب است.

کسی که می‌خواهد به مسجد ببرود، مستحب است خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه و قیمتی بپوشد.

همچنین مستحب است پس از وارد شدن به مسجد دو رکعت نماز به قصد تحييت و احترام بخواند.

چنانکه دیده می‌شود، مسجد مکان مورد احترام مسلمانان است.^(۱)

۱. امام خمینی^{ره}، احکام مسجد: ص ۱۶۴، مسئله ۹۰۰، ۹۱۲ و ۹۱۳.

با تأملی در روایات، به اهمیت بنای مسجد از نظر شارع مقدس پی می‌بریم. احادیث فراوانی از طرق اهل‌بیت و اهل‌سنّت و سیره است که اهمیت فوق العاده این امر را نشان می‌دهد.

در نتیجه این توصیه‌ها، مسلمانان شروع به ساختن مساجد در سراسر عالم اسلام کردند؛ به طوری که ساختن مسجد در خارج از حوزه شبه جزیره به سرعت انجام گرفت؛ چنان‌که مسجد بصره حدود سال ۱۴ هـ و مسجد کوفه در سال ۱۷ هـ بنا شد.^(۱)

سادگی و آراستگی مسجد

در زمان رسول اکرم ﷺ و خلفای صدر اسلام مساجد در نهایت سادگی بنا می‌شد؛ برای مثال، مسجد قبا در فضایی تقریباً مربعی شکل و با اضلاعی حدود ۷ متر، با خشت و سنگ لاشه ساخته می‌شد؛ در وسط آن نیز تنۀ درخت نخلی قرار داشت که پایه‌ای برای پوشش مسجد با شاخه و بر نخل می‌بود.^(۲)

بعد از آنکه امویان زمام امور را در دست گرفتند و حکومت موروثی، فاسد و تجمل خواه خود را مستقر و پایتخت را از مدینه به دمشق منتقل کردند، آنان تحت تأثیر فرهنگ «بیزانس»، به ساختن بناهای مجلل اقدام و آدات و رسوم گذشته را تجدید بنا کردند؛ برای نمونه می‌توان از «ولید بن عبدالملک» نام برد^(۳). او پیش از همه به توسعه بناهای تجملی مانند «مسجد مکه»، «مسجد مدینه» و بنای آثار جدید توجه داشت. اولین و مهم‌ترین این آثار، «مسجد دمشق» است که با هزینه زیاد و شکوه فراوانی ساخته و آراسته شد.

۱. سعیدی رضوانی، عباس، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی.

۲. سلطان زاده، حسین، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران: ص ۱۸۸.

۳. همان مأخذ: ص ۱۸۹.

درباره هزینه آن گفته‌اند که خراج هفت سال بلاد اسلامی را صرف آن کرد، در پایان کار نیز دفترهای صورتحساب و مخارج را بار ۱۸ شتر کردند و نزد او بردن؛ همچنین بنای این مسجد، مدت نه سال - که هر روز ۹ هزار مرد به سنگ بریدن اشتغال داشتند - طول کشید.^(۱)

رشد ساخت مسجد بعد از صدر اسلام

مسجدسازی از همان سال‌های اول هجرت، رشد صعودی داشت؛ البته رشد و گسترش جغرافیایی مساجد به منزله تابعی از کیفیت اعتقادی، سیاسی و اجتماعی جوامع مسلمان در برابر زمان شمار می‌آید.

هرگاه وضع پیروان اسلام از نظر اعتقادی و اقتصادی به هنجار رود دولت به صورت باطنی یا ظاهری با گسترش اسلام موافق بوده است، مساجد از نظر کمی و کیفی در حال رشد بوده‌اند، به عکس، زمانی که دولتها سرستیز با اسلام داشته‌اند، در آغاز با ترفندهای بسیار، مانع از ایفای نقش مسجد می‌شدند و سپس از بن به برکنند آنها می‌پرداختند.^(۲)

اگر این مسئله که سلاطین جاه طلب برای استحکام بخشیدن و تداوم حکومت خود در جای جای دنیا، در ساختن مساجد باشکوه، اهتمام می‌ورزیدند و یا به سبب حفظ شئون سیاسی و اجتماعی خود دست به چنین کارهایی می‌زدند، بگذریم، باز هم تعداد مساجد قرن‌های اولیه اسلام نشانده‌نده اهتمام بسیار زیاد مسلمانان به این امر بوده است.^(۳)

مسجد نبوی (اول هق)، مسجد جامع کوفه (۱۷ هق)، مسجد جامع قسطاط

۱. همان مأخذ: ص ۱۸۹.

۲. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی: ص ۵۱.

۳. همان مأخذ: صص ۵۱ و ۲۶.

(جامع عمر) (۲۱ هق)، مسجد جامع بصره (۱۴ هق)، مسجدالقصی و قبه الصخره در بیت المقدس، مسجد جامع فیروزان (۵۰ هق)، مسجد اموی دمشق (۹۶ - ۸۸ هق)، مسجد جامع زیتونه در تونس (۱۱۴ هق)، مسجد جامع منصور در بغداد (۱۴۶ هق)، مسجد جامع اعظم در قرطبه (۱۷۰ هق)، مسجد جامع ابن طولون (۲۶۵ هق) و مسجد جامع الازهر (۳۶۱ هق) از جمله این نمونه‌های است.^(۱)

برخی از مؤرخان شمار مساجد قاهره را تا ۳۶ هزار، مساجد اسکندریه را تا ۱۲ هزار و بغداد را تا ۳ هزار در قرن‌های ۵ تا ۶ هق متذکر شده‌اند.^(۲)

طبق گفته یعقوبی، در قرن ۳ هق، تعداد مساجد در بغداد ۳ هزار باب بوده است.^(۳) چنانچه یاقوت حموی (۲۶۶ هق) تعداد مساجد بغداد را همان ۳ هزار بر شمرده است.^(۴)

گرچه حمله مغول به بلاد اسلامی موجب از بین رفتن آثار اسلامی، بویژه مسجد شد و به قول «ویل دورانت»:

«شهر زیبای ری با ۳۰۰ مسجد و کارگاه‌های سفال معروف
ویران شد و پس از دوران فترت و رکود، ساختن مساجد
باشکوه بیشتری توسط جانشینان چنگیز و تیمور از سر گرفته
شد که مسجد علی شاه (۷۱۱ - ۷۲۴ هق)، مسجد جامع
ورامین (۷۲۲ هق)، مسجد گوهرشاد (۸۲۱ هق)،

۱. غنچه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی: ترجمه نورالله کساوی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، صص ۶۱ و ۸۳.

۲. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی: ص ۳۶.

۳. داغ، محمد، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام: ص ۱۳۰.

۴. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی: ص ۳۷.

مسجد ۷۲ تن مشهد (۸۰۰ هق) از این جمله است».

اگرچه ممکن است ارقام آمده در تعداد مساجد کمی اغراق‌آمیز باشد، ولی به هر حال نشان دهنده فراوانی مساجد در این شهرهاست.^(۱)

ویژگی‌های مسجد

با توجه به مطالب پیش گفته این سؤال مطرح می‌شود که مسجد چگونه جایگاهی است که تا این حد شارع مقدس به آن توجه دارد با تعابیر مختلفی از آن تمجید شده است.

پیامبر ﷺ درباره آن فرمودند:

«سیاحت امت من در مساجد است».^(۲)

در پاسخ به این سؤال فعالیت‌های مختلفی که از همان اول بنای مسجد در اسلام به بعد مشاهده شد، اهمیت این مکان مقدس آشکار می‌شود.

در اینجا به اختصار نقش‌های مختلف مسجد در طول تاریخ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱ - خانه مردم

ابتداًی اذان و اقامه تا انجام نماز و سرانجام آن، نشان می‌دهد که اساس عبادت، بویژه نماز بر پایه جمع و جماعت است و بندۀ بهنگام راز و نیاز هم باید خود را میان جمع و جماعت ببیند، بنابراین هرگونه فردگرایی و مانند آن از نظر قرآن

۱. همان مأخذ: صص ۳۷ و ۳۸.

۲. تفسیر نمونه: ج ۸، ص ۱۵۱.

و اسلام مفاهیمی مردود شناخته می‌شود.^(۱)

اهمیت جماعت در اسلام به حدی است که پیامبر ﷺ اشاره دارد خانه کسانی را که بدون عذر شرعی در منزل هایشان نماز می‌خوانند و در جماعت مسلمانان شرکت نمی‌کنند، آتش بزنند.

۲ - پایگاه قضایی

در زمان رسول اکرم ﷺ، مسجد نقش عمده‌ای در امور قضایی داشت و بسیاری از مسائل حقوقی مردم با همت آن حضرت ﷺ در مسجد رسیدگی می‌شد.

در دوره خلفای راشدین این شیوه همچنان معمول بود، چنانکه در گوشه‌ای از مسجد کوفه، به نام «دکة القضا» حضرت علیؑ برای رسیدگی به کارهای حقوقی و قضایی مردم بر محکمه قضاوت می‌نشستند.

از آنجاکه در سرزمین‌های اسلامی داوری مبنایی داشت، و قضاوت مذهبی عهده‌دار این مهم بودند و تشکیلات خاص و مکان ممتازی بجز مسجد، برای قضاوت ضرورتی نداشت.

در دوره خلفای فاطمی، ساختمان ضمیمه شمال شرقی مسجد عمر برای سکونت قاضی‌القضات اختصاص یافت. روزهای شنبه و دوشنبه قاضی‌القضات در ملأاعام به قضاوت می‌پرداخت. در زمان یاقوت، قاضی‌القضات شهر بغداد نیز احکام قضایی اش در در مسجد صادر می‌کرد.

همچنین قاضی شهر دمشق در مسجد اموی رواق مخصوصی برای قضاوت

۱. تفسیر نمونه: ج ۱، ص ۴۴.

داشت. چنین روشی در بسیاری از شهرهای مهم کشورهای اسلامی معمول بود.^(۱)

۳- جایگاه حسبه

همان گونه که مسجد به منزله پایگاه قضایی مورد استفاده قرار می‌گرفت، جایگاه مناسبی برای حسبه - از دیدگاه سازمان‌های اداری جدید بخشی از وظایف شهرداری، شهربانی و دادستانی را در بر می‌گیرد - به شمار می‌آمد. برای مثال، محاسب در قاهره یک روز در میان و در یکی از دو مسجد جامع آن شهر، برای رسیدگی به امور شهری حضور می‌یافتد.^(۲)

۴- خانه خبر

مسجد، محل تجمع مردم، مرکزی برای اطلاع‌رسانی و پخش اخبار مهم، نقش ویژه‌ای را از زمان‌های گذشته تا حال ایفا کرده است که مصدق بارز آن در جریان انقلاب شکوهمند اسلامی ایران دیده شد. اصولاً دین مقدس اسلام از این جهت که به مناسبت‌های مختلف مردم را فرامی‌خواند، در میان ادیان دیگر برجستگی خاصی دارد.

اهمیت این مرکز، بویژه در زمان صدر اسلام که از جهت اطلاع‌رسانی فاقد رسانه‌های گروهی بود، اهمیت بسیاری داشت، زیرا در همین اجتماعات، رهبران دینی فرصت را مغتنم می‌شمرند و به مناسبت‌های گوناگون راهنمایی‌های لازم به اطلاع عموم می‌رسد.

هم‌اکنون نیز در بسیاری از کشورهای اسلامی مساجد از جهت پخش

۱. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی: صص ۴۰ و ۴۱.

۲. همان مأخذ، ص ۴۱.

خبرهای مربوط به جنبش‌های مردم و نهضت اسلامی نقش چشمگیری دارند.^(۱)

۵- محل رفع مشکلات

از زمان‌های گذشته، افراد ضعیف و کسانی که به نوعی مشکلات شخصی و اجتماعی داشتند، به مسجد مراجعه می‌کردند. در سیره حضرت رسول اکرم ﷺ می‌بینیم که مؤمنان برای رفع نیازشان، به حضرت روی می‌آورند، و آن حضرت نیز با بذل مساعدت‌های لازم، نیاز آنان را تا حد امکان برطرف می‌کردد؛ به این ترتیب، مسجد مکانی بود که می‌توانست محل ارتباط مستقیم رهبر و مردم باشد.^(۲)

۶- پایگاه جهاد و نهضت

در زمان رسول اکرم ﷺ، یکی از مهم‌ترین نقش‌های مسجد این بود که آن حضرت مقدمات فکری و بسیج عمومی مسلمانان را به منظور جهاد با کفار در آنجا تدارک می‌دید. عیناً همین نقش در جریان نهضت روحانیون شیعه به رهبری امام خمینی رهبر، در سال ۱۳۴۲ ش و پس از آن در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مشاهده شد. در کشورهای اسلامی همواره مساجد پایگاه نهضت‌های اسلامی علیه حکام جور و ستم پیشه مطرح بوده و هستند.^(۳)

هم‌اکنون در کشور اسلامی ایران مسجد در قالب پایگاه نیروهای بسیج مقاومت فعال است؛ در طول ۸ سال دفاع مقدس، مساجد به عنوان مکان‌های جذب نیروهای رزمی بسیجی و پشتیبانی و فعالیت‌های پشت جبهه، نقشی بسیار مؤثر و سرنوشت‌ساز ایفا کردن.

۱. همان مأخذ: صص ۴۱ و ۴۲.

۲. همان مأخذ: ص ۴۲.

۳. همان مأخذ: صص ۴۲ و ۴۳.

۷- مرکز آموزش

در اهمیت علم و آگاهی همین بس که یکی از اهداف بعثت پیامبر ﷺ تعلیم و تعلم بوده است.

روزی رسول اکرم ﷺ وارد مسجد شد و در آنجا با دو گروه مواجهه شد. در یک قسمت، مردم سرگرم علم‌آموزی و در قسمت دیگر مسجد دسته‌ای مشغول راز و نیاز با خدا بودند. پیغمبر ﷺ فرمودند:

«این دو نشست و گردهمایی با خیر و سعادت‌اند، زیرا گروه دوم خدا را می‌خوانند و گروه اول نیز سرگرم فراگیری بینش و دانش‌اند و می‌خواهند دانش و آگاهی دینی خود را از رهگذر تعلیم، به دیگران منتقل سازند. اما گروه اول بر گروه دوم مزیت دارند.

سپس، حضرت ﷺ در جمع گروهی که سرگرم دانش‌اندوزی و تعلیم بودند، نشست.^(۱)

پیامبر اسلام ﷺ نخستین کسی بود که سرگرم دانش‌اندوزی و تعلیم را برای کسب دانش، در یک حلقه گرد خود فراخواند.^(۲)

آموزش اسلامی با دعوت پیامبر ﷺ نخستین مربی و معلم مسلمانان و از مسجد که در واقع این پایگاه تعلیماتی بود، آغاز شد؛ مسجد که در عصر نبوت و دوره خلفای راشدین بنای بسیار ساده و ابتدایی داشت، مجمع نویسانی شد که برای حل و فصل مسائل جدید، در آن آمد و شد داشتند. اقامه نماز، استماع سخنان پیامبر ﷺ در باب آیاتی که وحی می‌شد، تبلیغ دین و ابلاغ احکام شرع، اعلان جنگ و جهاد و عقد صلح، تقسیم غنایم جنگی، ارسال نامه‌ها، تشییع جنازه و مسائلی از این قبیل که بیشتر آنها با هجرت رسول خدا به مدینه

۱. حاجتی، سید محمد باقر، آداب تعلیم و تعلم در اسلام: ۱۳۵۹ ش، ص ۵۵.

۲. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی: ص ۵۲.

جاری شد، «مسجد» در واقع کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و پایگاه اساسی‌ترین تعلیمات در تاریخ اسلامی به شمار رفته و می‌رود.^(۱)

تا روزگار خلیفه دوم که مرزهای اسلامی از حدود جزیره‌العرب فرا رفته بود، مراکز فعال تعلیمات اسلامی «مسجدالنبی» در مدینه و «مسجدالحرام» در مکه و گاه خانه اصحاب در آن دیار بود.

از اواخر دهه دوم هجری قمری و با افزایش چشمگیر دامنه فتوحات مسلمانان مرزهای اسلام از سوی شرق و غرب گسترش یافت و جمع کثیری به آین اسلام گرویدند که در زبان و نژاد، با اعراب مسلمان مغایرت داشتند. از این زمان، آموزش زبان عربی برای درک معانی آیات قرآن و تعالیم اسلام در سرزمین‌های فتح شده آغاز شد و آن دسته از اصحاب پیامبر و تابعان ایشان که دعوت به اسلام و تعلیم مبانی دین را بر حضور در صحنه‌های پیکار ترجیح می‌دادند، در مساجد نوبنیاد به آموزش پرداختند. این مساجد ابتدا در شهرهای کوفه، بصره، حیره و مدائن، بنیان شد و به دستور خلیفه دوم، برخی از صحابه رسول الله ﷺ مأمور اقامه نماز و آموزش قرآن و مسائل دین شدند.^(۲)

«عبدالله بن عباس» یکی از این اصحاب بود که در حیاط خانه کعبه می‌نشست و مردم وی را در میان می‌گرفتند و در تفسیر آیات قرآنی مسائلی را از وی می‌پرسیدند و مسلمانان از نقاط دوردست اسلام آهنج وی می‌کردند و از وی در باب حلال و حرام (دین خود) پرسش می‌کردند.^(۳)

از مشهورترین تابعان «ربیعة الرأی» بود که در مسجد نبوی نشست علمی داشت و افرادی نظیر «مالک بن انس» و «حسن بصری» و بزرگان مدینه بر وی وارد می‌شدند و بدین سان حلقة انبوهی (از طالبان مسائل دین و حدیث) گرد وی

۱. همان مأخذ: ص ۴.

۲. همان مأخذ: ص ۵.

۳. همان مأخذ: ص ۵۳.

تشکیل می شد.^(۱)

حسن بصری (۱۱۰ هق) در مسجد جامع بصره حلقه بزرگی از طالبان وعظ داشت و به تعلیم مردم می پرداخت.^(۲)

مراکز علمی و آموزشی شیعه در عصر اختناق حکام اموی و عباسی، خانه های ائمه و پیشوایان مذهب و یا مساجد بود. از آن بعد، مدفن امامان و اهل البيت از جمله نجف اشرف و شهرهای کاظمین و سامرًا در عراق، و شهرهای قم و مشهد در ایران، مرکز معارف و شیعی در دنیای اسلام شد.^(۳)

پس از پیروزی پردامنه اسلام و پراکنده شدن امت واحد عربی در اقطار دور دست جهان، و ایجاد پیوند با ملل غیرعرب از قبیل ایرانی، رومی، برب وغیره، مشکلاتی بروز کرد که پیش از آن سابقه نداشت. در نتیجه این پیوند ها علوم جدیدی جای خود را برای تدریس در مساجد باز کردند. از آنجا که عده های در بین عرب ها پیدا شده بودند که زبان عربی را بخوبی نمی دانستند و نیز عده های با رغبت کامل به سبب درک آیین جدید، با نزدیک شدن به دولت حاکم، اقدام به فراگیری زبان عربی نموده بودند، تشکیل کلاس های نحو و مطالعات لغوی مانند قواعد زبان را موجب شدند و دیری نگذشت که اصول نحو همچون یکی از رشته های علوم اسلامی در مسجد تدریس شد و بحث هایی در علم الهیات پدید آمد که نتیجه اش علم کلام بود.^(۴)

فاصله زمانی آغاز سده دوم تا پایان سده سوم هجری را به تقریب، می توان از درخشان ترین دوره های تعلیمات مسجدی دانست، زیرا دستاوردهای مسلمانان در مسائل مختلف علمی و ترقیات فکری در این دوره از تاریخ اسلام و نیز

۱. همان مأخذ: ص ۵۳.
۲. همان مأخذ: ص ۵۴.
۳. همان مأخذ: ص ۹.
۴. همان مأخذ: صص ۵۴ و ۵۵.

پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و عمرانی که پس از استیلای عباسیان به وجود آمد، تأثیر زیادی در هوشیاری و جنبش علمی در مساجد داشت.

توجه دقیق به اجتماعات و تشکیل جلسات علمی در مساجد بزر و مشهور آن زمان که با شرکت متفکران و دست اندکاران مسائل تعلیماتی در آن مراکز برپا می‌شد، دلایل آشکاری بر میزان پویایی و جنبش و باروری فکری و علمی فراوان در آن دوره از تاریخ اسلام است، چنانکه مسجد نبوی در مدینه به مجالس درس و بحث امام (پیشوای) درالهجر، یعنی «مالک بن انس اصحابی» (۹۵ - ۱۷۹ هق) صاحب الموطاء و مؤسس مذهب مالکی اختصاص داشت، و جامع فسطاط مخصوص به عالم قریش، ابوعبدالله محمد بن ادریس شافعی (۱۵۰ - ۲۰۴ هق) بود که خود شاگرد مالک و بنیانگذار مذهبی به نام خود وی بود. مجالس درسی کوفه و بغداد که وسیله ابوحنیفه نعمان بن ثابت (۱۵۰ هق) پیشوای اهل قیاس در فقه برپا می‌شد و نیز مجلس دیگری در بغداد که به استاد بزر اهل سنت، امام احمد بن حنبل شبیانی (۱۶۴ - ۲۴۱ هق) اختصاص داشت.^(۱)

با توجه به مطالب پیش گفته، مشخص می‌شود که مساجد تا پیش از پیدایش دارالحکمه، درالعلم و مدارس چه نقش مهمی در امر آموزش داشته و این کانون‌های فرهنگی چه تأثیر ارزنده‌ای در رشد و گسترش فرهنگ اسلامی از قرون اولیه تا بعد ایفا کرده‌اند.

امروزه، علی‌رغم هر یک از نقشهای مساجد، جایگاه خاصی در نظام حکومتی کشورهای اسلامی به خود اختصاص داده‌اند، قدمت زمانی نیز از ارزش این مکان مقدس نکاسته و همواره در طول تاریخ، زمینه‌ساز تحولات و دگرگونی‌های اساسی و فکری و فرهنگی بوده است.

۱. همان مأخذ: صص ۵۸ و ۵۹.

۲ - نقش مسجد در فرهنگ اسلام

در اصطلاح روایی، تمام روی زمین، مسجد و سجده‌گاه انسان است.

رسول اکرم ﷺ فرمود:

«جعلت لى الارض مسجداً و طهوراً». ^(۱)

«زمین برای من سجده‌گاه و پاک کننده است».

«قاضی عیاض» گفته است مسجد بودن کل زمین از خصایص امت مسلمان است، زیرا امتهای پیشین جز در مکانی که یقین به طهارت و پاکی آن داشتند نمی‌توانستند در جای دیگر نماز بگذارند، لکن امت مسلمان در همه نقاط زمین می‌توانند نماز بگذارند، جز در مکان و جایی که به نجاست و نپاکی آن یقین و جزم داشته باشند. ^(۲)

«قرطبی» گفته است: مسجد و عبادتگاه بودن همه نقاط روی زمین،

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۴۲۲، مکتبة الاسلامیہ، تهران، ابوعبدالله، محمد بن اسماعیل؛ صحیح بخاری: ج ۱، ص ۹۱، دارحیاء التراث، بیروت.

۲. زرکشی، محمدبن عبدالله، اعلام الساجد باحکام المساجد: ص ۲۷، ۱۴۱۰ هـ، قاهره، البته این نکته از لحاظ طهارت و نجاست است و الٰ بقیه احکام مانند غصبی نبودن و امثال آن، همچنان به قوت خود باقی است.

از ویژگی‌های دوران رسول اکرم ﷺ است، زیرا پیامبران پیشین، فقط در صومعه‌ها و کلیسه‌ها می‌توانستند به عبادت بایستند و نماز بگذارند، لکن برای حضرت محمد ﷺ گستره زمین، مسجد بوده و آن حضرت در هر مکان که وقت نماز فرا می‌رسید، به نماز می‌ایستاد.^(۱)

واژه «مسجد» در عرف و اصطلاح مردم دنیا امروز، فقط بر معبد و مکان نماز مسلمانان اطلاق می‌شود، اما مراکز عبادی پیروان دیگر ادیان توحیدی با نام و عنوان دیگری مانند: صومعه، کلیسا، کنیسه، دیر و امثال آنها خوانده و شناخته می‌شوند. با وجود این، بر این نکته تأکید است که در بنیان اعتقادی و فکری و عملی اسلام هر چند عبادات و فرایض یومیه و جز آنها وقتی معین دارند و برگزاری آنها در مساجد، فضیلت و اجر و پاداش فراوان دارد، اما به طور کلی برای ارتباط با خداوند هستی و ادای نماز و دعا و نیایش به درگاه الهی مکان و زمان خاصی لازم نیست، بلکه انسانی که خود را بنده مطیع در برابر خدا می‌داند، همه جا و همه وقت به دنبال رضای پروردگار و در پی طاعت و فرمانبرداری حضرت حق تعالی است انسان مؤمن و پارسا همواره برای تحصیل رضای الهی تلاش و جهاد می‌کند و با گام سپردن در مسیر کمال مطلوب و ممکن انسانی، عمر خود را سپری می‌سازد.

شاهد این سخن حدیث نبوی است:

«جعلت لى الارض مسجداً و ترابها طهورا اينما ادركتنى
الصلوة صليت». ^(۲)

«زمین برای من سجده گاه و خاکش پاک کننده است؛ هر کجا وقت نماز فرا رسید همانجا به نماز می‌ایستیم».

۱. همان مأخذ.

۲. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۴۲۳.

اما در بسیاری از ادیان، عرف و رسم چنان است که نماز و نیایش و پرستش، و به طور کلی ارتباط با خدا را فقط در صومعه و کلیسا و یا اماکن مشابه میسر می‌دانند و در جایها و وقت‌های دیگر ارتباط انسان با خدا قطع است، که همین مسئله حالت عبودیت و تسليم در برابر حق تعالی را از بین می‌برد؛ گویی افراد بشر در اماکن و اوقات عادی، یله و رها و از سیطره و قدرت پروردگار متعال خارج‌اند.

این پندار، افزون بر آنکه از عبادت و پرستش و نماز، مفهومی خشک و بی‌جان عرضه می‌کند، انسان در بیشتر اوقات و اماکن زندگی، موجودی بسیار قید و یله‌ورها از قیود عبودیت و بندگی خدا قلمداد می‌کند و از او برای خود او و دیگر همنوعانش عنصری خطرناک می‌سازد.

پس، با آنکه در آیین مقدس اسلام برای نماز، دعا، نیایش و پرستش خدا، جا و مکان خاصی ضرورت ندارد و همه جا پرستشگاه، و همه زمان‌ها وقت ارتباط و پیوند با خالق یکتاست، لکن مسجد با مفهوم مقدس و معنای والای خود در فرهنگ اسلامی جایگاهی خاص دارد و در قرآن کریم و احادیث نبوی و روایات مخصوصین، نکات آموزنده و اساسی در آن باره وارد شده است.

مسجد، همانند ستاد مقدسی است برای تعلیم و تربیت شایسته. مسجد، سنگری است برای ترویج اسلام و دفاع از حریم عقیده و ایدئولوژی حق. مسجد، آموزشگاهی است برای یادگیری اصول عبودیت و بندگی و مهدی است برای آموزش راه و رسم صحیح زندگی اجتماعی فردی. مسجد، دانشگاه انسان‌ساز و بستری است برای تربیت عنصر صالح انسانی. مسجد، پایگاه یکتاپرستی، و مکانی است برای ایجاد زمینه وحدت و یکپارچگی جامعه موحد و یکتاپرست. مسجد خانه ارشاد و هدایت است و نهاد تحکیم بخش روابط عقیدتی و عاطفی آحاد انسان و سرانجام، مسجد، مکانی است برای تمرین و ممارست خلق و خوی و رفتار و کردار پسندیده انسانی و محل مناسبی است برای پیاده کردن و عملی ساختن ارزش‌های والای اخلاقی و رفتاری در ابعاد گوناگون زندگانی و سکوی پرواز

است به ملکوت، پس از خودسازی فردی و اجتماعی:

﴿فِيهِ رَجَالٌ يَحْبُّونَ إِنْ يَتَطَهَّرُوا﴾.^(۱)

«در مسجد تأسیس شده، بر اساس تقوا و پارسایی، مردمانی هستند که دوست می‌دارند پاک و پاکیزه باشند و خداوند پاکان و پاکیزگان را دوست می‌دارد».

بنابراین، مسجد تنها مکان عبادت‌های رمزی و نیایش و پرستش‌های ویژه نیست، بلکه در عین مرکزی عبادی بودن، محل خاص فرهنگی و تحقق آرمان‌های والای انسانی است.

مسجد پایگاهی است فرهنگی که انسان موحد و مسلمان در آنجا در ابعاد مختلف حیات فردی و در مسائل سیاسی، اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، و حتی نظامی و دفاعی و دیگر ابعاد حیات سالم بشری، آموزش می‌بیند، آن هم آموزش‌های اولی و پایه‌ای که برآساس آن پرورده می‌شود، می‌بالد، مجال ورود به عرصه پرچنجال زندگی را پیدا می‌کند و با سلاح تقوا و پارسایی به معنای کامل و صحیح کلمه و با نوعی مصونیت فکری و عقیدتی و با پیراستگی و وارستگی‌های لازم با اشتغال در هر سمت و مقامی در صراط مستقیم تکامل انسانی قرار می‌گیرد.

این سخن مورد اتفاق همگان است که مسجد در قرون نخستین اسلامی با این خصوصیت و ویژگی بوده است؛ در بینش مکتب اسلام عبادت، سیاست، اقتصاد، اجتماع، اخلاق، علم، فرهنگ، جنگ و دفاع و دهها مقوله دیگر - که شکل دهنده زندگانی در بعد کامل انسانی هستند - امور به هم پیوسته‌اند و طرح تنها یکی از آنها نارساست و فرهنگی ویرانگر به بار خواهد آورد. هر اسلام‌شناس محقق و ژرفاندیش، باید به این حقیقت اعتراف کند و در ارتباط تنگاتنگ مقوله‌های یاد

شده نباید شک و تردید به خود راه دهد، زیرا آن مجموعه به هم پیوسته، فرهنگ الهی و شریعت ناب اسلامی و آیین محمدی ﷺ را تشکیل می‌دهد.

البته در زمان‌های بعد، بر اثر غفلت مسلمانان و شیطنت و ترفند دشمنان اسلام وضع، دگرگون شد و هم اکنون استکبار جهانی در سیزی بی امان با فرهنگ اصیل اسلامی است. آنان وحشت زده و شتابزده با عنوان مبارزه با بنیادگرایی به میدان آمده و دست آموزان داخلی و خارجی خود را برای این پیکار و هجوم فرهنگی بسیج کرده‌اند، این به اصطلاح «بنیادگرایی» و جهاد و تلاش بر پایه اصول شناخته شده که جهانخواران و عاملان خود فروخته آنان را سخت عصیانی کرده همان است که از مساجد نشأت گرفته است.

«سرتوماس آرنولد» می‌نویسد: «مسجد تنها یک عبادتگاه نبوده، بلکه مرکزی برای حیات سیاسی - اجتماعی بوده است. پیامبر ﷺ سفیران را در مسجد به حضور می‌پذیرفت، شؤون دولت را از مسجد اداره می‌کرد و برای مردم در امور سیاسی و دینی از فراز منبر پیام می‌فرستاد.^(۱)

سوگمندانه باید اعتراف کرد که اندیشه باطل تفکیک دین از سیاست، تصویر واهی جدایی عبادت و بندگی خدا از مسائل معمولی زندگانی، سرآغاز دوره انحطاط در محیط‌های کشورهای اسلامی، بلکه در سطح جهانی به شمار می‌رود، زیرا در عین حال که مستکبران و جهانخواران عملاً در همه مسائل و شؤون حیات مردم جهان مداخله می‌کنند و در عملکرد ایشان تمام مسائل به یکدیگر مربوط است، لکن برای دیگران و بخصوص پیروان صدیق پیامبران و بالاخص برای مسلمانان جهان، چنین حقی را نمی‌شناسند و در نتیجه آشتفگی فرهنگی و هرج و مرج عملی شگفت‌آوری در دنیا ایجاد کرده‌اند.

به نظر می‌رسد اگر همزمان با پیشرفت مادی که نصیب بشر امروز شده است،

۱. دکتر حسن ابراهیم حسن، *تاریخ الاسلام*: ۱/۳، ۵، دارالحياء للتراث العربي، بيروت.

در بُعد روحانی و معنوی هم واقع‌نگری و حقیقت‌گرایی وجود می‌داشت و به کل مسائل به دیده انصاف نگریسته می‌شد و تعصب باطل و خودکاملی ویرانگر حاکم نمی‌بود، براستی چهره زندگانی در جهان در هر دو بعد مادی و معنوی، دگرگون می‌شد و زندگی برای همه ملت‌ها و آحاد بشر، لذتی خاص می‌یافت.

به اعتراف تحلیل‌گران تاریخ - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - مسجد پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ نیز با شؤون حکومت و دولت و مدیریت اجتماعی توأم بوده است، خلیفه دوم از فراز منبر دستور عقب‌نشینی مسلمانان را از عراق صادر کرد و از همان موضع و جایگاه مقدس حرکت و فتح بلاد را فرمان داد.^(۱)

بدون تردید این معنا از جنبه‌های مثبت و مفید حکومت‌های پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ است، و قطع نظر از نقاط منفی حکومت‌های خلافت شعار که اندک هم نبوده و زمینه‌های انحطاط و غلتیدن در سراشیبی دیکتاتوری و سفاکی و سلطنت‌های کاملاً دنیوی را فراهم آورده است، مرکزیت مسجد در حکومت‌های قرون اولیه آثار مثبت و درخورد توجه‌ی داشته، که تدریجاً با استبداد و ستم پیشگی سلاطین جور اموی و اخلاف ایشان به بوته فراموشی سپرده شد و فرمانروایی مسجد به فرمانروایی کاخ‌های پرزرق و برق بدل شده است. مسجد بزرگترین آموزشگاه قرآن، حدیث، فقه، لغت، و دیگر علوم بوده و بیشترین مساجد در ابتدای تاریخ اسلامی مراکز نهضت‌های علمی و فرهنگی محسوب می‌شده‌اند. برخی مسلمانان تهی دست در صفة و سکوی مسجد النبی در مدینه به کسب دانش می‌پرداختند، آنجا محل سرپوشیده‌ای در شمال مسجد بوده که مسلمانان فقیر و بینوا در آن جا پناه می‌گرفته‌اند.

مسجد، علاوه بر اعتبار و شأن عبادی خود که خلیفه مسلمین در آنجا نماز به جماعت می‌گذارد، مرکز و مقر شؤون دولتی و حکومتی بود. منبر مسجد،

۱. همان مأخذ: ج ۱، ص ۵۲۴.

حکم تخت شاهی دوره‌های بعدی را در کشورهای غیراسلامی داشت که فراز آن، سیاست حکومت تبیین و خطبه‌ها ایراد می‌شد.

خلیفه - مانند پیامبر - سفرا را در مسجد به حضور می‌پذیرفت و قراردادهای مهم دولتی و جهانی مرتبط با مصالح عمومی، در مسجد منعقد می‌شد و از آن پس به اجراء درمی‌آمد.

مسجد مقر عالمان تفسیر و حدیث بود و اطفال مسلمین در آنجا دانش‌های مقدماتی و آداب و اصول می‌آموختند.

مسجد، جایگاه قاضیان و داوران مسلمان، و حتی برای عده‌ای از مظلومان پناهگاه سیاسی بود که احیاناً با التجای به آن از شر دشمن در امان بودند، یا حتی دشمنان را از پای درمی‌آوردند.

«مسجد الازهر» مصر در عهد خلفای فاطمی مرکز مهم فرهنگی و مجمع علمی دانشمندان، بویژه فقهای شیعه به شمار می‌رفت و هر چند در ابتدای امر، مسجدی ساده بود، لکن بعدها به صورت دانشگاهی درآمد که دانشجویان و طالبان علم از اطراف و اکتف جهان اسلام به آنجاروی می‌آوردند.

مسجد «قرویین فاس»، در نیمه قرن سوم هجری قمری تأسیس شد و سپس به یکی از مراکز مهم فرهنگی و علمی درآمد؛ فارغ‌التحصیلان این مسجد با تبعیری که در علوم و فنون مختلف داشتند به اقطار اسلامی سرازیر شدند.

مسجد «قرطبه»، اروپاییان را به خود جذب کرد و آنان را برای تحصیل دانش و کسب آگاهی بیشتر از اسلام به سوی خود کشید و عده‌کثیری از فقیهان، دانشمندان، شاعران، ادبیان، فلاسفه و مترجمان آثار از آن مساجد فارغ‌التحصیل شدند.

حوزه علمیه نجف اشرف به دست «شیخ الطایفه محمد بن حسن طوسی» در مسجد یا مساجد کنار حرم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام پایه گذاری شد

و این مرکز علمی، با سابقه‌ای هزار ساله، تاکنون فقهاء و دانشمندان برجسته‌ای به جامعه بشری تحويل داده که به اقرار و اعتراف برخی حقوق‌دانان معاصر و صاحب اثر، نظریه بعضی از فقهاء فارغ‌التحصیل آن حوزه مقدس بر نظریه مشهورترین دانشمندان و حقوق‌دان مغرب زمین در زمینه حقوق تطبیقی رجحان داشته و از عمق و دقت بیشتری برخوردار است.^(۱)

افزون بر بعد علمی، بعد سیاسی و مرکزیت مبارزاتی این حوزه شیعی - بسویژه در دو قرن اخیر - اظهر من الشّمس است. همچون رهبری نهضت ضدانگلیس استعمارگر در جنگ‌های عراق و رهبری نهضت مشروطیت ایران در دوره قاجار، و جنبش تباکو و سرانجام قیام اسلامی و حرکت بی‌نظیر امام خمینی[ؑ] در براندازی سلطه استعماری آمریکا و طرد رژیم دست‌نشانده پهلوی جز آن.

حوزه علمیه قم نیز در مساجد اطراف مرقد مطهر فاطمه معصومه^{علیها السلام} بنیان نهاده شده و توسعه پیدا کرده است؛ افاضات علمی و انتشار فرهنگ اصیل اسلامی از این مرکز مقدس علمی - دینی، بر همگان روشن است و آثار آن نیاز به اقامه دلیل و برهان ندارد.

با این همه آثار شگرف و درخور توجیهی که مساجد برای جامعه اسلامی و انسانی به همراه داشته است موجب شده تا استعمارگران مخرب فرهنگ، به قصد سلطه‌یابی بر کشورهای اسلامی زرخیز شرق و دستاندازی به چاههای نفت منطقه خاوری مسلمان‌نشین، به توطئه‌چینی بپردازند و با شیطنت و استشراق علمی در تضعیف این مراکز بکوشند؛ که در نتیجه به تغییر اوضاع سیاسی اجتماعی آن کشورها دست یافتند و با اجرای سیاست‌های موذیانه و اعمال شیوه‌های استعماری نو و کهنه نظامی و فرهنگی و گماردن نوکران بومی و دست‌آموز و کاملاً مطیع خود، وضع مساجد را دگرگون ساختند و به وضعی نابهنجار راندند که امروزه

۱. موسی، جوان، مبانی حقوق: ج ۲، ص ۱۲۸، تهران.

شاهدیم:

اولاًً: مسجد به صورت محلی برای برگزاری نمازهای پنجگانه و تشکیل مجالس عزا و ترحیم درآمد رفته از نمازگزار خالی شد.

ثانیاً: دانشگاهها را در مقابل حوزه‌های علمیه قرار دادند و با تقسیم قشرهای مردم به متقدم و متجدد و جوسازی و تبلیغات واهی که در حوزه‌ها تنها علوم قدیمه و دانش‌های اسلامی تدریس می‌شود، دانشمندان متعهد مسلمان را دور کردند و آن مراکز را از رونق انداختند و با خیال راحت به افساد فرهنگی و چپاول شروت‌های ملی پرداختند، در حالی که آن دو نهاد علمی نه تنها در تضاد و تقابل نیستند، بلکه در کنار یکدیگر می‌توانند در تکامل علمی و فرهنگ جامعه نقشی عمدۀ ایفا کنند.

در دمیندانه باید اعتراف کرد که غرب سلطه‌گر و ایادی قسم خوردهاش در سایهٔ تکنولوژی و صنعت، به پیشرفت‌هایی نایل آمدند و ترقی خیره کننده مادی حاصل از اختراع ماشین، زمینهٔ چنان موفقیت نسبی را به نام تجدد برای پرچمداران کفر و الحاد فراهم ساخت.

خوبشخтанه نسل متعهد و آگاه، امروزه می‌تواند به داوری صحیح بنشیند و به این نتیجه برسد که نه روی آوردن به مساجد و تعمیم فرهنگ مسجد، عامل عقب ماندگی است و نه روی برتابتن از مساجد، موجب پشرفت واقعی است، زیرا چه عقب ماندگی و چه پیشرفت و ترقی هر یک اسباب و عوامل خود را دارند؛ اثر مساجد به شرط توجه به ارزش‌ها مثبت و سازنده است. بر مسلمانان عصر حاضر - که عصر بیداری و بازگشت به خویش است - فرض و لازم است که فرهنگ مسجد را احیا و زنده کنند و این مراکز روحانی و فرهنگی و عبادی را با همان منزلت واقعی و ماموریت اصلی و فلسفهٔ حقیقی اش مطرح سازند، و نیز حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های ممالک اسلامی را با روح توحیدی، و تفکر مبتنی بر خداپرستی و عقیده به مبدأ و معاد و نه بر اساس شرک و کفر و الحاد و اندیشه

صرفاً مادی، تجدید سازمان کنند؛ در غیر این صورت، مساجد مخلوت‌تر و بی‌رونق‌تر و دانشگاه‌های ما بی‌محتوا‌تر خواهد شد و در نتیجه دشمنان اسلام و مسلمین و ایادی پست و جیره خوار آنان به اغراض پلید و شیطانی خود بیش از گذشته دست خواهند یافت و ملل مسلمان را پیش از پیش به خاک سیاه خواهند نشاند.



۳- مرکز سازماندهی نهضت‌های جهانی اسلام

در اسلام مسجد جایگاهی به وسعت مکتب جامع و زنده و موقعی به پنهان آرمان‌های رسالت جهانی، و ظرفیتی به فراخی جهان انسانی و مقامی به بلندای تکبیر و تسبیح خدا دارد؛ طبق نصوص اسلامی، مساجد خانه‌های خدا در زمین‌اند^(۱) و مسلمانان در مسجد مهمان خدا هستند.^(۲)

جایگاه مؤمن و نشست او برای سخن، جهان‌گردی و جهان‌نگری او در ملازمت، مسجد انجام می‌گیرد.^(۳)

بهترین نقطه هر شهر، مسجد جامع آن شهر است و گذرگاه مساجد، معبور رحمت و برکات و نیز جایگاه فرشتگان است^(۴) در بینش اسلامی تفکر و درنگ در مسجد، سودمندتر از آرمیدن در بهشت است.^(۵)
مسلمان تا در مسجد است، در حال عبادت و پرستش خداست^(۶)

۱. وسائل الشیعه: ج ۳، صفحه ۴۸۲ «ان الذين يبتوئون في الأرض المساجد».

۲. کنزالعمال: ص ۳۱۳؛ وسائل الشیعه: ص ۵۱۷.

۳. سفينةالبحار: ج ۱، ص ۶۰۰، «السياحة في التي لزوم المساجد».

۴. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۴۸۲.

۵. کنزالعمال: ج ۸، ص ۲۶۱.

۶. سنن ابن ماجه: ج ۱، ص ۲۴۵.

مسجد را باید بر ویرانه‌های کاخ‌های ستم طاغوت‌ها برافراشت.^(۱)

اسلام به همان اندازه که قداست و جایگاهی به مسجد بخشیده احکام و آدابی نیز بر آن مقرر داشته است، از آن جمله نباید فضای معنوی و ارزش والای مساجد را با سخنان دنیایی و کارهای بی‌ارزش آلوده، کرد، چنین رفتارهایی می‌تواند نشانه سقوط جامعه و در نتیجه موجب سلب رحمت الهی باشد.^(۲)

از آنجا که عبادت بحق و شایسته خدا، جز از طریق برپایی عدالت اجتماعی و قسط، امکانپذیر نیست، در بینش اسلامی، دنیا و آخرت ارتباط مستقیم دارد و عبادت خدا و خدمت به خلق به صورت هدفی مزدوج درآمده است.

«مسجدالحرام» نمونه مسجدی است که قبله گاه است «فول وجهک شتر المسجد الحرام»^(۳) و «مسجد النبی ﷺ» در مدینه نمونه دیگری از مسجد است که پایگاه سیاسی و عملیات نظامی یک حکومت بوده است، و «مسجد کوفه» الگوی دیگری که شاهد باشکوه‌ترین پرستش‌های خالصانه و پاک‌ترین دل‌های عاشق خدا و سوز و گداز و مناجات نیاز انسان به غنای بی‌نهایت باری تعالی است.

«مسجدکوفه» در خود حمامه‌های خودسازی و جهاد با نفس را شگفتی‌های پیکار در راه خدا، و جهاد با دشمن را به منظور گسترش اسارت‌ها و از میان برداشتن عواملی که دنیای اسلام را به دوران جاهلیت بازمی‌گرداند، یکجا پرورانده است.

در جامعه اسلامی نقش مساجد در حدی است که پیامبر ﷺ فرمود:

«مسجد کانون‌های همیشه بیدار است که مسلمانان آگاه،
دل به دریای علم و حکمت بی‌کران خدا زده، علی رغم
تاریکی‌های شب، در آن زنده‌دل و بیدارند و تاریکی‌ها را با نور

۱. همان.

۲. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۴۹۳.

۳. بقره / ۱۴۴.

دل بیدار خود می‌زدایند و نورافشانی می‌کنند و سرانجام با نورانیت کامل محسور می‌شوند».^(۱)

«گام‌هایی که به سوی مساجد برداشته می‌شود دنیاساز و آخرت آباد و آگاهی آفرین و وحدت زاست».^(۲)

مسجد فعالی چون نمونه‌های یاد شده، حرز و پناهگاه جامعه در برابر نفوذ شیاطین و دژ محکم در برابر توطئه گران است.^(۳)

به این ترتیب، مسجد، ابزاری تاکتیکی و موقع تلقی نمی‌شد، بلکه رابطه حرکت نهضت انقلاب اسلامی با مسجد، پیوندی استوار و جاودانه و استراتژیک بود که هیچ جایگاهی نتوانسته و نخواهد توانست جایگزین آن شود «آن بیوتی فی الارض المساجد».^(۴)

با الهام از این تفکر بنیادین اسلامی، ملت‌های مسلمان همواره حرکت‌های انقلابی و نهضت‌های رهایی‌بخش خود را از مساجد آغاز کرده‌اند؛ مساجد همواره کانون‌های الهام‌بخش برای مردم ظلم‌ستیز بوده است، بخصوص در تاریخ نهضت‌های اسلامی که در ایران شکل گرفته است به طور قطع هسته مرکزی همه آنها در مساجد تکوین یافته است. اینک به ذکر چند نمونه می‌پردازیم:

الف) قیام سربداران

در نیمة اوّل قرن هشتم هجری قمری که حکومت مغول پس از قتل عام‌های وسیع چنگیز و هولاکو مردم ایران را به یأس و ذلت و ضعف تسلیم کرده بود

۱. کنز العمال: ج ۸، ص ۲۵۳.

۲. همان: ص ۲۵۸ «ان بکل خطوة يخطوها الى المسجد درجة».

۳. همان: ص ۳۱۹ «قال على عليه السلام: المساجد مجالس الأنبياء و حرز من الشيطان».

۴. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۴۸۲.

و خواسته‌های چنگیز، قانون بود و شمشیر دژخیمی مجری قانون، خانهای مغولی و صحراءگردان و افسران و روسای طوایف محلی، هر یک منطقه‌ای را به صورت اقطاع یا تیول در چنگ خود گرفته با قساوت هولناکی دهقانان را برده وار به بند کشیده بودند و در شهرها نیز علمای مذهب یا در خدمت حکام مغول درآمده بودند و یا لباس زهد و تصوف پوشیده به انزوای خانقاها خرزیده بودند و غیرمستقیم جاده صاف کن تجاوز و زمینه‌ساز جنایت شمرده می‌شدند و مردم را در زیر تازیانه جladان و چپاولگران مغولی تنها گذاشته بودند، در این هنگام یک فقیه انقلابی به نام «شیخ خلیفه»، مسلمان وار، در جستجوی حقیقت بر می‌خیزد و از همه مدعیان معروف آن عصر، سراغ می‌گیرد، نخست نزد «بالوی زاهد» می‌رود تا راه نجات را در مکتب پارسایی و آزادی او بیابد، زهد را سکوت در برابر ظلم می‌بیند و چه بی‌شرمی و بی‌رحمی و خودخواهی زشتی که انسانی در پیرامونش ضجه اسیران و نعروء جladان و فقر گرسنگان و تازیانه‌های ستم را بر کرده بیچارگان ببیند و بشنود و به جای آنکه به نجات آنان برخیزد، خود به تنها یی، در طلب نجات خود و کسب بهشت باشد.

«شیخ خلیفه» آن چیزی که به دنبالش بود، در محضر «شیخ بالوی» زاهد‌آملی، نمی‌یابد و با نفرت از او می‌گریزد و نزد «شیخ زکی الدین علاء‌الدوله سمنانی» می‌رود که آوازه معرفت و پیشوایی طریقت او در تصوف، همه جا پیچیده بود، تصوف را نیز چون زهد، مذهب فرار از واقعیت‌ها و مسئولیت‌ها و پشت کردن به سرنوشت مردم و نادیده گرفتن ستم‌ها و قساوت‌ها می‌یابد؛ او را می‌بیند که دلی نازک و احساسی لطیف و روحی متعادل دارد، اما چگونه است که سیل خونی که مغول بر این ملک جاری کرده است و زوالی که اسلام و مردم را تهدید می‌کند، آرامش روح و صفاتی دل او را اندکی کدر نساخته است. گمشده خود را نزد او نیز نمی‌یابد، چنانکه روزی شیخ «علاء‌الدوله سمنانی» از وی می‌پرسد: «ای شیخ آنچه

من می‌طلبم از این مذهب‌ها بالاتر است». ^(۱) از او نیز به نفرت می‌گریزد و به خدمت «شیخ الاسلام امام غیاث الدین حموی» به «بحرآباد» می‌رود ولی در بحرآباد نیز به خواسته خود نمی‌رسد و لذا رخت سفر می‌بنند و در لباس «درویش» ساده، تنها و غریب به سبزوار می‌آید. در «مسجد جامع» شهر خانه می‌کنند و آنجا به وعظ می‌پردازد، سخنانش خلق کثیری را به سوی او می‌کشاند و بسیاری از افراد مرید و پیرو او می‌شوند؛ به این ترتیب، آوازه شهرتش در اطراف و کنار می‌پیچد و صاحبان قدرت را به وحشت می‌اندازد؛ از این رو صاحبان قدرت در دو بعد سیاسی و عقیدتی به مبارزه با او برمی‌خیزند، لکن «شیخ خلیفه» همچنان به کار خود مشغول و به تعلیم و تعالیم خود که عمدتاً قیام علیه ستمگران بود می‌پردازد و سرانجام علمای درباری که دست در دست حکام مغول داشتند، فتوایی صادر می‌کنند، با این مضمون که: «شخصی در مسجد ساکن است و حدیث دنیا می‌گوید و چون منعش می‌کنند، منجر نمی‌شود و اصرار می‌نماید. این چنین کسی واجب القتل باشد یا نی؟ و اکثر فقهای رسمی زمان جواب می‌دهند که: باشد». ^(۲)

صورت فتوا را به نزد سلطان «ابوسعید» می‌فرستند تا بر آن صحه بگذارد. لکن ایلخان از این کار سرباز می‌زند و جواب می‌دهد: «من دست به خون درویشان نمی‌آلایم، حکام خراسان به موجب شرع شریف عمل نمایند». ^(۳)

حکام و عمال آنها در کار خود شدت عمل نشان می‌دهند و در صدد قتل شیخ برمی‌آیند، ولی مریدان «شیخ» مانع از این کار می‌شوند، از سوی دیگر آوازه تعالیم شیخ مردم را به سوی او می‌کشد و هر روز بر عدهٔ پیروان او افزوده می‌شود. ارادت «شیخ حسن جوری» که به هر حال خود وزنه‌ای در منطقه محسوب می‌شد

۱. میرخواند، روضة الصفا: ج ۵، ص ۶۰۵.

۲. حافظ ابرو، مجموعه، زبدۃ التواریخ، میرخواند، روضة الصفا: ج ۵، ص ۶۰۵.

۳. حافظ ابرو، جغرافیا، و زبدۃ التواریخ، میرخواند، روضة الصفا: ج ۵، ص ۶۰۵.

به اعتبار «شیخ خلیفه» و عدهٔ پیروان او می‌افزاید؛ اما صاحبان قدرت دست از او برنمی‌دارند و هر لحظه برای از بین بردن وی به طرح نقشه‌ای می‌پردازند و سرانجام در خفا دسیسه کرده و یک روز قصد خود را عملی می‌سازند.

«و در این اثنا ناگاه بامدادی به مسجدی که شیخ خلیفه می‌بود درآمدند ریسمانی بر ستون بسته دیدند و شیخ «خلیفه» از آن به حلق آویخته خشتی چند در پای ستون بر یکدیگر نهاده، چنانکه پای بر آن خشتها نهند و گردن به آن ریسمان رسد. بعضی را ظن آن شد که شیخ قصد خود کرده و اتباع او گفتند: ممتاز عان، او را قصد کرده‌اند. فی الجمله کیفیت آن معلوم نشد». ^(۱)

لکن کیفیت معلوم بود، کار، کار معاندان و دشمنان سیاسی و عقیدتی (شیخ خلیفه) بود که سرانجام پس از کوشش‌های فراوان به اهداف خود رسیدند.

پس از او بیدرنگ شاگرد وی «شیخ حسن جوری» کارش را ادامه داد. وی ابتدا اعلام بسیج سپس سازماندهی کرد و مبارزه را مخفی ساخت و خود در شهرها گردید و دست به هجرت زد همه جا بذر آگاهی و انقلاب را بر مبنای تشیع پاشید.

ب) نهضت مشروطه در ایران

در نهضت مشروطه نیز «مساجد» نقش بسیار حساسی در انسجام و حرکت مردم داشت. روحانیت مبارز و انقلابی با سخنان دلنشیین و افشاگرانه خود مردم را در صفوف متعدد از مساجد به سوی میادین مبارزه و انقلاب رهبری کردند، مساجد کانون‌های آگاهی بخش و ایام محرّم و عاشورا و ماه مبارک رمضان نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم بوده است. مؤلف کتاب «انقلاب مشروطه» می‌نویسد:

در وسط بازار امیر که از بازارهای معروف تهران در آن زمان بود،

۱. حافظ ابرو، مجموعه، زبدة التواریخ، مجله: ج ۳، ص ۴۲.

قبرستان کهنه‌ای وجود داشت که سال‌ها مرده در آن دفن نمی‌شد، در جوار قبرستان مدرسه‌ای بود که آنجا نیز به حال خراب و ویران افتاده بود. به مرور زمان مردم زمین‌های اطراف قبرستان را تصرف کرده خانه ساخته بودند، علما و مجتهدین در فروش زمین‌های مدرسه و قبرستان به منظور تبدیل به احسن اشکالی نمی‌دیدند، بنابراین هر کس زمینی تصرف کرده خانه‌ای ساخته، سند مالکیتی نیز به امضای یکی از علماء به دست آورده بود.

در چنین اوضاعی بانک استقراض روس نیز مصمم شد در مرکز بازار تهران ساختمانی بسازد و برای تحقق این منظور بهتر دید که از مدرسه و قبرستان بلاصاحب استفاده کند؛ نخست منازل اطراف را از مالکین خریداری، آنگاه برای خرید مدرسه اقدام کرد و شروع به ساختمان نمود، از جمله چاهی حفر نمودند تا استخوان مردگان را در آن بریزند، ضمن درآوردن استخوانها جسد زن تازه درگذشته‌ای، پیدا شد که با بی‌اعتنایی به درون چاه سرازیر شد.

در جریان ویای سال قبل که تلفات زیاد بود، مردم فرصت این را نیافته بودند که مردگان خود را به قبرستان عمومی ببرند، ناچار تنی از عزیزان خود را دور از چشم مأموران دولت، به خاک تیره این قبرستان سپرده بودند که از جمله جنازه این زن بینوا بود که اکنون به فرمان روس‌ها به چاه انداخته می‌شد.

خبر این حادثه غم‌انگیز به گوش انقلابیون و مخالفان دولت رسید، مرحوم «آیة الله طباطبائی»، نخست با پیغام، رئیس بانک را از تملک آن زمین برحدزد داشت، سپس به وزیر داخله و خارجه نامه‌ای نوشت و استدلال کرد که جا گرفتن کفار در مرکز بازار مسلمانان کار درستی نیست، زیرا کارهای خلاف شرع آنان ممکن است ایجاد فتنه کند، پس از اقدام به این دو کار راه هرگونه گله را بر دولتیان بست به آخر الدّوّا، یعنی تحریک احساسات مردم توسل جست.

روز شنبه چهارم آذر (۲۷ رمضان)^(۱) مرحوم شیخ محمد واعظ، از سخنوران برجسته عهد انقلاب در مسجد مرحوم حاج میرزا محمدحسن آشتیانی بالای منبر رفت، ابتدا شمه‌ای از حرمت رباخواری که کار اساسی بانک‌هاست و سپس از حرمت اعانت به کفار سخن گفت، آنگاه گریز به داستان قبرستان و بیرون آمدن جنازه و کار بانک استقراضی زد، وقتی که خون در رهای مستمعان به جوش آمد و احساسات غلیان پیدا کرد و اشک در چشم‌ها حلقه زد، گفت: «آقایان علماء برای جلوگیری از این رشت کاری‌ها به هر دری زده‌اند، نتیجه‌ای نگرفته‌اند فعلاً کاری که از ما ساخته است، این است که زحمت دو قدم راه بر خود گذارده زیارتی از اموات و اجداد خود بکنیم، بلکه یک وداع آخرین از قبور و استخوان‌های آنان بنمایید و فاتحه بر آنها بخوانید و روح آنها را شاد کنید که همین امروز و فردا این قبور لگدکوب روس‌ها خواهد شد».^(۲)

آنگاه از منبر به زیر آمد و به سمت قبرستان روانه شد، مردم نیز با ناراحتی شدید و عصبانیت کامل در پی او به راه افتادند، با فراهم آمدن چنین مقدمه‌ای می‌توان نتیجه را پیش‌بینی کرد، مردم چون به محل ساختمان رسیدند به یک باره حمله برdenد و در مدت یکی دو ساعت آنچه روس‌ها عمارت کرده بودند ویران کردن و جز توده‌ای آجر و مصالح ساختمانی چیزی به جای نگذاشتند.^(۳)

ماه رمضان آن سال، مقطعی نیست که بتوان از آن به سادگی گذشت؛ نابسامانی دستگاه استبداد و بی‌تدبیری رجال دولت قاجار به قدر کافی خوراک تبلیغاتی به دست علمای انقلابی و سخنوران و عاظ آزادیخواه داده بود، کارهای ناروای «مسیو نوز» بلژیکی، چوب خوردن «مجتهد کرمانی»،

۱. تاریخ کسری: بخش یکم، ص ۵۶.

۲. تاریخ بیداری ایرانیان: ص ۲۶۲.

۳. رضوانی، محمد اسماعیل، انقلاب مشروطیت: انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۵۲، ص ۹۰.

«واقعه عسگرگاریچی»، داستان بانک، همه مسائلی^(۱) بود که در مجالس عزای مولای متقیان علیه السلام در شب‌های قدر از ناحیه وعاظ باشور و سوز خاصی عنوان می‌شد و احساسات مردم ستمدیده را بر می‌انگیخت: علاوه بر این حادث، حکومت «شعاع السلطنه» در فارس و ستمگریهای او کار مردم فارس را به طغیان و عصیان کشانده بود. مردم خراسان از دست ستمگریهای «آصف الدله» به جان آمده بودند «وزیر اکرم» حاکم قزوین به «سید جمال الدین قزوینی» از علمای بزر قزوین اهانت کرده بود. این ستمگریها و امثال آنها زمینه مساعدی برای سخنوران مذهبی و انقلابی فراهم کرده بود. در میان سخنوران ماه مبارک، آنکه از همه شیرین سخن بود «سید جمال الدین صدرالمحققین اصفهانی» مشهور به «سید جمال واعظ» بود، سخنان این سید اصفهانی به سبکی روح و روانی آب در اعماق عروق و اعصاب مردم نفوذ می‌کرد و به آنان جانی تازه و فکری نو می‌بخشید. سخنان او چنان دلنشیں و مطلوب خاص و عام قرار گرفته بود که بعدها روزنامه‌ای به نام: «الجمال» به وجود آمد که اختصاص به نشر وعظ او داشت (شماره اول این روزنامه روز دوشنبه ۲۶ محرم ۱۳۲۵ هـ ق انتشار یافت). در میان سخنوران عهد انقلاب هیچ یک این مقام را کسب نکرده است که برای درج مواضع او روزنامه‌ای منتشر شود.

لهجه شیرین اصفهانی وقتی با کلمات و عبارات خوبی تعديل شود و از آیات قرآنی و اخبار و احادیث آل محمد علیه السلام زیب و زیور پذیرد، آنگاه از دل هم برآید لاجرم دلپذیر می‌شود و این هر سه مورد هنر در وجود سید جمال، به حد اعلى جمع بود، وی که در روان‌شناسی اجتماعی درس نخوانده، استاد بود، علاوه بر اینکه باعوم، زیان عامیانه می‌گشود، با همان مهارت و تردستی نقاله‌ای قهقهه خانه‌ای اصفهان، قصه‌پردازی نیز می‌کرد، از آن جمله است قصه کدخدا نوروز و ملا صفرعلی که در شماره‌های یک و دو و سه روزنامه «الجمال» از او به یادگار

۱. برای مطالعه جریانات مذکور به فوق الذکر و دیگر منابع دوره مشروطه، مراجعه شود.

مانده در لطیفه‌گویی نیز از هیچ یک از اصفهانی‌ها عقب نمی‌ماند.

«سید جمال» در بزرگترین مجالس آن روز تهران، یعنی مسجد شاه (مسجد امام امروز) به منبر رفت و بی‌پروا به دستگاه استبداد بد می‌گفت. حتی از جمله به امام جمعه نوء شاه سابق که پای منبر او نشسته بود، ابایی نداشت؛ امام جمعه در تنگنای عجیبی افتاده بود زیرا اگر سید را از منبر منع می‌کرد، مسجد او خالی می‌شد و به مقام ریاست او لطمہ وارد می‌آمد و اگر منع نمی‌کرد، نمی‌دانست چگونه حملات کوبنده او را به خود و دستگاه دولت تحمل کند؟ سرانجام «عین الدوله»، «سید جمال» را به قم تبعید کرد.

ج) انقلاب اسلامی ایران

به طوری که اشاره شد، در صدر اسلام، حرکت‌ها از مسجد آغاز و در مسجد سازماندهی می‌شد و نیروها از مسجد بسیج می‌شدند، به این ترتیب نهضت و انقلاب همواره با مسجد، پیوندی استوار و جاودانه دارد.

با الهام از این تفکر بنیادی اسلامی، ملت مسلمان ایران در جریان «انقلاب اسلامی، بویژه در سال قبل و بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب، با تأکید رهبر عظیم‌الشأن انقلاب، یعنی امام خمینی رضوان الله تعالیٰ علیه بر حضور فعال در مساجد، مسجدها حالتی پرتحرک و سرنوشت ساز یافت و به دوران صدر اسلام بازگردانیده شد و روحانیت مبارز در سنگ محراب و منبر به تعیین تفکر سیاسی اسلام و نشر اهداف نهضت و افشاگری در زمینه فجایع رژیم ستماشی و آثار شوم سلطه خارجی و توطئه‌های استکبار جهانی به ویژه آمریکا و صهونیسم پرداخت، و با بازگو کردن بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و سخنان رهبر اسلام، آگاهی مردم را درباره آرمان‌های اسلامی و فجایع رژیم شاه رشد و تعمیق بخشید.

مسجد در سراسر ایران موقعی سازنده و جایگاهی مقدس پیدا کرد

و جاذبیت و مرکزیت سیاسی و عبادی خود را بازیافت، با این تحول عمیق، که خود بازگشتی به دوران شکوهمند صدر اسلام و سیره پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ بود، نقش سرنوشت سازی در ایجاد وحدت و یکپارچگی طبقات گوناگون ملت و همدلی نیروهای انقلابی در مسیر اهداف و آرمان‌های مقدس انقلاب اسلامی، ایفا کرد.

مسجد در سراسر ایران در طول مبارزات و فعالیت‌های انقلابی به کلیه مبارزان و انقلابیون و هواداران مؤمن انقلاب اسلامی که هر لحظه در معرض افتادن به چنگ مزدوران رژیم ستمنشاھی و دژخیمان ساواک بودند، امکان داد که در پناه امن مساجد و جو آکنده از وحدت و اخوت و معنویت این مکان مقدس، با سرعت عمل هر چه بیشتر و ضربه پذیری هر چه کمتر، در جهت بیداری و آگاهی بخشی به توده‌های وسیع و گروه‌های مردم، رسالت خویش را متحقق سازند.

در یک جمله، مساجد در این مقطع زمانی به مراکز نیرومند پشتیبانی انقلاب و ستاد عملیاتی رهبر انقلاب اسلامی تبدیل شد.

مسجد با کسب چنین جایگاه رفیعی که طیف وسیعی از مردم و توده‌های میلیونی را در برگرفت، در پیشبرد انقلاب اسلامی پیشانیش حوزه علمیه قم و دانشگاه قرار گرفت، و به فعالیت‌های آن دوران نیز نیرو و سرعت بخشید و همگام با یکدیگر رسالت به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی را متحقّق ساخت.^(۱)

به همین دلیل مساجد یکی از مراکز عمدّه‌ای بود که بارها آماج حملات دژخیمان رژیم قرار گرفت، و مسجدهای متعددی به این ترتیب، به آتش و خون کشیده شد، نخستین گروه‌های مقاومت اسلامی در مساجد شکل گرفت و ضربه نهایی را بر پیکر پوسیده و در حال زوال آن وارد کرد و رسالت و پاسداری از حریم انقلاب اسلامی و اجرای رهنمودهای رهبری انقلاب اسلامی و اجرای فرمان‌های

۱. زنجانی، عمید، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن: ص ۳۱.

رهبری انقلاب را بر عهده گرفت.

تولّد جمهوری اسلامی ایران توسط آرای مردم در مسجد صورت گرفت و رفراندمها و انتخابات متعدد سرنوشت‌ساز برای راه اندازی نظام نوین سیاسی در کشور، در فضای پر از نور، صفا، معنویت، یکدلی و وحدت انجام پذیرفت.^(۱)

در برابر خطر جدایی انقلاب از مساجد که توطئه جدید دشمنان انقلاب اسلامی بود، امام فرمود:

«از هوایی‌های دشمن نهارسید، از آن بترسید که مساجد خلوت شود».

حال، چکار باید کرد که مساجد خلوت نشود و همانند دوران انقلاب مملو از جوانان پرشور و انقلابی شود و این سنگر «بنیان مرصوص» همواره فعال باشد، بر عهده ائمه محترم جمیع و جماعات است که طرح برنامه‌های مفید و آموزنده برای جذب، جوانان، این سرمایه‌های ارزنده کشور را که بالقوه اداره کننده آینده کشور اسلامی ما هستند، بریزند و نگذارند که آنان به دامان ناپاک ایسم‌های گوناگون و گروه‌های الحادی بیفتند. امروزه دشمن انگشت روی نقطه حساسی گذاشته و حملات وحشیانه فرهنگی خود را به سوی جوانان هدف گرفته و با توپخانه دور برد، یعنی رسانه‌های همگانی، غراییز آنان را هدفگیری کرده و می‌خواهد با هجوم فرهنگی که به مراتب از تهاجم نظامی، خطرناکتر است، قشر جوان کشور را منحرف سازد.

۴ - نقش مساجد در انقلاب اسلامی

در اسلام، «مسجد» جایگاهی به وسعت یک مکتب جامع و زنده، و متناسب با هدف‌ها و آرمان‌های یک رسالت جهانی، ظرفیتی فراگیر، به فراخی تمامی انسان‌ها و همهٔ بشریت دارد.

مسجد خانه‌های خدا در زمین است:

«انَّ بَيْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ». ^(۱)

مسلمان در مسجد مهمان خداست:

«الْمَسَاجِدُ بَيْتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ حَقٌّ عَلَى الْمُزُورِ إِنَّمَا يَنْهَا زَائِرُهُ». ^(۲)

جایگاه مؤمن و نشست او برای سخن، مسجد است:

«الْمُؤْمِنُ مَجْلِسَةُ الْمَسَاجِدِ». ^(۳)

جهانگردی و جهانگری مسلمان در ملازمت مسجد انجام می‌گیرد:

۱. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۴۸۲.

۲. کنزالعمال: ج ۸، ص ۳۱۳؛ وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۵۱۷.

۳. اصول کافی: ج ۲، ص ۴۸۵.

(۱) «السياحة فى امّى لزوم المساجد».

بهترین نقطه هر شهر مسجد آن است:

(۲) «احبّ البلاد الى الله مساجد».

«مساجد مکان اوچ تعالیٰ معنوی و بهترین نقطه بهشت

برین است».

(۳) «و ما رياض الجنة؟ قال: المساجد».

«ساختمان مسجد معادل بقای آخرت و بناهای بهشت

است».

(۴) «من بنى مسجداً بنى الله له بيّناً في الجنة».

(۵) «و سادگی آن رمز جاودانه اصالت معنویت است».

گذرگاه مساجد گذرگاه رحمت و برکات است و خیرات و نیز جایگاه

فرشتگان است:

(۶) «و تقدّم الملائكة على أبواب المساجد».

در تفکر اسلامی درنگ نمودن در مسجد سودمندتر از نشستن و آرمیدن

در بهشت است:

«الجلسة في المسجد خير من الجلوة في الجنة فإن الجنة

۱. سفينة البحار: ج ۱، ص ۶۰۰.

۲. صحيح مسلم: ج ۱، ص ۴۶۴.

۳. ترمذی: دعوات: ج ۳، ص ۸.

۴. فروع کافی: ج ۱، ص ۱۰۲؛ سنن ابن ماجه: ج ۱، ص ۲۴۳.

۵. كتاب التهذيب: ج ۱، ص ۳۲۵.

۶. مسنند احمد: ج ۱، ص ۲.

فیها رضی نفسی و الجامع فیها رضی ربی». ^(۱)

مسلمانان تا در مسجد است در حال نماز و پرستش خداست:

«خرج علينا على الله و فقال: ما تنتظرون؟ قلنا: الصلوة فقال:

انكم في الصلوة». ^(۲)

مسجد باید جایگزین مراکز طاغوت‌ها گردد و در همانجا بنا شود که کاخ

ظلم برافراشته بوده است:

«انَّ رَسُولَ اللَّهِ اَمْرَهُ انْ يَجْعَلَ مَسْجِدَ الطَّائِفَ حِيثُ كَانَ

طاغييهم». ^(۳)

مسجد مرکز خیر و برکت است و هیچ مسلمانی بی بهره از مسجد باز

نمی‌گردد:

«لا يرجع صاحب المسجد بأقل من احدى ثلاث خصال:

اماًد عايد عویه يدخله الله به الجنة و اماماًد عايد عویه فيصرف الله

عنه به بلاء الدنيا و اماًد يستفیده في الله». ^(۴)

بهترین توشه‌ای که از مسجد گرفته می‌شود آموزش و آگاهی حیاتبخشی

است که علی الله در این سخن بیان فرموده است:

«من اختلف الى المسجد أصاب احدى الشمان اخا مستفاد

في الله، او علمًا مستطرفاً او آية محكمة او يسمع كلمة تدل على

هدى، او رحمة متظره، او كلمة تردد عن ردئ، او يترك ذنبا

۱. وسائل الشيعة: ج ۳، ص ۴۸۲.

۲. کنز العمال: ج ۸، ص ۲۶۱.

۳. سنن ابن ماجة: ج ۱، ص ۲۴۵.

۴. وسائل الشيعة: ج ۳، ص ۴۷۷.

(۱) خشیة او حیاء».

وابستگی به مسجد مسلمان را در سایه حمایت خدا قرار می‌دهد:

«سَتَّةٌ يَجْعَلُهُمُ اللَّهُ فِي ظَلَّهُ يَوْمَ لَا ظَلَّهُ... رَجُلٌ قَلْبُهُ متعلق بالمسجد اذا خرج منه حتى يعود اليه». (۲)

زمین با فرود آمدن گام‌هایی که به سوی مسجد برداشته می‌ود، تسبیح حق را

تشار صاحب قدم می‌کند:

«مِنْ مَشْيَ إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضْعِ رِجْلَهُ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ». (۳)

مساجد مظاهر نعمت‌های الهی هستند و کفران این نعمت و بهره نبردن از
برکات آنها مایه خسران است و موجب آن می‌گردد که مساجد نزد خدا شکوه
نمایند، و در این مورد مسجد و عالم و قرآن یکسان آمده است:

«ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يَصْلِي فِيهِ
أَهْلُهُ، وَعَالَمٌ بَيْنَ جَهَنَّمِ وَمَصْحَفٍ مَعْلَقٍ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ غَبَارٌ
لَا يَقْرَأُ فِيهِ». (۴)

در حدیث دیگری مسجد در کنار قرآن و عترت از مظلومیت خود و جفایی
که از مسلمین بر آن رفته، شکایت می‌کند:

«يَجْئِي، يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: الْمَصْحَفُ
وَالْمَسْجَدُ وَالْعَتْرَةُ، يَقُولُ الْمَصْحَفُ: يَا رَبِّ حَرَّقْوَنِي وَمَزْقَوْنِي،
وَبَقْوَلُ الْمَسْجَدِ يَا رَبِّ عَطْلَوْنِي وَضَبَعَوْنِي، وَتَقْوَلُ الْعَتْرَةِ يَا رَبِّ

۱. خصال: ص ۴۰؛ من لا يحضر الفقيه: ج ۱، ص ۷۷.

۲. وسائل الشيعة: ج ۳، ص ۴۸۲.

۳. كتاب التهذيب: ص ۳۲۶.

۴. اصول کافی: ج ۲، ص ۴۴۹.

(۱) قتلونا و طردونا و شردونا...».

برای آنکه به قداست و فضا معنوی و ارزش والای مساجد خدشهای وارد نشود باید آن را با سخن دنیا و کارهای بی ارزش آلوده نمود، و چنین عملی می‌تواند نشانه انحطاط جامعه مسلمین باشد و برای احیای قداست مسجد طرد جاهلان و مغرضائی که با این عمل مسجد را بی اعتبار و بی اثر و از رسالتش منحرف می‌کند لازم است.

«يأتى فى آخر الزّمان قوم يأتون المساجد فيقعدون حلقاً
ذكراهم الدّنيا و حبّ الدّنيا لا تجالسوهم فليس الله فيهم
حاجة». (۲)

در حدیث دیگر پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمود:

«جنبوا مساجدکم صیانکم و مجانینکم و شرانکم
و بیعکم». (۳)

تأکیدی که در اسلام بر نگهداری و خدمت و نظافت مسجد شده، روش‌نگر میزان اهتمام شرع است در دور داشتن مسجد از عواملی که احتمالاً جاذبیت آن را خدشه دار می‌کنند.

پیامبر اکرم ﷺ بر پاکیزه نگهداشتن مساجد و معطر کردن آن امر می‌فرمود:
«انّ رسول الله ﷺ امر بالمسجد ان تهظرو تطیب». (۴)

چنین جایگاهی برای مسجد ایجاب می‌کند که همه مسلمین در بزرگداشت و توقیر آن بکوشند. در اسلام عملی که موجب هتك حرمت مسجد شود،

۱. خصال، شیخ صدوq: ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۴۹۳.

۳. کتاب التهذیب: ج ۱، ص ۳۲۴؛ کنز العمال: ج ۸، ص ۳۱۶.

۴. سنن ابن ماجه: ج ۱، ص ۲۵۰.

عاملش مستوجب لعنت خداست.

عن الصادق علیه السلام قال:

«ملعون ملعون من لم يوقر المسجد». ^(۱)

وقتی مسجد آماده برگزاری پرسش خدا و انجام دادن رسالت خویش و بهره‌برداری است، دیگر ترک مسجد شایسته مؤمن نیست، این منافقان هستند که همواره در نیمه راه از ادای وظایفشان شانه خالی می‌کنند و مساجد را خالی می‌گذارند:

«قال النبي ﷺ من سمع الندا في المسجد مخرج من غير علة
 فهو منافق لا ان يريد الرجوع اليه». ^(۲)

قرآن برای مساجد چنان کرامتی قائل است که جز دعوت خدا و خداجویی را شایسته آن نمی‌شمارد:

﴿ وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللّٰهِ أَحَدًا﴾. ^(۳)

به این ترتیب قرآن مسلمین را از یاد دنیا و گفتگوهای دنیوی و مذاکرات و حل و فصل امور مربوط به مقاصد مادی و کم بها و آنچه که انسان را از یاد خدا غافل و به اسارت دنیای منهای آخرت جدا از اهداف متعالیه خدایی می‌کشاند باز می‌دارد و آن را شایسته یک انسان در حال تعالی و ارتقا نمی‌داند، همچنان که آن را در جهت خلاف اهداف مسجد و عملی مذموم و مکروه می‌شمارد، ولی از آنجا که مسائل زندگی انسان و امور جامعه ارتباط پیچیده و تنگاتنگ با اهداف معنوی و تعالی و تکامل انسان دارد، و عبادت بحق و شایسته خدا جز از طریق برپایی عدالت اجتماعی و قسط امکان پذیر نیست و ارتباط مستقیم دنیا و آخرت عبادت

۱. سفينة البحار: ج ۱، ص ۶۰۰.

۲. وسائل الشيعة: ج ۳، ص ۵۱۳.

۳. جن / ۱۸.

خدا و خدمت به خلق را به صورت یک هدف مزدوج قرار داده، پیامبران از پی چنین هدف مرکب و پیچیده‌ای از جانب خدا مبعوث شده‌اند.

قرآن یک جزء این هدف را چنین ترسیم می‌کند:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نذيرًا وَ داعيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سَرَاجًا مُنِيرًا﴾.

و در آیه دیگر، عنصر دیگر آن را به این صورت بیان می‌نماید:

﴿أَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رَسُولَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ انْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقُسْطِ﴾.

وقتی به اوج و عظمت مقام مسجد می‌رسیم، یکباره می‌بینیم که قرآن مسجد را تا جایگاه قبله بالا می‌برد و آن را کانون همه توجهات و تمرکز سمت‌گیری‌ها و قبله‌گاه همه دلهای خداجو معرفی می‌کند. بهترین نقطه هر شهر مسجد آن است.

قرآن برای مساجد چنان کرامتی قایل است که جز دعوت خدا و خداجویی را شایسته آن نمی‌شمارد.

گذرگاه مساجد، گذرگاه رحمت و برکات و خیرات و نیز جایگاه فرشتگان است به دلیل نقشی که مسجد در تربیت دلیران ایثارگر و مجاهدان مبارز و جان برکف داشت، محرابش نام گرفت و جایگاه حرب یافت و به این نام مشهور شد.

«مسجد قبا» و «مسجد النبی»، هم کانون عبادت و عشق به خدا و طینیں خالصانه‌ترین راز و نیازها و عبودیت‌ها و پاک‌ترین نواهای سورانگیز در فضای پرمumentی آنها منعکس بود، و هم مرکز مهر و شفقت و عشق به مردم و رسیدگی به مسائل جامعه بودند.

حرکت‌ها و فعالیت‌های سیاسی پیوسته از این مراکز آغاز و در آنجا طرح و برنامه‌ریزی می‌شد. و برای رهایی مسلمین و نجات انسان‌ها و مبارزه با دشمنان خدا و خلق ارتش‌ها بسیج و نقشه جنگ‌ها بررسی و جهاد در راه خدا شکل

می‌گرفت، در مسجد پیامبر شیوهٔ دو حرکت موازی و دو جهاد رهایی‌بخش یکجا آموخته می‌شد، مسلمانان با فنون پیچیدهٔ جهاد اکبر و جهاد اصغر آشنا می‌شدند و تعلیم و ارشاد و تربیت در همه ابعاد آن و در تمامی زمینه‌های حرکت و مبارزه و جهاد عرضه می‌شد و دین و سیاست به مثابه دو روی یک حقیقت مطرح و تحلیل می‌شد.

از یکسو مردم به خدا نزدیک می‌شدند و صفات جلال و جمال خدا در قالب‌های وجودی بشری آنها متجلی می‌شد و از سوی دیگر، به اتحاد و پیوستگی و فشردگی صفوف و تعاون و عمل مشترک می‌رسیدند و راه آخرت و تکامل و تعالی را با راهیابی به دنیایی مستقل و آزاد و به دور از شیاطین و دشمنان خدا و خلق خدا می‌پیمودند.

بارها بی از قید و بند اسارت‌های درونی و گسستن همهٔ قیودی که انسان را از درون زمین‌گیر و از پرواز به ملکوت باز می‌داشت و به اوج بندگی خدا می‌رسیدند و از این جایگاه پاک و منزه به اجرای حاکمیت خدا بر بندگانش همت می‌گماشتند.

مسلمانان بر گرد شمع وجود پیامبر ﷺ به برکت جایگاه تعلیمی مسجد آموخته بودند که تا حاکمیت خدا بر درون و دلهای گروهی پیشتاب استقرار نیابد و آنها را آزاد و پاک نسازد، برپایی حاکمیت خدا بر دیگر توده‌های مردم امکان‌پذیر نیست، همچنانکه تا رسالت حاکمیت خدا بر زمین و بر جامعه بشریت، جامه عمل نپوشد سازندگی تعالیم اسلام و عبادت و بندگی راستین خدا و خودسازی و دعوت به سوی حقیقت عینی نخواهد یافت و راه بندگی توأم با امنیت مردم و سرانجام راه جهاد اکبر هموار نخواهد شد و این هدف بزر و نهایی پیامبران تحقق نخواهد یاف.

۵- نقش مساجد در توسعه

از جارزنی‌ها و خبرکردن‌های انسانی گرفته تا دنیای شگفت‌انگیز انقلاب ارتباطات که هم اکنون آن را سپری می‌کنیم، عوامل اصلی و ابزارهای مهم رسانه‌ای ما، نقشی مهم در حفظ، احیا و ماندگاری میراث ستر تثیع خونرنگ علوی ایفا کرده است.

اگرچه نظریه پردازان و محققان بزر اسلامی، یکی از عمدت‌ترین عوامل ماندگاری و استمرار فرهنگ اسلامی در طی قرون و اعصار را در غنای درونی این فرهنگ و مکتب حیاتی‌خش می‌دانند، ولی چه کسی است که نداند در عصر تحولات شگرف ارتباطی و با بروز تکنیک‌های نوین اطلاع رسانی، در ایران سال ۱۳۵۷ هش، این مساجد درآمدند و بار دیگر نشان دادند که «انسان»، «انسان» است نه ابزار.

با این توضیح، ما در این مجموعه کوشیده‌ایم تا جنبه‌هایی از نقش رسانه‌ای مسجد و خطابه را در مقایسه با تحول ارتباطی دنیای امروزه، مورد بررسی قرار دهیم و در این بررسی، البته مقصود، آن نیست که منکر تحولات ارتباطی جهان شویم، بلکه بیشتر به دنبال تأکید این نکته هستیم که نمی‌باید نقش رسانه‌ای مسجد و خطابه را در رشد و ارتقای فرهنگ عمومی - بویژه در جوامعی که از فرهنگ شنیداری برخوردارند - نادیده انگاشت و یکسره مرعوب نظریه پردازان انقلاب

ارتباطات امروز دنیای معاصر شد؛ واقعیت این است که «بشر معاصر» یکبار دیگر دچار این اشتباه تاریخی می‌شود که به پدیده ارتباطات باز هم نگرشی ابزاری بیندازد، غافل از آنکه اولین اصل بدیهی رسانه ارتباطی، توفیق در برقراری ارتباط با مخاطبی چون «انسان» است و این ارتباط و پیوند، جز از راه طرح پیامی قوی و فرهنگ حیاتبخش - که نیاز انسان را بطرف سازد - امکانپذیر نخواهد بود.

به همین سبب، ما ابتدا با تعریفی که از «پدیده ارتباطات» و «مخاطبان» آن، می‌کنیم به سراغ نظریه‌های معروف تحول ارتباطی دنیای امروز می‌رویم و در این میان نقیبی به وظیفه و نقش اصلی وسائل ارتباطی در برقراری ارتباط با انسان می‌زنیم، و سپس میزان توفیق پیام وسائل ارتباطی در نگاه واکنش «رفتار جمعی» افراد بشر را مورد بررسی قرار می‌دهیم، در نهایت با بررسی نظریه «ماروین زدیتس» و حوزه‌هایی که او برای مطالعه هر انقلاب ضروری می‌داند، تنها به بحث سازماندهی می‌پردازیم و از رهگذر آن، نقش رسانه‌ای مسجد را در این راستا مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱- تعریف ارتباطات

پیش از پرداختن به مسائل سابق الذکر، ضروری است تصور خویش را از پدیده ارتباطات روشن سازیم، علم ارتباطات به دانشی اطلاق می‌شود که چگونگی‌های برقراری ارتباط و اطلاع رسانی را با مخاطب بررسی می‌کند و به کیفیت پیام رسانه ارتباط جمعی و تکنیک‌های ارسال پیام به مخاطب، می‌پردازد.^(۱)

در عصر حاضر «مک لوهان» یکی از نویسنده‌گان و نظریه پردازان غربی در زمینه ارتباطات معتقد است که منشأ تغییرات اجتماعی، رسانه‌های ارتباط جمعی

۱. از مجموع تعریف‌ها می‌توان به تعریف یاد شده بسنده کرد.

هستند؛ چنانکه دیگر نظریه پردازان اقتصادی و فرهنگی، هر یک به طور جداگانه به اقتصاد و نهادهای فرهنگی به عنوان منشأ تغییرات اجتماعی اعتقاد داشتند؛ اما امروزه که این عصر، به عصر و حاکمیت اراده ملت‌ها، «بیداری ملت‌ها و بیداری اسلامی»، «قرن غلبه مستضعفین بر مستکبران»^(۱) و عصر «دهکده جهانی»^(۲) یاد می‌کنند، از نقش انکارناپذیر و قدرتمند افکار عمومی در عرضه تحولات اجتماعی و فرهنگ ملت‌ها غافل نیستند، فرهینختگان و فرزانگان ملت‌های جهان اسلام، امروزه نمی‌توانند و نباید از کنار انقلاب شگرف تکنولوژیک در عرصه ارتباطات بی‌تفاوت بگذرند و مسئله را به حال خود بگذارند، افکار عمومی و فرهنگ ملی و ایدئولوژیک، پایه‌ای اقتدار حکومت‌ها را تشکیل می‌دهند، بدیهی است در جوامع اسلامی، فرهنگ و نظام اسلامی، برای ماندگاری و تداوم، به مدافعانی آگاه نیازمند است که پدیده ارتباطات و رسانه‌های جمعی بخوبی می‌توانند از عهده این مهم برآیند.

۲ - رسانه‌های ارتباط جمعی

انتقال پیام فرهنگی، در مراحل ابتدایی، دهان به دهان و سینه به سینه و شفاهی بود. حتی اگر متنی بر روی پوست حیوانات نوشته می‌شد و یا خبری را حکام به اطلاع مردم می‌رساندند، با صدای بلند خوانده و یا جارچیها به این امر مبادرت می‌ورزیدند. با ورود جوامع بشری به دنیای چاپ (گوتبر) تمدن شفاهی بشری، بیشتر شکل کتابت به خود گرفت و تمدن کتبی بر دستاوردهای فرهنگ بشری افزوده شد، فرهنگ کتبی و جستجوهای بی امان بشر برای دستیابی به تازه‌های علم و دانش، بر اهمیت ارتباطات و علم اطلاع رسانی افزود و فرهنگ کتابت را در جایگاه تازه‌ای قرار داده است. «مک لوهان»، شاید جزو اولین کسانی

۱. از تعبیر امام خمینی در خصوص تحولات قرن حاضر.

۲. تعبیر آلوین فلز، روزنامه نگار آمریکایی در کتاب «جابجایی در قدرت».

بود که به اهمیت وسائل ارتباط جمعی، اعم از مطبوعات، رادیو، تلویزیون، تئاتر، سینما و مجلات و نشریات پی برد، وی معتقد بود که پس از انقلاب صنعتی، جهان به سمت تمرکز گرایی در همه عرصه‌های اجتماعی؛ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی روی می‌آورد؛ این تحول سبب شد که اطلاعات یک جور و یکنواخت به دست انسان برسد و در اختیار جامعه قرار گیرد، وی نام این تحول را «دهکده جهانی» گذاشت. به اعتقاد او، جهان به این دلیل به دهکده‌ای تشییه شده است که اخبار با سرعتی زایدالوصف، توسط وسائل ارتباطی منتشر می‌شود و با سرعت به تمامی جوامع دنیای امروزی می‌رسد؛ این امر، سبب کوتاه شدن فاصله ملتها از لحظه خبری شده است، به گونه‌ای که می‌توانیم نام «دهکده جهانی» بر آن بگذاریم.^(۱)

اما کارکرد وسائل ارتباط جمعی در تاریخچه کوتاه ذکر شده، خلاصه می‌شود؛ مهم این است که ما، چه نگاهی را به وسائل ارتباط جمعی بیفکنیم؟ آیا بجز وسائل ارتباط جمعی مورد اشاره، نمی‌توان هیچ نقش رسانه‌ای برای دیگر وسائل و پایگاه‌های ارتباطی - بویژه در جوامع اسلامی - قائل شد؟

۳ - مسجد پایگاه ارتباطی مناسب با جوامع اسلامی

بخوبی می‌دانیم که کارکرد وسائل ارتباط جمعی در برقراری هر چه عمیق‌تر ارتباط با انسان - به صورت مهمترین مخاطب - خلاصه و متمرکز می‌شود. اگر چنین باشد، باید ببینیم مسجد، به عنوان پایگاهی ارتباطی و بسیار مهم، چه نقشی در افزایش پیوندهای انسانی و توسعه فرهنگ اسلامی ایفا کرده است.

در تبیین این قسم از این نوشتار به ذکر نکاتی تأمل زا به این شرح می‌پردازیم:

۱) اصولاً تمامی وسائل ارتباط جمعی، نوعی ارتباط غیرحضوری را با مخاطب برقرار می‌سازند و این ارتباط غیرحضوری، علی‌رغم جذابیتها فراوانش

۱. در این زمینه رجوع شود به: جامعه‌شناسی ارتباطات، باقری ساروخانی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷، فصل پنجم.

حالتی تصنیعی داشته و لزوماً دارای ارتباطی عمیق با مخاطبان نیست.

(۲) در تمامی نظریه‌های ارتباطی تاکنون، رسانه‌های جمعی، وظیفه اطلاع رسانی و ارسال پیام داشته‌اند؛ در این بینش، می‌باید افکار عمومی به سمتی خاص، که نهادهای سیاسی و حکومت‌های قدرتمند و غالب دنیا طالبدن، سوق داده شود و رفتار جمعی براساس الگوهایی که عرضه می‌شود، شکل گیرد و نهایتاً ثبات اجتماعی در تحقق اهداف سرمایه داری جهانی حفظ شود.

بدیهی است در این نظریه‌ها، انسان، ابزاری بیش نیست ولی دیدگاه رسانه‌ای اسلام انسان را نه تنها به عنوان مخاطبی که پیامی به اطلاع او می‌رسد، بلکه به منزله مخاطبی که آگاهی و بویژه تعالی او همواره مطمئن نظر است، می‌نگرد، پس، فرق است میان تعالی آموزش و تربیت انسان تا به دست گرفتن تنها افکار عمومی او.

(۳) نفوذ در قلب‌ها و در افکار، به مراتب اقتداری افزون‌تر در افکار می‌سازد.

رسانه‌های جمعی مورد تأکید فرهنگ اسلامی، که عمدتاً بر نقش رسانه‌ای مسجد و خطابه و ارتباط‌ها و پیوندهای حضوری (و تشکل‌های ارتباطی خاص) انگشت می‌گذارد و البته وسائل و تکنیک‌های نوین را هم نفی نمی‌کند و می‌پذیرد، در این نکته حکمت‌آمیز هدایتی خلاصه می‌شود، زیرا در این مدل ارتباطی، انسان با انسان حضوراً در ارتباط است و این شیوه ارتباط، در تصرف قلب‌ها و تسخیر افکار به مراتب مؤثرتر است.

(۴) مسجد و خطابه، بر فرهنگ شنیداری تأکید دارد، بدیهی است در جوامع اسلامی که کماکان از تحولات فرهنگ دیداری آثار مهمی دیده نمی‌شود، مؤثرترین پیام است. ضمن آنکه مسجد به عنوان پایگاه و رسانه ارتباطی مهم، از هر دو حالت می‌تواند به طور بالقوه برخوردار باشد. برای نمونه اگر مساجد در زمانی که درصد جامعه مورد نظر باسواند ما به حدی رسید که به ناچار می‌باید پاسخگوی نیازهای فرهنگی آنان، بویژه در زمینه کتاب و رسانه‌های دیداری مثل سینما، تئاتر و امثال آن باشد، به سهولت می‌توان کتابخانه و کانون‌های فرهنگی را

در مساجد تشکیل داد و تقویت کرد، ولی نکته جالب این است که مخاطب آمده است و مسجد چون کانون هدایت انسان در بستر اجتماع و از جاذبه‌های معنوی فروانی برخوردار است، اثر خود را بر مخاطبانش می‌گذارد.

۴ - ویژگی‌های ارتباطی مسجد در سازماندهی حرکت‌های اجتماعی و ماندگاری فرهنگ اسلامی

نظریه «ماروین زدیتس» - جامعه شناس فرانسوی - درباره مطالعه انقلاب‌ها نکات جالبی به دست می‌دهد.^(۱) وی معتقد است برای مطالعه انقلابها، باید چهار حوزه زیر را بررسی کرد:

- ۱ - رهبری.
- ۲ - سازماندهی.
- ۳ - توده‌های مردم.
- ۴ - واکنش سیستم سیاسی (حکومت).

در این چهار حوزه اگر بخواهیم به نقش سازماندهنده و تشکیلات ارتباطی که انقلاب‌ها را ایجاد و حفظ می‌کنند، توجه کنیم، درباره انقلاب اسلامی ایران به نکته جالب توجهی دست خواهیم یافت.

اصلوً در انقلاب ما، میان رهبران انقلاب و پیروان انقلاب، احزاب و تشکل‌های سیاسی (که مرسوم همه انقلاب‌هاست) قرار نداشتند؛ هدایت انقلاب اسلامی مستقیماً به همت رهبری و با واسطه روحانیان (خطبا) و در میدان‌های برقراری ارتباط با مردم (مسجد) صورت گرفت، در واقع حلقة واسط میان رهبری انقلاب اسلامی و مردم - در انقلاب ما - مساجد بودند و نقش ارتباطی را هم مساجد

۱ . در این زمینه توجه شود به: تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۵، فصل اول .

ایفا کردنند. البته صدور اعلامیه و چاپ و توزیع آن نیز، نقش عمدہ‌ای در این فرایند ایفا کرد.

اینک به سراغ ویژگی ارتباطی مسجد در سازماندهی حرکتهای اجتماعی و تداوم فرهنگ اسلامی به این شرح می‌رویم:

۱ - مسجد، غیرگروهی و سازمانی است. (سازمان در شکل مصطلح آن).

۲ - در عین حال مسجد، حالتی تشکیلاتی دارد و مخاطبان آن با همه امکان، ارتباط تشکیلاتی می‌یابند.

۳ - این ارتباط به دلیل غیرسازمانی و غیرگروهی خود، به نحو بازرسی، مردمی است که ویژگی عمدہ به شمار آمده و امکان بهره برداری دشمن را در جوامع بسته دیکتاتوری (مانند مصر امروز) به حداقل می‌رساند.

۴ - مسجد، پایگاهی ارتباطی - دینی است و این عملاً جهت ارتباطات را روشن می‌سازد و در ماندگاری فرهنگ اسلامی نقشی عمدہ ایفا می‌نماید.

۵ - کارکرد ارتباطی و رسانه‌ای مسجد عمیقتر است، زیرا چنانچه بیشتر گفته شد، با دل‌ها و افکار هماهنگ با یکدیگر سر و کار دارند.

۶ - مسجد، پایگاهی ارتباطی و سهل الوصول و در عین حال، رسانه‌ای قابل دسترسی برای کلیه مخاطبان و علاقه‌مندان است.

۷ - مقابله با مسجد از ناحیه حکام جور از نظر سیاسی باید شکل علنی داشته باشد؛ این مسئله در ابتدای امر، به افشاری چهره غیردینی حکومت‌های سلطه (که اتفاقاً در کشورهای اسلامی، به اسلام پناهی دست می‌زنند) می‌انجامد؛ اگر مبارزه حکومت با مسجد حالتی مخفی داشته باشد، کاربرد چندانی نخواهد داشت.

۸ - مسجد، جدا از نقش رسانه‌ای و ارتباطی خود، از طریق خطبا و علماء، ایجاد انگیزش در مخاطبان می‌کند و اینجاست که علاوه بر نقش اطلاع رسانی، نقش هدایتی را نیز بر دوش می‌گیرد.

نتیجه گیری

در عصر تحول شگرف ارتباطات قرار گرفته‌ایم، عصری که از آن به «دهکده جهانی» یاد می‌شود. نه می‌بایست یکسره مرعوب این تحولات شد و نه از کار فرهنگی تبلیغی و ارتباطی عظیمی که در این مقطع حساس تاریخی بر دوش مبلغان و علماء و خطبا و عناصر فرهنگی نهاده شده است، غفلت ورزید. ماندگاری فرهنگ اسلامی به حفظ این تلاش و افزوده‌تر شدن بستگی تام پیدا کرده است.

در دنیای ارتباطات، تحولات تکنیکی یک پایه این تحول محسوب می‌شوند، ولی دنیا با فروپاشی مکتب‌ها و بحران فرهنگی و انحطاط اجتماعی، پیام و فرهنگی درست برای رفع نیازهای انسان معاصر در دست ندارد. اهمیت اسلام و فرهنگ آن و توجه یکجا به نقش رسانه‌های امروزی و مساجد به عنوان مدل ارتباطی و رسانه‌ای سنتی در جوامع اسلامی، نباید نادیده انگاشته شود.

کارکرد رسانه ارتباط جمعی، با همه تحولات تکنیکی، زمانی قرین توفیق قلمداد می‌شود که بتواند عمیق‌ترین ارتباط و پیوند را با مخاطب خود برقرار سازد. مساجد در پیشرفت و پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷، نشان دادند که می‌توانند چنین ارتباطی را برقرار ساخته و نقش هدایتی و رسانه‌ای خود را ایفا کنند.

ویژگی‌های منحصر به فرد مسجد، در قالب پایگاه‌های ارتباطی مهم به هیچ وجه نباید در دنیای امروز فراموش شود، بلکه این پایگاه همواره می‌تواند در تقویت فرهنگ شنیداری و دیداری مردم و مخاطبانش بسیار مؤثر باشد؛ ماندگاری فرهنگ اسلامی تاکنون به لحاظ پویایی و تحرک این کانون‌های سازماندهی حرکت‌های اجتماعی و توده‌ای مردم بوده است. در آینده هم یکی از عوامل و متغیرهای مهم این ماندگاری ما تحرک همین پایگاه‌هاست.

بخش سوم

مسجد و تعالی انسان

۱ - مهد ارتباط با خدا

۲ - مسجد، مرکز انسان سازی

۳ - مسجد، پایگاه آزادگی و آزادی

۱- مهد ارتباط با خدا

مسجد، محل سجده در پیشگاه باعظمت ذات باری و مکانی است برای ابراز بندگی و عرض تشکر و سپاس به درگاه پروردگار عالمیان، به لحاظ نعمت‌ها و موهبت‌های مادی و معنوی خداوندی.

مسجد، جایگاهی است برای ادای فرایض دینی و موضوعی است برای ساییدن پیشانی بر خاک، به نشان عبودیت و بندگی در پیشگاه خالق یکتا، بنابراین، ارزش و منزلت هر مسجد و ارج و مکانت هر عبادتگاهی در همان روح عبودیت و بندگی انسان و تسلیم وی در برابر خالق و آفریدگار خویش در کلیه اوامر و نواحی و اطاعت و انقياد کامل از ذات اقدس الهی است که زمینه ساز رشد و تکامل انسانی به شمار می‌رود.

بدون شک، سبب قداست مساجد و معابد در ادیان آسمانی همین است و ارزش و حرمت آنان نیز در همین یک نکته خلاصه می‌شود؛ مطالعه و بررسی آیات قرآنی و روایات اسلامی درباره مسجد، این حقیقت را آشکار می‌سازد که عمران و آبادانی معابد و مساجد، با ایمان و عقیده مردمان مؤمن و متدين ارتباط تنگاتنگ دارد، همچنانکه شرک، کفر، الحاد و نفاق با فرهنگ مسجد، کاملاً در تضاد است و خرابی ظاهری و باطنی در آن را به دنبال دارد.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

«المسجد بيت كلّ مؤمن». ^(۱)

«مسجد، خانه هر انسان بایمان است».

همچنین در حدیث دیگر فرمود:

«انَّ الْمَسَاجِدَ بَيْوَتُ الْمُتَّقِينَ...». ^(۲)

«مسجدها، خانه های پارسایان و پروپیشگان است».

هر که مسجد خانه وی باشد، خداوند پایان عمر او را رفاه و آسایش قرار می دهد و او را از پل صراط به سوی بهشت می گذراند.

پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی به زیان تمثیل فرمود:

«رِيَاضُ الْجَنَّةِ الْمَسَاجِدُ». ^(۳)

«مسجدها، باغ ها و بستان های بهشتی اند».

و در سخنی دیگر در مقام بیان عظمت و اهمیت مسجد، فرمود:

«كُلُّ بَنَاءٍ وَبَالٍ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمُ الْقِيَامَةِ إِلَّا الْمَسَاجِدُ». ^(۴)

«در روز رستخیز همه بناها و ساختمانها برای مالک و سازنده آن، وزر و بال و دردسر خواهد بود، جز مسجد».

به عقیده برخی، این حدیث نکته طریف و دقیقی در بردارد و خلاصه آن این است که علاقه انسان به مال و منال مادی و دلبلستگی او به کاخ و بناهای دنیوی احیاناً او را از خدا باز می دارد و موجب فراموشی ارزش های معنوی می شود، چنین انسان غافلی، رفته رفته از خدا دورتر می شود و هر لحظه بر ابتلاهای دنیوی

۱. کنزل المعال: ج ۷، ص ۶۵۰، افست هند.

۲. همان مأخذ: ص ۶۵۹.

۳. همان مأخذ: ص ۶۴۸.

۴. همان مأخذ: ص ۶۴۸.

و گرفتاری‌های مادی خود می‌افزاید، به خلاف مسجد که علاقه و وابستگی به آن - از آن جا که به قصد قربت و رضای الهی است - نه تنها برای انسان ایجاد گرفتاری نمی‌کند و وبال نمی‌شود، بلکه سبب سبکباری، راحتی و آزادی روح و روان وی نیز می‌شود.

ناگفته نماند کسانی که مسجد را - چنانکه درباره مسجد ضرار مطرح بوده است - وسیله دنیاخواری و ابزاری برای هدف‌های پست دنیوی و نفسانی خود قرار می‌دهند، وضعی دیگر دارند، چرا که آن چنان بنایی مسجد نیست، بل دام شیطانی است و بانیان آن اهل مسجد نیستند بلکه منافق یا منافقانی هستند.

حضرت محمد مصطفی ﷺ فرمود:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّىٰ يَتَبَاهَى النَّاسُ فِي الْمَسَاجِدِ». ^(۱)

«قيامت به پا نمی‌شود مگر اینکه مردم در مساجدها مباهات کرده و بر یکدیگر فخر و ناز می‌فروشد».

صاحب‌نظران در تفسیر و توضیح این حدیث شریف دو احتمال می‌دهند:

۱ - اهل مسجد در آخر الزمان، گرفتار تظاهر و فخرفروشی می‌شوند و از معنویت فاصله می‌گیرند و این، عملی ضدارزش است.

۲ - افراد بشر قبل از فرار سیدن قیامت، بر اثر تزکیه نفسانی و رشد و کمال عقلانی و بالندگی فکری و ایمانی به مرحله و مقامی می‌رسند که حضور در مساجد و آمد و شد مستمر به خانه‌های خدا و عبادت مرتب منظم در آن اماکن مقدس را از مفاخر خود می‌دانند و به آنها می‌بالند، بر خلاف اهل فساد ولابالیان، که آمد و شد به مسجد را برای خود کسر شان می‌دانند و تا می‌توانند از آن می‌پرهیزنند.

در حدیثی در زمینه ارج و منزلت مسجد آمده است:

۱. سنن ابن ماجه: دارالفکر، بیروت، ج ۱، ص ۲۴۴.

«تذهب الأرضون كلّها يوم القيمة الاَّ المساجد فانّها تنضمُ بعضها الى بعض».^(۱)

«در روز رستاخیز، همه زمین‌ها از بین می‌روند، جز مساجد که پیوسته باقی می‌مانند».

شاید از جمله معانی تأویلی حدیث مذبور آن باشد که چون بقای هر شیء با آثار آن است و زمین و اهل آن در نظام طبیعت جملگی فانی‌اند و از سویی کمال انسان در عبودیت خدا و معرفت پروردگار است، پس مساجد در ارتباط با بندگی انسان با قصد تقرّب و رضای خدا باقی می‌مانند و بس و بقیه، یعنی هر چه دنیا و دنیایی صرف است از بین می‌رود و فانی می‌شود.

﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهُهُ﴾.^(۲)

«همه چیز جز او فانی است».

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْأَكْرَامِ﴾.^(۳)

«هر آنچه بر بستر زمین است فناپذیر و از بین رفتی است جز وجه باجلالت و کرامت پروردگارت که او باقی و ماندگار است».

سکوی پرش به آسمان

از بحث گذشته چنین نتیجه می‌شود که حرمت و قداست مساجد و معابد

۱. کنزالمعال: ج ۷، ص ۶۵۲.

۲. قصص / ۸۸.

۳. رحمن / ۲۷.

با عبودیت و بندگی انسان در برابر حق تعالی معنا و مفهوم پیدا می‌کنند و با ارزش می‌شوند، به همین سبب، در احادیث شریف نبوی و روایات اولیای معصوم علیهم السلام گاه مساجد، خانه‌های مؤمنان و پارسایان معرفی شده^(۱) و دیگر گاه خانه‌های خداوند متعالی.^(۲)

راستی بیان این همه ویژگی برای مساجد چیست؟ آیا جز این است که انسان مؤمن در مسجد وجهه الهی پیدا کند و با الهام و رهنمود انبیاء و فرستادگان الهی در سکوی پرش به بلندای انسانیت قرار گیرد و در نتیجه ارزش وجودی تمام عیار یابد و به مقام قرب و حب و رضوان برسد؟

نبی مکرم و رسول خاتم صلوات الله عليه و آله و سلم فرموده‌اند:

«بأحبابِ الْبَلَادِ إِلَى اللَّهِ مَسَاجِدُهَا وَابْغُضُ الْبَلَادِ إِلَى اللَّهِ أَسْوَاقُهَا».^(۳)

«محبوب‌ترین سرزمین‌ها نزد خاوند مساجدها،
ناخوشایندترین آنها بازارهای آنهاست».

پیامبر گرامی صلوات الله عليه و آله و سلم در یک حدیث نسبتاً طولانی راز محبوبت مساجد را نزد خداوند چنین بیان فرموده است:

«هر کس خدا را دوست می‌دارد باید مرا دوست بدارد و هر که من را دوست بدارد عترت و خاندان مرا باید دوست بدارد، و هر کس خاندان مرا دوست بدارد باید قرآن را دوست بدارد و هر کس قرآن را دوست بدارد، باید مساجد را دوست بدارد، زیرا مساجد آستانهای الهی و بناهای پاکیزه‌ای هستند که

۱. کنز‌العمال: ص ۶۵۱.

۲. مستدرک الوسائل: طبرسی، میرزا حسین نوری، آل‌البیت علیهم السلام، قم، ج ۳، ص ۳۶۳.

۳. کنز‌العمال: ج ۷، ص ۶۴۸.

خداوند اذن داده که بلند و مرتفع شوند و دارای خیر و برکت باشند؛ مساجد مکان‌هایی می‌می‌متنند و اهل آنها نیز مردمانی سعید و خوشبختند. مساجد و اهل آنها، هر دو آراسته به جمال و کمال معنوی و روحانی اند، آنها محافظت شده‌اند، چون در نمازنده و خداوند در صدد برآوردن نیازمندی‌های ایشان است؛ آنان در مسجدند و خداوند به دنبال مشکل‌گشایی از ایشان».^(۱)

در این حدیث که با زبان کنایه و تمثیل، سخن به میان آمده نکاتی در خور توجه است.

۱ - علت محبوبیت و قداست و ارج مساجد، این است که مردم در آنها با معارف قرآن آشنا می‌شوند و با حضور مستمر خود سخنان عترت و خاندان نبوت را که حافظان شریعت و پاسداران آیین اسلام و شارحان کتاب خدا هستند، را می‌شنوند و در نتیجه راه و رسم صحیح زندگی را می‌یابند و عنصری صالح به بار می‌آیند و به کلید رمز خوشبختی دست می‌یازند و دیگران را هم به سرمنزل مقصود ره می‌نمایند، که معنای دوستی خدا و رسول نیز همین است.

۲ - خوشبختی و موفقیت اصلی را باید در آستانهای الهی (مساجد) جستجو کرد؛ کسانی که خوشبختی را در نافرمانی خدا و آلوهه شدن به گناه و انواع فساد و تباہی می‌پنداشند، سخت در اشتباہند و هرگز گمشده خود را نخواهند یافت.

۳ - آرایش حقیقی برای انسان، تنها به جامه نووگران نیست، بلکه به تقوا و آراستگی خلقی و رفتاری است؛ به عبارت دیگر، زینت و آراستگی حقیقی و بالارزش، تنها در پرتو بندگی خدا و عبودیت و نیاش در مساجد میسر است.

۴ - انسانی که از پروردگار خویش گیسته است، موجودی بی‌پشتوانه

۱ . مستدرک الوسائل: ج ۳ ، ص ۳۵۵

و بی‌پناه است، لکن مساجد به سبب انتسابشان به خدا، پناهگاهی مطمئن و پشتوانه‌ای محکم برای مردم مؤمن و متدين محسوب می‌شوند.

آن حضرت ﷺ درباره همین معنای ژرف و پرارزش، در روایتی دیگر چنین فرموده‌اند:

«المساجد سوق من اسوق الآخرة قراها المغفرة و تحفتها

الجنة».^(۱)

«مسجد بازاری از بازاری‌های آخر تند، ماده‌پذیرایی و مهمان نوازی در آنها بخشش و آمرزش الهی است و تحفه و هدیه تقدیمی در آنها بهشت است».

این حقیقت را که مسجد جای کسب معالی اخلاق و محل تحصیل ثواب و کلاسی برای آموزش درس‌های انسانیت و میدانی برای پروراندن روح و روان آدمی است، از تقابلی که میان بازار و مسجد در برخی احادیث وجود دارد می‌توان استفاده کرد، زیرا مسجد در میان آن همه مکان‌ها و سرزمین‌ها نزد خداوند دوست داشتنی‌ترین و محبوب‌ترین به شمار می‌رود، همچنانکه بازارها مبغوض‌ترین هستند.

حال باید دید که چرا مساجد محبوب‌ترین و بازارها مبغوض‌ترین هستند؟ آیا جز این است که بازارها - غالباً کلا و همیشه - محل تحصیل مال و منالند و افراد بشر در آنجا فقط به جمع پول و ثروت بیشتر می‌اندیشند و حرص می‌ورزند و با یکدیگر به رقابت بر می‌خیزند و احیاناً دور از رحم و مروت به جان هم می‌افتدند و چنین امری، خواه ناخواه، آنان را از کمالات معنوی بازمی‌دارد و دنباله‌رو هوا و هوشان می‌سازد و سرانجام فرصت‌های طلایی را در تحصیل کمالات روحی از بین می‌برد.

۱. همان مأخذ: ص ۲۶۱.

از سوی دیگر، شکی نیست که اگر انسان مؤمن در بازار و مغازه خود با توکل به خدا و در چارچوب امر و نهی الهی به دنبال روزی حلال و در پی تجارت و کسب شرعی باشد، حبیب خداست و مغازه و تجارتخانه‌اش نیز حکم عبادتگاه را دارد، بنابراین روایات وارد شده در مذمت بازار هرگز ناظر به چنین مواردی نیست و اصولاً باید لحن احادیث و آهنگ روایات و زبان قرآن و سنت را نیک فهمید و موارد را بدرستی تشخیص داد.

و اما مساجد، به طور کلی میدان کسب فضایل و ارزش‌های والا و معنوی‌اند و انسانی که ساعاتی از عمر خود را در آن می‌گذراند به کمالاتی دست پیدا می‌کند و یا باید دست پیدا کند که هستی را بروی معنی دارتر، وجود او را بالارزش‌تر و پایدارتر می‌گرداند، زیرا مال و منال دنیوی زوال‌پذیر و فانی‌اند و اگر هم موقتاً بمانند، از آن دیگران است، در حالی که فضایل و کمالات جزو جدایی‌ناپذیر وجود انسان است و باقی به بقای اویند، البته منافاتی ندارد که گاهی همین مسجد به صورت مسجد ضرار و وسیله‌ای برای رسیدن به مطامع مادی دنیوی درآید که در حقیقت چنین مکانی برای مسجد نیست، بلکه دامی شیطانی و کمینگاهی ابليسی است و انسان را به مراتب بیش از بازار گرفتار و نگون بخت می‌کند.

بنابراین، جمله‌های «المساجد انوار الله»^(۱) و نظایر آن بیانگر جنبه روحانی و معنوی مساجد واقعی‌اند.

أهل مسجد

آنچه ذکر شد، نکاتی بود عمدتاً درباره مسجد و ارزش آن، مطالبی بود راجع به حرمت و قداست مسجد و بقای آثار آن و اشاره‌ای بود به سند جاودانگی عبادت برگزار شده در محیط مسجد، چنانکه در ضمن نقل برخی اخبار یادآورد شدیم،

۱. همان مأخذ: ص ۴۴۸.

بیانات در آن گونه روایات، تمثیلی است، از قبیل تشبیه معقول به محسوس که به قصد مجسم ساختن جنبه‌های معنوی و روحانی مسجد عنوان شده‌اند؛ این نوع تعبیرات کنایی و جمله‌های تمثیلی، در مجاورت و گفتگوهای عادی مردم هر کشور و در عرف و عادت هر قوم، و زبان و لغت هر ملتی متعارف و شناخته است.

آیا یک سنگ نفیس و گرانقدر با یک در بالرزش و آیا طلا و نقره در تمثیلات عادی ما، مورد مقایسه و سنجش قرار نمی‌گیرد و گاهی امور معنوی به آنها تشبیه نمی‌شوند تازه، آن همه تعبیرات که در احادیث مذبور آمده درباره بنا و ساختمان مسجد وارد است؛ اما راجع به اهل مسجد و افراد مسجدی، نکته باریک‌تر و مهم‌تر است.

حضور در مساجد و ادائی فرایض دینی و نمازهای پنجگانه در آن جا، به قدری بزر و با ارزش است که در مقام بیان عظمت آن، باز در قالب مثال و تمثیل فرموده‌اند:

«ما من يوْم الْيَنَادِي فِي الْمَقَابِرِ: مَنْ تَغْبَطُونَ؟ فَيَقُولُونَ
اَهْلُ الْمَسَاجِدِ، يَصْلُوْنَ وَ لَا نَقْدَرُ وَ يَصْوُمُونَ وَ لَا نَقْدَرُ». ^(۱)

«فرشته‌ای هر روز در میان قبرها ندا سر می‌دهد و می‌پرسد:
شما اهل گورستان که دستتان از دنیا کوتاه شده است، به حال
چه کسانی غبطه می‌خورید و وضع کدام گروه را آرزو دارید؟
آنان در پاسخ گویند: به حال مسجدیان غبطه می‌خوریم
و وضع ایشان را آرزومندیم که نماز می‌خوانند و ما نمی‌توانیم،
و روزه می‌گیرند و ما نمی‌توانیم و به کلی دستمان کوتاه
شده است».

آری، اهل مساجد و پویندگان راستین راه مستقیم توحید، چنان مقام

ارجمندی دارند که مردم در آخرت به حال ایشان غبطه می‌خورند و داشتن وضع ایشان را آرزو می‌کنند، زیرا با چشم بصیرتی که پیدا کرده‌اند با از میان رفتن حجاب و مانع مادی، آثار عبادت و بندگی و خلوص و پاکی را عیان می‌بینند و حسرت می‌خورند که چرا در دنیا، بیش از آنچه انجام دادند، سعی و کوشش نکردند و از آن اعمال بالارزش بهره کافی نبردند و توشہ افزونتر نیند و ختند.

پیامبر اکرم ﷺ و اوصیای معصوم علیهم السلام برای تشویق و ترغیب مردم به آن همه ثواب و کمال در سخنان و رهنمودهای خود از هر شیوه معقول بهره جسته‌اند.

روزی رسول گرامی ﷺ، از جبرئیل علیهم السلام سؤال فرمودند:

«کدام بقעה و مکان، بهترین است؟».

جبرئیل پاسخ داد:

«مسجد بهترین بقעה‌ها و اماکن است».

بعد رسول الله ﷺ پرسیدند:

«در میان مسجدیان چه کسانی دوست داشتنی‌تر و بهتر هستند؟».

جبرئیل گفت:

«آنان که زودتر از همه وارد مسجد می‌شوند و دیرتر از همه بیرون می‌روند».^(۱)

۱. طلی، محمد بن حسن، الأمالی، مطبعة الشuman، نجف اشرف، ج ۱، ص ۱۴۴، اعلام المساجد بحاکم المساجد، چاپ قاهره، ۱۴۱۰، ص ۲۶، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الاخبار، مکتبة الصدق، تهران، ص ۱۶۸.

بنای مسجد

اولیای دین، برای آنکه مؤمنان و مردمان متدين، تقویت روحی و روانی شوند و رنج و کار و زحمت رادر این زمینه‌ها بر خود هموار کنند، و عده‌های راست و نویدهای مسرت بخش مطرح ساخته‌اند از جمله:

«من بنی الله مسجداً ولو كمحفص قطاة بنى الله له بيتأ
في الجنة». ^(۱)

«هر کس برای رضای خدا و تقرب به او مسجدی بسازد هر چند به کوچکی لانه مرغ قطا (سنگخوار)، خداوند برایش خانه‌ای در بهشت بنا فرماید».

ناگفته پیداست که حدیث مذبور حدیثی کاملاً بلاغی و برانگیزاننده است و از شیوه مبالغه بهره گرفته است و گرنه مسجدی به وسعت و محدودیت لانه پرندۀ‌های کوچک چگونه می‌تواند مورد استفاده باشد. ولذا این تعبیرات کنایی و این گونه وعده ثواب و پاداش در خصوص بنای مسجد آنجا که ضرورت بیشتری احساس می‌شود، شدت و تأکید زیادتری پیدا می‌کند.

«هاشم خلال» می‌گوید: همراه «ابوصباح کنانی» به حضور امام ششم ابوعبدالله جعفر بن محمد صادق علیه السلام رسیدیم، درباره مساجدی که برخی زائران و حاجیان خانه خدا در راه مکه ساخته‌اند صحبت شد، امام فرمود: «به به! آنها بهترین مساجدند». ^(۲)

آیا علت بهتر بودن آن مساجد این نیست که مسافران و زائران کعبه در مسیر مسجد، نیاز مبرم پیدا می‌کنند؟ ناگفته معلوم است که وجود یک مسجد میان دو شهر و دو آبادی برای مردم مسلمان و اشخاص متدين بیشتر مورد نیاز است تا در

۱. همان مأخذ.

۲. برقی، ابو جعفر، احمد بن محمد، المحسن: چاپ محدث ارمومی، ص ۵۵.

داخل شهر و روستا، به هر حال، ملاک بهتر بودن مسجدی در قیاس با مسجد دیگر احتمالاً نیاز و احتیاج شدید به آن است.

قصد قربت

به استناد حدیث معروف نزد فریقین، نیت و قصد، اصل و پایه هر کاری است:

«انما الاعمال بالنیات». ^(۱)

«براستی که اعمال و کارها بستگی کامل به نوع نیت و قصد دارند».

«ولکلّ امرء مانوى». ^(۲)

«برای هر انسان آن می‌ماند که قصد کرده است».

بنابراین باید دید که نیت و قصد پایه گذار مسجد چه بوده است، آنچه موجب استحقاق آن همه اجر و ثواب و سبب دریافت آن همه پاداش می‌شود کار و بنایی است که با نیت پاک برای رضای خدا انجام می‌یابد، نه هر بنایی که احیاناً با نیت ناپاک و مقصد آلوده ساخته شده باشد. در فرهنگ اسلامی ارزش هر عمل منوط به نیت عامل آن است و تنها اعمالی نیکو، پسندیده و پرارزش تلقی می‌شود که به قصد رضای خالق و خدمت به مخلوق و دور از ریاکاری و شهرت طلبی باشد.

پیامبر اکرم ﷺ در برخی سخنانش افزون بر ذکر قید «الله» با بیان صریح‌تری می‌فرماید:

۱. فیض، محمد بن مرتضی، *المجحة البيضاء*: مکتبة الصدق، تهران، ج ۸، ص ۱۰۳.

۲. فیض، محمد بن مرتضی، *المجحة البيضاء*: مکتبة الصدق، تهران، ج ۸، ص ۱۰۳.

«من بنی الله مسجداً الا يربد به ریاء ولا سمعة بنی الله له بیتاً فی الجنة». ^(۱)

«هر کس مسجدی برای خدا و دور از ریا، تظاهر و خودنمایی بسازد، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا کند».

و در حدیثی دیگر با همین مضمون فرموده‌اند:

«من بنی مسجداً یبتغی به وجه الله بنی الله له مثله فی الجنة». ^(۲)

و در حدیث سوم فرموده‌اند:

«من بنی الله مسجداً صغیراً و کبیراً بنی الله له بیتاً فی الجنة». ^(۳)

«هر کس برای رضای خدا مسجدی - کوچک یا بزر - بنا کند، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت می‌سازد».

لازمه نیت پاک در بنای مساجد، درآمد حلال و بالحاظ این شرط اصلی، بسیاری از اعمال افراد مورد سؤال قرار می‌گیرد، زیرا تنها با پولی می‌توان مسجد ساخت که پاک و حلال و طیب باشد، پیغمبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

«من بنی الله مسجداً یعبد الله فیه من مال حلال، بنی الله له بیتاً فی الجنة من در و یاقوت». ^(۴)

«هر که برای خدا مسجدی بسازد تا خدا در آن پرستش و عبادت شود و از مال حلال و دارایی پاکی باشد، خداوند

۱. کنزالمعال: ج ۷، ص ۶۵۵.

۲. همان مأخذ: ص ۶۴۹.

۳. همان مأخذ: ص ۶۵۰.

۴. همان مأخذ: ص ۶۵۴.

برای سازنده آن خانه‌ای در بهشت و از درّ و یاقوت بنا می‌کند».

چنانکه ملاحظه می‌کنید هر چند در برخی احادیث بنای مسجد به طور مطلق یاد شده است، لکن در برخی احادیث دیگر با کمال صراحة سخن از ریا و تظاهر و مال حرام به میان آمده و هرگونه ابهام را برطرف می‌کند؛ زیرا بنای مسجد به قصد ریا و شهرت و از مال و دارایی حرام، بلکه مشکوک، با روح مسجد و پارسایی در تضاد است و اصولاً چنان وضعی و آن گونه پولهایی هرگز نباید در بنای مسجد به کار رود.

اولین مسجد

ناگفته پیداست که اوّلیّت، امری نسبی است، چرا که مقصود، گاهی آغاز آفرینش زمین و ابتدای خلقت انسان در بستر آن است.

گاهی نیز مقصود ظهور اسلام و آغاز شکل‌گیری جامعه اسلامی پس از بعثت حضرت محمد ﷺ است.

«زرکشی» می‌نویسد نخستین مسجدی که بر روی زمین بنا شده مسجدالحرام است، که آن را مسجد شهر مکه خوانده‌اند.^(۱)

این مطلب، افرون بر روایات اسلامی در آیه‌های قرآنی به وضوح و روشنی تمام مطرح است، احیاناً در روایات نیز به آیات قرآن استناد شده است:

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾.^(۲)

«نخست خانه‌ای که برای عبادت خلق بنا شد، همان خانه

۱. زركشی، محمد بن عبدالله، اعلام الساجد باحکام المساجد: ص ۲۹، قاهره، ۱۴۱۰ هـ.

۲. آل عمران / ۹۶.

مکه است که در آن برکت و هدایت خلائق است».

«ابوذر غفاری» گوید: از رسول خدا پرسیدم: «کدام مسجد، اولین بار ساخته شده است؟». پیامبر ﷺ فرمود: «مسجد الحرام». سؤال کردم: «پس از آن کدام مسجد؟» فرمود: «مسجد الاقصی».^(۱)

بنابراین «بدون شک» مراد از اولیت در آیه پیشین، آغاز پیدایی بشر و حضرت آدم بر روی زمین است، همچنانکه از آیه ۱۰۸ توبه مشخص می‌شود:

﴿لَمْسِجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقْعُمَ فِيهِ﴾.

مقصود، اولین مسجدی است که پیامبر خاتم ﷺ در ورود به مدینه و تشکیل نظام اسلامی، بنا نهادند و خداوند آن را مسجد «تqua» نامگذاری فرمود.^(۲)

نکته شایان ذکر دیگر، دو مین مسجد از دو دیدگاه مزبور است. در سخن «ابوذر» خواندیم که دومین مسجد پس از هبوط آدم و استقرار اولاد او بر روی زمین، «مسجد الاقصی» است، همچنانکه دومین مسجد در جهان اسلام، همان «مسجد نبوی» است که سال ۱ هـ در شهر مدینه به دست پیامبر ﷺ و یارانش ساخته شد و بسیاری از ارزش‌ها و ارزندگی‌ها را دارد.

بنای مسجد نبوی

بنای «مسجد النبی» در مدینه، از وقایع عبرت افزای خواندنی تاریخ است؛ آورده‌اند که رسول اکرم ﷺ در میان استقبال گرم و باشکوه اهل «یثرب» وارد آن شهر شدند و مردم با ابراز خوشحالی و شادی و خوش آمدگویی، پیشنهاد کردند که آن

۱. ابن‌ماجه، سنن: ج ۱، ص ۲۴۸، حدیث ابوذر، بیروت، دارالفکر.

۲. سید ابراهیم سید علوی، مجله مسجد: شماره ۱۳، مقاله «ماهیت و رسالت مسجد».

حضرت به منزل یکی از یثربیان وارد شوند، لکن پیامبر خدا در پاسخ فرمودند: مرکب را آزاد گذارید که او مأمور است، که از قضا شتر در جایگاه کنونی مسجد بر زمین نشست؛ در کتاب «سیرت رسول الله» آمده است: «سید پرسید: این جایگاه که اشتر من فرود آمد و بخفت ملک کیست؟» گفتند: دو یتیم.

بعد از آن، پیغمبر ﷺ ایشان را بخواند و آن ملک را از ایشان بخرید و مسجد خود آنجا بنا کرد. پس سید در خانه «ابو ایوب» بود تا مسجد پرداخته شد...»، (چون سید ما بفرمود که آن مسجد از بهروی بنا کردند، خود هر روز برفتی و ساعتی در آن کار کردی تا مسلمانان را زیادت رغبت افتادی در عمارت آن، بعد از آن مهاجرین و انصار در کار ایستادندی و کار همی کردندی و این رجز همی گفتندی».

لئن قعدنا و النبي يعمل

لذاك منا العمل الضلل

«هرگاه ما بنشینیم و پیغمبر ﷺ کار کند، چنین رفتاری از ما عملی انحراف خواهد بود».

و دیگر، این رجز همی گفتندی؟

اللهم ارحم الانصار و المهاجره لا عييش الا الآخره

«زندگانی جز زندگانی اخروی نیست، خدایا بر انصار و مهاجران رحم آور».

سپس رسول خدا، به نظر و نه به نظم، مهاجران و انصار را دعا فرمود؟^(۱)

فلسفه بنای مسجد

۱ - مسجد نقطه مرکزی شهر اسلامی است و بقیه نهادها و بناها اعم از محل زندگی و یا جای کسب و کار و دیگر تلاش‌های عادی، بر محور مسجد و فرهنگ آن، باید شکل بگیرد.

۱. اسحاق بن محمد بن همدانی، رفیع الدین، سیرت رسول الله: ج ۱، ص ۴۷۴ و ۴۷۵.

۲- روح و جان مسجد که همان عبودیت و بندگی خدا و پرستش تنها ذات احادیث است. در ابعاد دیگر حیات مادی و فعالیت‌های روزمره بشری باید ساری و جاری باشد و گرنه مثل مسجد ضرار، ضد تقوا و پارسایی بوده است، هر چند نام مسجد بر خود داشته باشد، دارای ارزش معنوی نخواهد بود.

۳- اینکه پیامبر ﷺ در مدینه، پیش از هر چیز مسجد ساخت به این علت بود که آن حضرت عبودیت و بندگی خدا را در سرلوحة برنامه هر مسلمان قرار دهنده، زیرا اگر فرد مسلمان در مرتبه اول، بنده خدا باشد و نه بنده و تسليیم هوا و هوس و مال و منال، چنین فردی، انسانی سالم و خدمتکار و مفید برای خود و دیگران خواهد بود، و الا نه برای خود فردی سودمند، و نه برای دیگران شخصی خدمتگذار خواهد بود.

۴- معنای کار رسول خدا این نیست که با وجود نهادها و مراکز اداری، اجتماعی اقتصادی و غیره، مسجد را محل فعالیت‌های عادی زندگی کنیم و در جامعه عملاً دوگانگی بیافرینیم، بلکه هدف رسول اکرم ﷺ آن بوده که فرهنگ مسجد را که همان عبودیت و بندگی خداست تعمیم و روح انسانی را جلا دهیم و هر لحظه گامی به پیش برداریم و از شیطان و عوامل او فاصله بگیریم.

کارگر مسجد شهید ولايت

سیره‌نگاران در همکاری و شرکت «عمار یاسر» در بنای مسجد النبی ﷺ داستانی نقل کرده‌اند که برای آینده مسلمانان مفید واقع شد و در واقعه «صفین» رستگاری و بیداری فریب خورده‌گان را در پی داشت.

در سیرت رسول الله ﷺ آمده است: «و هم در آن روز عمار بن یاسر درآمد و خشت همی کشید تا یک بار بسیار بروی نهادند، به ظرافت گفت: یا رسول الله: مرا کشتنند. پس سید دست بر پشت وی نهاد و فرو مالید و خاک و غبار را از سر

و روی وی پاک بکرد و گفت: «لیسو بالَّذِینْ يُقْتَلُونَكَ انْمَا تَقْتَلُكَ الْفَئَةُ الْاَبَاغِيَةُ». (ایشان کسی نیستند که تو را بکشند بدان که گروه سرکش و ستمکار تو را می‌کشند). همچنانکه سید گفته بود عمار به روزگار خلاف علیؑ با وی بود و لشکر معاویه وی را بکشتند، که از معجزه‌های پیغمبر ﷺ یکی این بود که از احوال وی خبر داد.

غبار مسجد

علیؑ هم در حالی که در مسجد کار می‌کرد و رجز می‌خواند:
لا يَسْتُونَ مِنْ يَعْمَرُ الْمَسَاجِدَ يَدَابُ فِيهِ قَائِمًا وَ قَاعِدًا
مِنْ يَرِى عَنِ الْغَبَارِ حَائِدَ

«برابر نباشد ثواب و درجه کسی که در مسجد کار کند و رنج بر خود گیرد و خسته شود، با کسی که به نزدیک نیاید و هیچ کار در آن نکند، از بهر آنکه مبادا غبار بر او بنشیند».

مسجد «قبا» نخستین مسجدی است که در عالم اسلام ساخته شده و «مسجد النبی» دومین مسجد جهان اسلام است و مسجد «ضرار» در حیات رسول اکرم ﷺ به وسیله منافقان در نزدیکی مسجد «قبا» ساخته شد. در بحث قبلی درباره مسجد تقوا (قبا) و مسجد «ضرار» از بعد فرهنگی و اعتقادی سخن گفته شد؛ اینک موضوع را از بعد تاریخی پی می‌گیریم هر چند تاریخ ما از فرهنگ تفکیک‌ناپذیرند.

امام صادقؑ فرمود:

«مسجد قبا نخست مسجدی است که بر مبنای تقوا
و پارسایی بنا شده است». ^(۱)

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار: ج ۲۱، ص ۲۵۶، بیروت، مؤسسه الوفاء.

نکته‌ای که از دیدگاه اخلاقی و تربیتی حائز اهمیت و در خور دقت است و مؤمن و مسلمان را از هر گونه غرور و عجب باز می‌دارد. تعبیری است که در آیه ۱۰۸ سوره توبه درباره مسجد «قبا» آمده است.

مراد از طهارت و پاکیزگی در آیه کریمه، مطلق طهارت و پاکیزگی است، بنابراین مسجد از دیگاه پارسایان همچون کلاس تربیت و خودسازی و عاملی مهم در تهذیب نفس تلقی می‌شود که اگر با عامل‌های دیگر همسو نباشد کارساز نخواهد بود، به این معنا مهم آن است که از نیت خود در رفتن به مسجد آگاه باشیم، آیا برای اطاعت فرمان خدا و خودسازی است، یا برای اهداف و اغراض دیگر؟ در هر حال اهل مسجد «تقوا»، مصمم به اصلاح خویشند و در سر، سودای تهذیب نفس دارند.

شاهد دیگر بر این معنا، آیه ۱۸ سوره توبه است که فرمود:

﴿فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنْ الْمُهْتَدِينَ﴾.

«شاید آنان از رهیافتگان باشند».

و چنانکه ملاحظه می‌شود در تأثیر اخلاقی و تربیتی مسجد به جزم سخن نیامده و معنای این کلام آن است که مسجد، اقامه نماز، ادائی زکات و بالاتر از همه خوف و خشیت از خدا به شرطی عامل و سبب نجات و رستگاری هستند که ادامه داشته و توأم با استقامت و پایداری باشند، اگر سالک در نیمة راه، خود را ببازد و به اعمالش بنازد و گرفتار دام‌های خطرناک ابلیس و نفس اماره شود، ممکن است با همان سجاده در درّه دوزخ سقوط کند.

ویژگی‌های ساختمان مسجد

از احادیث فراوانی که در باب مسجد منتقل است استفاده می‌شود که مساجد باید ساده و بی‌تكلّف باشند، اما در بعد معماری نظر خاصی ابراز نشده

و بستگی به ذوق و سلیقه هر قوم و ملتی دارد، با وجود این تأکید شده است که مساجد نباید همچون کلیساها و صومعه‌های یهود و نصاری آرایش شود که حواس نمازگزار و عبادت کننده را متوجه آن زرق و برق‌ها کند.

امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش، از امیرمؤمنان علیه السلام روایت فرموده‌اند:

«المساجد تبني جمالاً تشرف».

«مسجد باید همبسته ساخته شوند نه پراکنده و بسیار بلند

و مشرف».

قطع نظر از برخی ویژگی‌های ساختمانی، که بیانگر فرهنگ اصیل اسلامی است، نوع بنای مسجد و طرح و نقشه ساختمان آن به اقتضای زمان و مکان متفاوت است و طرح کلی و یکنواخت نمی‌توان ارائه داد.

«حلبی» از امام ششم علیه السلام پرسید: آیا نماز خواندن در مساجد سقفدار و سایباندار مکروه است؟ امام پاسخ فرمود:

«نعم ولكن لا يضركم اليوم».

«آری، لکن امروز ضرور و زیانی ندارد».

و در ادامه فرمود:

«ولو قد كان العدل لرأيتم كيف يصنع في ذلك...».

«اگر حکومت عدل به پا شود، او می‌داند در این خصوص چه کند؟».

آیا مفهوم حدیث مزبور آن نیست که سقفدار و یا بی سقف بودن مسجد و برخی ویژگی‌های دیگر اموری هستند که با در نظر گرفتن آب و هوای هر منطقه و دیگر شرایط اقلیمی، زمان و مکان متفاوتند و به اقتضای اوضاع و احوال باید بنایی مناسب و مسجدی درخور و شایسته احداث شود؟ به نظر می‌رسد به این علت در زمان‌های گذشته و اعصار دور مساجد را در مناطق گرمسیر بی‌سقف

می‌ساختند، زیرا خبری از وسائل سرد کننده و تهویه مطبوع نبود و بهداشت عمومی نیز همچون امروز مراعات نمی‌شد؛ اما امروز که وسائل متنوع برقی فراوان است و سعی می‌شود بهداشت مراعات شود چه ضرورتی است که مساجد بی‌سقف ساخته شوند و نماز چنین اماکنی مکروه باشد؟ نکته شایان توجه دیگر این است که مسلمانان با حفظ آداب و سنن و فرهنگ اسلامی خود باید هویت اسلامی خویش را کاملاً حفظ کنند و در ساختن مساجد، با استفاده از سبک‌های سنتی اسلامی، تقلید از طرح‌های معماری صومعه‌ها و کلیساها را کنار بگذارند. شایان توجه است که در این حدیث امام علیه السلام به قیام آل محمد علیهم السلام و تشکیل حکومت مقتدر عادلانه اشاره دارد و اینکه آن حضرت در نحوه بنای مساجد نظر خواهند داد و در حفظ کیان مستقل جامعه موحدان، عنایت خاصی خواهند داشت.

بنابر روایت امام جعفر صادق علیه السلام امیر مؤمنان علی علیه السلام محراب‌های داخلی

مسجد را در هم می‌کوبیدند و می‌فرمودند:

(۱) «کانّها مذابح اليهود».

«گویی آنها سلاح خانه‌های یهود است».

«شهید اول» در ذکری می‌نویسد:

«از برخی فقهای امامی نقل شده است که مراد محراب‌هایی بوده که درون بعضی مساجد با وضعی خاص وجود داشته است». (۲)

در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام آمده است:

«اذا خرج القائم امر بهدم المنار و المقاصر الّى فی المساجد».

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل: ج ۳، ص ۵۱۰، تهران، اسلامیه.

۲. همان مأخذ.

«چون امام قائم ظهور کند فرمان دهد مناره‌ها و مقصوره‌های مساجد را ویران کنند».

راوی گوید: با خود گفتم چرا؟ آنگاه امام رو به من کرد و فرمود: «معنی هذا انّه محدثة مبتدعة لم يبنها نبّي حجّة».

«معنای کار امام قائم آن است که چنان عملی بدعت است، پیامبر و یا هر حجت خدایی آن را نساخته است».^(۱) یعنی ساخته و پرداخته طاغوت‌ها و بدعت‌گزاران است.

و سعّت مسجد

اگرچه در برخی احادیث برای بنای مسجد (کوچک یا بزر) به قصد رضای خدا و طلب اجر و پاداش الهی، ارزش قائل شده‌اند، لکن مسلم آن است که وسعت و گستردگی فضای مسجد بر حسب نیاز از نظر شارع مقدس، مطلوب است و در صورت محدود بودن فضای مسجد، به توسعه آن اذن داده شده است؛ در تاریخ اسلام نمونه‌های بسیاری از مساجد وجود دارد که به مرور زمان توسعه یافته‌اند، مانند: «مسجدالحرام» و «مسجدالنبی» که در حیات خود آن بزرگوار و با اجازه آن حضرت گسترش یافته است.

گویند: رسول اکرم ﷺ دیوار مسجد مدینه را با یک خشت ساخته بود؛ با افزایش شمار مسلمانان، ایشان از رسول خدا ﷺ اجازه خواستند تا بر آن بیفزایند و پیامبر ﷺ اجازه فرمود و مسجد را با یک و نیم خشت ساختند و باز چون عرصه مسجد برای مسلمانان تنگ می‌نمود و شمار مسلمانان فزو نتر می‌شد، از رسول خدا اجازه توسعه خواستند و آن حضرت اجازه فرمودند و این بار دیوار مسجد را

۱. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۶.

به عرض دو خشت بنا کردند و به دستور پیامبر اکرم سقف و سایبان بر آن افزودند.^(۱)

درباره ثواب و فضیلت توسعه مسجد، احادیث منقول است؛ رسول اکرم ﷺ فرمود:

«من وَسَعَ مسجِدَنَا هذَا بْنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ». ^(۲)

«هر کس مسجد ما را وسعت بخشد، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت سازد».

امام جعفر صادق علیه السلام در پاسخ کسانی که پرسیدند: «آیا خانه و اتاقی را که مسجد بوده می‌توان خراب کرد و به جایش مسجدی نو و بزر ساخت» فرمودند: «اشکالی ندارد».^(۳)

و رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند:

«من زاد بیتا فی المسجد فله الجنة». ^(۴)

«هر کس خانه‌ای بر مسجد بیفزاید، بهشت از آن اوست».

بنابراین، با توجه به مضامین احادیث مذکور و دیگر روایات، رسول اکرم ﷺ آینده را پیش‌بینی فرموده و در مورد مسجدالنبی و هر مسجد دیگر، توسعه و گسترش را براساس فزوئی جمعیت و افزایش زایران پسندیده، بل لازم دانسته و چنان توسعه‌ای را اذن فرموده‌اند.

۱. طولی، محمد بن حسن، التهذیب: ج ۳، ص ۲۶۲، بیروت ۱۴۰۱ هـ ق.

۲. کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۵۳، بیروت، مؤسسه الرسالۃ.

۳. وسائل: ج ۳، ص ۴۸۹.

۴. کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۵۳.

عمران مسجد

عمران و آبادانی مساجد، معانی و مفاهیم متفاوتی دارد و هر معنی و مفهومی که مراد باشد شایان توجه است، جز آبادانی فیزیکی و ظاهری منهای بعد فرهنگی معنوی و روحانی که مردود و نامقبول است.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿أَجَعْلُتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَّ
بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللهِ لَا يَسْتَوْنَ...﴾.^(۱)

«آیا رتبه سقایت و سیراب کردن حاجیان و عمران مسجد الحرام را با مقام آن کس که به خدا و به روز آخرت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است، یکسان می‌دانید، هرگز نزد خدا این با آن یکسان نخواهد بود».

بنابراین برابر نص آیه شریفه، آباد کردن مساجد و تعمیر آنها - اعم از مسجد الحرام یا دیگر مساجد - بدون ایمان به خدا و اعتقاد به روز جزا و جهاد و تلاش در راه ارزش‌های الهی و فضایل انسانی، فاقد اعتبار و قداست است.

از بررسی احادیث نیز چنین برمنی آید که عمران و آبادانی مساجد به دو معناست:

۱- تعمیر و بنای مادی، ظاهری و ساختمانی.

۲- عمران و آبادانی معنوی، فرهنگی و روحانی.

البته در برخی احادیث، عمران به معنای مطلق کلمه آمده. لکن در برخی دیگر به صراحة تمام، بعد معنوی و روحانی عمران و آبادانی مورد توجه است و به هر تقدیر عمران به معنای نخست بدون مفهوم و معنای دوم فاقد ارزش است.

رسول خدا^{علیه السلام} فرمود:

«اَنْ عَمَّارٌ بَيْوَتُ اللَّهِ هُمْ أَهْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». ^(۱)

«آبادکنندگان خانه‌های خدا، خانواده‌الهی هستند».

و امام رضا^{علیه السلام} فرمود:

«نشانه مروت و جوانمردی در وطن سه چیز است:
تلاوت قرآن، عمران مساجد و به دست آوردن دوستان
خدایی». ^(۲)

روزی رسول خدا^{علیه السلام} خطاب به ابوذر فرمود:

«در تعمیر و آبادانی مساجد نیکو بکوش که ثواب آن از
ناحیه پروردگار، بهشت است».

ابوذر پرسید:

«مساجد را چگونه آباد کنیم؟».

پیامبر^{صلوات الله عليه و آله و سلم} فرمود:

«در آنها با صدای بلند سخن نگویید. حرف باطل و سخن
نادرست نزنید و داد و ستد و خرید و فروش نکنید. ای ابوذر،
تا در مسجد هستی بکوش یاوه و بیهوده نگویی و اگر این چند
دستور را رعایت نکردی، روز قیامت جز خویشن را ملامت
و سرزنش مکن». ^(۳)

از امام صادق^{علیه السلام} روایت شده است که پیامبر^{صلوات الله عليه و آله و سلم} فرمود:

۱. همان مأخذ: ص ۶۵۱.

۲. الخصال: ص ۳۲۴، تهران، ۱۳۸۹ هـ، مکتبة الصدق.

۳. بحار الانوار: ج ۸۳، ص ۳۷۰.

«چون خداوند تبارک و تعالی ببیند که اهل یک آبادی شهر یا روستا) در نافرمانی او زیاده روی کرده‌اند، ولی در میان آنان سه تن مسلمان (واقعی) است، خطاب فرماید: «ای گناه‌کاران و کسانی که از فرمان‌های من سربرتابته‌اید اگر در میان شما مؤمنانی نبودند که با یکدیگر مهربانند و با نماز گزاردنشان زمین و مساجد مرا آباد کنند، و در سحرگاهان از خوف و خشیت من مستغفرانند، عذاب‌م را بر شما فرود می‌آوردم». ^(۱)

مرحوم نوری در ذیل حديث مزبور می‌نویسد:

«حدیث به این معنا صراحة دارد که مراد از عمران مساجد، دایر نگاه داشتن آنهاست با نماز، دعا، یاد خدا و تلاوت قرآن و جز این‌ها، نه تعمیر و ترمیم سقف و دیوار آن». ^(۲)

شاهد این مدعایه قرآن کریم است که فرمود:

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهُ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْنَدِينَ﴾. ^(۳)

«منحصرًا تعمیر مساجد خدا به دست کسانی است که به خدا و روز آخرت ایمان آورده و از غیر خدا نترسند، آنها امیدوار باشند که از هدایت یافتگان راه خدا هستند».

۱. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۶.

۲. همان مأخذ: ج ۳، ص ۳۶۷.

۳. توبه / ۱۸.

شاهد شایان توجه دیگر اخطاری است که در این آیه شریفه، به مشرکان و منحرفان شده است:

﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمَرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ
أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطْتُ أَعْمَالَهُمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ
خَالِدُونَ﴾.^(۱)

«مشرکان خود حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که بر کفر خود گواهند، اعمال اینان هیچ و پوچ است و در آتش جاودانند».

نکته مهم دیگر در این باره، هر چند در خصوص مسجدالحرام بوده، ارزش تولیت و سرپرستی است که آن را حقی برای پارسايان می‌شناسند:

﴿وَ مَا كَانُوا أُولَيَاءَهُ إِنَّ أُولَيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ﴾.^(۲)

«آنان (مشرکان)، متولیان و صاحبان مسجدالحرام نیستند، که صاحبان و متولیان اصلی آن، جز پارسايان نباشند».

بعضی از علماء فرموده‌اند:

«ممنوغیت مشرکان از عمران و تولیت مساجد اختصاص به مسجدالحرام دارد».

بعضی دیگر فرموده‌اند:

«مفهوم، عام است و همه مساجد را شامل می‌شود».

شیخ طبرسی رض می‌نویسد:

«در معنا و مفهوم عمرانی که بر مشرکان ممنوع است،

۱. توبه / ۱۷ .

۲. انفال / ۳۴ .

اختلاف نظر وجود دارد».

۱- مراد، آمد و شد مشرکان است که بر رونق مسجد می‌افزاید و خود نوعی عمران و آبادانی است.

۲- مراد، اصلاح، ترمیم و تعمیر خرابیهای ناشی از حوادث است.

۳- مراد، سکونت و همچواری است؛ با وجود این تردیدی نیست که آبادانی مساجد با آمد و شد، زیارت، نماز، دعا و حتی ترمیم و تعمیر، تنها کار مردمان معتقد و مؤمن است.^(۱)

شیخ طبرسی^{فیض} در تفسیر آیه:

﴿وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَىٰ فِي حَرَابِهَا﴾.^(۲)

«کیست ستمکارتر از آنکه مردم را از ذکر نام خدا منع کند و در ویرانی آن بکوشد».

می‌نویسد:

«برخی گفته‌اند مراد از آیه، ممانعت از برگزاری نماز و دیگر طاعات است^(۳)، و این گواه دیگری است بر این که مراد از عمران در آیه شریفه، عمران معنوی و فرهنگی و اخلاقی است».

«محمد جواد مغنیه» می‌نویسد: ظاهر آیه خطاب تهدیدآمیزی است به کسانی که مساجد و یا به طور کلی معابد را، محترم نمی‌شمارند و از عمران آنها

۱. مجمع البیان: ج ۵، ص ۱۳.

۲. بقره / ۱۱۴.

۳. همان مأخذ: ج ۱ و ۲، ص ۱۹۰.

جلوگیری می‌کنند و مردم را از ادائی نماز و دیگر عبادات باز می‌دارند و عملاً در ویرانی و بی‌رونقی آنها می‌کوشند و با برگزاری شعائر اسلامی در آنجا مخالفت می‌ورزند، در حالی که هر انسان شریف وظیفه دارد مساجد و معابد را مقدس بشمارد و با احترام گام در آنها نهد و در برابر خداوند خاضع و خاشع و از عذاب الهی بینناک باشد و به ثواب و پاداش حضرت حق دل بینند.^(۱)

«علامه مجلسی»^{علیه السلام} درباره آیه مزبور چنین می‌نویسد:

«واژه‌های مسجد، منع و ذکر، هر سه عاملند و همه مساجد و هر نوع منع و هر قسم ذکر، دعا و نماز را شامل می‌شود». ^(۲)

«سید قطب» می‌نویسد:

«به هر حال، نص آیه مشعر بر آن است که «حكم» عمومیت دارد و تمام مساجد و همه نوع ممانعت و کارشکنی و هر قسم ذکر را شامل می‌شود؛ آیه مزبور، همه نوع تلاش در تخریب مساجد را شامل می‌شود و عامل آن را مستحق کیفر می‌داند». ^(۳)

تبديل کلیسا به مسجد

از آنجا که کلیسا، صومعه، کنشت، دیر و نظایر آنها همچون مسجد برای پرستش خدای یگانه ساخته شده‌اند، بنابراین کسی که گذرش به آنها بیفتد می‌تواند در آنها نماز بگذارد.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد:

۱. مغیثة، محمد جواد، تفسیر الکافی: ج ۱، صص ۱۸۲ و ۱۸۴، بیروت، دارالعلم للملائیین.

۲. بحار الانوار: ج ۸۳، ص ۳۴۰.

۳. سید قطب، فی ظلال القرآن: ج ۱، ص ۱۰۵، بیروت، دارالشّرق.

«آیا در معابد یهود و نصارا، می‌توان نماز خوانند؟».

امام فرمودند:

(۱) «آری».

و هرگاه کلیسا و صومعه‌ای متروک شود و اهالی آن هجرت کنند و یا منقرض شوند و آن سرزمین در اختیار مسلمانان قرار گیرد، می‌توان آن اماکن را به صورت مسجد درآورد و یا آن را منهدم کرد و به جایش مسجد ساخت؛ روای گوید از

امام ششم طیلله پرسیدند:

«آیا صومعه و کنشت را می‌توان در هم کوبید و به جایش مسجد ساخت؟».

امام فرمود:

(۲) «آری».

۱. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۴۹۱.

۲. همان مأخذ.

۲ - مسجد، مرکز انسان‌سازی

پیام مسجد

از آنجا که مسجد پایگاه نشر آیات قرآنی و تفسیر معارف الهی است؛ در نتیجه، پیام مسجد، دعوت به فراگیری توأم علم و ایمان، دعوت به تفکر و تعقل در اسرار خلقت و نظام متقن جهان طبیعت، دعوت به توحید و عبادت پروردگار، دعوت به اجرای قسط و عدالت، دعوت به پاکی و انسانیت و دعوت به حیات مذهبی و زندگی معنوی است.

از این رهگذر، مسجد به عامل حیات فرهنگی جامعه‌های مذهبی مبدل می‌شود و بازنده کردن روح ایمان و علم در کالبد امت مسلمان، نقش حیاتی می‌یابد.

خداؤند متعال در باره پیام مسجد، می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَحْيِبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَكُمْ
لِمَا يُحِبِّيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ
إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴾. (۱)

«ای مؤمنان دعوت خدا و رسولش را اجابت کنید و بدانید

خداوند در میان شخص و قلب او حاصل است و همه به سوی او محشور خواهید شد».

به گفته صاحب المیزان و مجمع البیان، دعوت خدا و رسول ﷺ بر چند شاخه استوار است:

۱ - دعوت به ایمان که موجب حیات قلب است و در برابر شکر قرار دارد که موجب مردلها می‌شود.

۲ - دعوت به قرآن و علوم دینی که عامل حیات و در برابر شکر جهل قرار دارد که عامل مرد است.

۳ - دعوت به جهاد که شهیدان به حیات جاودانه می‌رسند.

۴ - دعوت به بهشت که حیات ابدی برای مؤمنان به شمار می‌رود.

۵ - دعوت به ولایت علی مرتضی و اهل بیت علیهم السلام، که ولایت روح ایمان و موجب قبولی اعمال است.

مسجد خانه خدا برای انسان

۱ - فراخوانی همگانی برای اجرای قسط و حضور در مسجد:

﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُواْ وُجُوهُكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ
وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لِهِ الدِّينَ كَمَا بَدَأْكُمْ تَعُودُونَ﴾.^(۱)

۲ - مسجد فقط برای خداوند و عبادت او برپا شده است:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُواْ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾.^(۲)

۳ - مشرکان اجازه ورود به مسجد ندارند:

۱. اعراف / ۲۹ .

۲. جن / ۱۸ .

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُسْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرُبُوا
الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ ﴾.^(۱)

﴿ مَا كَانَ لِلْمُسْرِكِينَ أَنْ يَعْمَرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ ﴾.^(۲)

۴- کسانی مجاز به ساختن، آبادانی و اداره امور مساجد هستند که واجد

این صفات باشند:

﴿ إِنَّمَا يَعْمَرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقامَ
الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهُ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنْ
الْمُهَتَّدِينَ ﴾.^(۳)

«کسانی که مساجد را می سازند و آباد می دارند، مؤمن به خدا و روز جزا و برپا کنندگان نماز، دهنده‌گان مال خود و ترسان از خدا هستند. این گروه که اصحاب و نسل مسجد هستند، راه خدا را یافته‌اند و از هدایت شدگان محسوب می شوند».

۵- ستمکارترين افراد، آنانی هستند که سد راه مسجدند و با تعطیلی مساجد، یاد خدا و جماعت در مسجد را به نابودی می کشانند:

﴿ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى
فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَانِثِينَ لَهُمْ فِي
الدُّنْيَا حَرْثٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾.^(۴)

«قدرتمندان و جبارانی که به مؤمنان اجازه ندهند در

۱. توبه / ۲۸

۲. توبه / ۱۷

۳. توبه / ۱۸

۴. بقره / ۱۱۴

مسجدی برای عبادت پروردگار خود تجمع کنند و از این جماعت مذهبی وحشت داشته باشند، محکوم به ذلت و نابودی در دنیا هستند و عذابی بزر در قیامت برای آنان تدارک دیده شده است».

۶- برخی مساجد، مسجد ضرار تلقی می‌شوند که عامل تفرقه و محل توطئه و نفاق‌اند و بانیان آن به دروغ ادعای حسن نیت دارند، لذا خداوند گفته آنان را تکذیب می‌کند و چنین مسجدی را تحریم و اعلام فرموده است که مسجدی شایسته حضور و اقامه جماعت است که با انگیزه‌ای خدایی و بر پایه تقوا و خلوص ساخته شده باشد، در چنین مکان مقدسی، همواره مؤمنانی جمع می‌شوند که دوست دارند خود را از آلودگی و تیرگی گناه شستشو دهند، و در مقابل، خداوند هم چنین کسانی را دوست می‌دارد.

در پایان، خداوند پرسشی را مطرح می‌کند و می‌پرسد آیا کسی که مسجدی را برای خدا و خشنودی او ساخته است، بهتر است یا آن کسی که برای نفاق و تفرقه مسجد ساخته است؟ در پاسخ این پرسش، خداوند اعلام می‌کند که بانیان مسجد ضرار و توطئه گران - که عامل تفرقه در میان جماعت اسلامی شده‌اند - قبل از رسیدن به نیات شوم و مقاصد شیطانی خود، محکوم به فنا هستند و در شعله آتش کینه و حسد نابود خواهند شد.

پشتونه اخوت اسلامی

اهل مسجد با حذف تشریفات و الغای امتیازهای طبقاتی، نژادی و قومی، در صفوف به هم فشرده نماز جماعت در کنار یکدیگر می‌ایستند؛ پس از نماز جماعت همچون برادری مهربان و صمیمی دست یکدیگر را می‌فرشند، با هم مصافحه می‌کنند و شبانه روز حداقل یک بار با هم دیداری معنوی و روحانی دارند؛ به مرور زمان، این دیدار موجب ارتباط محکمی می‌شود که روح اخوت و برادری را

در جمع نمازگزاران تقویت می‌کند، در نتیجه از کمبودها، گرفتاری‌ها و امکانات یکدیگر آگاه می‌شوند و به یاری یکدیگر مشکلات و احتیاجات افراد نیازمند را تأمین می‌کنند.

اصلی‌ترین اتحادیه‌ها، اتحادیه‌ای است که طبیعی و باپشتوانه معنوی در مسجد شکل می‌گیرد؛ به این وسیله، کمبودهای محلی تا حد زیادی مرتفع می‌شوند، فعالیت‌های عام‌المنفعه نیز، ثمره اتحاد و اخوت اسلامی است که در مساجد تقویت می‌شود.

خانه رشد

مسجد کانون تقوا و پایگاه پرهیزکاری، محل تطهیر روح و تصفیه قلب، جایگاه پرورش عقل و مکتب تهذیب و تزکیه اخلاق است، مسجد گناهکاران را به توبه و برگشت از راه شیطان و نفس اماره دعوت می‌کند، فرزندان مسجد مؤمنان راستین جامعه مذهبی به شمار می‌آیند.

مسجد می‌تواند با تشکیل کلاس‌های دینی و علمی به صورت مدرسه‌ای کارا ظهور کند و با ارائه فیلم‌های آموزنده و نمایش‌های اخلاقی، جوانان و نوجوانان را جذب کند.

مسجد می‌تواند با تشکیل اردو، گردش‌های علمی و تأمین امکانات ورزشی نوجوانان محل را به آغوش خود بکشد و استادان متعهد و معتقد در لابلای فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و جز آن، جوانان را با اصول اعتقادی و مبانی اخلاقی اسلام آشنا سازند.

سالم‌سازی جامعه

همان‌طور که وزارت بهداشت با روش‌های گوناگون علمی، درصد دسترسی

و ریشه‌کنی بیماری‌هاست، مسجد هم می‌تواند در جامعه اسلامی عاملی قوی برای ریشه‌کن کردن گناه و مفاسد اخلاقی باشد، زیرا، مسجد با تقویت نیروی ایمان و بالا بردن سطح معرفت و بصیرت، افرادی صالح و پاکدامن می‌سازد.

عامل پیشگیری از فساد

با تقویت برنامه‌های تربیتی در مساجد می‌توان زمینه آلدگی و فساد را از بین بردازد. از آنجا که دست‌پروردگاری مسجد، صالحان و نیکان جامعه هستند با اجرای دو اصل اساسی امر به معروف و نهی از منکر، یکدیگر را به کارهای نیک دعوت و از اعمال زشت و ناپسند منع می‌کنند، در نتیجه با تقویت روحیه مذهبی، از رهگذار مسجد، به نیروی انتظامی و دستگاه‌های عربیض و طویل قضایی و زندان‌های گوناگون، نیاز چندانی نخواهد بود، زیرا اهل مسجد مرتكب جرم و جنایت نمی‌شوند تا به این موارد نیازی باشد.

چه خوب است دولتمردان حکومت اسلامی در صدی از بودجه خود را که صرف تأسیس مراکز انتظامی، تشکیل دادگاه‌های متعدد و توسعه زندان‌ها می‌کنند به مصرف تجهیز و تکمیل مسجد و مراکز مذهبی برسانند، تا این طریق با واکسن ضد گناه از سرایت بیماری فساد به جامعه و توسعه آلدگی روحی جلوگیری به عمل آید.

بانیان مسجد

خدالوند در قرآن مجید (سوره توبه، آیه ۱۹) از کسانی که مسجد را بريا می‌دارند و موجب عمران و آبادی آن می‌شوند، به عنوان مؤمن یاد می‌کند. کلمه حصر «انما» یادآوری می‌کند که تنها مؤمنان به خدا و روز جزا، مساجد را آباد می‌کنند. در حدیث آمده است که اگر مؤمن نیکوکاری مسجدی را از خود به یادگار

بگذارد تا زمانی که آن مسجد برپاست و در آن محل مقدس عبادت، دعا، قرآن و دیگر مراسم مذهبی برگزار می‌شود، سازنده و واقف در ثواب آن اعمال خیر شریک خواهد بود؛ پس از مر ، نامه اعمال مختومه می‌شود، اما از جمله کسانی که پرونده او مفتوح می‌ماند، سازنده مسجد است.

خانه عدالت

از ویژگی‌های صحت نماز جماعت، عدالت امام جماعت است؛ عدالت، ملکه عدالت یا اصرار نکردن بر گناه، هریک که باشد، موجب اعتماد مردم به مسجد و رمز محبوبیتش است؛ چون اهل مسجد از او فسقی و گناهی سراغ ندارند، نصایح و گفته‌های او می‌توانند منشأ اثر شود.

بهترین مریبی کسی است که گفته‌های او با کردارش و عملش و قولش تطبیق کند.

محبوب‌ترین بندگان خدا

در بیان این معنا و فضایل و ارزش‌ها آن برای حاضر شونده و شتابنده به سوی مساجد، ارزش‌های فراوانی نقل شده است که برای نمونه به چند روایت اشاره می‌شود:

۱- امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کسی که به سویی مسجد برود، پای خود را در هیچ‌تر و خشکی نمی‌گذارد، مگر اینکه زمین تا زمین هفتم برای آن شخص تسبیح می‌کند».

۲- رسول خدا علیه السلام نیز می‌فرماید:

«کسی که به سوی مسجدی از مساجد خداوند برود،

برای او در مقابل هر قدمی که بر می‌دارد تا زمانی که به سوی خانه خود باز می‌گردد، ده حسنه در نامه اعمالش ثبت می‌گردد و همچنین ده سیئه از سیئات او محو می‌گردد و به او ده درجه ترفیع داده می‌شود».

^۳- روایت شیخ طوسی در کتاب «مجالس» از ابوذر، در حدیث مفصلی که پیامبر اکرم ﷺ او را وصیت می‌کند که:

«ای ابوذر، خداوند تبارک و تعالیٰ مدامی که در مسجد نشسته باشی در مقابل هر نفسی که می‌کشی ده حسنه به تو عطا می‌کند و ده سیئه از سیئات تو را محو می‌کند.

ای ابوذر خداوند می‌فرماید: «محبوب‌ترین بندگان در پیشگاه من کسانی هستند که به جلال من عشق می‌ورزند، قلوب‌شان در گرو مساجد است، سحرگاهان اهل زمین تصمیم به عذابشان می‌گیرم، وقتی اینان را می‌بینم، از عقوبت اهل زمین منصرف می‌شوم».

این روایات و روایات بسیار دیگری که همگی تأکید به حضور در مساجد دارند و ارزش‌های والای آن را بیان می‌کنند، جملگی حاکی از اهمیت و اهتمام فوق العاده‌ای است که اسلام برای حضور در مساجد قائل است.

در طرف مقابل، روایات بسیار داریم که جمله آنها با کسانی که از حضور در مساجد خودداری می‌ورزند، برخورد می‌کند و ارزش‌های اجتماعی این گونه افراد را مورد سؤال قرار می‌دهد، که برای نمونه به چند روایت اشاره می‌شود:

۱- حضرت علی ؑ می‌فرماید:

«برای همسایه مسجد که برای ادائی نمازهای واجب در مسجد در حالی که هم فراغت دارد و هم سالم است حضور

پیدا نکند، نمازش، نماز نیست».

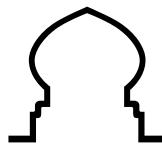
۲ - روایت قرب الاسناد، که ابوالبختری از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که از پدرانش از حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«برای همسایه مسجدی که برای ادائی نمازهای واجبش در حالی که فراغت و صحت دارد و در مسجد حضور پیدا نمی‌کند، نمازی نیست».

۳ - روایت دیگری از شیخ طوسی است که پیامبر اکرم علیه السلام می‌فرماید:

«برای همسایه مسجد نمازی نیست مگر در مسجد».

این روایات و امثال آن را فقهاء عظام این گونه بیان کرده‌اند که کلمه «لا صلوٰة» نفی صحت نمی‌کند، بلکه نفی کمال می‌کند. به این ترتیب که «لا صلوٰة» یعنی «لا صلاة كاملة»، نمازی نیست یعنی نماز کامل نیست، نه اینکه جائز نیست در منزل نماز بخوانند. مجازند در منزل نماز بخوانند و نمازشان صحیح است، ولی از کمال برخوردار نیست و چنانچه بخواهند نماز کامل بخوانند باید نماز خود را در مسجد به جای آورند.



۳ - مسجد، پایگاه آزادگی و آزادی

«مسجد» متعلق به کیست؟

در فرهنگ اسلامی، مسجد خانه خداست و حضرت حق جل و علا آن را بیت خویش قلمداد کرده است:

«انَّ بَيْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ». ^(۱)

این تعلق است که مسجد را عظمت بخشیده و دیگران را به تعظیم آن واداشته است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّمَا أَمْرٌ بِتَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ لِأَنَّهَا بَيْتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ». ^(۲)

و چون آنچه از آن خداست، برای بهره برداری «مردم» است، از این رو به همه افراد بشر تعلق دارد، همان گونه که خداوند از کعبه به عنوان اول خانه‌ای که برای مردم بنا نهاده شده، یاد می‌کند:

﴿إِنَّ أَوَّلَ يَتِيمًا وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي يُبَكِّهُ مُبَارَكًا﴾. ^(۳)

۱. وسائل الشیعه: ج ۴، ص ۴۸۲.

۲. وسائل الشیعه: ج ۴، ص ۵۵۷.

۳. آل عمران / ۹۶.

و تعبیر «اول خانه» اشاره به آن دارد که دیگر خانه‌های خدا - مساجد - نیز «برای مردم»‌اند و همه افراد باید از این پایگاه‌های معنوی استفاده و در تحقق طهارت نفس و آراستگی روح براساس: «فیه رجال يحبون أن يتطهروا»^(۱) که فلسفه وجودی مسجد است، گام بردارند.

دو نام «خانه خدا» و «خانه مردم» برای مسجد، آنگاه ظهرور و تجلی می‌کند که نه رنگ خدایی از مسجد گرفته شود، و نه مسجد بالاختصاص به صنف و گروه خاص، عام بودن خود را از دست بدهد، والآ مسجد از روح و حقیقت خود تهی می‌شود و معنای واقعی خود را نخواهد داشت.

ما در اینجا در صدد هستیم برخی از عواملی که مسجد را از جایگاه رفیع و منزلت واقعی خود ساقط می‌کند تبیین نماییم.

این عوامل عبارت اند از:

- محدودیّت دینی.

- محدودیّت طبقاتی.

- محدودیّت سیاسی و دولتی.

مسجد در جامعه اسلامی و برای توده‌های مردم حقجو «پایگاه آزادی» است، حال آنکه چنین عواملی، مسجد را در «بند» قرار می‌دهد و آزادی را از آن سلب می‌کند.

محدودیّت دینی

خداپرستان، هر یک بر طبق آیین و مرام خود «پایگاهی» دارند و نام خاصی بر آن نهاده‌اند، مانند: صومعه، بیعه، و مسجد، پایگاه عبادی مسلمانان مسجد

است، آنان به مساجد روی می‌آورند، مراسم مذهبی خود را در آنجا ادا می‌کنند و در بنا و تعظیم آن می‌کوشند، ولی این به آن معنا نیست که پایگاه‌های دیگر عبادت از نظر مسلمانان ارج و اعتبار نداشته باشد، چرا که آنها نیز به نوبه خود برای خدا و در تحقق منافع مردم شکل گرفته‌اند؛ از این رو حق تعالی «جهاد» را برای حفظ کلیه پایگاه‌های عبادت تشريع و اعلام فرموده است که اگر این فریضه تشريع نشده بود، همه معابد دینی منهدم می‌شد.

﴿وَ لَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِيَعْضٍ لَهُدِمَتْ صَوَامِعُ وَ بَيْعَ وَصَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا﴾.^(۱)

«اگر خداوند رخصت جنگ نداده و دفع شر بعضی از مردم را با بعضی دیگر نکند، همانا صومعه‌های و بیعه‌ها و مساجدی که ذرک خدا در آن بسیار می‌شود، همه خراب و ویران می‌شد».

«صومعه»، عبادتگاهی است که بدور از مردم در کوه یا دشت ساخته می‌شود، و «بیعه»، معبد یهودیان و نصارا است و «صلوات» محل برگزاری نماز و مراسم عبادی یهودیان است.^(۲)

البته پیوند و ارتباط پیروان هر یک از ادیان با معبد خاص خویش، نوعی تقسیم طبیعی در این معابد به وجود آورده و هر یک را به گروهی اختصاص داده است تا هر گروه، مراسم خاص خویش را بر اساس آیین خود، در معبدی ویژه، آزادانه به جای آورد، ولی آیا چنین تقسیمی، مانع از حضور در معابد دیگر است و مسلمانان نباید وارد دیگر معابد شوند، همان گونه که پیروان ادیان دیگر نیز اجازه ورود به مساجد را ندارند؟

۱. حج / ۴۰.

۲. تفسیرالمیزان: ج ۱۴، ص ۳۸۵.

پیشوایان اسلامی، حضور مسلمانان را در معابد دیگر مجاز می‌دانند و ادای مراسم عبادی اسلام را در آنجا بلامانع اعلام کرده‌اند، مثلاً در صحیحه «عیس بن قاسم» از امام صادق علیه السلام آمده است که «نماز در بیع و کنائس اشکالی ندارد^(۱)، ولی از طرف دیگر برابر فتوای معروف در فقه شیعه، پیروان ادیان الهی، چنین اجازه‌ای ندارند، بلکه مسلمانان وظیفه دارند که از ورود آنها به مساجد، جلوگیری کنند.

مستندات این نظریه فقهی - ندادن جواز ورود کفار به مساجد - از جهات گوناگون شایان بررسی است و تحلیل جامع مسئله، خارج از حوصله چنین مجموعه‌ای است؛ قوی‌ترین پشتونه این فتوا که بدان استناد جسته‌اند، نهی از ورود مشرکان به مسجد الحرام به لحاظ نجاست آنهاست.

﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرُبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ﴾.^(۲)

از این آیه، با القای خصوصیت از «مسجد‌الحرام»، و تعمیم «شرك» به «کفر»، نتیجه گرفته‌اند که «همه کفار نجس‌اند و اجازه ورود به مساجد ندارند.

توضیح آنکه نجاست مشرکان، سبب نهی از ورود آنان به مسجد‌الحرام است. البته این مسئله، بین مسجد‌الحرام و مساجد دیگر مشترک است و به اقتضای تعظیم مساجد، به طور کلی باید از ورود اشخاص نجس و از آن جمله اهل کتاب به مسجد، جلوگیری کرد.^(۳)

استدلال به این آیه، به شکل دیگری نیز در کتب قوم به چشم می‌خورد، برخی مانند «شیخ الطایفه» تنها به صدر آیه «انما المشركون نجس» اشاره کرده‌اند و باضمیمه کردن مقدمه دیگر که «ورود نجاست به مسجد ممنوع است» گفته‌اند:

۱. وسائل الشیعه: ج ۴، ص ۴۹۱.

۲. توبه / ۲۸.

۳. جواهرالکلام: ج ۲۱، ص ۲۸۷ و شرح تبصره المتعلمين: ضیاء عراقی، ج ۶، ص ۴۷۲.

«مشرک نجس است».

«ورود نجس به مسجد حرام است».

«پس ورود مشرک به مسجد حرام است».^(۱)

ولی چنین استدلالاتی، از جنبه‌های فقهی شایسته تأمل و مناقشه است، زیرا مبتنی بر مقدماتی است که اثبات آنها دشوار است:

۱- مشرک در تعبیر قرآنی شامل کفار و اهل کتاب نیز می‌شود.

۲- آیه در صدد بیان نجاست ظاهری مشرکان است.

۳- وارد ساختن هرگونه نجاست به مسجد حرام است.

در حالی که اولاً: هر چند مشرک دارای مراتبی است که اهل کتاب نیز گرفتار برخی از مراتب آن هستند، چه اینکه اکثر قریب به اتفاق مسلمانان نیز از آن عاری نیستند، ولی یقیناً این آیه حکم به نجاست همه مراتب مشرک نمی‌کند و باید آن را مختص به گروه خاصی دانست. پس در این آیه مشرکان به معنای خاص آن -که در برابر اهل کتاب قرار دارند - مراد است. به علاوه برای مشرکان و اهل کتاب در قرآن کریم احکام خاصی وضع شده است. به عبارتی هر حکمی که برای مشرک بیان شده باشد، نمی‌توان به هر کافر سرایت داد، مثلاً اهل کتاب با پرداخت جزیه، از امنیت جانی و مالی در جامعه اسلامی برخوردار می‌شوند، در حالی که قرارداد ذمہ با مشرکان وجود ندارد، از این رو قاعده‌ای که با اعتماد به آن بتوان هر حکمی را از مشرک به کافر سرایت داد، در اختیار نداریم.

ثانیاً: روشن نیست که آیه شریفه در صدد بیان نجاست ظاهری مشرکان باشد، همان‌گونه که عده‌ای از مفسران مانند «علامه طباطبائی»^(۲)، و گروهی از فقهاء مانند

۱. کتاب الخلاف، شیخ طوسی، کتاب اللعان، مسئله ۲۴.

۲. تفسیرالمیزان: ج ۹، ص ۲۲۹.

«شیخ انصاری»^(۱) توجه داده‌اند. پس این احتمال که آیه ناظر به پلید بودن آنان از نظر اعتقاد و عقیده باشد، شایان توجه است، اگر آن را معنی ظاهر آیه ندانیم.

ثالثاً: ندادن جواز ورود نجاست به مسجد، یک اصل ثابت شده در فقه نیست، چراکه بر طبق شهادت شهید، از حدیثی به این مضمون که «جنبوا مساجدكم النجاسته» در مجموعه روایات، خبر و اثری نیست، به علاوه فقها نیز ملزم به دادن چنین فتوای نبوده‌اند و ورود «سلسل البول» و «مستحاصه» را به مسجد جایز می‌شمارند و به طور کلی بزرگانی مانند «شهید اول»، «محقق کرکی» و «شهید ثانی»، و عموم فقهای اخیر ورود نجاسته غیر متعددیه را به مسجد، بلاشكال می‌دانند، مگر آنکه عنوان دیگری مانند «هتك حرمت» مانع شود.

«علامه حلّی»، چهار استدلال دیگر نیز برای ندادن جواز ورود کفار به مساجد نقل کرده^(۲) که هیچ یک خالی از نقد نیست زیرا «سید صاحب ریاض»، پس از اشاره به آنها می‌گوید: «لم اعرف فی شئء منها دلاته»^(۳) از آن جمله «علامه حلّی» می‌گوید: «ممنوعیت ورود کفار به مسجد در صدر اسلام، بین مسلمانان مشهور بوده است، زیرا وقتی «ابوموسی اشعری» بر «عمر» وارد شد و دفتر حساب کارهایش را همراه داشت، «عمر» از او خواست کاتبیش را احضار کند تا دفتر را بخواند، ولی «ابوموسی» جواب داد کاتب به مسجد وارد نمی‌شود، عمر پرسید: «چرا؟» پاسخ داد: «چون مسیحی است». «عمر» هم ساكت شد. این جریان نشان می‌دهد که ندادن جواز ورود آنان به مساجد در صدر اسلام،

۱. كتاب الطهارة: شیخ انصاری .

۲. منتهی المطلب: علامه حلّی، ص ۹۷۲ .

۳. ریاض المسائل: سید علی طباطبائی، ج ۷ ، ص ۴۸۸ .

مسئله‌ای مسلم و مورد اتفاق بوده است»^(۱) در حالی که علاوه بر شواهد تاریخی فراوانی که بر خلاف این استنتاج وجود دارد، این نقل تاریخی، بر جواز ورود دلالت بهتری دارد، زیرا «ابوموسی» پاسخ نداد که او نصرانی است و نباید وارد مسجد شود. بلکه گفت: او به مسجد وارد نمی‌شود. «أَنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ» این تعبیر گوایای آن است که «نباید و نتوانستن» مطرح نبوده است، به عبارت دیگر وارد نشدن یک شخص نصرانی ملازمه‌ای با حرمت ورود نصرانی به مسجد در شریعت ما ندارد.

البته چنین مناقشاتی از دید عمیق فقهاء، مخفی نبوده است، ولی تنها نکته‌ای که مانع از فتوا به جواز شده است، ادعای اجماع مسئله است، در حالی که چنین ادعایی در کلمات اصحاب، بخصوص تا قرن دهم هجری جایی ندارد، مثلاً «شیخ طوسی» که در «خلاف» در بسیاری از موارد به اجماع تمسک می‌کند، در اینجا ذکری از اجماع به میان نمی‌آورد، بخصوص که وی در مقدمه «خلاف» تصریح کرده است که اگر در مسئله اجماع موجود باشد، ذکر می‌کنم، از این رو می‌توان به «شیخ طوسی» نسبت داد که وی ندادن جواز را اجتماعی نمی‌دانسته است، همچنین در تفسیر تبیان نیز تنها به ذکر فتوای اکتفا کرده است^(۲) و نیز در بسیاری از متون فقهی قدمًا، مسئله مطرح نشده است، لذا «ادعای اجماع» در کلمات بزرگان دیده نمی‌شود، حداکثر این است که صاحب ریاض می‌گوید: «ظاهر هم الاجماع»^(۳) و اینکه به «شهید ثانی»، نسبت داده شده که وی مسئله را اجتماعی می‌داند^(۴) با مراجعه به «مسالک»^(۵) بطلان آن آشکار می‌شود، با این

۱. منتهاء المطلب: علامه حلی، ص ۹۷۲.

۲. تفسیر تبیان: شیخ طوسی، ج ۵، ص ۲۰۱.

۳. ریاض المسائل: سیدعلی طباطبائی، ج ۷، ص ۴۸۸.

۴. جواهرالكلام: ج ۲۱، ص ۲۸۷.

۵. مسالك الافهام: شهید ثانی، ج ۱، ۱۲۴.

ملاحظه «آیة الله خویی» می‌گوید:

«اثبات ندادن جواز ورود همهٔ کفار به کلیهٔ مساجد با آوردن
دلیل مشکل است». ^(۱)

و اما روایاتی مانند:

«لِيَمْنَعُنَّ أَحَدَكُمْ مَسَاجِدَكُمْ بِهُودِكُمْ وَ نَصَارَىكُمْ وَ صَبَّارِكُمْ
وَ مَجَانِينَكُمْ...». ^(۲)

را فقهاء و در کتب استدلالی خود شایسته ذکر نمی‌دانند اخیراً از سوی «صاحب حدائق» استناد به آن شده است، نه سندي دارد و نه دلالت آن پذيرفتني است، بلکه خود به وجهی شاهد بر جواز ورود است، مثل جواز ورود برای کودکان، مضافاً که در استظهار از کلمه «يهوديانشان و مسيحيانشان» باید دقت کرد که آیا مقصود اهل کتاب‌اند یا گروهی از مسلمانان، که به واسطهٔ برخی خصوصیات و انحرافات، تنزیلاً «يهودی این است» نامیده شده‌اند که در این روایت به ندادن جواز ورود اهل کتاب ارتباطی نخواهد داشت.

ورود کفار به مساجد

مسئلهٔ ورود کفار به مساجد، از لحاظ تاریخی نیز شایان بررسی است، زیرا اطلاع از سابقهٔ تاریخی این موضوع، در کیفیت استنباط مؤثر است، متأسفانه جای این بررسی در بحث‌های فقهی خالی است.

شواهد متعدد تاریخی نشان می‌دهد که در صدر اسلام، کفار به مسجد آمد و شد داشته‌اند، زیرا «وفود» نمایندگان قبایل گوناگون عرب، قبل از قبول اسلام در

۱. منهاج الصالحين: آیة الله خویی، ج ۱، ص ۴۰۰.

۲. بحار الانوار: ج ۱۸، ص ۱۲۷ و ۱۳۶.

مسجد به محضر پیامبر شرفیاب می‌شدند. اعزام این «وفود» نه در آغاز بعثت و دوران ضعف اسلام، بلکه عمدتاً در اواخر عمر رسول خدا و سال‌های نهم و دهم هجرت بوده است.

به نقل طبری از «واقدی» در سال نهم هجرت، «وفد بنی تمیم» وارد مسجد پیامبر شدند و آن حضرت را به شکل بی ادبانه‌ای صدا کردند، آیه:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُّرَاتِ﴾

در باره رفتار جاهلانه این گروه نازل شده است، آنها پس از گفتگوی مفصل با رسول خدا، مسلمان شدند.^(۱)

همچنین به نقل مؤرخان، «ضیمام بن شعبه»، از طرف طایفه «بنی سعد بن بکر» به مدینه آمد و وارد مسجد پیامبر شد، رسول خدا در جمع اصحاب خود بود، «ضیمام» پرسید: کدام یک از شما «محمد» است؟ پیامبر خود را معرفی کرد و به سؤالات او پاسخ گفت «ضیمام بن شعبه»، در پایان اسلام اختیار کرد.^(۲)

نمایندگان مسیحیان «نجران» نیز در سال دهم هجرت، در پاسخ به دعوت رسول خدا، به مدینه آمده و در مسجد به پیامبر وارد شدند. آنان ۶۰ تن از دانایان و هوشمندان «نجران» بودند که برای بررسی دلایل نبوت حضرت از طرف قوم خود، مأموریت یافته بودند. این گروه با لباسهای فاخر و ابریشمی و انگشت‌های طلا، در مسجد، حضرت را ملاقات کردند، رسول خدا، از وضع لباس و تزیی آنها ناخشنود شدند و آثار این ناخشنودی در چهره حضرت نمایان شد. مسیحیان پس از آنکه از حضرت علی علت این ناخشنودی را سوال کردند و به آن پی بردن، جامه‌های خود را تغییر دادند و بدون زیورآلات مجدداً داخل مسجد شدند و مورد احترام رسول خدا قرار گرفتند، در همین ملاقات آنان از پیامبر اجازه گرفتند و نماز

۱. تاریخ طبری: ج ۲، ص ۱۸۸ و ۱۹۰.

۲. همان مأخذ: ص ۱۹۳.

و مراسم عبادی خود را در حالی که رو به مشرق ایستاده بودند، انجام دادند. مذاکرات این گروه مسیحی با رسول خدا در مسجد، در نهایت به ماجراهی «مباھله» انجامید^(۱) «وفد» کند نیز ۶۰ تن بودند که در مسجد با رسول خدا ملاقات کردند.^(۲)

آیا برای قضاؤت درباره جواز یا ندادن جواز ورود کفار به مساجد، می‌توان این شواهد فراوان تاریخی را به طور کلی نادیده گرفت؟

علاوه بر این که «مسجد النبی»، پایگاه حکومت حضرت و مرکز مراجعات عامه بوده است، که البته در آن عصر، در مدینه و اطراف آن، غیر مسلمانان نیز زندگی می‌کردند و بناقچار برای نیازهای اجتماعی و دولتی خود به مسجد رفت و آمد داشته‌اند، چرا که رتق و فتق امور اجتماعی، از قبیل قضاؤت و فصل خصوصت در مسجد انجام گرفته است. «شیخ طوسی» می‌نویسد:

«الخلاف ان النبی كان يقضى فى المسجد».^(۳)

آیا اهل کتاب نمی‌باید برای فصل خصوصت به محکمه - مسجد - مراجعه کنند؟ در زمان حضرت علی علیہ السلام نیز وضع به همین منوال بوده است. «ابن ادریس» می‌گوید:

«الخلاف ان امير المؤمنين كان يقضى فى المسجد الجامع فى الكوفة و دكة القضا معروفة الى اليوم».^(۴)

همچنین نباید فراموش کرد در دهه‌های اول اسلام، که تازه صیت این شرع انور در جهان بلند شده بود، از اطراف و اکناف، پیوسته افرادی به مدینه می‌آمدند تا درباره آیین جدید به تحقیق پردازنند، این مراجعات بخصوص با فتوحات خلفا

۱. سیره حلبي: ج ۳، ص ۲۳۹.

۲. تاریخ طبری: ج ۲، ص ۲۰۰.

۳. مفتاح الكرمه: عاملی، ج ۲، ص ۲۲۵.

۴. همان مأخذ.

پس از وفات رسول خدا شدّت یافت، پژوهشگرانی که به قصد تفحص از اسلام به مرکز دولت اسلامی می‌آمدند، معمولاً به مسجد وارد می‌شدند تا سؤالات خود را با مسلمانان و بخصوص با رهبر آنان در میان بگذارند.

در متون گوناگون روایی شیعه مانند «عيون اخبار الرضا» کمال الدین «احتجاج»، «حصال» و «غيبة نعمانی»، نقل شده است.

روزی عمر در مسجد بود، فردی وارد شد و گفت: من از علمای یهودم، اگر به سؤالاتم جواب دهی، مسلمان می‌شوم و اگر می‌خواهی مرا به داناتر از خود راهنمایی کن. خلیفه با اشاره به علی بن ابیطالب گفت: «به سراغ او برو»، عالم یهودی سؤالات متعددی در مسجد با امیرالمؤمنین در میان گذاشت و حضرت پاسخ داد.^(۱)

ونیز در روایات آمده است که بعد از ارتحال پیامبر ﷺ، یکی از شخصیت‌های یهودی وارد مدینه شد و شهر را خالی دید، مردم همه در مسجد بودند، او نیز به مسجد آمد تا سؤالات خود را مطرح سازد، حاضران او را متوجه «ابی‌بکر» کردند، ولی خلیفه او را به امیرالمؤمنین رجوع داد.^(۲)

در همان زمان گروهی از مردم روم به مدینه آمدند و یکی از راهبان مسیحی نیز آنان را همراهی می‌کرد. آنها وارد مسجد شده در مجلس ابویکر حاضر شدند؛ پس از سخنان مقدماتی، راهب به خلیفه گفت: «وَاللهِ لَا أُفْتَحُ مَالَمْ تَؤْمِنَنِي مِنْ سُطُوتِكَ وَ سُطُوةِ اصحابِكَ» و خلیفه به او اطمینان داد برای طرح مطالب و پرسش‌های خود در امنیت کامل قرار دارد و در نهایت چون از پاسخ به او عاجز ماندند، «سلمان فارسی» به سراغ حضرت علی علیه السلام رفت و امام علی علیه السلام را برای

۱. نگاه کنید به بحار الانوار، ج ۱۰، باب ۱، ح ۴ و ۱۰.

۲. همان مأخذ: ح ۱۳.

پاسخگویی به او حاضر کرد... وی در نهایت اسلام را پذیرفت.^(۱)

در زمان خلیفه دوم نیز اسقفی از «نجران»، برای پرداخت جزیه به مدینه آمد، خلیفه او را به اسلام دعوت کرد و پرسید: شما که پهنه بھشت را آسمان‌ها و زمین می‌دانید «جنة عرضها السموات والارض» پس چه جایی برای جهنم باقی می‌ماند؟، خلیفه ساكت ماند. حضرت علی علیہ السلام جلوی مسجد بود، از او خواستند که به مسجد بیاید و پاسخ اسقف را بگوید.^(۲)

با توجه به این موارد متعدد گفته‌اند: حضرت علی علیہ السلام در زمان شیخین زیاد به مسجد می‌رفت تا به سؤالات دانشمندانی که از گوش و کنار می‌آمدند، پاسخ گوید و گاه اصحاب خاص خود مثل «سلمان» و «ابوذر» را به مسجد می‌فرستاد تا مراقب باشند و افراد تازه وارد را دریابند تا مبادا کسی با آنها مواجه شود که از عهدۀ پاسخ به سؤالاتشان برنياید؛ آنان به مسجد می‌آمدند، تا در موقع نیاز حضرت را خبر کنند.

نتیجه آنکه، مسجد پایگاه اسلام است، در این پایگاه همان گونه که مسلمانان به سلاح علم و تقوا مجهر می‌شوند، درهای مسجد برای ورود افراد حق طلب دیگر که در صدد یافتن راه هدایت و دستیابی به جرمه‌های زلال معرفت بوده‌اند، باز بوده است، چه، مسلمانان نیز از کسانی که مسجد می‌آمدند تا با این مکتب جدید آشنا شوند، ابهامات خود را برطرف می‌کردند و پاسخ‌هایی برای سؤالات خود می‌یافتدند و هرگز آن را بی احترامی و یا هتك حرمت مسجد تلقی نمی‌کردند.

مهم‌تر آنکه، پیروان ادیان دیگر، برای طرح سؤالات خود که در مسجد انجام می‌گرفت، از آزادی و امنیت کامل برخوردار بودند و آزادانه مسائل خود را مطرح می‌کردند و مردم و دولتمردان هم تعرضی نمی‌کردند، حتی این آزادی در مواردی

۱. همان مأخذ: باب ۳، ح ۱.

۲. همان مأخذ: ح ۳.

که شخص خلیفه را در بنبست قرار می‌داد و او را از پاسخ دادن عاجز می‌ساخت، برای افراد جامعه وجود داشت و دستگاه خلافت در برابر چنین سؤالاتی که قهراً مشروعیت حکومت و شایستگی حاکمان را دچار تردید می‌کرد، تحمل و خویشتنداری خویش را حفظ می‌کرد.

محدودیت طبقاتی

از آنجا که مسجد خانه خدا و برای مردم است، هرگز نمی‌تواند رنگ طبقه اجتماعی خاصی به خود بگیرد و تحت سلطه کسی درآید، چرا که همه افراد طبقات جامعه به صورت یکسان به آن تعلق دارند. لذا هر گاه مسجد به شکل پایگاه طبقاتی درآید، در واقع از مسیر خود خارج شده است.

البته زراندوzan، سرمایه داران و تکاثر طلبان، پیوسته تلاش دارند تا مسجد را در قبضه خود نگاه دارند، زیرا خلق و خوی زیاده طلبی و تکبّرشان اجازه نمی‌دهد که در هیچ اجتماعی، در ردیف دیگران قرار بگیرند، آنان پیوسته می‌خواهند نظرشان یگانه معیار عمل باشد، از این رو وقتی اعیان و اشراف با مسجد سر و کار پیدا می‌کنند، چنین توقعاتی دارند:

امام مسجد و دیگر کارگزاران او مطیع آنان و مانند انگشتی در دستشان باشند. برنامه‌های مسجد با نظر آنان تدوین و اجرا شود.

هر بخشی از مسجد که می‌تواند امتیازی داشته باشد، مثل صفات اول جماعت و یا صدر مجلس، به آنان اختصاص یابد.

همیشه و در همه جا نام آنان مطرح و از خدماتشان تقدیر و تجلیل شود. به موازات این توقعات، برایشان تحمل ناپذیر است که طبقات محروم در مسجد مداخله‌ای کنند، ایشان حضور دیگران را تنها برای پرشدن مسجد می‌پسندند، به شرط آنکه امام جماعت به آنان اعتمایی نکند و نام آنان در جایی مطرح نشود.

در صدر اسلام «مؤلفة قلوبهم» که با همان خصلت‌های جاھلی و خلق و خوی اشرافی گری وارد اجتماعات اسلامی و مساجد شدند و عنایت خاص پیامبر اکرم ﷺ را به ضعفا و محرومان تماشا کردند، زبان اعتراض گشودند و در صدد آن برآمدند تا پیامبر را از محرومان جدا کنند و خود در کنار حضرت قرار گیرند، «امین الاسلام طبرسی» در تفسیر خود می‌نویسد:

عده‌ای از «مؤلفة قلوبهم» به نزد پیامبر آمدند، از حضرت درخواست کردند که ایشان در بالای مجلس بنشینند و فقیران و خرقه‌پوشانی مانند «سلمان»، «ابوذر»، «صهیب» و «عمار» و «خباب» را از خود دور کند، تا آنان در کنار پیامبر باشند، زیرا حضور این افراد و مجالست آنان با رسول خدا، مانع از شرکت ایشان در محضر پیامبر و همنشینی با حضرت می‌شد، با مطرح شدن این درخواست، آیه ۲۸ سوره کهف نازل شد که:

﴿ وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاءِ وَالْعَشِيِّ
يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلَنَا فَلَبَّهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ﴾.

«شکیبا ساز خویش را با آنان که پروردگار خود را صحیح و بامداد می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند و یک لحظه از آنان چشم مپوش که به زینت‌های دنیا مایل شوی و هرگز با آنان که دلهایشان را از یاد خود غافل کرده‌ایم و تابع هوای نفس خود شدند و به تبه کاری پرداختند، متابعت مکن».

با نزول این آیه پیامبر در صدد پیدا کردن مستضعفانی که خداوند آنان را ستوده بود، برآمد، و آنها را در مسجد در حالی که مشغول ذکر و عبادت بودند، یافت. پیامبر فرمود:

«سپاس خداوند را که پیش از رسیدن اجلم مرا به همراهی

با شما فرمان داد، من در زندگی و مر با شمایم». ^(۱)

همین مفسّر بزر در ذیل آیه ۵۲ نیز از سوره انعام می‌نویسد:

گروهی از «مؤلفة قلوبهم» به نزد پیامبر آمدند و آن حضرت را در میان «بلال»، «صهیب»، «خباب» و گروهی دیگر از محروم‌اند، آنان ضمن تحقیر و بی‌اعتنایی به همنشینان رسول خدا گفتند، ای پیامبر، آنان را از خود دور کن تا ما با تو باشیم، زیرا نمایندگان اقوام گوناگون عرب به اینجا می‌آیند و باعث شرمندگی است که ما را با برده‌گان در کنار یکدیگر بیینند، البته وقتی ما رفتم می‌توانی دوباره آنان را به مجلس خود راه دهی ^(۲) به سبب این پیشنهاد، خداوند فرمود:

﴿ وَلَا تَطْرُدُ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهِمْ بِالْغَدَاءِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ مَا مِنْ حِسَابَكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَكَطْرَدَهُمْ فَتَكُونُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴾. ^(۳)

به این وسیله حق تعالی، رسول اکرم را از قبول پیشنهاد آنان بر حذر داشت و با اخطاری شدید اللحن این عمل را ظلم و ستم دانست.

ارباب مکنت و صاحبان زر و زور به قدری روحیه مستکبری دارند که تا وقتی مسجد و محضر رسول خدا را منحصراً در قبضه خود نگیرند و تا زمانی که رسول خدا را در انحصار خود نبینند، حاضر به شرکت در مجلس آن حضرت و همنشینی با وی نیستند!! پر واضح است که چنین عناصری وقتی به سراغ امام جماعت معمولی بروند، از او چه توقعاتی دارند و چگونه برخورد می‌کنند؟ حس زیاده‌طلبی و سلطه‌جویی آنان ایجاب می‌کند که همه بله قربان‌گوی

۱. تفسیر مجتمع البیان: ج ۶، ص ۴۶۵.

۲. تفسیر مجتمع البیان: ج ۴، ص ۳۰۵.

۳. انعام / ۵۲.

آنان و ابزاری در دست ایشان باشند. قدرت طلبی آنان، به شکل برخوردهای توام با تحکم در برابر امام مسجد و خلق خدا، بروز می‌کند؛ طبیعی است با چنین سلطه‌ای، امام مسجد هرگز نمی‌تواند استقلال رأی داشته باشد تا با تدبیر خویش اداره کند، بلکه پیوسته باید نگاهش به زبان آنان باشد، هر چه را آنان پسندند بگوید، هر که را آنان می‌پسندند دعوت کند و در مسائل سیاسی مطابق میل آنان نظر دهد و نه جز آن.

جلوه دیگر، برتری جویی‌ها و قدرت طلبی‌های شیطانی، به امتیازات قومی و قبیله‌ای مربوط می‌شود، مثلاً خلیفه دوم چون در خصوص به برتری قوم عرب حساسیت خاص داشت، دستور داد هرگز عجم‌ها امام جماعت عرب‌ها نشوند و تا عرب در جماعت حضور دارند، صف اوّل به آنها اختصاص یابد و عجم‌ها در صف اوّل قرار نگیرند.^(۱)

مسجد هر چند واحد اجتماعی کوچک است، ولی سمبول یک جامعه اسلامی و نمونه عینی حاکمیت ارزش‌های اسلامی است، لذا تحقق ارزش‌هایی از قبیل: تقدیم، علم، جهاد، برادری و مساوات و عدالت، باید از مسجد آغاز شود و این سهم تنها در صورتی عملی است که امام جماعت از بند قارون‌ها و قطب‌های اقتصادی آزاد باشد. آن کس که خود طوق رقیت به گردان دارد، چگونه می‌تواند فضایی آزاد برای رشد و پرورش افراد با شخصیت و عزیز به وجود آورد؟

تعالیم اسلامی به امام مسجد می‌آموزد که روی گردانان از برادری و مواسات اسلامی، «عبد الدینار»‌اند و چنین افرادی، هرگز از «عبد الرّحمن» نخواهند بود؛ به تعبیر شیخ صدق، دینار پرستان که مورد لعن پیامبر قرار گرفته‌اند، همان کسانی‌اند که زکات مال خود را نمی‌دهند و از مواسات با برادران خود بخل می‌ورزنند، آنان سرسپردگی به پول را به سرسپردگی در پیشگاه حق تعالیٰ ترجیح

(۱) داده‌اند.

از آنجا که سودجویی و منفعت‌طلبی، ذهن و فکر سرمایه داران را فراگرفته است، اگر به مسجد هم بیایند، آن را شعبه‌ای از محل کسب خود در می‌آورند و در مسجد هم فکر و ذکری غیر از دنیا ندارند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«در آخرالزمان گروهی به مساجد می‌آیند و در آن حلقه می‌زنند که «ذکر» شان دنیا و محبت آن است، شما با آنان همنشین نشوید، و البته خدا هم نیازی به آنان ندارد». (۲)

شاید آنانی که در برابر این گروه، تعظیم می‌کنند و ایشان را در صدر مسجد مورد احترام قرار می‌دهند، بر این باورند که دین خدا نیاز به آنان دارد.

مصطفیت بزر تر، وقتی است که عالم دین، در تعلیم مسائل دینی طرح معارف، به این گروه گرایش داشته باشد و تنها آنان را لائق درک مطالب بداند.

«برخی از عالمان، علم را برای ثروتمندان و اشراف مطرح می‌کنند و محرومان را لائق معارف نمی‌دانند، چنین عالمایی، در طبقه سوم جهنم‌اند». (۳)

در حالی که عالم ربّانی که از سرچشمۀ معارف اهل بیت سیراب شده است در ادعیه خود، مناجات امام سجاد علیه السلام را تکرار می‌کند که:

«بار خدایا مرا از این گمان که ناداران، پست و ثروتمندان با فضیلت اند، ایمن نگهدار».

و اعصمی من ان اظنّ بذی عدم خساسه اواظن بصاحب

۱. معانی الاخبار: صدوق، ص ۳۸۲.

۲. وسائل الشیعه: ج ۴، ص ۴۹۳.

۳. خصال: صدوق، ص ۳۵۲.

(۱) ثروة فضلاً.

و چون چنین «ظن و گمانی را» «خطری» می‌بیند که باید خود را از آن، ایمن: «ساخت لذا علاوه بر دعا، پیوسته مراقبت و هوشیاری دارد که مبادا به این پرتگاه نزدیک و صاحبان ثروت را دارای امتیاز و برتری بداند، در نتیجه این اندیشه در زندگی اش پدیدار می‌شود که صاحبان سرمایه، برتری ندارند و رفتارش با این طبقه، به گونه‌ای است که این پیام را به دیگران انتقال می‌دهد که: من درباره ثروتمندان گمان فضیلت ندارم».

محدودیت سیاسی

با تعریفی که اسلام از مسجد عرضه می‌کند، مسجد نمی‌تواند پایگاه سیاسی (یک حزب) باشد. مسجد از یک سو به «خدای» و از سوی دیگر به «مردم» تعلق دارد، از این رو نباید زیر سیطره یک باند سیاسی قرار بگیرد و از آن به صورت مرکز فعالیت‌های تشکیلات‌گروهی، استفاده شود.

به علاوه گروه‌ها و احزاب، معمولاً در جهت تجزیه امت و رو در رو قرار دادن گرایش‌های مختلف عمل می‌کنند و این خصلت اگر به مسجد سرایت کند، پایگاه وحدت و الفت را به محل اختلاف و تفرقه بدل می‌سازد، یعنی همان خصوصیتی که قرآن برای «مسجد ضرار» برشمرده است، «مسجدًا ضرارًا و كفراً و تفریقاً بين المؤمنين».

مسجد که پیوند و ارتباط مسلمانان را استحکام می‌بخشد، باید به گونه‌ای عمل کند که مسلمانان به دیده خانه خود، به آن بنگرند، لذا احزاب گوناگون، هر چند بر اصول و مبانی اسلامی هم تشکیل شده باشد، نباید مسجد را به کنترل خویش درآورند، زیرا این نکته را درباره دیگر مراکز اجتماع و تشکل امت اسلامی

نیز باید مراعات کرد و گرنه چنانکه نماز جمعه به سنگر دفاع از یک جریان سیاسی تبدیل شود و تربیتون آن در اختیار یک جناح قرار گیرد، طبعاً هواداران جناح‌های دیگر از آن فاصله خواهند گرفت.

اساساً اجتماعاتی که در برنامه‌های اسلامی پیش‌بینی شده، از جماعت گرفته تا جمعه و حج به منظور فرو ریختن این گونه مرزها و درهم شکستن این قبیل اختلافات است؛ ایفای نقش وحدت آفرینی مسجد در گرو آن است به صورت پایگاهی فراجنایی در جامعه اسلامی، شناخته شود.

سیره پیشوایان معصوم نشان می‌دهد که آنان حتی در اوج قدرت و حاکمیت خود، مسجد را در قبضه حکومت قرار نمی‌دادند تا آنان که به نظام حاکم بی‌اعتنایا مخالفاند، از حضور در مسجد منع داشته باشند. سیره امیرالمؤمنین در برابر مخالفان مانند خوارج چنان نبود که آنان از حضور در مسجد، حتی مسجدی که خود حضرت، امامت آن را داشت، ممنوع باشد و حضور در مسجد به پیروان آن حضرت اختصاص یابد، آنان نه تنها از سوی امام، بلکه از طرف شیفتگان ولایت نیز کاملاً آزاد بودند، حتی اجازه داشتند که با کمال صراحة اعتراضات خود را در محضر زمامدار مسلمین، مطرح سازند. آنها گاه پارافراتر می‌گذشتند، زبان به اهانت و ایذا می‌گشودند، اما هم در برابر اهانت آنان اصحاب خویش را به خویشنداری فرا می‌خواند، تا مبادا به سزای جسارت‌شان کسی متعرض آنان شود؛ «شهید مطهری» وقتی با عنوان «دمکراسی علی» به بحث می‌پردازد، می‌گوید:

«خوارج به مسجد می‌آمدند و هنگام سخنرانی و خطابه حضرت علی علیه السلام ایجاد مزاحمت می‌کردند، روزی امیرالمؤمنین بر منبر بود، مردی آمد و سؤالی کرد: علی علیه السلام بالبداهه پاسخ گفت، یکی از خارجی‌ها، از بین مردم فریاد زد: «قاتلله الله ما افقهه» دیگران خواستند متعرضش شوند، امام علی علیه السلام فرمود: «رهاش کنید او به من تنها دشنام داد».

خوارج در نماز جماعت به علی علیه السلام اقتدا نمی‌کردند، زیرا او را کافر

می‌پنداشتند، به مسجد می‌آمدند اما با علی ع نماز نمی‌گذاردن و احياناً او را می‌آزدند، علی به نماز ایستاده بود، «ابن کوَا» این آیه را بلند به کنایه خواند: «وَلَقَدْ أُوْحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَ عَمَلُكَ»، حضرت سکوت کرد تا آیه را تمام کند.^(۱)

این‌گونه برخورد آزاد منشانه از سوی حضرت، اختصاص به خوارج نداشت، گروه‌هایی دیگر نیز در مسجد برای طرح اندیشه‌ها و افکار خود آزاد بودند، هر چند این قبیل آزادی‌ها گاه به سوء استفاده افراد نیز منجر می‌شد تا آنجا که وقتی امام ع در مسجد فرمود: «سلوونی قبل ان تفقدونی»، فردی که قیافه‌اش شبیه یهودیان عرب بود، از پای منبر برخاست و گفت: «ای کسی که ندانسته ادعا داری و آنچه را نمی‌فهمی بر گردن گرفته‌ای، می‌پرسم، جواب بد». اصحاب حضرت می‌خواستند معارض شوند و تنبیه‌ش کنند، ولی امام فرمود: «رهاش کنید که با خشونت نمی‌توان سخن حق را آشکار ساخت».^(۲)

اشخاص و گروه‌های قدرت طلب، چون به منافع آنی خود فکر می‌کنند از قربانی کردن قداست مسجد به پای اهداف جناحی خود ابایی ندارند و تا آنجا پیش می‌روند که «خانه خدا»، به «دفتر گروهشان» تبدیل می‌شود، ولی چنین رویه‌ای بالمال به تضعیف پایگاه مسجد می‌انجامد، زیرا گروه‌های دیگر را به حساسیت و موضع‌گیری وا می‌دارد و چنانچه قدرت مقابله داشته باشند، مسجد را میدان تنازع و تاخت و تاز می‌سازند و اگر خود را از مقابله با جناح حاکم عاجز ببینند، به طور کلی از مسجد فاصله می‌گیرند و یا مسجد دیگری را برای فعالیت‌های گروهی خود، بر می‌گزینند و البته چنین پیامدهایی به تقویت جایگاه مسجد و تحکیم موقعیت آن در جامعه، صدمه اساسی وارد می‌سازد، بخصوص اگر سلطه

۱. جاذبه و دافعه علی ع، شهید مطهری.

۲. بحار الانوار: ج ۵۷، ص ۳۳۶، ۲۲۲، ج ۱۰، ص ۱۲۶.

سیاسی یک جناح به شکل هماهنگ و سازمان یافته و با نام تشکیلات، در مساجد گوناگون انجام گیرد، آثار منفی آن بیشتر خواهد بود. از عوارض چنین رویه‌ای، دوری گزیدن علمایی متعهد و در عین حال مستقل از مسئولیت پذیری در مساجد، و بالا آمدن افراد سفله و کم مایه، باری به هر جهت و بله قربان گو در قیومیت بر مساجد است، که پیامدهای این آفت، واضح است.

به طور کلی باید گفت: سرنوشت مساجد و هدایت و سامان دهی آنها باید توسط مقام ولایت فقیه صورت گیرد و از هرگونه اعمال سلیقه خاص و باندباری و بدور نگه داشته شود تا به عنوان خانه خدا پایگاه خوبی برای خودسازی و ارتباط بین مردم و رهبری و مردم با مردم باشد.



بخش چهارم

مسجد و جوانان

۱ - عوامل اصلی جذب جوانان

۲ - راهکارهای جذب جوانان به مساجد

۳ - روش‌های تربیتی

۴ - موانع جذب جوانان به مساجد

۵ - مسجد و تعلیم و تربیت

۶ - رابطه مسجد و مراکز آموزشی

۱- عوامل اصلی جذب جوانان

الف) امام جماعت

امام جماعت در هر مسجد عاملی مهم در پیشرفت و ترقی مسجد به شمار می‌رود و چنانچه دارای شرایط لازم باشد، تأثیری بسزا در تحولات مثبت در جوانان و در نتیجه گرایش آنان به مساجد خواهد داشت؛ این صفات از این قرار است:

۱- ثابت بودن

شناخت امام جماعت از مسجد، محل مؤمنان و نمازگزاران و غیره از جمله اموری است که در عملکرد وی نقشی مهم دارد؛ خصوصیات و اوضاع خاص هر محل و اهالی آن باعث می‌شود که وی تصمیم مقتضی اتخاذ کند و در راه اجرای آن گام بردارد که ثابت بودن امام جماعت در مسجد محل این مسئله را عملی می‌سازد.

۲- توانایی علمی

از عواملی که می‌تواند در جذبیت امام جماعت مؤثر باشد، توانایی و اندوخته‌های علمی اوست، چرا که ممکن است سوالی از طرف جوانان در حیطه تخصصی او مطرح شود تا او با استفاده از معلومات خود در زمینه‌های مختلف از

جمله جامعه‌شناسی، و روان‌شناسی جوانان و غیره، پاسخ دهد. طبیعتاً قدرت علمی روحانی مسجد باعث اطمینان و اعتماد مردم، بخصوص جوانان می‌شود و آنان نیز همواره سعی می‌کنند در موقع لزوم با او ارتباط برقرار سازند و با اطمینان خاطر و طیب نفس با او معاشر باشند و از کمالات و معلومات او بهره‌مند شوند.

۳ - نظم

امام جماعت ضرورت دارد که در کلیه کارهای مربوط به مسجد نظم و انطباط را مراعات کند، به موقع به مسجد بیاید، نماز را اقامه کند و اوقات سخنرانی و ارشاد مردم را تنظیم و با توجه به حال حضار مطالب خود را بیان کند و از ذکر مطالب اضافی و اطاله کلام خودداری ورزد.

۴ - بیان ساده و شیوا

مطالبی که امام جماعت بیان می‌کند، باید حتی المقدور ساده و شیوا باشد و از تلفظ کلمات و جملات عجیب و غریب و نامأнос بپرهیزد؛ چرا که عده مخاطبان وی بی سواد، کم سواد و ناآشنا به کلمات تخصصی هستند، در غیر این صورت با توجه به روحیه جوانان و کم ظرفیت بودن آنان، خستگی و کسالت بر آنها عارض می‌شود.

۵ - ابتکار خلاقیت

بعضی از وعاظ هنگام سخنرانی آموخته‌های علمی خود را به همان‌گونه که فراگرفته‌اند، بیان می‌کنند، در حالی که می‌توانند با ذکر مثال‌ها و حکایت‌های تاریخی، مطالب و کلمات قصار، شوخ طبعی و داستان‌های شیرین را با رعایت نکات روان‌شناسی جوانان به گونه‌ای زیبا و جذاب‌تر عرضه کنند.

۶- دوستی با جوانان و نوجوانان

امام جماعت مسجد می‌تواند با کنار گذاشتن بعضی از محدودیت‌های کاذب یا غیر ضرور، بین خود و جوانان، دل آنها را به خود نزدیک کند؛ به قدر معقول با آنان صحبت کند، احوال آنها را در حالت عادی و غیر عادی جویا شود و حتی المقدور در همنشینی‌ها و مجالست‌ها همراه آنان باشد و از فرصت‌های مناسب به منظور بیان مقصود استفاده کند؛ در حالی که بعضی از روحانیان با اتخاذ تدابیر نامناسب و به خود گرفتن حالت‌های عالمانه، سنگین و رنگین حرکت کردن بی‌حد، هم کلام نشدن با دیگران، خصوصاً جوانان و غیره، بین خود و جوانان فاصله می‌اندازند.

۷- احترام و تواضع

همیشه با احترام به دیگران و داشتن حالت تواضع در مقابل همنوعان، نوعی ارادت قلبی دیگران را در حق خود جذب می‌کنیم، حال اگر تواضع و احترام از جانب روحانی و رهبر معنوی، آن هم با جوانان که دارای قلبی پاک و جویای صحبت هستند، صورت گیرد، قطعاً پیروزیهای چشمگیری به دست خواهد آمد؛ این روش از جمله طرق تبلیغ عملی است که در تاریخ صدر اسلام خصوصاً در وصف پیامبر گرانقدر اسلام نقل شده است و نتایج بسیار خوبی هم در برداشته است.

۸- آراستگی ظاهري

روحانی و رهبر معنوی در اجتماع باید در قالب الگو و نمونه خوبی‌ها مطرح شود؛ بنابراین امام جماعت باید به بهترین وجه ممکن لباس بپوشد، تمیز باشد، محسن مرتب داشته باشد و از عطر استفاده کند؛ مواطن نظافت دهان و دندان و احياناً بوی بد دهان خود باشد و کلاً مسئله نظافت ظاهری را فراموش نکند.

۹ - توانایی جسمی

در برگزاری نماز جماعت و سخنرانی‌ها لازم است مسائلی نظیر وقت دیگران و کهولت سن حاضران مراعات شود؛ حال اگر امام جماعت سن بالای داشته باشد، طبیعتاً نماز طولانی می‌شود و ممکن است مأمورمان خسته شوند.

۱۰ - دارا بودن دانش لازم

اگر امام جماعت صرفاً به یک سری اطلاعات علمی دست یافته باشد، انتقال آن به روش معمولی و بیان ساده آن مطالب ممکن نیست و با توفيق کمتری قرین است؛ لذا ضروری است از علوم دیگر نظیر روانشناسی جوانان و نوجوانان استفاده شود.

۱۱ - درک موقعیت سنی جوانان

موقعیت سنی جوانان و نیازها و روحیات آنان در این سنین باید مورد توجه قرار گیرد؛ لازم نیست همیشه از آنان بخواهیم در کلیه مراسم ادعیه و زیارات شرکت و گریه و زاری را پیشه کنند، زیرا جوانان و نوجوانان در کنار این مسائل معنوی نیاز به تفریحات سالم و ورزش و آموختن دانش روزدارند؛ تحرک و انرژی زیاد از خصوصیات این دوران است و جوانان به تنوع بیشتری نیازمندند.

۱۲ - تهیءة امکانات مالی

امام جماعت می‌تواند با نظارت کامل و سروسامان دادن به امور مالی مسجد و تخصیص بودجه‌های لازم در راه جذب جوانان، به این مهم دست یابد.

ب) مسجد

خود مسجد و ویژگی‌های آن نیز می‌تواند عامل جذابی به منظور گرایش جوانان و نوجوانان به مسجد باشد، این ویژگی‌ها و خصوصیات عبارت اند از:

۱- فضای مناسب و ظواهر خوب آن

مسئولان ذی‌ربط در عصر کنونی باید در احداث مساجد تا حد زیادی مداخله کنند، انتخاب محل احداث نقشهٔ مورد نظر، امکانات و فضای سبز آن و غیره باید حساب شده و از روی اصول باشد؛ احداث مسجد در کوچه و پس کوچه‌ها و با مساحت کم و شبستان مسجد، بدون دیگر امکانات سوت و کور است و رغبتی در دل جوانان و ناآشنايان به مسجد ایجاد نخواهد کرد.

۲- نظافت

تمیزی و پاک بودن از جمله عواملی به شمار می‌رود که باعث گرویدن جوانان به مسجد می‌شود، لذا مسئولان مسجد باید در خصوص غبارروبی، نظافت منظم روزانه یا هفتگی شستن فرشها و عطرافشانی اقدام کنند. نظافت دستشویی‌ها، ایجاد امکانات بهداشتی نظیر صابون، مایع ضد عفونی کننده، آب گرم در زمستان‌ها و شستشوی مرتب و منظم محیط دستشویی‌ها و به کار بردن خوشبوکننده‌های مناسب از ضروریات مساجد است.

۳- وسائل صوتی، گرمایش و سرمایه

کسانی که مناسبی به مسجد راه می‌یافتند چنانچه با مسائل ناخوشایندی از قبیل نامناسب بودن صدای بلندگوها و سرد یا گرم بودن بیش از حد مسجد روپرتو شوند، تنفس در قلب آنان پدید می‌آید و سابقه ذهنی منفی در اذهان ایشان باقی می‌گذارد، همچنین تنظیم نور کافی در خود مسجد از اهم مسائل است.

۴- تصمیم‌گیری مرکز

مؤمنان و نمازگزاران و مسئولان مربوط می‌توانند به منظور تنظیم برنامه‌ها و امور مساجد و جلوگیری از پراکندگی و تعدد تصمیم‌گیری‌ها، با انتخاب شماری از افراد جوان و متعهد و حتی المقدور متخصص، همچنین ریش سفیدان با ناظارت امام جماعت در قالب هیئت امنا، امور مساجد را با صلابت و برنامه ریزی منسجم اداره کنند.

۵- ایجاد امکانات فرهنگی ورزشی

مسئولان و گردانندگان مساجد می‌توانند با تهیه و تخصیص امکانات فرهنگی از قبیل: کتابخانه، سالن مطالعه، تشکیل گروه‌های تواشیح، سرود، همخوانی قرآن و تشکیل جلسات آموزش قرآن در دوره‌های گوناگون، کلاس‌های تقویتی رایگان و کلاس‌های آموزشی دیگر، باعث جذب جوانان به مساجد شوند؛ در کنار این مسائل تهیه امکانات ورزشی مرتبط با مسجد تا جایی که حرمت آن به طور کامل محفوظ بماند نیز می‌تواند در شمار عوامل جذب‌کننده محسوب شود.

۶- استفاده از افراد خوش صدا

بسیاری از اوقات می‌بینیم در مساجد از قاریان قرآن و مؤذن‌های مسن و افراد بدصدا استفاده می‌شود که انسان به هنگام شنیدن صدای آنان ناگزیر باید گوش خود را بگیرد. طبیعی است که این موضوع باعث دفع جوانان از مساجد می‌شود.

ج) هیئت امنای مسجد

پیشبرد امور مسجد و آبادانی آن، هم به لحاظ معنوی و هم به لحاظ مادی، اشتراک مساعی و همت والای اعضای هیئت امنا را می‌طلبد، آنان می‌توانند با همفکری و همدلی، از عهده این وظیفه شرعی و داوطلبانه به خوبی برآیند و ذخیره‌ای برای آخرت خود بردارند؛ خصوصیات ضروری که می‌باید این افراد داشته باشند، به قرار زیر است:

۱ - همکاری جدی

اعضای هیئت امنای مسجد می‌باید در ادای وظایف خود جدیت داشته باشند و مصمم حرکت کنند، در غیر این صورت اختلال در امور مسجد پیش می‌آید.

۲ - تقسیم کار

به نظر می‌رسد که امور مسجد می‌باید به تناسب سن، تخصص، علاقه و دیگر عوامل شخصی اعضای آن هیئت، تقسیم شود تا فشار کار بر دوش فرد یا افراد معینی نباشد؛ از طرف دیگر این اعضا می‌توانند از افراد غیر عضو که علاقه به کار دارند کمک بجوینند تا در تسريع کار مؤثر باشند، مراعات مجموعه امور یاد شده باعث بروز حرکتی منسجم در امور مساجد می‌شود که برای افراد مرتبط با مسجد و خصوصاً جوانان دلپذیر خواهد بود.

۳ - علاقه به کار

افرادی که در قالب عضو این هیئت به کار مشغول می‌شوند باید در برابر مسئولیت پذیرفته شده علاقه داشته باشند و از نیت غیر تقرب الى الله پرهیز کنند تا بتوانند بدون هیچ گونه دلسربدی فعالیت کنند.

۴- تأمین بودجه

پیشرفت و بهبود کیفیت فعالیت‌های مساجد تا حد زیادی بستگی به مسائل مالی دارد؛ اعضای گرداننده مساجد باید در این خصوص فکر اساسی کنند و مخارج متفاوت مسجد را در نظر بگیرند و به تناسب آن بودجه لازم را جذب کنند و از طرفی به مخارج معمولی مسجد از قبیل آب و برق و گاز اکتفا نکنند و هزینه جذب جوانان را نیز به صورت مسئله مهم محسوب دارند و در ردیف هزینه‌های خود بگنجانند و از طرف دیگر به روش سنتی جمع‌آوری پول در مسجد اکتفا نکنند، بلکه با کمک گرفتن از افراد ممکن و خیر، جمع‌آوری منظم ماهیانه وجوهات نقدی از منازل و عرضه قبض، در نظر گرفتن منابع درآمد از قبیل خرید مغازه و اجاره دادن آن، مشارکتهای اقتصادی و غیره، مشکلات مالی مسجد را رفع کنند.

۵- توجیه جوانان و نوجوانان

بیان حرمت و احترام مسجد می‌تواند جنبه معنوی آن را تقویت کند و این ذهنیت را که صرفاً مسجد به مجلس ختم و امثال آن منحصر است، محو کند، این جلسات به صورت رسمی و غیررسمی و همچنین به شکل فردی یا جمیعی می‌تواند در موقع مناسبی انجام شود.

۶- اهتمام به مسئله جوانان و نوجوانان

توجه کردن به جوانان و سرمایه گذاری برای آنها نیز از امور مهمی است که سرپرستان و گردانندگان مسجد باید به آن عنايت داشته باشند، گرداندن مسجد و اداره امور آن نباید به شکل سنتی باشد، یعنی به شکلی که گاهی اوقات مشاهده می‌شود اکثر کودکان و نوجوانان را به دلیل شلوغ کردن، حرف زدن و غیره از مسجد

بیرون می‌کنند، یا نسبت به آنها بدرفتاری می‌شود، باید توجه داشته باشیم که این نوع برخورد با آنها سابقه بدی در اذهانشان باقی می‌گذارد.

۷- استفاده از تخصص‌های گوناگون

برای رفع مشکلات روزمره مساجد و تقلیل هزینه‌های آن می‌توان از افرادی که در شغل‌های گوناگون مهارت دارند، استفاده کرد و در موقع لزوم از آنها کمک گرفت. به کارگیری این تخصص‌ها هم در زمینه امور فنی و حرفه‌ای و اقتصادی و هم در امور فرهنگی و غیرمادی خواهد بود. البته در اینجا منظور این نیست که کلا مشکلات فوق رایگان انجام گیرد، بلکه هدف این است که در حد توان در کردن مخارج مسجد تلاش شود.

د) سایر عوامل

در این زمینه می‌توان به عوامل دیگری اشاره کرد که انتخاب عنوان و دسته‌بندی آنها چندان ضروری به نظر نمی‌رسد، این موارد را می‌توان به شکل زیر بیان کرد:

۱- ترجمه و توضیح دعاها و اذکار

بسیار اتفاق می‌افتد که جوانان و نوجوانانی که تجربه لازم ندارند، از عظمت و فلسفه قرائت ادعیه و زیارات می‌پرسند، سؤالات این است که چرا یک سری عبارات را به زبان عربی می‌خوانیم، در حالی که نمی‌دانیم مخاطب ما کیست، یا اگر اجمالاً می‌دانیم مخاطبمان خداوند است، نمی‌دانیم که به او چه بگوییم، یا چه چیزی از او درخواست می‌کنیم، لذا برای رفع این شباهه و ابهام حتی المقدور به همراه دعاها، ترجمه آنها را نیز به زبان روان و از هر گونه پیچددگی بیان کنیم، تا ارتباط بین خواننده دعا و مخاطب او، یعنی خداوند را محکمتر کنیم.

۲- آشنا کردن جوانان به فلسفه اعمال عبادی

آنچه باعث شده است که خداوند تبارک و تعالی از زبان پیامبر گرامی و ائمه هدی برگزاری نمازها را به جماعت توصیه می‌فرماید، بسیار وال است، چرا که جماعت یک از مظاهر عظمت مسلمین و اتحاد و یگانگی آنهاست، اما این فلسفه جماعت‌ها عمدتاً در میان مردم غریب و ناآشناس است، چه بسا آشنایی جوانان با این مفاهیم عظیم و درک فیض معنوی آن علاقه‌مندی مضاعف در آنها ایجاد کند.

۳- اخلاق و رفتار نمازگزاران

متأسفانه برخورد بعضی از نمازگزاران با نوجوانان در مسجد به گونه‌ای است که آنها را از هر چه مسجد و مسجدی است، متنفر می‌سازد، چرا که طریقه برخورد با آنها را نمی‌دانند و همیشه با خشونت و عصبانیت قصد تنظیم برنامه مساجد و برقراری انطباط را دارند، در حالی که مطمئناً شیوه‌های دیگری از قبیل مسئولیت دادن و ایجاد شخصیت، بزر منشی و مراعات شخصیت آنان، می‌تواند در جذب ایشان به مساجد بسیار مؤثر باشد.

۵- جذب از طریق دوستان

بسیاری از نمازگزاران که در سینین جوانی و نوجوانی قرار دارند می‌توانند مبلغ عملی مسجد و نماز جماعت باشند و با بیان لذایذ معنوی، همسالان خود را به این امر ترغیب و تشویق کنند، چرا جوانان در موقع ورود به مسجد در ارزیابی اعمال خویش هستند و با دیدن همتایان خود در مسجد در تصمیم خود مصمم‌تر می‌شوند.

۶- انعکاس فعالیت‌ها

فعالیت‌های مسجد باید در بین مردم منعکس شود تا از آن مطلع شوند، این اطلاع و آگاهی از فعالیت‌های گوناگون باعث تشویق و دلگرمی مردم می‌شود و سامان و نظم امور مسجد را نمایان می‌سازد.

۷- رفع مشکلات

اگر مردم بویژه جوانان و نوجوانان بدانند که بعضی از مشکلاتشان در مسجد رفع می‌شود، طبیعتاً به مسجد روی می‌آورند، مثلاً اگر کلاس‌های رفع اشکال تدریس خصوصی به شکل آسان در مسجد تشکیل شود با توجه به وضع مالی بعضی از افراد به شکل مثبتی جلوه می‌کند.

۸- خادم

مسئله خادم از جمله مشکلات عمدۀ مساجد است، همانطور که می‌دانیم اکثر خدام مساجد از افراد کهنسال و بازنیسته هستند، لذا این گونه اشخاص روحیه برخورد با تمام طبقات اجتماع را ندارند و از آنجا که خستگی روحی و پیری در اعصاب و روان انسان تأثیر می‌گذارد، شایستگی لازم برای اداره مساجد ندارند و باعث گریز جوانان و نوجوانان از مسجد می‌شوند؛ پس باید خادمان مسجد از افراد جوان‌تر باشند تا اشکالات یاد شده پیش نیاید. لازمه جذب این افراد نیز تأمین مسائل اقتصادی و امنیتی آنها است، چراکه آنان باید زندگی معمولی خود را بگذرانند و در برخورد با افراد نامنظم و بی تربیت و گاهی هم زورگو تأمین جانی و مالی داشته باشند و با خیال آسوده به ادای وظایف خود بپردازند.^(۱)

۱. این مبحث با استفاده از مقاله جرح و تعدیل شده محمد مهدی ظهیریان به قلم آمده است.

۲ - راهکارهای جذب جوانان به مساجد

نماز از معدود عباداتی است که سفارش‌های بسیار مؤکدی از طرف شریعت مقدسه در پی دارد و قرآن و حدیث بر اهمیت فوق العاده آن گواهی می‌دهد.

خداوند متعال صریحاً به محافظت و مراقبت از آن توصیه کرده^(۱) آن را بازدارنده گناهان و انحرافات نامیده^(۲)، خشوع و خضوع در آن را موجب فرح، نجات و رستگاری دانسته^(۳)، ضایع کردن نماز و سستی در آن را مورد نکوهش شدید قرار داده^(۴)، و ترک نماز و بی اعتنایی به آن را از عوامل دوزخی شدن انسان شمرده است.^(۵)

در روایات اسلامی از نماز با تعبیرات بخصوصی یاد شده که درباره سایر عبادات این گونه تعبایر دیده نمی‌شود، بعضی از آن تعبیرات عبارت اند از:

-
۱. بقره / ۲۲۸ .
 ۲. عنکبوت / ۴۵ .
 ۳. مؤمنون / ۱ - ۲ .
 ۴. نساء / ۴۳؛ ماعون / ۴ - ۵؛ مریم / ۵۹ .
 ۵. مدثر / ۴۳ - ۳۰ .

مایه رضایت خداوند^(۱)، حصن و قلعه‌ای در برابر مکايد شیطان^(۲)، موجب نزول رحمت پروردگار^(۳)، محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند^(۴)، روشنی چشم رسول خدا^(۵) موجب تقرب به خداوند^(۶)، بهترین عمل^(۷)، ستون خیمه‌دین^(۸)، بازدارنده از گناه^(۹)، اولین عمل مورد محاسبه در قیامت^(۱۰) و کفاره گناهان^(۱۱).

علاوه بر این تعابیر، عناوین خاصی نیز در روایات دیده می‌شود که هر یک سرفصلی برای بحثی عمیق و گسترده است، همچون: اهتمام به نماز جماعت^(۱۲)، لزوم ادای کامل نماز^(۱۳)، پرهیز از سبک شمردن نماز^(۱۴)، پاییندی به خضوع و خشوع در برابر نماز^(۱۵)، نهی از ترک یا تضییع نماز^(۱۶)، سفارش به اقامه نماز

-
۱. بحار الانوار: ج ۷۹، ص ۲۳۱.
 ۲. غرر الحكم.
 ۳. غرر الحكم.
 ۴. وسائل الشيعة: ج ۳، ص ۲۶.
 ۵. بحار الانوار: ج ۷۵، ص ۷۷.
 ۶. همان: ج ۱۰، ص ۹۹.
 ۷. همان: ج ۷۹، ص ۲۰۹ و ج ۶۷، ص ۴۰۶.
 ۸. فروع کافی: ج ۳، ص ۲۶۶.
 ۹. بحار الانوار: ج ۷۹، ص ۱۹۸.
 ۱۰. همان: ج ۱۰، ص ۳۶۹.
 ۱۱. همان: ج ۷۹، ص ۲۰۷.
 ۱۲. همان: ج ۷۴، ص ۲۷۱.
 ۱۳. همان: ج ۷۲، ص ۵۷.
 ۱۴. فروع کافی: ج ۳، ص ۲۶۹.
 ۱۵. بحار الانوار: ج ۸۲، ص ۲۳۰.
 ۱۶. فروع کافی: ج ۳، ص ۲۶۸؛ بحار الانوار: ج ۷۹، ص ۲۱۶.

در اول وقت^(۱) و رعایت آداب نماز.^(۲)

در اهمیت نماز و مناجات با خداوند همین بس که حضرت ابراهیم ﷺ
منادی بزر توحید در گیتی و بنکننده قبله‌ای برای موحدان عالی و کعبه‌ای برای
خداجویان جهان، فلسفه هجرت طاقت فرسا و سکونت دادن همسر و فرزند
خردسالش را در بیابان خشک و بی‌آب و گیاه و به دور از آبادانی مکه، تنها اقامه نماز
و همه گیر و جهان شمول شدن آن ذکر کرد و گفت:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرَيْبَيٍّ بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ
الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾^(۳).

و اما سخن در این است که نماز با این همه عظمت و اهمیتی که دارد،
چگونه باید همه گیر شود؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان نکاتی متعرض شد
که بعضی از مهم‌ترین آنها به این شرح است.^(۴)

معرفی الگو

با توجه به توصیه‌های مکرر شارع مقدس و عقلایی عالم درباره نقش اساسی
الگو و اسوه در زندگی بشر و کارآیی این اصل مهم، جایگاه ویژه در مسائل تربیتی
به صورت عام و در مسئله همه شمول کردن نماز به صورت خاص پیدا می‌کند.
قرآن مجید می‌فرماید:

۱. همان: ج ۷۹، ص ۳۵۹ و ج ۱۰، ص ۱۰۰؛ فروع کافی: ج ۳، ص ۲۷۴.

۲. همان: ج ۳، ص ۳۰۹؛ بحار الانوار: ج ۷۲، ص ۴ و ج ۸۲، ص ۲۳۰.

۳. ابراهیم / ۳۷.

۴. شایان ذکر است که ردیف‌گذاری به شکل حاضر دلیلی بر اهمیت بیشتر ردیف‌های
جلوtier نیست.

﴿ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ ...﴾.^(۱)

«به تحقیق که رسول خدا برای شما الگو و اسوه نیکوبی است برای هر کسی که به خدا و آخرت ایمان دارد.»

و در آیه دیگر، حضرت ابراهیم ﷺ را مقتدای خدای پرستان، حقجویان و هدایت طلبان معرفی کرده است.^(۲)

در بسیاری دیگر از آیات، به طور ضمنی بر الگوپذیری مسلمانان تأکید کرده و از آن به عنوان یکی از راههای صحیح هدایت و رستگاری نام برده است؛ در روایات و احادیث نیز در این باره سخن‌هایی به میان آمده و مطالب متعددی مورد تعرض قرار گرفته است.

در حدیث جالب و هشدار دهنده‌ای از امام سجاد علیه السلام، آمده است: «مبغوض ترین مردم نزد خداوند کسی است که به اعمال و رفتار امام، پیشوای رهبر و اسوه خود اقتداء نکند». ^(۳) که گویای نقش پراشر و باهمیت پیروی از الگوهای اسوه‌ها در زندگی بشر است.

ما نیز می‌توانیم به عنوان بهترین راه جذب مردم، بویژه جوانان و نوجوانان به سوی نماز، از بیان لطفات‌ها و ظرافت‌های نمازهای پیغمبر اکرم ﷺ، ائمه اطهار علیهم السلام و اصحاب و اتبارشان و علمای بزرگوار بهره زیاد و مؤثری ببریم.^(۴)

۱. احزاب / ۲۱ .

۲. ممتحنه / ۴ .

۳. بخار الانوار: ج ۶۹، ص ۱۷۸ .

۴. بعضی از آن جلوه‌ها، در کتاب داستان نماز عارفان چاپ ستاد طرح اقامه نماز جمع‌آوری و عرضه شده است.

رعایت اختصار

مختصر بودن نماز علاوه بر آنکه مطلوب است، مورد توصیه پیشوایان دینی نیز قرار گرفته و در حدیثی آمده است که:

«رسول خدا ﷺ کامل‌ترین نمازها را اقامه می‌کردند، در حالی که کوتاه‌ترین و مختصرترین نمازها همان نماز رسول خدا ﷺ بود». ^(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«کوتاه به جای آوردن نمازهای واجب و مخصوصاً نماز جماعت و طولانی کردن نوافل و نمازهای مستحبی، عبادت و مورد توصیه است». ^(۲)

معرفی آثار مادی

تبیین نعمت‌های پروردگار متعال فواید تربیتی بسیاری دارد که تردید ناپذیر است، لذا خدای منان در جای جای قرآن کریم، به مواهب و نعمت‌هایی که بر بشر ارزانی داشته، اشاره فرموده است.

گاه از نعمت روز، روشنایی و خورشید یاد می‌کند^(۳)، گاه نعمت آب گوارا و مشروب را متذکر می‌شود^(۴) گاهی از محصولات زراعی به عنوان نعمتی الهی نام

۱. وسائل الشیعه: ج ۴، ص ۸۰۱.

۲. همان: ج ۳، ص ۲۴.

۳. یونس / ۵؛ قصص / ۷۱.

۴. ملک / ۳۰؛ روم / ۲۴؛ عنکبوت / ۶۳؛ بقره / ۲۲.

می‌برد^(۱)، گاه نیز از مجموعه نعمت‌های الهی یاد می‌کند.^(۲)

در نهایت در یک جمله رسا و گویا و پرمعنا از شمارش ناپذیر بودن نعمت‌های الهی سخن گفته و می‌فرماید: «انْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللهِ لَا تَحْصُّوهَا»^(۳) و برای آنکه تمامی مواهب و نعمت‌های ظاهر و باطن و مادی و معنوی را فقط از ذات باری بدانیم و دیگر عوامل را در دستیابی به آنها دخیل و سهیم ندانیم، می‌فرماید:
 ﴿وَ مَا بَكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فِمْنَ اللهِ﴾.^(۴)

«هر نعمتی که برای شماست از طرف خداوند است».

از سوی دیگر، علاوه بر آنکه خداوند متعال در قرآن مجید، یکی از عوامل ازدیاد نعمت‌ها را شکرگذاری و سپاس از آنها دانسته^(۵)، کفران و ناسپاسی نعمت‌ها را موجب سلب یا کم اثر و بی برکت شدن آنها معرفی کرده است و می‌فرماید:
 ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَرِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾.^(۶)

عقل و وجدان آدمی نیز بر لزوم سپاسگذاری از کسی که خبری به آنان رسانده یا نعمتی به او داده است، تأکید دارد.

بنابراین، شکرگذاری از خداوند بخشنده نعمت‌ها، از اوجب واجبات برای انسان، بسویژه معتقدان به مکاتب آسمانی است و نماز عالی‌ترین، زیباترین و رسانترین سپاس‌ها از پروردگار متعال است.^(۷)

۱. انعام / ۱۴۱؛ زمر / ۲۱؛ واقعه / ۶۴.

۲. ابراهیم / ۳۴.

۳. نحل / ۱۸.

۴. نحل / ۵۳.

۵. همان / ۱۱۴.

۶. ابراهیم / ۷.

۷. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۲۶.

تبیین لذائذ معنوی

بی‌شک، فطرت آدمی پاک و خداجوی است و گرایش ناخود آگاهی به معنویات و امور ماورای طبیعی دارد و این غبار مادیات است که چون بر آن می‌نشینند آن را بظاهر از مسیر اصلی خود منحرف می‌سازد؛ از این رو با زدودن آن غبار می‌توان انحراف ایجاد شده را نیز از بین برد و فطرت را به مسیر اصلی معنوی خود بازگرداند.

از سوی دیگر انسانی به سوی معنویات سوق داده شود و توجه به مظاهر مادی ضعیف و کمرنگ گردد، قطعاً از جلوه‌های معنوی اعمال لذت بسیار می‌برد و کم کم به جایی می‌رسد که تمام خوشی‌ها و لذت را در توجه به معنویات می‌یابد و جز آن را لذت واقعی نمی‌انگارد.

از آنجا که سرچشمۀ تمامی معنویات وجود مقدس خداوند متعالی است، چنین انسانی از مناجات، راز و نیاز، تقرب به ذات لایزال او لذت‌ها می‌برد و با حضرت حق انس فراوان می‌گیرد.

پس باید به هر وسیله ممکن سعی شود تا مؤمنان، بویژه جوانان جامعه ابتدای سوی معنویات سوق داده شوند و اشتیاق به معنویات در آنها زنده شود، آنگاه با ذکر آثار و فواید معنوی نماز آنان را به سوی این عبادت بی‌نظیر معنوی مشتاق و علاقه‌مند کرد.

راه‌های سوق به معنویات عبارت است از بیان حقایق و بواطن عالم وجود، تبیین فطرت پاک خدا جوی انسان، اشاره به لذت‌های معنوی و نتایج آن و ذکر داستان‌هایی از عبادیات و معنویات سلف صالح و نیز ذکر و توضیح این مطلب که تمام زندگی بشر در مادیات خلاصه نمی‌شود؛ زیرا اگر چنان بود و معنویات جایگاهی در زندگی آدمی نداشت، نباید بین زندگی افراد بشر و سایر حیوانات تفاوتی باشد، در حالی که چنین نیست و امتیاز انسان به معنویات و تعقل اوست.

سرانجام، بیان آثار معنوی نماز مانند اینکه: نماز، موجب روشنی چشم رسول خدا علیه السلام بود^(۱). نماز، انسان را به خدا نزدیک می‌کند^(۲)؛ نماز، بهترین عبادت است^(۳)؛ نماز، ستون استواری ایمان است^(۴)؛ نماز، باعث دوری انسان از فحشا و منکر و گناه و نافرمانی خداوند است^(۵)؛ نماز، کفاره گناهان گذشته است^(۶) و خشوع در نماز، دارای آثار بالارزش است.^(۷)

تشویق

تشویق و تحسین با جایگاه ویژه‌ای که در تعلیم و تربیت دارد، آثار بسیاری برآن مترتب است که انکارناپذیر است و همواره به عنوان یکی از اصول مهم تربیتی مورد توجه خاص و در تمامی ادیان، مذاهب و مکاتب مطرح بوده است.

برای آنکه جوانان و نوجوانان به نماز علاقه‌مند شوند و به سوی آن گرایش یابند باید از مسئله مهم تشویق غافل نباشیم و از این نردهان صعود، بهترین بهره‌ها را بگیریم.

البته این امر، اشکال مختلفی هم ممکن است دارا باشد که یک نمونه آن را به عنوان مثال در اینجا معتبرض می‌شویم.

مثلاً می‌توان در مساجدی که نماز جماعت در آنها برپا می‌شود، یک شب در

-
۱. بخارالانوار: ج ۷۵، ص ۷۷ .
 ۲. همان: ج ۱۰، ص ۹۹ .
 ۳. همان: ج ۷۶، ص ۴۰۶ .
 ۴. فروع کافی: ج ۳، ص ۲۶۶ .
 ۵. عنکبوت / ۴۵ : بخارالانوار: ج ۸۰، ص ۱۹۸ .
 ۶. همان: ج ۸۰، ص ۲۰۵ .
 ۷. همان: ج ۸۲، ص ۲۳۰ و ج ۷۵، ص ۱۳۱ .

هفته بدون اطلاع قبلی و به وسیله امام جماعت یا یک تن از هیئت امنا یا مسئول پایگاه بسیج، به هر یک از نوجوانان ۱۰ الی ۱۵ ساله حاضر جایزه‌ای تقدیم و اعلام شود که این هدیه به لحاظ حضور شما در مسجد و جماعت تقدیم می‌شود؛ در هفته بعد نیز در یک شب غیر معین چنین برنامه‌ای درخصوص جوان‌های ۱۵ تا ۲۰ ساله حاضر اجرا شود. در هفته سوم جوایزی به نوجوان‌ها و کودکان (زیر ۱۰ سال) داده شود؛ همین برنامه درباره خواهران حاضر در مسجد به وسیله خانمی که از قبل معین می‌شود، در طول سه هفته انجام می‌شود، به این صورت که یک هفته درباره پسران و یک هفته در خصوص دختران اجرا شود، و به این طریق، ۶ هفته یعنی یک ماه و نیم سپری می‌شود و در این مدت باشور و حال خاصی که در مسجد پدید می‌آید، حضور در مسجد مورد توجه خاص جوانان و نوجوانان قرار می‌گیرد، پس از سپری شدن این ۶ دوره، می‌توان دوباره از اول شروع کرد و ۶ دوره دیگر در همان مقاطع سنی را مورد نظر قرار داد.

شایان توضیح است که اولاً، در هر دوره مجدد باید به همه جوانان و نوجوانان آن مقطع که در مسجد حاضرند، جایزه داد، حتی اگر مرتبه قبل هم هدیه گرفته باشند، تا حضور مستمر در مسجد و جماعت عملی شود. ثانیاً، جوایز و هدایا متناسب با سنین مذکور باشد.

البته، این کار، هزینه، لازم دارد و صرف هر گونه هزینه‌ای در این راه اجر و پاداش دارد، اجرای این طرح در نهایت موجب اشتیاق دائمی جوانان و نوجوانان به نماز و مسجد می‌شود.

نمایش

یکی از طرق مؤثر در جذب جوانان و نوجوانان به مسجد، تهیه و پخش فیلم‌ها، سریال‌ها و نمایشنامه‌های جالب، پربار و جذاب است.

مثلاً می‌توان یک سری میان پرده‌های کوتاه و جالب درباره مسجد و آداب و احکام آن از روی داستان‌های موجود تاریخی با داستان‌های ابداعی تهییه کرد و در قبل از ساعات پخش فیلم‌های حساس و پرینتندۀ تلویزیون پخش کرد، اگرچه هزینه بسیار داشته باشد.

توضیح اینکه، سیمای جمهوری اسلامی علی رغم بعضی برنامه‌های مطلوب که درباره مسجد داشته است کماکان وظیفه دشواری در این زمینه دارد و سرمایه‌گذاری بیشتری باید اختصاص دهد.

بسیار بجایست که در سیمای جمهوری اسلامی ایران یک واحدی مستقل به نام «واحد سیمای مسجد» تأسیس شود و امکانات لازم، نیروی انسانی ماهر، ابزار مناسب و بودجه کامل در اختیارش گذاشته شود تا جز تهییه و پخش برنامه‌های اختصاصی مسجد اشتغال دیگری نداشته باشد.

کار دیگری که در این زمینه می‌توان انجام داد، تهییه و ساخت فیلم‌های سینمایی جالب و جذاب است که پیام اصلی آن مسجد و اهتمام به آن باشد و در سینما و تلویزیون به نمایش درآید، یا حتی از طریق ویدئو در مراکز علمی، دینی و اردو برای جوانان به نمایش گذاشته شود.

اردو

مناسب است در ایام تعطیلی مدارس به تشکیل اردوهای مسجد توجه خاص مبذول شود تا ضمن فراهم آوردن وسایل و امکانات تفریحی برای نوجوانان و جوانان با روش‌های گوناگون انگیزه و علاقه به مسجد را در آنان بیشتر سازد. این کار، هم اثر تبلیغی بسیاری در کل جامعه دارد، و هم در بین حاضران در اردو تأثیرات شگرفی بر جای خواهد گذاشت.

مسابقات

طرح و برگزاری مسابقات درباره مسجد بسیار مفید و پر تأثیر خواهد بود؛ این گونه مسابقات می‌تواند در سه بخش انجام پذیرد:

الف) مسابقات سراسری و عمومی: سؤال‌هایی درباره مسجد و آداب و احکام آن از کتابهای شخصی طرح شود و از طریق روزنامه‌های رسمی کشور در اختیار عموم قرار گیرد و جوایز ارزنده‌ای برای آن در نظر گرفته شود.

ب) مسابقات اختصاصی دانش آموزش: همین برنامه با همکاری جدی آموزش و پژوهش در وقت مناسبی که ایام امتحانات یا ایام تعطیلی مدارس نباشد، در مقطع راهنمایی و دبیرستان و حتی دبستان، انجام شود.

ج) مسابقات اختصاصی نظامی: همین برنامه‌ها در محیط‌های نظامی با همکاری سازمان‌های عقیدتی - سیاسی نیروهای نظامی و انتظامی برای سربازان وظیفه و در مقاطعی برای درجه داران انجام شود.

فایده و اثر این کار آن است که:

- ۱ - کتب مختلف و متعددی با موضوع مسجد در اختیار شمار زیادی قرار می‌گیرد.
 - ۲ - فرهنگ کتابخوانی در جامعه رواج می‌یابد.
 - ۳ - طبقات عظیمی از جوان‌ها و نوجوان‌ها و نیز زن و مرد کشور با مسائل مسجد آشنا می‌شوند.
- توضیح اینکه، انتخاب زمان مناسب بسیار لازم و ضروری است.

نوار

از آنجا که به دلایل گوناگونی امکان فراگیری بسیاری از احکام و آداب مسجد و نماز جماعت برای عده زیادی از زنان و مردان، بویژه جوانان و نوجوانان از طریق مطالعه مقدور نیست، تهیه نوارهای کاست و توزیع و فروش آن به صورت گسترده می‌تواند در تعلیم احکام، آداب، شرایط، قرائت حمد و سوره، و هر مسئله‌ای که مربوط به مسجد و نماز است، تأثیر شگرفی در سوق جامعه به سوی مسجد داشته باشد.

نمایشگاه

تشکیل نمایشگاه‌های گسترده شهرستانی و استانی و حتی روستاوی یک بار در سال و ارائه کتب مربوط به مسجد، نوار کاست نماز و حتی نوارهای ویدئویی نماز جماعت، در کنار نمایش و اهدای جایزه به برندهای می‌تواند آثار بسیاری در گرایش به مسجد و نماز داشته باشد و مسئله نماز را در بین مردم، بویژه جوانان و نوجوانان احیا کند.

رعایت ادب

رفع تمامی آنچه درباره مسجد تنفرآور است، مانند صدای غیر متعارف بلندگوها در هنگام اذان و نماز، صدای زشت مؤذن و مکبّر، جمع‌آوری اعانات در مساجد، وجود مهرهای کثیف و شکسته در مسجد و کثیف و متعفن بودن فرش‌ها و از طرفی توجه جدی داشتن به نظافت و نظم مساجد و نمازخانه‌ها و ایجاد هر آنچه جاذبه‌دار است، می‌تواند نقش عمده‌ای در جذب همگان بویژه جوانان به سوی مساجد و نماز داشته باشد.

البته در این باره اقدامهای مطلوبی انجام شده، ولی همت بیشتری لازم است، نواقص زیادی موجود است.

کتب درسی

در کتب درسی از مقطع ابتدایی تا پایان دانشگاه‌ها، مطلوب و حتی لازم است که به سبک زیبا و گویا و جذاب و البته با رعایت اختصار، از آداب و اسرار نماز و مسجد بحث‌هایی گسترده‌تر از آنچه اینک صورت می‌گیرد، گنجانیده شود، تا مسجد، حضوری دائمی در زندگی کودکان، نوجوانان و جوانان داشته باشد.

در خاتمه، نظر عزیزان را به این نکته جلب می‌کنم که در یک نظرخواهی از عده‌ای جوانان عزیز درباره نماز و جاذبه دار شدن مساجد، نکات جالبی به دست آوردیم که ذیلاً اهم آن دیدگاه‌ها را متذکر می‌شویم: سؤال این بود که:

۱ - چگونه می‌توان نماز را در بین جوانان، دارای جاذبه کرد؟

۲ - چه کنیم تا مساجد ما دارای جاذبه باشد؟

خلاصه پاسخ‌ها به این شرح است؟

۱ - تبلیغات گسترده درباره نماز و توجیه فواید و ارجمندی آن.

۲ - اقامه نماز در مراکز پر رفت و آمد اجتماعی.

۳ - ایجاد انگیزه و اشتیاق در بین جوانانها به نماز به طرق مختلف.

۴ - تقویت مسائل اعتقادی جوان‌ها.

۵ - جذاب کردن محیط‌های اقامه نماز.

۶ - آشنا کردن خانواده‌ها با نماز و احکام آن، که محل رشد و نمو و شکل‌گیری جسم و روح جوان‌هاست.

۷ - سالم سازی محیط و رفع زمینه‌های گناه.

۸ - ورود تکنولوژی جدید به مساجد از قبیل ویدئو و کامپیوتر.

۹ - انتخاب مسئولان جوان و پرشور و نیز امام جماعت خوش ذوق و خوش خلق.

- ۱۰ - مراعات بهداشت، نظافت و نظم در مساجد.
- ۱۱ - ایجاد برنامه‌های متنوع در کنار نماز جماعت در مساجد.
- ۱۲ - ایجاد کلاس‌های روان‌شناسی برای ائمه جماعات به منظور فراگیری طریقه بهتر برخورد با مردم و جوانان.
- ۱۳ - تسريع در اقامه جماعات.
- ۱۴ - مراعات سه اصل:
- مکان (زیباسازی مساجد، و ساختن نمازخانه‌های شیشه‌ای در پارک‌ها که جذاب است و هم تبلیغی برای نمازخوانی).
- زمان (اقامه نمازها در اول وقت و با سرعت).
- لباس (پوشیدن لباس‌های سفید و متحددالشکل به هنگام جماعت).



۳- روش‌های تربیتی

دوران نوجوانی مرحله پرکشمکش و گاه دشواری در زندگی فرد است. در این دوره تغییرات زیادی در نوجوان ایجاد می‌شود؛ از آنجا که نوجوانی مقطعی خاص بین کودکی و جوانی است، نوجوان دوران حساسی را می‌گذراند؛ زیرا خود را با رشد سریع جسمانی، پیدایش صفات ثانوی جنسی و ادای تکلیف‌های دینی به صورتی جدی‌تر مواجه می‌بیند؛ والدین و اولیای مدرسه از آنان توقع رفتارهایی پخته و سنجیده دارند و اینکه باید خود را برای ورود به دانشگاه، بازار کار و ازدواج، مهیا سازند؛ بسیاری از انحرافات رفتاری، عقیدتی و دینی افراد از همین دوره آغاز و با افزایش سن فرد اصلاح آنها دشوارتر می‌شود.

با توجه به اهمیت دوران نوجوانی از بعد فردی و اجتماعی، لازم است در تشکیلات مساجد برنامه ریزیهای علمی و دقیقی برای نوجوانان و جوانان انجام شود. برای نیل به این هدف، این گفتار به بررسی ویژگی‌های نوجوانان و روش‌های مناسب برای جذب و تربیت آنان در مساجد پرداخته است.

دوران بحران

در یک نظر اجمالی، نوجوانی دورانی پر از تغییرات گوناگون است و مرحله‌ای انتقالی و مهم به شمار می‌رود. در این مرحله هر چه در زندگی گذشته

نوجوان (کودکی) رخ داده است، در وضع فعلی او اثر می‌گذارد و اتفاقات و تربیت این مرحله نیز در وضع زندگی آینده‌اش تأثیرات پایداری خواهد داشت.

بسیاری از بزرگسالان به فرصت‌های از دست رفته در دوران نوجوانی خویش برای ادامه تحصیل، کار، ازدواج، پیشرفت مذهبی و غیره افسوس می‌خورند.

در زمانی که نوجوان به سرعت با تغییرات جسمانی مواجه می‌شود، اجتماع از او می‌خواهد که مستقل و مسئولیت‌پذیر باشد و روابطش را با همسالان و بزرگسالان به نحوی مناسب، تنظیم کند و رفتارهایی بالغانه داشته باشد. در این دوره از نوجوانان خواسته می‌شود که دروس خود را به خوبی مطالعه کنند، از سد دانشگاه بگذرند، تکلیفهای اسلامی را انجام دهند، وارد بازار کار شوند و برخی انتظارات دیگر که تحقق آن برای نوجوانان و جوانان کار آسانی نیست. با توجه به موارد مذکور اهمیت مسجد به منزله محیطی تربیت کننده نمایان می‌شود.

میزان سازگاری و توانایی کنار آمدن نوجوانان با بحران‌ها و مشکلات این دوران متفاوت است و بستگی به عوامل زیادی دارد، چنانچه نوجوان به طور همزمان درگیر چندین مشکل یا موضوع باشد امکان بروز بحران و ناسازگاری او افزایش می‌یابد، مثلاً زمانی که نوجوان دچار تغییرات جسمانی (بلوغ) شده و مجبور به انتخاب رشته در دبیرستان است امکان بروز بحران در او بیشتر می‌شود. امل خانواده و محیط نیز نقشی مهم دارند؛ خانواده‌ای که در آن ارتباط افراد با یکدیگر مناسب و مثبت است، مدرسه‌ای که مربیان آن افرادی دلسوز و با دانش و تجربه کافی اند و جامعه‌ای که در آن برنامه ریزی امور، به نحوی مناسب اجرا می‌شود و جوانان در آن احساس امنیت می‌کنند و امکان بروز بحران را در نوجوانان و جوانان کاهش می‌دهد. همچنین درگیری کاری والدین، اختلافات آنها، مشکلات مالی، مدارس شلوغ و بسیاری موارد دیگر سبب ایجاد سردرگمی و تأخیر در ایجاد هویتی مثبت در نوجوانان می‌شود زمانی که فرد به سنین نوجوانی می‌رسد

تا حد زیادی شخصیت و ذهن او شکل گرفته است، اگر نیازهای اولیه کودک؛ میل نیاز به عشق، احترام، امنیت، مهروزی به دیگران و بازی و سرگرمی، به موقع ارضا شود دروغ نوجوانی نیز با همه تغییراتش با سادگی و آسانی و نشاط سپری خواهد شد.

استقلال طلبی

نیاز نوجوان به استقلال و اثبات وجود، همراه با این احساس که او را نمی‌فهمند، یکی از خصوصیات مهم دوران نوجوانی است؛ نوجوان می‌خواهد از ویژگی‌های دوران کودکی فاصله بگیرد و در جنبه‌های گوناگون به استقلال برسد. هرگاه والدین از این حس استقلال طلبی نگران شوند و بخواهند او را زیاده از حد تحت نظارت گیرند، درگیری ایجاد می‌شود، والدین و مریبیان نوجوانان باید این نکته مهم را مد نظر قرار دهند که جوان حق انتخاب دارد و برخی از رفتارهای او که در نظر آنها ناپسند می‌آید؛ اقتضای سن نوجوانی است؛ به علاوه اختلاف سنی بین نوجوان و والدین با مریبیان ناسازگاری را افزایش می‌دهد.

نوگرایی

همان‌گونه که ذکر شد، نوجوان مایل است خود را فردی مستقل معرفی کند ویژگی‌های دوره کودکی خود را کنار گذارد؛ برای این منظور نوجوان شروع به انتقاد از والدین و اطرافیانی می‌کند که در کودکی مورد پذیرش و احترام وی بوده‌اند در برخی موارد نوجوان معایب والدین و بزرگترها را چند برابر جلوه می‌دهد و نقاط منفی در نظر او بیشتر جلوه می‌کند؛ گاهی نوجوانی که خانواده او از دیدگاه مالی در وضع نامناسبی هستند؛ می‌کوشند این موضوع را از دوستان خود مخفی سازد و بیش از حد از آشکار شدن این موضوع نزد دوستانش خجالت می‌کشد.

همچنین اکثر نوجوانان تمایل دارند، والدین و خانواده خود را از دریچه چشم دیگران، (به ویژه دوستان)، ببینند و درباره آنها قضاوت کنند.

بسیاری از نوجوان محبتها و رسیدگی‌های والدین را مداخله و فضولی می‌دانند. موضوعی که رابطه نزدیکی با مطلب بالا دارد، جستجو و نیاز به نوشدن، نزد نوجوانان است. این امر نمایشگر نیاز نوجوان به شکستن قالب‌های موجود، فاصله گرفتن از کودکی و نیاز به فاصله‌گیری از محیط است، به عبارت دیگر، نوجوان برای تغییر ویژگی‌های قبلی خود و کسب مهارت‌ها ویژگی‌های جدید مایل به شکستن الگوهای سنتی موجود در خانواده یا اجتماع است؛ بر اثر این عامل، نیاز به نوگرایی در کلیه امور در نوجوانان به وجود می‌آید، از جمله در موارد: لباس پوشیدن، آرایش مو و صورت، استعمال اصطلاحات و کلمات مخصوص و طرز رفتار و حرکت‌های خاص، گروه همسالان نیز این وضع را تشديد می‌کند و نوجوان به پیروی از دوستانش تمایل می‌یابد و حس می‌کند که از این طریق به استقلال و هویت فردی دست یافته است.

دید اقتصادی نوجوانان در جنبه‌های فردی به خانوادگی و اجتماعی، سیاسی و غیره با توانایی آنها در تذکر عملیات صوری، ارتباط دارد. با توجه شدید نوجوان به معایب بزرگ‌سالان، نظم اجتماعی و خلق نظام‌های جانشین، بیشتر حرف است تا عمل، این پدیده ممکن است نشاندهنده رشد شناختی ناقص و ادغام نشده با جنبه‌های رفتاری نوجوان باشد. آگاهی نوجوان از تفاوت بین وضع موجود و ممکن، به سرکشی او کمک می‌کند. نوجوان همیشه موجود و ممکن را مقایسه و کشف می‌کند و غالباً تصور می‌کند از آنچه موجود است؛ چیزی کم دارد.

رشد عقلانی

تواناییهای شناختی نوجوانان، هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی در سال‌های نوجوانی، رشد بیشتری پیدا می‌کند و در فرایند عقلی نوجوانان که برای

تشريح و استدلال درباره مسائل به کار می‌رود، تغییرات مهمی به وجود می‌آید. به منظور شناخت بیشتر و ویژگی‌های شناختی دروان نوجوانی یکی از منابع غنی تحقیقات پرفسور «پیازه» است که در اینجا اشاره‌ای به یافته‌های او می‌شود:

تفکر کودکان متکی بر واقعیت ملموس، زمان حال و وضع کنونی است، ولی با رشد بیشتر، تفکر انتزاعی یا مرحلهٔ هوش عملیات صوری حاصل می‌شود. با این توانایی نوجوان این قابلیت را پیدا می‌کند که دربارهٔ گذشته، آینده مسائل ممکن و مجرد بهتر بیندیشید. به این ترتیب افکار نوجوان دیگر به آنچه می‌بیند اتفاق می‌افتد و واقعیات ملموس محدود نیست. او می‌تواند به طور منطقی و منظم به بررسی موضوعات و مسائل انتزاعی بپردازد. موضوعاتی که نوجوانان درباره آنها فکر می‌کنند و عقاید خود را براساس آنها شکل می‌دهند، طیف وسیعی از مسائل اخلاقی، مذهبی، سیاسی، علمی و غیره را شامل می‌شود. احتمالاً نوجوان درباره این موضوعات دیدگاه‌هایی دارد که از لحاظ علمی و منطقی سست می‌نماید. اما همین دیدگاه‌ها در سال‌های آینده او را به رشد شناختی بیشتری رهنمایی خواهد کرد.

خود میان‌بینی

در نوجوانی یک خودمیان بینی (خود محوری) به وجود می‌آید که مرحله‌ای گذرا در رشد شناختی نوجوان است. یکی از آثار این پدیده رفتارهای جلف و با هدف جلب توجه و خودنمایی است که در برابر جنس مخالف بیشتر دیده می‌شود. بسیاری از نوجوانان که وضع ظاهری، رفتار و کلام جلف و نسنجده‌ای دارند؛ می‌خواهند به این طریق خود را مطرح کنند و توانایی خود را با هویتی منفی نشان دهند. موضوع دیگر، احساس جلب توجه بوده است. نوجوانان احساس می‌کنند ظاهر و رفتارشان مورد توجه و بررسی دیگران است. همان طور که خودشان توجه زیادی به دیگران می‌کنند، بسیاری از خجالت‌ها، دست‌پاچگی‌ها

و غیره به علت این طرز تفکر است.

از ویژگی‌های دیگر خود میانبینی نوجوانان، احساس قدرت برای انجام دادن کارهای گوناگون و خطرناک است. نوجوان احساس می‌کند، می‌تواند بسیاری از کارها را حتی با نبودن مقدمات و توانایی انجام دهد، مثلاً دیده می‌شود نوجوانی که نمرات پایینی در درس ریاضی گرفته است؛ هدفش انتخاب رشته معماری یا مهندسی راه است. به این وسیله نوجوان برای خود طرح‌ها و برنامه‌هایی بلند پرواز تنظیم می‌کند. اغلب در نامه‌های محرمانه، در دفتر خاطرات و در گفته‌ها و آرزوهایش، آثار این طرح‌ها و برنامه‌ها دیده می‌شود. معمولاً نوعی جوشش و انرژی در فکر نوجوان وجود دارد که می‌خواهد اصلاحاتی بکند و همه چیز را تغییر دهد و از نو بسازد. البته این جنبه اصلاح‌گری همیشه جامه واقعیت نمی‌پوشد و نوجوان با ورود به ملک بزرگسالان از آنان تبعیت می‌کند. ممکن است کمال‌گرایی و انتخاب معیارهای سطح بالا، ناشی از فشار خانواده، مدرسه و محیط باشد. در این صورت ناتوانی در دستیابی این اهداف ممکن است باعث احساس قضاوت در نوجوان شود. مریبان مساجد می‌توانند در تعیین معیارها و اهداف زندگی نوجوانان، جنبه‌های اسلامی و واقع گرایی را به آنها تفهیم کنند.

ویژگی‌های مریبان تربیتی مساجد

۱ - عشق به آرمانها

از مهم‌ترین ویژگی‌های مریبان نوجوانان در مساجد و غیر آن، علاقه‌مندی به آرمان‌های اسلامی و تربیت دلسوزانه نوجوانان است؛ این عشق به اسلام و محبت به نوجوانان هنگامی که با دانش و عمل صالح مریبی، همراه باشد؛ همچون رود زلالی وجود نوجوانان را فرا می‌گیرد و آثار آن از طریق نوجوانان متوجه جامعه می‌شود. مریبان نوجوانان خود باید صالح باشند و دلسوزانه در زمینه افزایش دانش و بهبود رفتار نوجوانان، بکوشند.

۲ - دانش گستردہ

مربیان باید بتوانند از عهده پاسخ‌گویی به سؤالات نوجوانان برآیند و کنجدکاوی‌های مذهبی و علمی نوجوانان را پاسخ دهند. چنین مربیانی الگوهایی مناسب برای نوجوانان به شمار می‌روند و همراهی دانش و عمل صالح در وجود مربیان مساجد باعث جذابیت آنها برای نوجوانان می‌شود. نوجوانانی که از وجود چنین مربیانی برخوردارند، در مقابل هجوم فرهنگی غرب، مقاوم خواهند بود و خود به اصلاح جامعه نیز می‌پردازند.

۳ - جذاب بودن مربیان

بزرگسالانی که مرتبط با امور نوجوانان و جوانان هستند، اعم از والدین، معلمان و سایر افراد، هریک به نوعی در شکل‌گیری آنها دخیل‌اند. هرگاه ویژگی‌های رفتاری و خصلت‌های اخلاقی این بزرگسالان برای نوجوانان خوشایند و مطلوب باشد؛ تأثیر بیشتر در آنها می‌گذارد. مطلوب‌ترین الگوهای رفتاری برای کودکان و نوجوانان، افرادی هستند که رفتارهایشان آمیزه‌ای از محبت، عطوفت، ثبات و منطق است، به بیان دیگر محبت و دوستی با نوجوانان نیازهای عاطفی و امنیت آنها را ارضامی‌کند و ثبات و منطق موجب رشد و گسترش تفکر منطقی در نوجوانان می‌شود.

الگوهای مطلوب برای نوجوانان و جوانان از لحاظ شخصیتی، افرادی فعال مهربان و دارای دانش وسیع در زمینه‌های مختلف هستند. آنها در فراز و نشیب‌های زندگی و در شکست‌ها و پیروزی‌ها همواره به یاد خدا و با صلابت هستند. الگوهای مطلوب نوجوانان، به وعده‌های خود عمل می‌کنند و در هیچ وضعی مخاطب خود را تهدید و تحقیر نمی‌کنند بلکه برای اصلاح رفتارهای نامناسب نوجوانان، از روش‌های روان شناختی استفاده می‌کنند.

۴ - حفظ اعتدال در آموزش‌های مذهبی

پیامبر و امامان ما، که بزرگترین مریبان بشر بودند؛ همیشه روحیه‌ای منعطف و معتل داشتند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمود:

«ادعو الناس و بشر و يسّروا ولا تعسّروا».

«باید استعدادها و ظرفیت افراد را شناخت و طبق آن مردم را به راه حق فرا خواند، زیرا ظرفیت و میزان رشد مذهبی افراد گوناگون است».

آن حضرت در مقام آموزش و هدایت افراد می‌فرماید: «در مرحله هدایت، میانه روی را پیش گیرید، «این موضوع را سه مرتبه تکرار کرد و سپس فرمود: هر کس در مقام آموزش و ارشاد راه تند و سخت را در پیش گیرد، دین را مغلوب کرده و ضربه زده است». همه نوجوانان و جوانان در محیط و خانواده مذهبی تربیت نشده‌اند بلکه دارای روحیات و علاقه‌های مذهبی متفاوتی هستند. مریبی با تجربه کسی است که با هر فرد مطابق تفاوت‌های فردی وی برخورد می‌کند.

توصیه‌هایی برای رفتار با نوجوانان و جوانان در مساجد

۱ - نوجوانان و جوانان به دلیل ویژگی‌های روانی دوران بلوغ، کنجدکاوی و شوق وافری برای شناخت خود و جهان و نظامهای اعتقادی گوناگون دارند. اگر مریبان دلسوز اطلاعات صحیحی در اختیار آنها نگذارند، ممکن است مطالب غلط و گمراه کننده، آنان را تحت تأثیر قرار دهد. سهل‌انگاری والدین و مریبان در زمان آموزش‌های مناسب می‌تواند باعث شکل‌گیری نگرش‌های غلط و عادات ناپسند در نوجوانان شود. یکی از مکان‌های مناسب برای آموزش و راهنمایی نوجوانان و جوانان کانون‌های بسیج و کانون‌های فرهنگی مستقر در مساجد است. در این کانون‌ها لازم است از مشاوران و روان‌شناسان بهره‌گیری شود.

۲ - در محیط مساجد آموزش‌های گوناگون مناسب با ویژگی‌های نوجوانان عرضه شود.

۳ - روحانیون مساجد و مسئولان دفاتر فرهنگی مساجد باید بین مراعات دستورها و نظم از یک سو، و عملکرد خود انگیخته و داوطلبانه نوجوان تعادلی بوجود آورند. نوجوانان و جوانان باید در طرح برنامه‌های مربوط به خود در مساجد نقش فعال ایفا و با هیئت امنا رابطه‌ای صمیمانه و نزدیک برقرار کنند. با تأسف در برخی مساجد شاهد فاصله و اختلاف بین هیئت امنا و جوانان مساجد هستیم.

۴ - مورد تأیید قرارگرفتن و مسئولیت داشتن نوجوانان و جوانان. زیرا نوجوانان و جوانان در سنینی هستند که احتیاج به روابط اجتماعی و فعالیت‌های گروهی با همسالان دارند.

در مساجد هر نوجوان می‌تواند با توجه به علاقه و توانایی‌هایی که دارد اجرای کاری را عهده دار شود. آنها می‌توانند با همسالان خود رابطه مناسبی برقرار کنند و مسئولیت‌های متناسبی به عهده گیرند. این تمرينی برای پذیرش بین آنها در مساجد است.

۵ - فعالیت‌های مساجد شامل جنبه‌های متنوع فعالیت‌های علمی، دینی، تفریحی، هنری و ورزشی است. یکنواختی موجب خستگی نوجوانان می‌شود. ولی فعالیت‌های متنوع مکمل یکدیگرند.

۴- موانع جذب جوانان به مساجد

الف) درونی

۱- خانواده

خانواده نهادی است که پایه سعادت یا شقاوت انسان در آن پی ریزی شده و از آن نشأت گرفته است؛ خوشبختی یا بدبختی آینده و سرنوشت افتخارآمیز یا نکبت در خانواده رقم می خورد؛ به همین سبب بخشی از عوامل و موانع جذب جوانان به مساجد، ریشه در کانون خانواده دارد که از جمله موانع جذب جوانان به مساجد، می توان این موارد را نام برد:

الف) والدینی که خود به ظاهر مسلمان‌اند ولی عمل‌اً پاییند به احکام و تکلیف‌های دین نیستند و در عمل بی‌اعتنای هستند این والدین با مراکز مذهبی و برنامه‌های دینی و مساجد بیگانه‌اند و قهرآ فرزندانشان هم برابر عملکرد و سیره آنها مشی می‌کنند و نوعاً شخصیت فرزندان چنین خانواده‌هایی جدای از دین شکل می‌گیرد.

ب) معاشرت‌ها و مهمنی‌های خانوادگی و خویشاوندی و دوستان، اختلاط‌های نامشروع و ضد اخلاق، بی‌بند و باری و مراعات نکردن ضوابط و حدود شرعی در معاشرت‌هایی که زمینه‌ساز فساد و آلودگی است. نوجوان و جوان در سنی است که آزادی مطلق و لذت‌گرایی و بی‌بند و باری و ارضای غراییز،

موافق با طبع اولیه و طبیعت اوست و چون دین و مراعات اصول اخلاقی او را محدود و مقید می‌کند با طبع اولیه او سازگار نیست، پس قهراً تمایلی به ورود به مسجد یا هر مرکز دینی از خود نشان نمی‌دهد و این‌گونه معاشرت‌ها در چنان خانواده‌هایی با نتایج تخریبی که در پی دارد، راهنمایی‌ها و تلاش‌های عوامل سازنده بیرونی را هم خشی و بی‌اثر می‌کند.

ج) بی‌توجهی و حساسیت نداشتن والدین مسلمان و متدين درخصوص تربیت دینی و تکلیف‌های الهی فرزندان. که نه تنها از همان سنین پایین بچه‌ها را به انجام دادن فرایض و حدود الهی عادت نمی‌دهند و تشویق نمی‌کنند، چنانچه فرزندان نیز از دیگران یا جاهای دیگر اثر پذیرفته باشند و در امر دین اهتمام ورزند، والدین از بی‌توجهی یا بهبهانه اینکه آن برایشان زود است و یا اکنون برآنها واجب نیست، فی المثل: با نماز، روزه، حجاب و غیره فرزندان، مخالفت می‌کنند.

همین بی‌توجهی والدین در سنین پایین فرزندان و بی‌توجهی خانواده در پیوند دادن فرزندان خود به مسجد، و مأнос کردن با بچه‌های مسجد و انجام ندادن تکلیف‌های دینی از آغاز، سبب می‌شود که این فرزندان در سنین بالا با مساجد و مسائل دینی بیگانه شوند، یا اگر تمایلی در آنها پدید آید، عملاً برای آنها سخت است که با مسجد انس گیرند و به تقیّدات دینی پاییند باشند این‌گونه افراد فکر می‌کنند در صورت تمسّک به مسائل دینی، در میان دوستانشان خجل خواهند شد.

د) اختلاف والدینی که خود را متدين و پاییند به قیود مذهبی و احکام دین می‌دانند، ولی در محیط خانه، گاه نزد بچه‌ها دعوا و مشاجره و توهین و غیره به یکدیگر روا می‌دارند، پدر و مادر برخی احکام دین را بر سر هم چماق می‌کنند و نتیجه این‌گونه برخوردات منفی و نامناسب، علاوه بر آثار سوء‌عديده در روح و روان و اعصاب بچه‌ها، بدبینی و تنفر از مراکز دینی، از جمله مسجد را، در پی خواهد داشت.

ه) زمینه‌سازی نکردن به منظور ایجاد آمادگی و پذیرش در نوجوان و جوان

که گاه ممکن است جاذبه برنامه‌های تلویزیون یا بازی فوتbal و یا غیره، بیش از نماز اول وقت یا ورود به مسجد برای استفاده از برنامه‌های آن باشد.

و) تحمیل‌ها در ادای تکالیف‌های دینی بی‌آنکه فرزندان توجیه شوند، آن هم بدون در نظر گرفتن استطاعت و ظرفیت جسمی و روانی یا حال و نشاط و وقت کافی آنها و سوء استفاده از حیا و رودربایستی‌ها در آن تحمیل‌ها.

برای نمونه یک نویسنده ضد مذهب مسیحی علت بیزاری و تنفر خود را از مذهب مسیحیت و کلیسا همین تحمیل‌های نامعقول و غیر منطقی ذکر می‌کند.

ز) وجود تناقض در رفتار و کردار والدین که الگوی فرزندانشان هستند.

ح) ممانعت از ورود فرزندان به مسجد و تبلیغ سوء علیه روحانیون و دین و ایجاد حس بدینی و القای باورهای غلط به جوانان و نوجوانان و دلسوز کردن آنها از حضور در مساجد و غیره.

۲- محیط‌های آموزشی

الف) ناهماهنگی تربیتی بین خانه و مدرسه.

ب) تضاد در متن برنامه‌ها و ناهماهنگی در نظام آموزشی و محتویات کتب درسی و آنچه در کلاس‌ها مطرح می‌شود.

ج) نبودن امکان لازم و مناسب مانند کتاب، نمازخانه مناسب، نماز جماعت، جلسات دینی و فوق برنامه‌های جذاب و مفید و اقناع کننده با کمبود حضور مبلغان لایق و آگا به مناسبت‌های مختلف در محیط‌های آموزشی، جلسات پرسش و پاسخ و غیره.

د) منحصر بودن فعالیت‌ها و آموزش‌های دینی به معلمان و مریبان دینی با گروه معارف دانشگاه‌ها.

ه) ناتوانی علمی یا بی‌حصولگی یا آشنا نبودن با شیوه‌های صحیح آموزشی

و هنر معلمی برخی معلمان و مربيان و استادان در محیط‌های آموزشی به ویژه در آموزش‌های دینی و پاسخ‌گو نبودن به نیازهای فکری و فرهنگی و فطرت حقیقت‌جویی، پی‌جویی و کنجکاوی نوجوانان و جوانان که بتدریج حالت دین زدگی در دانش آموزان و دانشجویان پدید می‌آورد.

از آن طرف جوانان ما اگر با وجود خلا فکری و مذهبی با متولیان مکتب و بینش مواجه شوند که به گونه‌ای جذاب با برخوردهای زیبا و عاطفی و... نیاز او را به صورت دیگری پاسخ دهنده طبیعی است که جذب دیگران خواهد شد.

و) القای ناهماهنگی دین و علم و اصرار بر متضاد بودن آن دو از جانب برخی آموزگاران و استادان بی‌تعهد.

ز) بدآموزی، مغلطه‌کاری، تبلیغات سوء و تلقینات ناصواب.

۳- جامعه

الف) دوستان ناباب و معاشران ناصالح.

ب) آلوده بودن جو عمومی حاکم بر جامعه و محیط نامن فکری و فرهنگی برای جوانان.

ج) فشار و تحصیل کاری نامعقول و توجیه نشدنی.

د) سوء عملکرد دستگاه‌های اجرایی و نیروهای انتظامی در برخی از برخوردها با افراد خاطی و مسئله دار.

ه) تناقض در گفتار و رفتار برخی مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی.

و) آزادی‌های بی‌حد و حصر و سوء استفاده فرصت طلبان و مسامحه مسئولان در نظارت و برخورد قانونی با مسائل.

ز) کمنگ شدن تدریجی معنویت در جامعه و گرایش شدید به مادیات، حتی در میان مسئولان و کارگزاران، ارزش بودن مادیات و بی‌توجهی به معنویات که

این بیماری با تأسف در ازدواج و انتخاب شغل و موقعیت‌های اجتماعی، به نحو بارزی نمایان می‌شود و هیچ‌گاه به معنویات توجّهی نمی‌شود.

ن) جشن‌های عروسی در منازل و تالارها که گاه در خیابان‌های شهر هم به شکل زنده‌ای مشاهده می‌شود.

ح) بی‌ضابطگی و نظارت نکردن جدی بر ورود ارمغان غرب: لباس‌های نامناسب و نوارهای ویدئویی ضد اخلاق و فضیلت، مجلاتی با عکس‌های مستهجن، مسافرت به کشورهای خارجی به ویژه غرب و تأثیرپذیری از آن و گشت‌های سیاحتی و رفت و آمدها.

ط) صفت‌بندی‌های اجتماعی و احزاب سیاسی، گروه‌های انحرافی مانند تکنو، متالیکا و غیره که هر یک مردم و تفکر و برنامه ضد اخلاقی خاصی دارند و دام و تله‌ای برای شکار نوجوانان و جوانان معصوم بی‌خبر هستند. هدف این گروه‌ها به انحراف و فساد کشاندن آنان است.

این‌ها آزادانه در جامعه فعالیت می‌کنند و سبب خودآزاری و سادیسم و مزاحمت و جنون و رشد فساد و برهم زدن امنیت جامعه و منکوب ساختن حیثیت اجتماعی و عفت عمومی می‌شوند و با تأسف مسئولان امر نیز از آنها جلوگیری نمی‌کنند.

اگر کسانی هم به لحاظ احساس مسئولیت، واکنش نشان می‌دهند و با آن‌ها برخورد کنند، در محاکم قضایی نه تنها با آنها برخورد قانونی معقول و جدی نمی‌شود و محکوم نمی‌گردند، بلکه آمر به معروف و ناهی از منکر، خود دچار مشکل می‌شود که جداً جای تأسف است که گاه آن چنان بی‌اعتنای ساکت و غافلیم، چه دولت و چه مردم حزب الله متدين، که انگار افراد منحط و فاسد و مخالف در کشور وجود ندارند، ما ناخواسته در عمل آنها را تأیید و عملکردشان را نادیده می‌گیریم و باعث می‌شویم تا جوانانها به دام آنها گرفتار آیند، چگونه می‌توان انتظار داشت جوان بی‌تجربه در سنی که تمایلات و گرایش‌ها و خواسته‌ها،

به شدت در باطن او وجود دارد، پاک و سالم بماند و به فضیلت‌ها رو کند و در مسجد معتکف و در آنجا پرورده شود؛ حال آنکه در کوچه‌ها و خیابان‌ها به هر سو می‌نگرد، شاهد صحنه‌ها و مظاهری است که به هیچ وجه درخور نظام و شئون اسلامی نیست.

۴ - خود فرد

(الف) از جمله موانع جذب جوانان به مسجد و گریز از مراکز دینی و از مهمترین ادله بی علاقگی به امور مذهبی یا تنفر از دین و گرایش به پوچی و انحراف در جوانان، فقدان جهان‌بینی مطلوب و نداشتن بینش صحیح است، اگر باورها در انسان منفی، سراب‌گونه و غلط باشد، طبیعی است که اعمال و کردار مبتنی بر آن باورها، صحیح و متكامل و سعادت آفرین نخواهد بود، چون از حرکات، سکنات، کردار، کنش‌های رفتاری و جلوه‌های عملی فرد که نمودی از باورهای درونی اوست و حتی از طرز لباس پوشیدن، سخن گفتن، ژست گرفتن و استخدام کردن واژه‌ها در محاورات روزمره فرد می‌توان به سهولت به عقاید و باورهای او پی برد؛ مثلاً کسی که خدا و قیامت را باور داشته و در حقیقت انسانی وارسته و مؤمن است، ایمان و باورهای دینی و مذهبی خود، حتی در ظاهر اعمال، رفتار، حرکات، سکنات، نگاه و برخورد و مراوده و معاشرت‌های او اثر می‌گذارد؛ فی‌المثل از پوشش نامناسب و حضور در مجامع یا از ورود به مواضع اتهام و موارد احتمال لغزش و گناه پرهیز و خودداری می‌کند؛ چرا که آنها را با شخصیت خود سازگار نمی‌بیند و تناسبی بین خود و آن نحو پوشیدن یا ورود در مکانهای نامناسب و آلوده، احساس نمی‌کند. چه بسا ممکن است از لحاظ احساسات فردی و گرایش ذاتی و زیبایی گرایی، با آنکه به زیبایی می‌اندیشد و خودنمایی و زیبایی را دوست دارد، از وسائل زیستی و آرایش زننده و تبرّج صرف نظر و از پوشش نامناسب و دون شان خود و مدگرایی پرهیز نماید.

و یا بالعکس شخصی به دلیل مدگرایی و تقلید، از چیزی که مناسب شخصیت او نیست و براساس همان باورهای غلط درونی اوست به گونه‌ای نامناسب لباس بپوشد و در کوچه و خیابان ظاهر شود و با زبان پوشش و لباس باورهای غلط خود را به رخ دیگران بکشد و فخر و خودنمایی کند، زیرا آنچه برای او مهم است، مدگرایی بر اساس بینش و اندیشه‌های غلط است.

فرض کنید خانمی که مانتوی بلند و مناسب می‌پوشد ولی نه برای مراعات حجاب و حفظ گوهر عفاف یا مردی که صورت خود را با تیغ نمی‌تراشد و ریش می‌گذارد ولی نه به جهات شرعی و مانند آن، بنابراین عقاید و باورهای درونی فرد، او را تعديل و کنترل یا افسار گسیخته و بی‌بند و بار می‌سازد. این است که می‌گوییم باورهای صحیح و بینش مطابق با حقیقت می‌تواند جوان را در مسیر هدایت و تکامل قرار دهد و همان باورهای صحیح و حق، پلیس و محافظ درونی مطمئن برای او باشد و او را صیانت کند.

ب) شکست‌ها و سرخورده‌گی‌ها و کمبودها و عقده‌های روانی.

ج) اثرپذیری از تبلیغات سوء‌علیه اسلام و روحانیون.

د) برداشت غلط از دین و نداشتن بنیان و مایه علمی لازم (علم دین) و شناخت ناقص و غیراصولی از مذهب و فلسفه دین.

ه) نداشتن معرفت لازم (ولو به اجمال) به فلسفه و رموز احکام دین و دستورهای الهی؛ شخص با دید سطحی و اندیشه ابتدایی تصوّر می‌کند دستورهای دینی اعمق پوچ و بی‌فایده است پس نباید به آنها عمل کرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

«النّاسُ اعْدَاءُ مَا جَهَلُوا».

با تأسف از این لحاظ نیز اندیشمندان آگاه و نویسنده‌گان و محققان آثار مدون چندانی ارائه نکرده‌اند که بتواند پاسخ‌گوی نفس نقاد و ذهن پویای نسل جوان تشنگ

و تحصیل کرده جستجوگر باشد.

بی اطلاعی از مفاهیم ارزشی اسلام و روی آوردن به توهمنات و تخیلات و رمان و مجلات و جراید ورزشی و قهرمان پرستی و حقیقت‌گریز و خواندن داستان‌های افسانه‌ای و فرار از مسئولیت و پرکردن اوقات فراغت با آنها و خلاء فکری و کمبودهای روانی جوان را به ورطه فساد اخلاقی می‌کشاند که عاقبت او را با مسجد و آثار حسن آن و ارزش‌ها انسانی بیگانه می‌شد و از او موجودی غیرآنچه در فلسفه آفرینش مطرح شده و مدنظر بوده بار می‌آورد.

۵ - مسجد

و اما موانع جذب جوانان به مساجد که از خود مسجد ناشی می‌شود عبارت است از:

۱ - متنوع نبودن برنامه‌های مساجد که اغلب یکنواخت، کسالت آور و خسته کننده است و ناآشنا بودن گردانندگان آن با شیوه‌های جذب جوانان و فنون تبلیغ در مقابل متنوع و جذاب بودن برنامه‌های بیرون نظیر باشگاه‌های ورزشی، ویدئو، ماهواره و غیره؛ باید اذعان داشت که:

۲ - منطبق نبودن برنامه‌های مساجد با نیازهای فکری و فرهنگی جوانان و مناسب نبودن وضع زمان و مسائل روز

۳ - تکراری بودن حرفها و سخنان روحانیان در موضوعاتی خاص که جوان احساس می‌کند اگر در مسجد حضور یابد بهره‌ای نخواهد برد.

۴ - طرح نکردن مسائل جوانان و حل مشکلات آنان.

۵ - عدم ارائه برنامه‌های مناسب و مطرح نکردن دو عامل مهم:

الف) آثار و فواید مسجد و برکات آن و ویژگی‌های فرد اهل مسجد.

ب) آثار سوء و پیامدهای منفی گریز از مساجد و دوری از آن و خصوصیات

فرد بیگانه با مساجد.

۶- اختصاصی شدن تدریجی برخی مساجد تنها برای قشر پیران و احساس غربت و حقارت برای جوان، که اینجا دیگر جای او نیست.

۷- گاه موضع حضور جوانان در مساجد، فصلی و مقطعی است؛ نظیر همزمان بودن ایام ماه مبارک رمضان با محرم و غیره با اوقات امتحانات و پایان ترم دانشگاهها، که باید مسئولان آموزش و پرورش تمهداتی به کار گرفته و چاره‌ای پیشنهاد نداشتند.

۸- طولانی بودن نماز جماعت و سخنرانی، و به تأخیر انداختن کارهای واجب.

۹- برپایی فعالیت‌های فرهنگی مساجد در ایام خاصی از سال، نظیر ماه مبارک رمضان یا ماه محرم با روزهای عید یا وفات امامان معصوم علیهم السلام و مجالس ختم؛ که برای جوانان عادت همیشگی نمی‌شود.

۱۰- محل درآمد بودن مسجد برای بعضی از روحانیان که سال‌ها امام جماعت مسجد خاصی بوده‌اند و حرف جدیدی برای گفتن ندارند و زحمت تحقیق و مطالعه و بیان مطالب جدید به خود نمی‌دهند.

۱۱- وضع نامناسب لباس و شکل ظاهری امام جماعت یا مبلغ اسلامی که از لحاظ روانی خود شایند جوانان نیست و ایجاد تنفر می‌کند.

«دلیل کارنگی» در کتاب «آئین سخنرانی» از جمله زمینه‌های مهم همین آراستگی ظاهر را ذکر می‌کند.

چه اینکه سیره نبی اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم، امامان معصوم علیهم السلام و علمای بزر وارسته، علاوه بر پیراستگی باطن، مراعات نظافت و آراستگی قیافه و ظاهر نیز بوده است.

۱۲- وجود تناقض در گفتار و کردار و اعظام دین است که در محراب و بالای منبر یک طور و در خلوت طور دیگر عمل می‌کنند.

۱۴ - مشاهد ضعف‌ها در وابستگان درجه اوّل امام جماعت (همسر و فرزندان و مادر و پدر) و افراد تحت تکفل او؛ «و اندر عشيرتك الاقررين».

۱۵ - وجود هیئت امنا و خادمان تن و خشن و بداخل‌الاوقاف و مستبد در مسجد که دافعه قوى دارند.

اعمال روش‌های خشک و مستبدانه در آموزش‌های مذهبی و به کارگیری شیوه‌های غلط تعلیمی و درخواست اطاعت کورکورانه و بی قید و شرط که موجب بی علاقگی و دلسردی از دین و مراکز دینی می‌شود.

۱۷ - مراعات نکردن عفت کلام و بکارگیری واژه‌ها و کلمات نامناسب و سوء تفاهم برانگیز و دون شأن مبلغ اسلام، در سخنرانی‌ها و مراعات نکردن ادب در گفتار و نگاه و نداشتن برخورد زیبا از لحاظ روانی در جذب مخاطب بسیار مؤثر است.

۱۸ - وجود افسانه و اساطیر و موهومات و خرافات و شباهات و تحریفات به اسم مذهب در تبلیغات که سبب بدناهی و کاستن جاذبه دین در اذهان می‌شود.

۱۹ - کج فهمی در دین و تبلیغات ناقص و بد معرفی کردن دین به مردم و بدآموزی و افراط.

۲۰ - ناآشنايی با روان‌شناسی تبلیغات، موقع نشناسي، نداشتن حسن انتخاب و کج سلیقگی در طرح مطالب در برخورد؛ مردم

۲۱ - وجود امامان جماعت در مساجد که صلاحیت علمی و توان تبلیغی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی لازم را ندارند و کسانی که خوشنام و خوش سابقه نیستند و تبلیغ و امامت‌شان به دل نمی‌نشینند.

۲۲ - تشخیص ندادن درد و نداشتن درک صحیح از روان‌شناسی دوره جوانی و بیگانه بودن با دنیای جوانان و ندانستن زبان آنها و ناتوانی در طرح ارزش‌ها و مجاب ساختن آنان و متقادع کردن و پاسخگو بودن به سؤالات آنان، رمز موفقیت

استاد «شهید مطهری» در بیان و بنان و نفوذ در میان قشر جوان و تحصیل کرده، همین دردشناسی و آشنا بودن با نیاز و زبان مخاطبان خود بود.

۲۳ - القای ترک لذت و بهره نبردن از موهب و نعمت‌های الهی و پرهیز از شیک‌پوشی و آراستگی به اسم دین و تلقین اینکه دین‌دار واقعی نباید بخندد، لذت ببرد و شیک بپوشد.

ب) بیرونی

اما آنچه به عنوان موانع مشترک جذب جوانان به مساجد، در خانه و مدرسه اجتماع است که در خور توجه و جای تأمل و تعمق و بازنگری است، وجود دوگانگی و تنافض در گفتار و اعمال است.

یعنی اینکه نوجوان و جوان در معاشرت و مصاحبت با اعضای خانواده، به ویژه والدین و در محیط‌های آموزشی به ویژه با رفتار کسانی که مسئولیت دینی و پرورشی او را به عهده دارند، و با ورود به اجتماع ارتباط با مردم در جامعه و مظاهر و موقعیت‌های گوناگون آن و مخصوصاً در مساجد و مراکز دینی نباید شاهد اعمال و رفتاری باشد که مغایر با تعالیم اخلاقی و دینی است و با عقاید و آموخته‌های اسلامی او منافات دارد، زیرا جوان با دقت آنان را زیر نظر داشته و رفتار آنها را سرمشق و راهنمای خویش قرار می‌دهد، آنگاه اگر بینند رفتار پیروان دین به ویژه بانیان مذهب و ایدئولوگی‌های اسلامی با نقش و روش و سلوک اسلامی و ارزش‌های دینی کمتر ارتباط دارد بتدریج به مسائل اخلاقی و مقدمات مذهبی و مراکز دینی و حضور در مسجد دلسرب و بی‌اعتنایی شود و اگر در خانه هم که او تأثیرپذیرتر است شاهد نوعی هماهنگی با اجتماع باشد و در مدرسه و مسجد هم دو گانگی در رفتار وجود داشته باشد، طبیعی است که آثار تربیت دینی در نوجوان و جوان بتدریج از بین می‌رود و یا وقتی در جایی شاهد رهنمود خاصی است که با دیگر محیط‌ها و موقعیت‌ها متنافق بوده و در تضاد است (چهار نوع تربیت

متفاوت و معارض هم که به جنگ یکدیگر برمی خیزند)، انصاف بدھید در این بین متھیر و سرگردان باشد که حق با کیست و کدام یک از آنها؛ حقیقت منطبق است، چه بسا دیری نپایید که به همه پشت پا زند و به لائیکی و پوچگرانی (نهلیسم) گراید زیرا در کشمکش این همه اندیشه‌ها و مظاهر مختلف اجتماعی عاقبت گمشده خود را نمی‌یابد و راهی که رفتني است و باید برود، بر او نهان و بر سر چند راهی سرگردان می‌ماند و وقتی به اطراف خود می‌نگرد، کسانی مثل خود را می‌بیند که بی‌علاقه به دین یا متفرق از تقيیدات دینی و مقدسات مذهبی اند؛ آنگاه با حالت تردید به مسائل می‌نگرند، زیرا آنان نیز مثل او، فرصت مطالعه و بررسی نیافته‌اند یا قدرت تحلیل و انتخاب صحیح ندارند و یا بی‌اعتنای به زندگی نازل حیوانی، سرگردان و جز خور و خواب و لذات مادی و غیره، غمی ندارند.

این است که اگر الگوها (اعم از والدین، معلمان، مریبان، استادان، امامان جمعه و جماعت، مبلغان اسلامی و علماء و امراء نظام اسلامی، چهار دوگانگی در گفتار و کردار باشند و اعمال آنها گفته هایشان را تصدیق نکند.



۵ - مسجد و تعلیم و تربیت

چنانچه اشتغال علمای دین نیز به امور دنیوی و غیره، تحت لوای دین باشد و دین وسیله‌ای برای رسیدن به اغراض دنیوی و مطامع مادی و حظام ناچیز دنیا یا اشغال پست‌ها و رسیدن به قدرت و حکومت باشد، معلوم است که ضایعه و آثار سوء تحریبی به ویژه بر روی نسل جوان تا چه حد خواهد بود.

به لحاظ همین ضعفهای است که در بسیاری از خانواده‌ها یا مراکز آموزشی و علمی و دینی وقتی کودکان یا نوجوانان به سن بلوغ و جوانی می‌رسند و مراحلی از تحصیلات را پشت سر می‌گذارند، بتدریج دچار طغیان شده و عاصی می‌شوند و به آداب و سنت دینی پشت پا می‌زنند و بی‌اعتنایی می‌کنند و در نهایت پوچگران و هر هری مذهب و متفرق از دین و از خود بیگانه می‌شوند؛ که ریشه آن همین دوگانگی و تناقضات در کردار و گفتار است و از همین خلاف واقع گویی‌ها سرچشمه می‌گیرد.

«دکتر فارتی» جامعه شناس و استاد دانشگاه کالیفرنیا، در این باب می‌گوید: در جوامع غربی، هیبی‌های نوجوان، عاصی و سرکش نیستند، بلکه افرادی هستند که احساس می‌کنند جامعه به آنان دروغ گفته است، لذا آنها خود را فریب خورده از بزرگسالان می‌دانند.

اگر توحید عملی و فضیلت‌ها و ارزش‌های الهی و کرامت‌های اخلاقی در

آینه رفتار آنها متجلی نباشد، سبب بدینی نسل نوجوان و جوان به آنها و معتقدات آنان می‌شود، زیرا گویاترین زبان زرین مقام ارشاد و تبلیغ و هدایت، زبان عمل است و نه کلام البته واضح است که:

«دو صد گفته چونیم کردار نیست».

«به عمل کار برآید به سخنرانی (سخنداشی) نیست».

استاد عالیقدار آیة‌الله جوادی آملی می‌فرمایند:

«تریت قبل از آنکه یک تئوری علمی باشد، یک روش کاملاً عملی است».

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند:

«كونوا دعاۃ النّاس بغير المستكם».

در همین زمینه امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرموده‌اند:

«منْ نَصَبْ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلَيَدْعُ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ».

به همین سبب آمر به معروف باید خود ابتدا مئتمر و ناهی از منکر باید اول خود منتهی از آن باشد تا بتواند به این دو فریضه عمل کند. و الا مشمول آیه ذیل خواهد بود:

﴿لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾.

اگر اعمال زعمای دینی و علمای مرشد و عادی جامعه، برخلاف گفته‌های آنها باشد و در رفتار جامعه و عملکرد مسئولان نظام اسلامی با آنچه در تعالیم دینی است، تفاوتی مشاهده شود، آداب و تشریفات مذهبی، صرفاً ظاهر و نمایش و تصنیعی است، یا صرفاً برای امرا معاش و تحصیل مال و کسب درآمد.

کارکردهای آموزشی مساجد

در این مبحث، کیفیت کارکاردهای آموزش در مساجد مورد بحث قرار می‌گیرد؛ که عبارت اند از: مسجد نهادی، آموزشی، مسجد و مدرسه، ویژگی‌های آموزش مذهبی در مساجد، مسجد و آموزش‌های اصلاح گرایان ظهور مدارس جدید و وضعیت منتج به آن.

همچنین به لحاظ موضوع، علاوه بر سیر تاریخی آموزش‌هایی که در مساجد و در جوامع مختلف اسلامی عرضه می‌شود، مسائل اجتماعی و سیاسی همراه با تحولاتی که در موارد و سطح آموزش‌های دینی در مساجد صورت گرفته است، بررسی شده است.

۱ - مسجد، نهادی آموزشی

مسجد علاوه بر محل نیایش، ذکر، وعظ و خطابه و تجمع مؤمنان در ساعاتی خاص، از آغاز؛ محل ابلاغ احکام، دستورها و آموزه‌های دینی و کاربرد آنها در زندگی روزمره بوده است؛ مسلمانان هیچ‌گاه نافی تلاش عقلی برای فهم تجربه و باورهای دینی نبوده‌اند، از این رو مبنای آموزش و پرورش دینی را منکر نبودند بلکه تلاش می‌کردند که با کمک عقل با یکدیگر و پیروان دیگر ادیان ارتباط برقرار کنند در برخی از فرق و نحله‌های اسلامی این تلاش، پر رنگ‌تر و در برخی نحله‌ها کمرنگ‌تر است، اما هیچ نحله‌ای خود را در یک قفس نفوذناپذیر زندانی نکرده و از گفتگو با دیگران سرباز نزده است؛ خود پیامبر ﷺ در مسجد مدینه به تعلیم دین به اصحاب می‌پرداخت و به پرسش‌های آنان پاسخ می‌گفت؛ در تاریخ اسلامی نیز مطالعات متتنوع و متکثر دینی نشانگر اعتقاد به فهم‌پذیری و قابلیت انتقال فهم‌ها در حوزه‌های گوناگون دینی است.

در مساجد بسیاری که در شبه جزیره عربستان و سپس در مناطق مفتوح

ساخته می‌شدند، یادگیری و درک آموزه‌ها عمدتاً در چارچوب دعوت اسلامی و تبلیغ مطرح می‌شد، اما کسانی که با جدیت بیشتری به این موضوع می‌پرداختند سعی می‌کردند پایه‌ای علمی برای آنها ایجاد کرده، دانش‌هایی را تأسیس کنند.

دانش‌های تفسیر یا حدیث‌شناسی از دل این تلاش‌ها بیرون آمد؛ مسلمانان کمتر به ذکر صرف آیات قرآن یا اقوال اولیا اکتفا می‌کردند بلکه به توضیح آنها از جهات گوناگون می‌پرداختن و همین تبیین و توضیح به شکل‌گیری دانش‌هایی مثل «رجال»، «درایه» و انواع علوم قرآنی منجر شد.

در آغاز در جلساتی که در مساجد تشکیل می‌شد افراد (بالاخص کودکان) به حفظ آیات و احادیث تشویق می‌شدند (تا این متون در سینه‌ها بماند و از گزند روزگار حفظ شود) اما اندک اندک کارآموزش فراتر از به حافظه سپردن، کشیده شد و مناسب با نیزه‌ای آموزشی، هم دانش مربوط بسط یافت و هم محل مربوط به آن بوجود آمد؛ مکتب‌های آموزش قرآن و مدارس علوم و معارف دینی از دل این توسعه بیرون آمد و عمدتاً در کنار مساجد تأسیس شد، در برخی مناطق این مدرس و مکتب‌خانه‌ها در دل مساجد تشکیل می‌شدند و زبان متون و نصوص (عربی) در جوامع عجم مانعی بر سر کار آموزش متون ایجاد نمی‌کرد.

تا پیش از شکل‌گیری مؤسسات و مراکز تحقیقاتی دینی در دنیای جدید که عمدتاً به دانشگاه‌ها و نهادهای دولتی وابسته‌اند، کار تحقیق و مطالعه در خصوص باورها، رفتارها و متون دینی، در مساجد انجام می‌شد. پایه این مطالعات و مباحث، گفتگوها و مناظراتی بود که عمدتاً در مسجد صورت می‌گرفت، در قرون رونق تمدن اسلامی، این گفتگوها در عرصه‌های گوناگون اندیشه جریان داشت و کمتر پیش می‌آمد که گروهی انسزا طلبیده و محلی غیر از مسجد راستاد فعالیت‌های خویش قرار دهند، مسجد در تمدن اسلامی جایی برای بررسی وجوده دینی امور بوده است، جایی که مردم در آن می‌توانستند حقایق، هنجارها و قواعد دینی را جستجو کنند و به معنایی کلی‌تر مورد هدایت دینی قرار گیرند.

در قرون اولیه هجری این امر، کم کم به یک سنت تبدیل شد هر کسی اطلاعاتی در باره دین داشت و چنین اعتبار و منزلتی می‌یافت، می‌توانست دانش خود را به مخاطبان در مسجد انتقال دهد.^(۱) بخشی از این آموزش به صورت شفاهی صورت می‌گرفت و به این ترتیب مباحث دینی به دیگران انتقال می‌یافت تا آنها را سینه به سینه به دیگران انتقال دهند، اما اندک اندک (متن) نیز پا به میدان گذاشت. نخست آیات قرآن و حدیث و سپس توضیحات و تفاسیر و پس از آن آثار مستقل در معارف گوناگون دینی، مبنای بحث و درس در مساجد قرار گرفت.

بنابراین، مساجد از آغاز شکل‌گیری اسلام به صورت مرآکزی برای آموزش دینی عمل کرده‌اند، این آموزش، هم نقش تعلیمی (انتقال آگاهی‌ها و اطلاعات) و هم نقش تربیتی (ساختن شخصیت اخلاقی و اجتماعی فرد برای ورود به جامعه) داشت این آموزش، هر چند با روشهای خاص مکانیکی و عقلانی، مفهوم تعلق به جامعه را ایجاد می‌کرد و حقایقی که انتقال می‌داد موجب نوعی کسب هویت می‌شد اماً به این وسیله افراد مسلمان از دیگران شناخته می‌شدند و اعتقادات و احکام انتقال یافته موجب تشخّص آنها می‌شد.

مسلمانان در قرن‌های اولیه اسلامی به ارتباط وثیقی میان آنچه دین حقيقی پنداشته می‌شد و نوع آموزش‌هایی که برای انتقال ان صورت می‌گرفت باور داشتند. آن نوع واسطه‌های معرفتی که امروزه ما میان دین و معرفت دینی یا نصوص و بازخوانی و تفسیر آن مشاهده می‌کنیم در آن دوران لحظ نمی‌شد و آنچه مریّان مسلمان می‌گفتند، دین تلقی می‌شد، از همین رو هیچ گونه مشکلی برای عرضه آنها در مسجد که می‌باید خلوص دینی آن حفظ شود، به وجود نمی‌آمد. اما گروه‌هایی که باورها و شعار آنها از دین جاری فاصله می‌گرفت، دیگر نمی‌توانستند مسجد را

۱.careoio,1978 dohaish, abdullatif abdullah. hitory of education in the hijaz up to 1925.

محل عرضه تعالیم خود قرار دهنده؛ صوفیان به همین دلیل مجبور بودند حلقات درس خویش را به خارج از مسجد انتقال دهنده و مراکزی مستقل برای این کار و ادای مراسم خود احداث کنند.

۲ - مسجد و مدرسه

با نهادینه شدن اسلام به عنوان دین و شکل ثابت به خود گرفتن احکام و باورهای آن، معرفت دینی، از یک سو با قرآن و حدیث و از سوی دیگر با شریعت و فقه فاصله گرفت؛ این دانش‌های تازه با رونق فکری بسط و تعمیق یافت و هرچه بیشتر تفاوت خویش را با بیان صرف آیات و احادیث یا احکام اسلامی آشکار کرد، همراه با این فرآیند تمایز یابی و تخصص و معرفتی نهاد مدرسه کم کم تأسیس شد و از مسجد فاصله گرفت.^(۱)

مدرسه در این حالت محل آموزش تخصصی افرادی است که نقش‌های خاص دینی را می‌خواهند بر عهده گیرند. (علماء) اما مسجد هیچ‌گاه نقش آموزش عمومی خود را از دست نداده است.

معارف تازه شکل گرفته، کم کم مورد پذیرش واقع و هر یک صاحب متون و آموزگاران و نظریه‌های خاص خود شدند؛ مراکز فرهنگی و علمی نیز در جهان رو به گسترش اسلام هر یک یا چند حوزه تخصصی نامدار شدند و دانشجویانی را از سراسر حوزه تمدن اسلامی به خود جلب کردند، این امر نیز تقویت کننده جریان جدایی مدارس از مساجد شد؛ طلبایی که کار آموختن و سپس آموزش دادن به حرفه آنها تبدیل می‌شد، به جایی برای استقرار و خوابگاه نیاز

۱ . shalabi, ahmad. history of muslim education. beirnt. 1954 chap

. این کتاب به فارسی ترجمه شده است: تاریخ آموزش در اسلام. ترجمه محمدحسین ساکت.

دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۷۰ (۲۲۰).

داشتند که مسجد به دلیل حرمت و تقدس آن نزد مسلمانان نمی‌توانست چنین نقشی بر عهده گیرد، به این ترتیب، مدارسی که یک نهاد دنیویتر به شمار می‌رفتند، عمدتاً در جنب مساجد احداث شده؛ در همین مدارس است که دانش‌های گوناگون: کلام، فقه، حدیث، قرآن، دانش‌های مقدماتی (مثل: منطق، صرف، نحو، معانی، بیان و بدیع) و نیز دانش‌های فلسفی^(۱) رونق پیدا کرد و توسعه یافت؛ نسبت به مذهب مسلمانانی که در این مدارس حضور می‌یافتدند، محل علاقه‌های مدرسان، نظریه‌ها و نحله‌های گوناگونی شکل می‌گرفتند یا تقویت می‌شدند.

تأسیس مدارس نخست در قرن پنجم و توسط خلفای بغداد و حاکمان دیگر بلاد بجذب پسیگیری شد و در قرن‌های بعدی نیز ادامه پیدا کرد؛ یک نمونه، اسماعیلیان فاطمی در مصر قرن دهم هجری است که پس از استقرار مؤسساتی را برای آموزش واعظان و مبلغان دین خود آغاز کردند؛ حاکمان رقیب در عکس العمل به این گونه اقدامات و شاید به دلیل مقتضیات گسترش حیطه تمدن اسلامی و حکومت بر آن از نیمه دوم قرن پنجم هجری به تأسیس مؤسسات آموزشی خاص خود اقدام کردند؛ در این مدارس بخش عمداتی از کارکردهای آموزشی که قبل از مساجد متکفل آن بودند، انجام می‌شد. این مؤسسات آموزشی به ایجاد یک چشم‌انداز سازگار و منسجم به جهان انسان و دین در حوزه تمدن اسلامی یا حداقل در مراکز فرهنگی آن کمک بسیاری کردند، کاری که مساجد به دلیل مخاطب عمومی و کارکردهای متنوع خویش از عهده آن برنمی‌آمدند.

در قرن‌های پنجم و ششم هجری قمری است که بخش عمداتی از متون درسی معارف دینی مطابق با مذهب و نحلة مدرسان و محققان شکل گرفت

۱ . jritton, a.s. materials in muslim education in the middle ages. lonson, 1957

همچنین می‌توان به احصاء العلوم فارابی (ترجمه حسین خدیوچم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶) مراجعه کرد.

و آموزش بیش از پیش به قرائت، آموختن و توضیح متون مقدس و درسی فراهم آمد و به همت مفسران رسمی محدود شد؛ هرگونه نهادینه شدن و رسمیت یافتن، مستلزم چنین حدّ و حصرهایی است و طبعاً دیدگاههای فرقه‌ها یا مذاهی که پیروان بی‌شماری دارند ثبت و ضبط بیشتری می‌کند. مدارس به دلیل وابستگی به بودجه‌های عمومی و بیت‌المال بیش از مساجد تحت نظارت بودند، به همین لحاظ آموزش در مساجد بازتر، پراکنده‌تر و عمومی‌تر و آموزش در مدارس، تنظیم یافته‌تر، منسجم‌تر و خاص‌تر بود.

آنچه در مساجد و سپس در مدارس تدریس می‌شد، عمدتاً ربط وثيق با متون و نصوص دینی و رفتار و اقوال اولیای دین داشت، به این لحاظ دانش‌هایی مثل فلسفه (که مانند منطق شأن مقدماتی نداشت) برای ورود به قلم و آموزش مشکل داشت. در نهایت نیز فلسفه در قالب ابزار و زرّادخانه‌ای برای دفاع از عقاید دینی، به حوزه‌های علوم دینی راه یافت و عمدتاً به کلام استحاله یافت.

دانش‌های تجربی نیز عموماً در برابر علوم دیگر شأن و مرتبت پایین‌تری داشت و در مقایسه با دانش‌های هنجاری دینی (مثل فقه) کارکرد حاشیه‌ای و فرعی پیدا می‌کرد. هر دانشی که به بیان حقیقت دین بیشتر یاری می‌کرد قدرش بیشتر شناخته می‌شد.

این کارکرد مدرسه و مسجد در انتقال فرهنگ دینی از یک نسل به نسل دیگر و بهره‌گیری از همه علوم گذشته (تجربی و عقلی) برای اثبات حقیقت دین و دستورهای آن تا قرن دوازدهم هجری قمری که بتدریج دولتها و کشورهای مسلمان شکل گرفته و امپراتوری عثمانی افول پیدا کرد، ادامه یافت؛ در برخی از کشورها، سازماندهی مجدد آموزش زودتر انجام شد؛ در کشورهای هند و پاکستان به دلیل قوی‌تر بودن بخش خصوصی، مؤسسات خصوصی آموزشی (از جمله مؤسسات دینی) حضور داشتند که امروزه از دامنه عمل آنها کاسته شده است.

۳- ویژگی‌های آموزش در مساجد

در ادامه مطلب می‌خواهیم آموزش‌های عرضه شده در مساجد بزر جهان اسلام را در دو قرن نوزدهم و بیستم میلادی، یعنی زمانی که تدریج تجدّد‌خواهی در میان مسلمانان رواج پیدا کرد بررسی کنیم.

این مساجد بزر را می‌توان مساجد مهم «مکه» و «مدینه»، مسجد «الازهر» در «قاهره»، مسجد «زیتونه» در تونس مسجد «قروین» در فارس ذکر کرد. همچنین می‌توان به مساجدی در دمشق، بخارا، لاھور، دھلی، نجف، قم، شیراز، اصفهان، مشهد و تهران اشاره کرد؛ در این بحث می‌توان آموزش‌های مذهبی عرضه شده در مدرسه‌ها «اعم از مدرسه‌های سنی و شیعی»، زاویه‌ها و خانقاوهای صوفیان و مؤسسات خصوصی تأسیس شده در دو قرن مذکور که به مطالعه قرآن و اسلام می‌پرداختند، کنار گذاشت.

به دلیل چند زبانی بودن مسلمانان و عربی بودن زبان متون دینی، اولین و مقدماتی‌ترین آموزش، آموختن زبان عربی (صرف و نحو) است؛ حداقلی که از این زبان ممکن است بدان اکتفا شود، یادگیری قرائت قرآن است؛ تأکیدات بسیار اولیای دین بر قرائت قرآن به همت همه مسلمانان زمینه مهمی بر این‌گونه آموزش‌هاست؛ آموزش‌های دیگر بر پایه متون دیگری صورت می‌گیرد که عمدهاً متعلق به قرن‌های چهارم تا هفتم هجری قمری است (دوران شکوفایی تمدن اسلامی) و چهره کلاسیک اسلام به شمار می‌آیند؛ این متون عمدهاً با کمک مفسران رسمی آموخته می‌شوند و علماء و فقهاء در حلقات درس تدریس می‌کنند.

حضور در این حلقات کاملاً اختیاری است و به هیچ شرطی مقید نیست؛ گذراندن دروس مقدماتی نیز پیش شرط علمی حضور در دروس بالاتر است، اما پیش شرط ضروری و رسمی نیست، چون اصولاً سیستم آموزشی خاص با کمک سلسله مراتب ویژه وجود ندارد، تنها عنصر اعتباری و منزلتی افراد، حضور در درس مدرس یا عالم است که گاه با یک سند خاص (اجازه) همراه

می‌شود؛ حضور مرتب در درس یک استاد و به پایان رساندن آن خود به خود به این معناست که آن فرد می‌تواند در مقام تدریس آن درس قرار گیرد؛ رونق گرفتن درس او دیگر به کیفیت درسی که تدریس می‌کند باز می‌گردد، استادی که از شهرت برخوردار شود با اقبال طلاب (حتی از مناطق بسیار دور) مواجه می‌شود؛ در آموزش‌های عرضه شده در مساجد هیچ نوع اختصاصی وجود ندارد (اینکه فلان درس خاص باید در فلان مسجد عرضه شود) و برنامه تحصیلی رسمی و درجات و مدارک خاصی در نظر گرفته نمی‌شود.

اعتبار این آموزش‌ها از دو منبع حاصل می‌شود: اعتبار متون مذهبی در میان مسلمانان و اعتبار استادان گذشته و معلمان امروز که سلسله وار به اولیای دین اتصال پیدا می‌کنند، اهمیت دادن به حفظ کردن متون مذهبی از اعتبار ویژه و تقدس آنها ناشی می‌شود (گرچه تا حدی نیز ناشی از فقدان صنعت چاپ بوده است)، اعتبار مدرسان، اعتباری سنتی است و با یک جنبش اجتماعی به اعتبار فرهمندانه تبدیل می‌شود، اما از اعتبار قانونی - عقلایی فاصله دارد، به همین لحاظ آموزش‌های مذهبی کمتر روح تقادی و گفتگو با دیگر ادیان و مذاهب را داراست، یعنی سنت، کفايت را نیز در درون خود دارد.

براساس همین اعتبار ناشی از متون مذهبی و سلسله هدایت‌گران، در مساجد، هیچ نوع آموزش دنیوی عرضه نمی‌شود، در مساجد نه آموزش معارف مربوط به طبیعت، جامعه و تاریخ جریان دارد و نه آموزش‌های کاربردی مربوط به زندگی روزمره، اینها از علوم دنیوی به شمار می‌روند و در مسجد جایی ندارند؛ مورد ایران در سه دهه اخیر تا حدی استثنایی است، انقلاب اجتماعی و سیاسی در ایران، دین را به حوزه امور دنیوی پیوند زد و تا حدی آن را از آسمان به زمین آورد، در این هبوط، بسیاری از امور دنیوی چهره و چشم انداز دینی پیدا کرد یا حداقل با مقدمه قرار گرفتن برای امور قدسی، رنگ قدسی پیدا کرد هنگامی که کمک‌های اولیه پزشکی یا آموزش نظامی در خدمت جهاد قرار گیرند، طبیعتاً به سهولت

می‌توانند به صحن مسجد راه پیدا کنند؛ ورود آموزش سینما، تئاتر و دیگر هنرها به صحن مسجد در ایران نیز برخوردار از این اندیشه است که این پدیده‌ها را می‌توان ابزار مقاصد مقدس قرار داد.

شكل دیگر از دینی جلوه دادن آموزش‌های دنیوی، این توجیه است که حضور افراد در مسجد به واسطه جذابیت‌های آموزش‌های کاربردی، واکسینه کردن افراد از انواع آسیب‌های اجتماعی ناشی از دوران جدید و زندگی شهری است، منتقدان بر این نکته تأکید می‌کنند که حدی بر این امر متصور نیست، با این دیدگاه باید همه امور را که عاقبت هر یک جذابیتی خاص خود دارند به حوزه مسجد وارد کرد و این از شأن قدسی و کارکرد نیایشی مسجد می‌کاهد، این بحث همچنان در دهه هشتاد نیز در ایران زنده است و در مساجد انواع آموزش‌ها عرضه می‌شود.

۴ - مسجد و آموزش‌های اصلاح‌گرایان

به موازات تحولات واقعی در جوامع اسلامی که تأثیر زیادی بر مساجد داشته است، جنبش اصلاح‌گرایان دینی که از اصلاح و پیرایش جامعه به اصلاح و پیرایش دین یا بالعکس می‌رسیدند نیز به درون مساجد راه یافت، اصلاح‌گرایان دینی مثل «محمد عبله» در مصر، «سید احمدخان» در هند و «سید جمال الدین اسدآبادی» در ایران، آموزش‌های خود را مرتباً در مساجد به گوش مسلمانان می‌رسانندند، آنها به مسلمانان تذکر می‌داده که باید با معارف و مشکلات دنیای جدید آشنا شوند و خود عملاً چنین آگاهی‌هایی عرضه می‌کردن، از نگاه اصلاح‌گرایان آموزش می‌توانست موتور محرکه جوامع اسلامی برای خروج از انحطاط قرار گیرد.

این اصلاح‌گرایان بسیار بیشتر از مسلمانان سنت‌گرا به نقش آموزش در تحول جامعه اعتقاد داشتند و تحولات اجتماعی را بیشتر ناشی از فعالیت‌های فرهنگی می‌دانستند.

اصلاح‌گرایان اگرچه چندان نتوانستند آموزش‌های مورد نظر خود را نهادینه کنند، اما آموزش‌های سنتی را کمرنگ کردند، این امر در کنار دو عامل دیگر یعنی رشد مدارس جدید و ساخت‌های در حال تغییر اقتصادی و اجتماعی جوامع اسلامی، از نقش آموزشی مساجد کاست و مساجد را صرفاً به محل نیایش تبدیل کرد که بعداً کارکردهای سیاسی و اجتماعی به دلیل ضعف نهادی این جوامع به کارکرد نیایش افزوده شد.

۵- ظهور مدارس جدید

با شکل‌گیری دولت و ملت‌های جدید در جوامع اسلامی یا تحول در ساخت حکومتی ملت‌های کهن، حکومت‌ها به تأسیس نهادهای آموزشی جدید پرداختند، «محمد علی» در مصر «خیرالدین» در تونس، سلاطین عثمانی و برخی امرای اصلاح طلب در ایران (قائم مقام فراهانی، امیرکبیر) به تأسیس مؤسسات آموزشی جدید اقدام کردند، این امر خود به خود بر آموزش در مدارس و مساجد تأثیر گذاشت؛ اکثر جنبش‌های ملی‌گرای نیز بشدت ناقد شیوه‌های آموزش کهن بودند، دو واقعیت نیز در این میان خودنمایی می‌کرد: توسعه اقتصادی (نیاز به نیروهای متخصصی که آموزش سنتی نمی‌توانست چنین محصولاتی داشته باشد) و تحولات اجتماعی ناشی از ارتباط با غرب (ظهور نقش‌های جدید که آموزش‌های تازه‌ای می‌طلبید)، این مجموعه باعث ازدیاد تأسیس مدارس جدید شد و همه آموزش گیرندگان را تحت نظارت قرار داد.

حکومت‌های جدید که مبنای مشروعیت سیاسی خویش را ایدئولژی‌های تازه و عمده‌تاً دنیوی قرار می‌دادند، آموزش جدید را نوعی روند اجتماعی کردن و کنترل اجتماعی در خلاف مسیر سنتی می‌دانستند و به این ترتیب می‌توانستند از اشر نیروهای سنت‌گرا در سیاست بکاهند؛ در این نظام آموزشی جدید، حتی آموزش‌های دینی تا حدّ تعلیمات دانشگاهی پیش‌بینی شد تا مجموعه

آموزش‌های سنتی کارکرد داشته باشد، نتیجه این عمل آن بود که اوّلًا مدارس سنتی در نظام آموزشی خود تغییراتی به وجود آورند و ثانیاً در رقابت با مدارس جدید عناوین تازه‌ای در آموزش‌های خود بگنجانند، علتی که باعث تداوم آموزش سنتی می‌شد آن بود که تبلیغ و دعوت به نیروهای آموزش دیده‌ای نیاز داشت که موضوع‌هایی مثل وقف یا تمهیداتی مثل خمس، هزینه‌های آنان را تأمین می‌کرد و مستقل از دولت بود.

تحول دیگر حضور آموزش گیرنده‌گان سنتی در مدارس و دانشگاه‌های جدید به موازات حضور در مدارس علمیه و مساجد به منظور کسب معارف دینی بود. این امر باعث شد که حلقات اتصالی میان دو نوع آموزش به وجود آید و نیروهای سنتی بتوانند ایده‌های خویش را در نظام جدید مطرح سازد، این نیروها همچنین ایده‌های تحول در آموزش سنتی را مطرح می‌ساختند و پیش برده‌اند.

۶ - نتیجه

نتیجهٔ مجموعهٔ تحولات مذکور برای مساجد آن بود که مساجد از حیث آموزشی، سه شکل کاملاً متمایز از یکدیگر اتخاذ کنند، شکل اول آن بود که بسیاری از مساجد با محدود کردن دایرهٔ آموزشی خویش به آموزش عمومی و ابتدایی در حد قرائت قرآن اکتفا کنند؛ مکتب‌های قرآنی سنتی در بسیاری از مساجد جهان اسلامی به فعالیت مشغول‌اند، شیوه‌های آموزشی در این مکتب‌ها کاملاً سنتی است و مخاطبان آنها بیشتر کودکانی هستند که والدین آنان از سر دغدغه‌های دینی، فرزندان‌شان را به آموزش قرآن ترغیب می‌کنند.

شکل دوم مدرن است، به این معنا که محلی در مسجد به نام کتابخانه در نظر گرفته می‌شود و جوانان و نوجوانان و کودکان مسلمان به شکل گروهی از آموزش‌های ابتدایی (که از قرآن آغاز شده و به حدیث، اعتقادات و احکام می‌رسد) برخوردار می‌شوند، در این شکل دیگر حلقاتی از افراد که بر گرد آموزش‌گر خویش

حلقه زنند، به چشم نمی‌خورد، بلکه مسجد کلاس‌هایی با صندلی و تخته سیاه دارد و حتی از ابزارهای نوین سمعی - بصری برای آموزش در آنها استفاده می‌شود.

شکل سوم ارتقای مسجد تا حد دانشگاه؛ برخی از مساجد در جهان اسلام تعلیم و تربیت دینی در سطوح عالی را نیز بر عهده گرفته‌اند، مسجد «زیتونه» در تونس و مسجد «قروین» در فاس نهایت به دانشگاه اسلامی مبدل شدند؛ در سال ۱۹۶۱ م. مسجد «الازهر» در قاهره به دانشگاه اسلامی تبدیل شد که همانند دانشگاه‌های جدید دانشکده‌های بسیاری دارد و از حیث دانشکده‌های فقه و کلام اسلامی مشهور است؛ «الازهر» دارای شبکه گستردۀ از آموزش‌های اسلامی در همه سطوح در سراسر مصر و یک دانشکده زنان (کلیات البنات) است، در اکثر کشورهای اسلامی، مدارس سنتی نیز بتدریج به مؤسسات آموزش عالی و مؤسسات تحقیقاتی تبدیل شده‌اند.

در دو دهه اخیر این جریان در ایران نیز شدت گرفته است، در حوزه‌های علمیه از یک طرف دانشگاه‌هایی که عمدۀ تاکید آنها بر علوم اسلامی است تأسیس شده و گسترش یافته‌اند و از طرف دیگر مدارس سنتی به کارهای پژوهشی رو می‌کنند، به این ترتیب آموزش رسمی از مسجد به دانشگاه انتقال می‌یابد. در کار مدارس نیز تحولاتی ایجاد شده است، اما هیچ یک صرفا نقش آموزش عالی را بر عهده نگرفته است یا حداقل این نقش را به کمک مؤسسات دیگر ایفا می‌کند؛ به دلیل تحولات سریع اجتماعی در ایران به دشواری می‌توان به وضعیت ثابتی در دراز مدت اشاره کرد، نهاده‌های آموزشی دینی اعم از مدارس و مساجد در دوران گذر از سنتی به مدرن، همچنان تحول پذیرند.

۶- رابطه مسجد و مراکز آموزشی

تاریخچه

از ابتدای آیین اسلام، آموزش با مسجد ارتباط تنگاتنگی داشت و کسب تحصیلاتی را که اسلام مشوق یادگیری آنها بود، بر عهده مساجد بود، حفظ و درک مطالب قرآن نقطه آغاز بود بعد از آن مطالعه و یادگیری گفته‌های پیامبر ﷺ به نام «حدیث» مطرح شده بر طبق آنها اصول آیین اسلام معلوم می‌شد؛ از پیامبر ﷺ چه در مسجد و چه در خارج مسجد در مورد آیین جدید وجود داشت سؤال می‌شد^(۱)؛ نویسنده‌ای می‌گوید که ارتباطی نزدیک بین آموزش و مسجد وجود داشت: «چون آموزش در چند دهه اول آیین اسلام مربوط به دستورهای مذهبی بود. لذا مساجد که برای مقاصد عبادت ساخته شده بود، برای انجام دادن امور آموزشی نیز به کار می‌رفت». ^(۲)

علی رغم سادگی این نظریه، باید گفت که تبدیل مسجد به اولین مدرسه مسلمانان فقط یک رویداد اتفاقی نبود، خود پیامبر ﷺ بر طبق مدارکی که در دست

۱ .The Encyclopaedia Of Islam, 4 Vols. (1911 - 1934), 3: 350.

۲ .Shalaby, Ahmad. History Of Muslim Education (beirut: dar al-kashaf,1954)

است. می خواست که مسجد محل مهمی برای آموزش در جامعه اسلامی باشد، در واقع پیامبر ﷺ قبل از هجرت سعی می کرد پیروان خود را در مسجدالحرام آموزش بدهد ولی از عهده این کار برنمی آمد، مخالفان پیامبر ﷺ اجازه این کار را به او نمی دادند و در چندین مورد به او و پیروان ایشان توهین کردند و حتی صدمات جانی وارد ساختند؛ در نتیجه، حضرت محمد ﷺ با پیروان خود در خانه خود یا در خانه یکی از پیروان به نام «ابن ارقم» پنهانی ملاقات می کرد.^(۱)

حضرت محمد ﷺ بعد از هجرت به محیط امن مدینه و اتمام ساختمان مسجد، یکی از طرفداران استفاده از مسجد برای آموزش شد، پیامبر ﷺ فرموده اند:

«کسی که به منظور یاد دادن یا یاد گرفتن وارد مسجد می شود مانند مجاهدی است که در راه خدا نبرد می کند».^(۲)

براساس این گفته واضح، جای تعجب نیست که مسلمانان به مسجد نه تنها از لحاظ معنوی، بلکه از لحاظ یادگیری و آموزش نیز نگاه می کنند و به طور کلی مسجد برای بسیاری از مؤمنان بهترین محل آموزش بوده است. دانشمند مسلمانی به نام ابن الحاج می گوید:

«بهتر است برای پیشرفت و تعالی در مسجد، در مدرسه یا در خانه به یادگیری و آموزش پرداخت».^(۳)

مسلم این است که پشتیبانی حضرت محمد ﷺ از مسجد تنها با حرف به عنوان محل یادگیری نبود، مدارک بیشماری نشان می دهند که ایشان اغلب

۱. الابراشی، محمد عطیه، التربیة الاسلامية وفلسفتها، عیسی البایی، قاهره، ۱۹۶۹ م، ص ۷۴.

۲. الزركشی، محمد بن بهادر، اعلام الساجد بحاکم المساجد، تصحیح ابوالوفا مصطفی المراغی، دارالتحریر، قاهره، ۱۹۶۵ م، ص ۲۲۸.

۳.Tritton,A.S."Muslim EducationInThe MiddleAges:(Ca.600-800 MuslimA.H),"The World 43 (april 1953): 86

اوقات خود را در مسجد صرف تعلیم مردم می‌کرد؛ پیامبر ﷺ در مسجد می‌نشست و مردم را به امور دینی و دنیوی هدایت می‌کرد^(۱)؛ حمیدالله در این باره چنین می‌نویسد:

«پیامبر خود به تدریس می‌پرداخت، عمر و سایر دوستان و همراهان نزدیک به طور مرتب از جلسات درس بازدید می‌کردند و اگر نقصی در آنها مشاهده می‌کردند، فوراً آن را اصلاح می‌کردند».^(۲)

مدارکی در دست است که دستورهای صادره در مسجد فقط منحصر به مردان نبود بلکه زنان مسلمان نیز اجازه رفتن به مسجد داشتند آنان به سخنان پیامبر ﷺ گوش می‌دادند و در مواردی از وی سؤال می‌کردند.^(۳)

باز مدارکی در دست است که پیامبر ﷺ به مساجد دیگری نیز برای تدریس مراجعه می‌کرد؛ مسجد قبا که از مدینه چندان فاصله ندارد، محلی بود که پیامبر ﷺ به آنجا مراجعه و از مجالس درس مسجد آن محل بازدید می‌کرد.^(۴)

به طور کلی، پیامبر ﷺ آگاهانه و برای اینکه مسجد محل مهمی برای آموزش مسلمانان باشد راه را هموار کرد؛ در دوران حکومت پیامبر ﷺ بر مسلمانان مدینه، وی به امر تعلیم و تربیت توجه فوق العاده‌ای مبذول می‌داشت و در این کار از نفوذ شخصیت خود استفاده می‌کرد، پیامبر ﷺ وقت زیادی را به امر تدریس اختصاص داده بود و مدارکی هستند که نشان می‌دهند وی مرتب برای همراهان و پیروان خود

۱. التربية الإسلامية و فلاسفتها: ص ۷۸.

۲ .Hamidullah, M."Educational System In The Time Of The Prophet,"Islamic

55 Clture 13 (Janury 1939)

۳. همان: ص ۵۸

۴. همان: ص ۵۵

صحبت می‌کرد، جلسات صحبت بعد از اقامه نماز تشکیل می‌شد و سخنان وی درباره مذهب و امور دنیوی بود.^(۱)

پیامبر ﷺ تنها معلم در مدینه نبود، فکری با استفاده از نوشه‌های غزالی می‌گوید که چند نفر از یاران پیامبر ﷺ در زمان حیات ایشان در مسجد قبا به تدریس اشتغال داشتند.^(۲)

مدارک نشان می‌دهد که در حدود نه مسجد در زمان پیامبر ﷺ برپا بود، هر یک از این مساجد فعالانه به عنوان مدرسه انجام وظیفه می‌کردند^(۳) و بدون شک معلمان مخصوص به خود داشتند.

بعد از رحلت پیامبر ﷺ نیز ارتباط مسجد و آموزش به قوت خود باقی ماند.

پس از مر پیامبر ﷺ شنوندگان مشتاق مسلمان، بعد از مراسم نماز به دور اصحاب او حلقه می‌زدند و به مطالعه و گفته‌های آنان که اعمال و کردار پیامبر ﷺ را بازگو می‌کردند گوش فرا می‌دادند و بعد از مدتی اصحاب پیامبر ﷺ، اولین معلمان جامعه مسلمانان شدند و مسجد کلاس درس آنان شد.^(۴)

از آن هنگام تاکنون، مسجد موقعیت مهم خود را به عنان مرکز آموزش و مرکز عبادت حفظ کرده است، این نقش دوگانه مسجد در زمان امویان، عباسیان و دیگر

۱ . Semaan, K.L, "Educational in Islamic, from the Jahiliyyah to Ibm khaldun,

" The Muslim World 56 (July 1996): 192

۲ . فکری، احمد، مسجد القاهره و مدارسه: دارالمعارف، قاهره، ۱۹۶۱، ج ۲، ص ۱۴۳ .

۳ . "Educational System in the Time of the Prophet", P.55

۴ . Mackensen Ruth Stellhorn, "Background of the History of Moslem Libraries,

" The American Journal of Semitic Languages and Literatures 51 (January 1935):

122-123

خاندان‌های حکومتی بدون تغییر باقی ماند^(۱). در واقع، با توسعه اسلام مساجد نیز توسعه یافتند و دستورهای مربوط به مذهب و امور دنیوی در آنجا صادر می‌شد. در سراسر دنیای اسلامی، آموزش‌های ابتدایی و مطالعات پیشرفته در مساجد برقرار بود^(۲)، بعضی از مساجد که وظیفه مدرسه را ایفا می‌کردند، به صورت مناطق آموزشی درآمدند و دانش پژوهان و دانشمندان بزرگی را به سوی خود جلب کردند: «می‌بینیم که ابوالزنیت از مسجد مدینه خارج می‌شود و شاگردان او مانند قراولانی که در اطراف سلطان خود گرد آمده‌اند او را احاطه و یکی درباره مذهب، دیگری راجع به ریاضیات و سومی در مورد معنای یک شعر پرسش و نفر چهارم نیز درباره سنت پیامبر یا مسئله و مشکل دیگری مطلبی را عنوان می‌کند».^(۳)

حلقه‌های علمی در مساجد

اساس آموزش مسجد را حلقه‌ها و دایره‌های درسی تشکیل می‌داد که در اسلام آنها را «حلقة‌العلم» یا دایره آموزشی می‌نامیدند، کلمه حلقة به مفهوم شیء کروی و گرد است، به این ترتیب دستورهای مسجد با سیستم «حلقه» اقتباس از جلسات حکومتی بود که معمولاً به شکل حلقه وارد دور میزی می‌نشستند؛ در این جلسات معلم بر روی پایه، بالش یا صندلی می‌نشست. و بر دیوار یا ستونی تکیه

۱ .Tug, Salih, "Educational Institutions in the Islamic World," *Actes du XXXIXe Congrès International des Orientalistes: Etudes Arabes et Islamiques* 4 214 (1975):

۲ . Waardenburg, Jacques, "Some Institutional Aspects of Muslim Higher Education and Their Relation to Islam," *Numen: International Review for the Religions* 12 (April 1965): 98 History of

۳ . Khuda Bukhsh, S., "The Educational System of the Muslims in the Middle Islamic Culture 1 (July 1927): 459 Ages."

می‌داد، از طرف دیگر، دانش‌آموزان در ردیف‌هایی به شکل نیم دایره در جلوی استاد قرار می‌گرفتند. به این ترتیب، حلقه در واقع دایره کامل نبود، چون نمی‌توان قبول کرد که شاگردان پشت سر معلم بنشینند؛ تعدادی از مساجد بیش از یک حلقه و بعضی دیگر، مخصوصاً مساجد بزر حلقه‌های زیادی داشتند.^(۱)

مقریزی در بیان اوضاع مصر می‌نویسد که قبل از طاعون ۷۴۹ هق / ۱۳۴۸ م، بیش از چهل «حلقه» آموزشی در مسجد عمرو وجود داشت^(۲). سیاح مشهور به نام ابن بطوطه در مسافرت خود به دمشق می‌نویسد که پانصد دانش‌آموز و طلبه در مسجد امویه در حلقه‌های علمی شرکت و از جیره‌های رایگان روزانه استفاده می‌کردند.^(۳)

در سال ۱۴۹ هق / ۷۶۶ م، مسجد «منصور» در بغداد به دست خلیفه ابو جعفر المنصور بنا و بعدها توسط هارون الرشید تزیین شد و توسعه یافت، این مسجد یکی از مهم‌ترین مراکز آموزشی در خاورمیانه بود، این مسجد با دارا بودن بین چهل تا پنجاه حلقه علمی، مرکز و مقصد دانشمندان و دانش پژوهان بود^(۴). دانشمندی به نام خطیب بغدادی از علمای قرن ۴، نقل می‌کند در زیارت مسجدالحرام از خداوند سه چیز طلب کرد که یکی از آنها این بود که بتواند در

۱ . Ahmed, Munir-ud-din, Muslim Era (11th Century Christian Era) (Zuric: Verlag Der Islam, 1968), p.52

۲ . المقریزی، احمد بن علی، المواقع والاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار: تصحیح احمد علی الملاجی، دارالعرفان، بیروت، ۱۹۵۹ م، ج ۳، ص ۲۰۳ .

۳ . Totah, Khalil A., The Contribution of the Arabs to Education (New York: Colucbia University Press, 1926), P.43

۴ . Muslim Education and the Scholars, Social suatus up to the 5th Century Muslim Era (11th centry Christian Era), PP.115-117

مسجد منصور به تدریس بپردازد^(۱).

تاریخ و همچنین تحقیقاتی که از آموزش مسلمانان عمل آمده است نشان می‌دهد که حلقه‌های علمی چگونه بوده‌اند. در اکثر مساجد، حلقه‌های علمی در حیاط مساجد تشکیل می‌شدند و این جلسات از محل عبادت دور بودند تا مزاحم مردم نشوند^(۲)، در نزدیکی هر حلقه ستونی بود که معلم نشسته یا ایستاده بر آن تکیه می‌داد، ستون و اطراف آن که به نامه‌ی «زاویه» یا «رواق» نامیده می‌شد، بزوی محل و مرجعی برای حلقه شد. بعد از مدتها این نقاط به نام معلم خود نامیده می‌شد به خصوص اگر او فرد مشهوری بود^(۳)؛ در مواردی نیز این رواق‌ها به نام محل یا مملکتی که طلبه‌ها از آنجا می‌آمدند نامیده می‌شد و این نام‌ها در جامع الازهر مشاهده می‌شود.^(۴)

نظام آموزشی در مساجد

نظام آموزشی در مساجد اعمال می‌شد از نوع ساده آن بود، در این قسمت به اهم موارد این نظام اشاره می‌شود.

۱. التربية الإسلامية و فلاسفتها: حصص ۸۴ - ۸۵.

۲. "The Educational System of the Muslims in the Middle Ages", P.447

۳. مسجد القاهره و مدارسه: ج ۲، حصص ۱۴۴ - ۱۴۵؛ حضرت محمد ﷺ بر کنار ستون توبه در مسجد مدینه می‌نشستند و اصحاب شان گردآگرد ایشان حلقه می‌زدند و به تعلیمات پیامبر ﷺ گوش جان می‌سپردند. ر.ک: ابن آشور، محمد الطاهر، اليس الصبح بقریب، المصرف التونسي للطبع، تونس، ۱۹۶۷م، حصص ۴۳ - ۴۴.

۴. ماهر، سعاد، مسجد مصر و اولیائه الصالحون: الاهرام، ۱۹۷۱م، ج ۱، حصص ۲۱۴ - ۲۲۱.

۱- آداب آموزش

هیچ نوع شرطی برای دانشآموzan وجود نداشت^(۱) هر فرد تشویق به پیوستن به حلقه مورد انتخاب خود می‌شد، اما در بعضی از مساجد، جلب رضایت استاد برای پیوستن لازم بود^(۲). هنگامی دانشآموز وارد مسجد می‌شد، کفشهای خود را درمی‌آورد، آنها را دم در قرار می‌داد و سپس بر روی زمین که معمولاً از حصیر یا زیلو پوشانده می‌شد، در حلقه می‌نشست^(۳)، در اکثر این دواireه ترتیب نشستن دانشآموzan به ترتیب مقام علمی آنان بود؛ دانشآموز هرچه پیشرفته‌تر بود، به همان اندازه نزدیکتر، استاد می‌نشست و پیشرفته‌ترین دانشآموzan پهلوی معلم می‌نشست، دانشآموzan موقت نیز مجاز به نشستن پهلوی استاد بودند و در بعضی از مجالس درس محل مخصوصی برای دانشآموzan میهمان اختصاص داشت.^(۴)

۲- زمان آموزش

مجالس درس بعد از نماز صبح آغاز می‌شد و تا نماز ظهر ادامه می‌یافت و اگر معلم متصلی مجلس درس می‌بود، قبل از نماز صبح و بعد از نماز ظهر نیز جلسات درس تشکیل می‌یافت^(۵)؛ زمان درس از یک تا دو سال طول می‌کشید و همیشه در

۱ .Alwaye, Mohiaddin."Al-Azhar...In Theusand Years,"Majallatul - AzharAzhar: (Al-Azhar Magazin, Englisms section) 48 (July 1976): 1

۲ ."The Educational System of the Muslims in the Middle Ages", P.448

۳ . The Contribution of the Arabs to Eduction, P.26

۴ . Nakosteen, Mehdi.History of the Islamic Origins of Western

800-1350 (Boulder, Colorado: Uneverity of Colorado Educatoin: A.D. press.1964), P.45

۵ . "Muslim Education in the Middle Ages: (ca.600-800 A.H.)", P.93

موقع نماز تعطیل می‌شد و هیچ قانون مشخصی برای زنگ تفریح وجود نداشت^(۱)؛ جلسات درس در روزهای تعطیل مذهبی تشکیل نمی‌شدند.

تعطیلات دراز مدت بستگی به نتیجه تحصیلات دانشآموز داشت، بعضی معلمان همه روزه تدریس می‌کردند و بعضیها هفته‌ای یک بار جلسه داشتند، «عنبری» فقط در روزهای جموعه درس زبان و لغتشناسی داشت در صورتی که «براوی» روزانه بیش از یک مرتبه به تدریس می‌پرداخت.^(۲)

بعضی معلمان موضوعات متعددی را تدریس می‌کردند؛ شافعی بعد از نماز صبح قرآن، بعد از طلوع خورشید حدیث و بعد صرف و نحو، شعر و شاعری و علوم تدریس می‌کرد و ظهر به خانه برمی‌گشت.

۳ - شیوه آموزش

تدریس در حلقه با مراسم ساده و همراه با نشان دادن تقوا و فضیلت کامل آغاز می‌شد، معلم همیشه کار خود را با تمجید و تکریم خدا و با درخواست یاری و هدایت مردم آغاز می‌کرد و سپس به درس خود می‌پرداخت؛ او مطلب را از نوشتہ آماده‌ای که توسط خود او یا معلم دیگری آماده شده بود قرائت می‌کرد و ضمن قرائت متن آن را شرح و توضیح می‌داد؛ این مراحل معمولاً با توضیح مجلس از مطلب آغاز می‌شد و سپس با ارتباط دادن مطلب تازه به درس قبلی نوعی مداومت به درس می‌داد و نهایتاً به شرح نکات دشوارتر می‌پرداخت.

معلم ضمن ارائه و تدریس مطلب، پی در پی و با احترام از نوشتہ‌ها و مطالب نویسنده‌گان دیگر یاد می‌کرد و هرگز از همکاران خود به بدی یاد نمی‌کرد، در واقع در تمام مجالس درس نوعی فضای مشابه بود که بر جلسات درس نظم و هماهنگی می‌داد.

۱ . History of Islamic Origins of western Education: A.D.800-1350, P.58

۲ . "The Educational System of the Muslims in the Mid

«توتا» با استفاده از نوشه‌های غزالی این عناصر نظم دهنده را از طرف آن دانشمند مشهور چنین می‌نویسد:

الف) معلم باید با دانشآموزان همدردی و با آنان طوری رفتار کند که گویا فرزندان او هستند.

ب) اخلاق و روش پیغمبر ﷺ باید مراعات شود و برای آموزش و یاد دادن نباید متوقع اجرت و پاداش بود.

ج) با دانشآموزان باید بی ریا بود و نباید به آنان قبل از داشتن استحقاق، مقام و رتبه علمی داد.

د) دانشآموزان باید نصیحت و ترغیب و برای رفتار بد توبیخ شوند.

ه) نباید به معلمان دیگر در مقابل دانشآموزان بی احترامی کرد.

و) نباید به تدریس مطالبی پرداخت که بیش از فهم و درک دانشآموزان است.

ز) عمل معلم باید با گفته‌های او مطابقت داشته باشد و نباید رفتار او مغایر گفته‌هایش باشد.

به علت نبودن کتاب، معلم مجبور بود با در نظر گرفتن اهمیت متن تدریس شده، همه متن یا قسمتی از آن را برای دانشآموزان املا کند و زمانی که املا گفتن ضروری بود، معلم متن مورد نظر را تا حد ممکن آرام می‌گفت تا دانشآموزان اشتباه نویسنده؛ دفترهای دانشآموزان به طور مرتب از طرف معلم بازدید و اشتباههای آنها اصلاح و استفاده از آن مطالب برای یاد دادن به دیگران تأیید می‌شد، علاوه بر املا معلم به دانشآموزان توصیه می‌کرد که تمام یا قسمتی از مطالب بیان شده را حفظ کنند؛ در واقع در میان اصولی که برای قبولی و تأیید دانشآموزان لازم بود، اصل، حفظ کردن مطالب و بیان آنها بدون مراجعه به متن بود و کیفیت و طرزیان نیز تأثیر داشت.

۴- شیوه ارزیابی

به رغم نفوذ و احترامی که معلمان در میان دانشآموزان داشتند، مقام علمی آنان اغلب آزمایش می‌شد و دانشآموزان مجاز به این کار بودند و حتی تشویق می‌شدند که سؤال‌هایی مطرح کنند و درباره آنچه که یاد گرفته‌اند به بحث و گفتگو پردازنند، به شرطی که برای مخالفت خود مدرک و گواهی داشته باشند. اگر معلمی به بی‌اطلاعی خود اعتراف می‌کرد، مورد احترام و تکریم بود. در کتابی آمده است: «اگر کسی مطلبی را نداند و به ندانستن خود معترف باشد، در واقع نصف مطالب را آموخته است» در این مورد باید گفت که این گونه بحث و گفتگوهای آزاد در نهایت منتهی به این نتیجه می‌شد که بعضی از معلمان، به حرفه خود با دقت بیشتری توجه کنند؛ آین و رسم گوش دادن معلمان به انتقادهای دانشآموزان و بحث و گفتگو در موضوع مطرح شده، معلمان را مجبور کرد که مطالب درسی را با دقت زیاد بررسی کنند تا تأثیر و نفوذ بیشتری بر دانشآموزان پیدا کنند، هر چند همه موضوعات علمی که برای مسلمانان شناخته شده بودند در مساجد تدریس نمی‌شدند، ولی موضوعات درسی بسیار متنوع بود؛ در بسیاری از مجالس علاوه بر آموزش خواندن و نوشتمن، یادگیری اصول دین نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود؛ این کار از طریق بررسی و مطالعه موضوعاتی مانند خواندن و تفسیر قرآن، حدیث یا سنت پیامبر ﷺ، توحید و فقه انجام می‌شد. به مطالعات ادبی و زبان‌شناسی نیز توجه زیاد می‌شد. علاوه بر شعر و ادبیات، مطلبی در مورد جنبه‌های مختلف زبان عربی مورد علاقه بسیاری از دانشآموزان بود. این رشته شامل لغتشناسی، صرف و نحو، معانی و بیان، انشا و خط و نگارش (رسم الخط) بود.

۵- موضوعات درسی

علاوه بر وظایف مذکور، مسجد محلی بود که مطالب علمی و مسائل اجتماعی نیز در آن تدریس می‌شد و موضوعات تاریخ، جغرافی، اقتصاد و حتی

علوم سیاسی در آنجا بحث می‌شد؛ علم فلسفه موضوعی بود که اغلب مورد توجه و انتخاب بسیاری از دانشجویان بود، در بین موضوعات مهم درسی می‌توان: منطق، اخلاق، منطق مناظره و تصوف را نام برد. جلسات درس‌های شیمی، فیزیک، ریاضیات، جبر و هندسه نیز دایر بود اگر چه علوم عملی و تجربی یا در دانشکده‌های مخصوص یا در منازل معلمان خصوصی تدریس می‌شد، ولی مدارکی در دست هست که این‌گونه موضعات علمی در بعضی از مساجد بزر نیز دایر بود. جلسات علم طب در جامع الازهر و جامع ابن تولون مصر دایر بود. و در مسجد رویین مراکش نیز تدریس می‌شد، در جامع الازهر کلاس‌های ستاره‌شناسی و مهندسی نیز دایر بود و طبق نوشه‌های خولی درس‌هایی مانند طب، قارماکولوژی، مهندسی و ستاره‌شناسی در مساجد بغداد تدریس می‌شد و دانشجویان از سوریه، ایران و هندوستان برای حضور در این کلاس‌ها به بغداد می‌آمدند.

۶- انتخاب استاد

در بین بسیاری از مسلمانان، مسافرت برای کسب علم و دانش نوعی روش زندگی بود و مسجد این جا به جائی افراد را بر عهده داشت؛ اعتقاد عامه بر این بود که بریدن علاقه‌های دنیوی، تحصیل در غیاب خانواده و انتخاب معلم خوب و مفید سه اصل اساسی برای تعلیم و تربیت خوب است، به این دلیل انتخاب معلم خوب برای بسیاری از دانش‌آموزان قبل از اینکه صاحب حرفه‌ای شوند، از اهمیت بسیاری برخوردار بود؛ در سراسر امپراتوری اسلامی، دانشجویان مسافرت‌های طولانی می‌کردند که ماه‌ها طول می‌کشید و چنانچه معلم یا استاد فوت می‌کرد یا مطلب تازه دیگری برای تعلیم نداشت، دانشجو بار سفر را برای رفتن پیش استاد دیگر می‌بست. «دانشجویان در جستجوی مؤسسه علمی نبودند، بلکه پی استاد

معروفی بودند، این دانشجویان به این استادان ارج می‌نهادند و افتخار می‌کردند که گواهینامه خود را از آنان دریافت کرده بودند. «هر کسی خود را مسئول اتفاق و اتحاد آموزش اسلامی می‌دانست و خود را مقید به حفظ قراردادهای آن می‌دید هر دانشجو بر طبق فرمان «زگهواره تا گور دانش بجوى» در تمام طول عمر خود را طلبه می‌دانست و از کشوری به کشور دیگر برای طلب علم سفر می‌کرد؛ او همیشه خود را در میان برادران دینی می‌یافت که برایش مسکن فراهم و از او در خانه‌های شخصی یا عمومی پذیرایی می‌کردند، برای کارهایش تسهیلات فراهم می‌آوردند، ترتیب حضور او را در کلاسها می‌دادند یا خود به آموزش می‌پرداختند.

۷- گواهینامه علمی

موقعی که دانشجو تحصیلات خود را با موفقیت به پایان می‌رساند، به او گواهینامه‌ای داده می‌شد که «اجازه» نام داشت. گواهینامه از طرف مسجد تأیید نمی‌شد، بلکه خود استاد شخصاً آن را صادر می‌کرد؛ در گواهینامه قید می‌شد که دانشجو علم مورد نظر را مطالعه کرده و آموخته است و می‌تواند یافته‌های علمی را به دیگران نیز انتقال دهد؛ این گواهینامه‌ها به خط خود استاد نوشته می‌شد، بعضًا شامل تعریف و تمجید از دانشجو بود و به او اجازه تدریس می‌داد، همچنین گواهینامه شامل نام استاد، مهر و امضای او نیز بود و محل و تاریخ نگارش گواهینامه نیز قید می‌شد؛ در مواردی استاد نام و امضای خود را در صفحه سفید اول یا آخر کتابی که خود آن را یاد داده بود می‌نوشت، بنابراین معمولاً هر فارغ‌التحصیل دارای گواهینامه از طرف استادی بود که پیش او درس خوانده بود و تعدادی از کتاب‌های درسی او از طرف استادان مهر و امضای شد و این کار علامت موفقیت و عامل افتخار و مبارات شخصی بود.

۸- شیوه کاریابی

بعد از این که دانشجو تعدادی گواهی جمع آوری و درباره موضوع درسی خود تجربه کافی کسب می‌کرد، در جستجوی کار در مسجد، دانشگاه، دادگاه قضایی، اداره دولتی یا هر جای دیگری که از رشتۀ درسی او استفاده می‌شد، بر می‌آمدند؛ اگر چنین دانشجویی تدریس در مسجد را انتخاب می‌کرد، آزاد بود که مجلس خود را تشکیل دهد؛ فکری با استفاده از اطلاعات سیوطی می‌نویسد که تدریس در مسجد برای هر کسی که می‌خواست به این کار پردازد آزاد بود تاریخ اسلام پر از نامهای استادانی است که حلقه‌های درسی خود را در مساجد تشکیل می‌دادند و در مجلس درس آنان دانشجویان گرد می‌آمدند. به این ترتیب معلوم می‌شود که در اکثر مساجد افراد کارمند و تدارکاتی برای اداره امور وجود نداشت و اگر کسی دانش آموزی داشت، می‌توانست در موضوع انتخابی خود به تدریس پردازد.

۹- معاش استادان

با گذشت زمان، جلسات درسی برای معلمان آرزومند تدریس تشکیل می‌شد، در بسیاری از مساجد بزر ، لازم بود که از سایر استادان موجود در آن مسجد برای تشکیل حلقه اجازه نامه دریافت کرد. اما اگر استاد تازه وارد می‌توانست طلاب زیادی را به دور خود جمع و احترام استادان دیگر را جلب کند، موقعیت او با تعیین محل مخصوص جهت ایجاد حلقه درسی ثبت و در نتیجه، به او سایر تجهیزات داده می‌شد. این پول‌ها یا از خزانه دولت یا از منابع دیگری مانند بخشش‌ها و وقف‌ها پرداخت می‌شد. بتدریج پرداخت این گونه پول‌ها ضروری شد و هر حلقه وقف مخصوصی داشت «برای هر مسجد چندین وقف برای هر یک از استادان اختصاص داشت که این وقفها زمینه به کار گماردن استادان بود؛ اما یک حاکم یا هر شخص قدرتمندی در دنیا می‌توانست برای هر استادی

امکاناتی فراهم آورده و او را در مسجدی به تدریس بگمارد.

در اواخر قرن ۱۱ م، پرداخت پول از طرف مسجد برای معلمان صورت بهتری به خود گرفت و در نقاط بیشتری اعمال می‌شد، تا آن زمان امپراتوری اسلام از چهارصد سال سابقه خود برخوردار بود و از ثمرات آن بهره‌مند می‌شد.

تدریس در بعضی از مساجد به صورت حرفه کامل العیاری درآمد و در بسیاری اجتماعات، مساجدی که در آنها عمل آموزش انجام می‌گرفت، حالت و شکل دانشکده یا حتی دانشگاه را داشت، در مسجد الحرام، الازهر قاهره، جامع اموی دمشق، مسجد منصور بغداد، مسجد قیروان تونس و مسجد قرویین مراکش هزاران طلبه در جلسات درس شرکت می‌کردند. در نتیجه، تامین معاش معلمان تنها وسیله نگهداری حرفه آموزشی و دانشگاهی به نظر می‌رسید اما این امر هرگز نمی‌توانست بدون کمک و یاری معلمانتی که مخالف هرگونه پاداش و اجرتی بودند و فقط رضای خدا را می‌خواستند، انجام شود؛ گولد زیهر در این مورد به اختصار می‌نویسد: «تصور می‌شود که در اسلام نیز مانند مذاهب و ادیان دیگر، پیروان آن در اختیار دستورهای مذهبی این آیین قرار داشتند، اما با اینکه تعلیم و تربیت مجانی مذهبی می‌تواند عمل خوب و ایده‌آل باشد و با اینکه یک عده کوشیدند تا به این فکر جامه عمل پیوشنند، ولی با گذشت زمان این علم فراموش شد و عملاً قابل اجرا نبود...»، در نتیجه، پرداخت اجرت به معلمان مطابق قانون مسلمانان ضروری تشخیص داده شد.

۱۰ - هزینه دانشجویان

علاوه بر استادان، دانشجویان مدارس نیز از دریافت پول و سایر لوازم زندگی برخوردار بودند. هر چند اکثر دانشجویان خود مسئولیت هزینه زندگی را بر عهده داشتند، ولی اکثر آنان بعد از رسیدن به مقصد از امکانات رایگان برخوردار می‌شدند، این بطوره، سیاح مشهور، در بازدید خود از دمشق شاهد تسهیلات

بی‌شماری برای دانشجویان خارجی در مسجد اموی بوده است؛ در مسجد قروین مراکش، دانشجویان نه تنها از پرداخت شهریه معاف بودند، بلکه گاه پولی نیز دریافت می‌کردند.

در سال ۷۶۷ هق / ۱۳۶۵ م، شاهزاده مملوکی به نام «ایلبغالعمری» دستور داد که به هر یک از دانشجویان مسجد ابن تولون در قاهره ماهیانه ۴۰ دینار پول و مقداری گندم داده شود؛ در جامع الازهر قاهره به هر دانشجو یک واحد مسکونی داده شده بود تا دانشجویان پسر را از بعضی محلات مصر دور نگه دارند و محیط کشور خارجی و سیستم قوانین آن برای ایشان سخت و غیرقابل تحمل نباشد.

موقعیت علماء در جامعه

حکام مسلمان و مردم عامی نیز به طلب احترام می‌گذاشتند؛ داشتن عنوان «عالم» کافی بود که احترام همه را نسبت به شخص دارنده آن صفت برانگیزد که این احترام به دلیل و کوششهای وی برای کسب علم بود؛ موقعی که دانشمند معروفی وارد شهر می‌شد، دانشجویان و مردم عادی دور او جمع می‌شدند و از جلسات درسی او بهره‌مند می‌شدند. در این مورد گفته‌اند که هارون الرشید خلیفه عباسی، به دنبال دانشمندی به نام «مالک بن انس» فرستاد تا با او مجلس بحث ترتیب دهد، فرستاده خلیفه بازگشت و جواب آورد که: «فرد باید در پی دانش باشد و به دنبال علم برود و خلیفه خود به خانه مالک رفت». اعتبار و احترامی که بعضی از علماء و دانشمندان داشتند، واقعاً تکان دهنده و تعجب‌آور است.

موقعی که امام الحرمین (جوینی) در سال ۴۷۸ هق / تابستان ۱۰۸۵ م وفات یافت در نیشابور نه تنها به خواندن اشعار خود در سو او پرداختند بلکه مردم مغازه‌های خود را بستند؛ علاوه بر اینها منبر مسجد را شکستند و شاگردان او قلم و دوات‌های خود را خرد کردند.

واضح است که بسیاری از دانشمندان عالم اسلام، خود از دانشجویان و استادان مجالس درسی بودند، «شعیبی»، «حسن بصری» و «احنف بن قیس» در مساجد عراق تدریس کرده بودند، در میان فارغ التحصیلان مساجد اسپانیا، «ابن رشد»، «ابن سائق»، «ابن بسام»، «ابن باجه» و پزشک معروف به نام «ابوالعلاء زهر» بودند.

می‌گویند که خلیل بن احمد در مسجد بصره واقع در عراق درباره زبان و لغت صحبت می‌کرد و یکی از شاگردان او «سیبویه» بود که بعدها یکی از مشهورترین زبان شناسان و عربیدانان تمام ادوار شد. در بین افرادی که در مسجد «قروین» به تحصیل و تدریس اشتغال داشتند، می‌توان از «ابن خلدون»، «ابن خطیب»، «البیتروجی»، «ابن حرزمیم»، «ابن میمون» و «ابن الوزن» نام برد.

گفته می‌شود برای اولین بار در مسجد قروین بود که «ژیلبرت اوری» (که بعدها به نام پاپ سیلوستر دوم معروف شد)، با اعداد عربی و استفاده از عدد صفر آشنا شد پیدا کرد و آنها را به اروپا معرفی کرد.

مسجد و علوم جدید

اگر چه مسجد به جلب دانشجویان زیادی ادامه داد ولی برنامه و موضوعات درسی آن بتدریج حالت انجمادی و اسکولاستیک قرنهای وسطایی یافت که در مقابل علوم تازه تاب مقاومت نداشت و نسبت به علوم دنیوی تردید داشت. بتدریج آزادی فکر و اظهار عقیده شخصی از افراد صاحبنظر سلب شد. این فساد و عقب ماندگی معنوی با فروکش کردن روح و عادت سنتی مسلمانان برای تحقیق و یادگیری، سرعت بیشتری پیدا کرد و بعضی اوقات به علت تسلط نیروهای استعماری که بعد از انقراض سلسله عباسی در ۶۵۶ هـ. م. شروع شد و تا قرن حاضر ادامه داشته است - از تحقیق و تتبّع به شکل بسیار نامطلوبی جلوگیری شد. به این ترتیب، موقعی که مؤسسات جدید آموزشی و افکار جدید

به دنیای مسلمانان معرفی شد، ارتباط نزدیک بین مسجد، علم و آموزش قطع شده بود؛ مجالس درس تعداد محدودی از مساجد بزر مانند الازهر در مصر، مسجد قیروان و زیتون در تونس و مسجد قرویین در مراکش، منابع و امکاناتی داشتند که برای موجودیت خود تلاش کنند، اما حتی این مراکز درسی نیز نتوانستند موفقیت کاملی کسب کنند، تا اینکه به طور کامل قوانین و اصول آموزش عالی را پذیرا شدند؛ به این ترتیب در عمل به صورت دانشگاههای جدیدی درآمدند و با مسجد - که زمانی متعلق به آن بود - ارتباط بسیار ضعیفی داشتند.^(۱)



۱. به نقل از فصل سوم کتاب نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی.

بخش پنجم

هنر در مساجد

۱ - معماری مساجد

۲ - تجلی هنر اسلامی در مساجد

۱- معماری مساجد

ایران، جایگاه خاص در معماری جهان دارد. به طوری که پاره‌ای از شاخه‌های معماری بی‌همتای ایران سبب ایجاد شیوه‌های ریشه‌ای در معماری جهان شده است.

بدون شک معماری، با هویت ایرانی - اسلامی در معماری سایر ملل به ویژه کشورهای - اسلامی تأثیری فراوان بر جای گذشته است، تا جایی که در بسیاری موارد طرح آثار و به ویژه اجرای اصولی در این مرز و بوم پر هنر که چون گوهری تابناک در فرهنگ و علوم معماری جهان اسلام می‌تابد، سهم بسزایی داشته، اساس و قانون و ضابطه شده است.

بی‌تردید اصل نماسازی آثار ایران بحق جذب کننده قلوب انسان‌های هنرمند و هنر دوست و هنرشناسان عالم و به ویژه بندگان مخلص و مؤمن خداوند در مساجد بوده است. این هنر جایگاه بسیار عمیق، وسیع و گسترده داشته، به طوری که دانشمندان و مشتاقان ایران شناس و مسلمان و غیر مسلمان همه ساله از گوشه‌های گیتی بار سفر بر دوش کشیده و خستگی‌های فراوان را به جان خریده تا از نزدیک در اعمق زیباترین انواع کاشی‌های هفت رنگی، جالب‌ترین کاشی‌کاری‌های معرف با نقوش بسیار دلنشیں، مقرنس سازی موزون، طاسه‌سازی آونگ و دلفریب، گونه بندی‌های بس زیبا، رسمی بندی‌های بسیار پرکار،

کاربندی‌های بسیار شگرف و متنوع و سرانجام پوشش‌های طاقی سر از پا نشناخته و از دریای بی‌کران معماری بی‌همتای ایران بهره‌های فلسفی، علمی، هنری و اجرایی ببرند و از آن سیراب شوند که بی‌شک نشأت گرفته از مبانی عمیق عقیدتی اسلام عزیز است.

مسجد، عالی‌ترین جلوه معماری اسلامی

مسجد پرستشگاه مسلمانان، خانه محمد ﷺ در مدینه - سال یکم هجری ۶۲۲ - با صحن پیرامون و تالار ستوندارش مبدل به مثال اعلای «مسجد» شد که مؤمنان برای گزاردن نماز و نیایش در آن گرد می‌آمدند. عناصر بنیانی مسجد عبارت است از محل کمایش بزرگی برای اجتماع جماعت نمازگزاران، به ویژه در روز جمعه و برخوردار از چنان موقعیتی که مؤمنان بتوانند رو به شهر مقدس مکه نماز بگزارند. دیوار رو به روی مکه دیوار «قبله» نام دارد و مشخص به محرابی است که معمولاً آن را به شکل فرونشتستگی مزین در می‌آورند.

در روزگاران پیشین، محراب را با آذین‌های مفصل و پیچیده می‌آراستند.

برای نمونه در مراکش با گره چینی چوین، در سوریه و عراق با مرمر کنده کاری و شبک کاری شده و در ایران با کاشی‌های شفاف و در بردارنده آیاتی از قرآن کریم، مسجد معمولاً مشتمل است بر منبر، یا جایگاه وعظ که از طریق پلکانی بر آن جلوس می‌کنند و در کنار محراب قرار دارد. مقصوره یا محوطه‌ای در جلوی محراب که معمولاً به محجری مشبك مخصوص می‌شود و نمازگاه امام، سلطان یا والی است. مناره یا برج گونه‌ای که معمولاً در یک یا چند گوشه مسجد ساخته می‌شود و از فراز آن مؤذن بانک فراخوان به نماز بر می‌دارد، صحن یا حیاط که گردآگردهش را رواق‌ها گرفته‌اند (رواق، ایوان متوندار یا طاقگاندری با - وضوگاه است) و مدرسه، یا آموزشگاهی که افزون بر مجالس درس، غالباً در بردارنده کتابخانه‌ها و حجره‌هایی برای زیستن مدرسان و طلبه‌های دانشجوست.

زینت کاری‌های پر تفصیل مایه فر و شکوه مسجدهای جامع‌اند، ولی تقلید از آثار خداوند که آفریدن نقش زندگان نمایان می‌شود، جزو مهمات است، زینت‌کاری‌ها انتزاعی‌اند و صورت‌های هندسی گیاهان چندان از اصلشان دورند که باز نشناسختن‌اند.

قبة الصخره (۷۲ - ۶۹ هـ / ۶۹۲ - ۶۹۱) در بیت‌المقدس، یادمان معماری بسی‌همتایی است با طرح بیزانسی هشت ضلعی و گنبدی یکسره چوبین، لکن تا حدود شش سده بعد ساختن مسجدهای گنبددار رایج نبود. در ۲۶۶ هـ ق ۸۷۹ به فرمان «ابن طولون» بنیان‌گذار خاندان طولونیان در مصر، مسجدی نزدیک قسطاط از گچ و آجر و آراسته به گچبریهای برجسته با نقش گل و گیاه ساخته شد. در سده هشتم هـ ق ایرانیان طرحی نو در ساختمان مسجد در انداختند و آن این بود که چهار ایوان - نماهایی شکوهمند با طاق‌های قوسی تیره‌دار - بر گردآگرد صحن مرکزی ساختند. با رویی که به سوی مکه است، مهم‌تر و ژرف‌تر از باروهای دیگر است و محراب را در بردارد، نمونه بسیار خوبی از این ساختمان، مسجد جامع سلطان حسن در قاهره است. (۷۵۷ هـ / ۱۳۵۶) ساختمان مسجد قرطبه (کوردووا) در اسپانیا، نمودار انحراف از سبک «چهار ایوان» است. بنای این مسجد «پر ستون» در ۱۶۴ هـ / ۷۸۰ م آغاز شد و در سده چهارم هـ ق گسترش یافت تا آنکه شبستان آن با ۱۶ ردیف ستون و طاق محوطه‌ای بزرگ‌تر از هر کلیسای مسیحی را می‌گرفت. کلیسای جامع کوردووا در سال ۱۲۳۸ درست در میانه محوطه مسجد ساخته شد.

مسجدهای ایران سنت ساسانی طاقزنانی و تزیین سطوح بنا با کاشی‌های خوش آب و رنگ را به میراث بردن، به این سان آنها خصلتی متمایز یافتد که در گنبدهای پیازی شکل تیزه‌دار، مدخلهای تیزه‌دار رفیع و کاشیهای هفت رنگ پر فرّو شکوهشان جلوه‌گر است. در سده نهم هـ ق / پانزدهم میلادی و دهم هـ ق / شانزدهم، به جای شبستانهای ستوندار، اندرونیهای چهار گوش

پهناور و گنبددار نشستند که گاهی گردشان را راهروهای جانبی با گنبدهای فروتر از گنبد اصلی گرفته بودند، چنانکه در مسجد کبود تبریز (۸۴۱-۷۳ هـ / ۱۴۳۷-۶۸ م) می‌بینیم. ساختمان مسجد کبود که طرحی ذاتابیزانسی دارد با کاشی‌کاری کبود بی‌مانند پوشیده شده است.

برای کوتاه کردن این مقال و به دست دادن نمونه به بحث کلی این مقوله خاتمه می‌دهیم و نمونه ارزنده مسجد کبود را که شاهکار معماری اسلامی است به بررسی می‌گیریم.

بد نیست اشاره شود که در زمان برگزاری اجلاس «نظام اسلامی و احیای مساجد» در تاریخ ۱۹ خرداد ماه ۷۶، یکی از دانشمندانی که به ایران آمده بود، به نام پروفسور فضل الله رضا مقاله‌ای هم درباره استاد جلال همایی دارد. وی در این مقاله که در کتاب «مهرجوری و مشتاقی» وی، چاپ پژوهشگاه است، می‌گوید:

قطعه تکان دهنده «همایی» درباره «مسجد کبود تبریز» و خرابی آن، در ذهن من، همانند قصیده «هان ای دل عبرت بین» خاقانی اثر کرد... این بنای تاریخی آذربایجان را، مانند بسیاری گنجینه‌های دیگر فرهنگ باستان، ما ناتوانان نتوانستیم نگاهداری و پاسداری کنیم. اینکه سهل است اگر باد و آفتاب و دور روزگار هم در کاز خرابی کوتاهی کردن، تیشهٔ جهل ما چیزی فرو گذار نکرد و این درست همان است که با فرهنگ و سنت‌های ملی می‌کنیم.

صورت پرستان و غرب زدگانیم که چشم به کور چراغ‌های رنگارنگ دوخته‌ایم و آفتاب‌ها را چندان گل آلود کرده‌ایم که کار تمیز مشکل شده است.

ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد چراغ مرده کجا نور آفتاب کجا؟

قطعه بلند استاد همایی که حوالی پنجاه سال بر آن می‌گذرد چنین آغاز

می‌شود:

دو شم به حالتی که نصیب عد و مباد جام روان زخون جگر مال مال بود ساعت به ساعتم تن رنجور می‌بکاست لحظه به لحظه غم و اندوه می‌فزود بعد از وصف بسیار توانایی از شب تیره و دل تنگ شاعر و نیاز به تفرج و تماشا گوینده به خرابه‌های «مسجد کبود» می‌رود و می‌گوید:

این دو بلند جای که بینی کنون خراب در روزگار پیش همانندشان نبود آن یک به هشت کوشة فردوس طعنه زد و این یک به هفت گبد افلاک سر بسود در پایان قطعه بلند، گوینده نفرینی بلیغ و بسرا به متولیان فرهنگ ناشناس می‌فرستد که:

دست ستمگران که ز دولت بریده باد با داس جهل کشته پیشینیان درود زین توده جهل پیشہ نا اهل العیاز زین دیو مردمان ستمکار قل اعوذ گر صرصر بلا رسد قوم را «سناء» گو آن کند که آن کرد به عاد از دعای هود و اما «مسجد کبود» در ضلع شمالی خیابان امام خمینی شهر تبریز واقع شده است. این عمارت که به عمارت «مظفریه» نیز معروف بوده، به سعی و اهتمام (خاتون بیگم) همسر «ابوالمهر جهانشاه، پادشاه بن قرایوسف بن توره مشخان بن بیرام خواجه ترکمان» بنا شده است. جان بیگم و جهانشاه، که در سال ۸۷۲ هـ ق به دست او زون حسن آق قویونلو کشته شدند، در عمارت مظفریه مدفون‌اند.

ساختمان مسجد در ربیع الاول سال ۸۷۰ هـ ق به همت و نظارت (جان بیگم خاتون) همسر جهانشاه پایان یافته بود، ولی کار بنای دیگر عمارت‌های وابسته به آن، همچنان ادامه داشته است، اما در سال ۸۷۲ هـ ق که جهانشاه به قتل رسیده، کار تکمیل بنا تا دوران سلطان یعقوب، فرزند او زون حسن، متوقف شده است. در این زمان تبریز روی به آبادانی نهاد و تکمیل بنای عمارتهاي مظفریه نیز مورد توجه «ابوالمهر یعقوب بهادر خان» قرار گرفت و با همت و نظارت «صالحه خاتون» دختر جهانشاه بنای سقف خانقاوه و مرمت و تحکیم قسمت‌های

ناقص و فرو ریخته آن به پایان رسید. کتیبه‌ای نیز به نام سلطان وقت نوشته شد که نام «صالحه» نیز در آن درج شد.

در نیمه اول قرن یازدهم هجری «کاتب چلبی» و «اولیا چلبی» جهانگردان ترک و در نیمه دوم همین قرن «تاورنیه» و «شاردن» دو جهانگرد فرانسوی از این مسجد دیدن کرده‌اند.

«اولیا چلبی» وقتی مسجد کبود را دیده، ضمن شرح جوامع تبریز، از آن مسجد چنین یاد کرده است:

«درگاه مسجد جهانشاه بلندتر از طاق کسراست،
بنایی عالی است که با کاشی‌های زیبا آراسته شده،
گنبدهای بلند دارد، همه دور دیوار آن با کاشی‌های رنگارنگ
زینت یافته و جوامع دل انگیزی است که هر کس به درون آن
داخل شود، دلش اجازه بیرون شدن نمی‌دهد. لکن شیعه‌ها
غالباً از رفتن به مسجد خودداری می‌کنند».

«تاورنیه» هشت سال بعد از «اولیا چلبی» یعنی تقریباً ۳۳۵ سال پیش از این، از مسجد کبود دیدن کرده است. او عظمت بنای آن را ستوده و مانند نقاشی چیره دست، به قلم بیان تصویر مسجد را ترسیم کرده است و تأسف خورده که چهار، پنج جامع عظیم به علت اینکه بانی آنها سنی مذهب بوده، مورد توجه قرار نگرفته و رو به ویرانی نهاده است.

مسجد کبود، به عنوان نمونه

همان گونه که اشاره شد می‌باشد نمونه معماري اسلامي و از ميان صدھا مسجد ساخته شده به سبک معماري اسلامي اين بنا به منظور تشریح انتخاب شد، لذا لازم است قدری به هنر معماري در خود بنا پيردازيم.

بدون شک بنای مسجد کبود حیرت آور است. اين مسجد حیاط بزرگی با طاق نماهای جالب توجه داشته و در مرکز آن حوض بزرگی برای وضو ساختن قرار

داشته است. امروزه تمام این بنای عالی خراب شده و زمین و مصالح فرو ریخته آن را نیز مردم تصرف کرده‌اند.

سر در این مسجد در زمین مرتفعی بنا شده و در قسمت بالای آن قوس بیضی شکلی دیده می‌شود. در دو طرف آن ستون‌هایی متصل به بنا، به شکل مارپیچ بالا رفته و در قسمت بالایی، هلال بیضی شکلی تشکیل شده است. همه این ستون‌ها از کاشی‌های نقیس فیروزه‌ای رنگ زیبا با نقش و نگارهای خوش نما پوشیده شده است. سطوح داخلی رواق از کاشی‌های رنگارنگ مستور است؛ این کاشی‌ها به صورت قطعات کوچک بریده شده و با مهارت تمام چنان به هم متصل شده‌اند که گویی یکپارچه‌اند. در نقاشی و ترکیب رنگ‌ها به اندازه‌ای لطف و ظرافت به کار رفته که انسان، خود را در برابر تابلوی بسیار عالی پر از سبزه و گل می‌بیند. رنگ کبود زمینه، یکنواختی نقاشی‌ها را از بین برد، بدون اینکه ذره‌ای از زیبایی و لطف مجموع آن بکاهد. شاید به همین مناسبت به «مسجد کبود» مشهور شده است. این سبک کاشی‌کاری شایان مقایسه با ترکیبات هندسی خاص صنایع زمان سلجوقی و مغولی نیست و برتری و مزیت زیادی بر آنها دارد. در کوتاهی از این سر در اصلی، به عبادتگاه باز می‌شود، عبادتگاه مرکب از دو تالار بزر است که از یکدیر متمایز و هر دو سابقاً دارای گنبدهای بوده است. تالار اول با کاشی‌کاری رنگارنگ زینت یافته و تالار دوم که محراب در آن واقع شده است، با کاشی‌های هشت ضلعی کوچک تزیین شده است که رنگ مینایی لا جوردی آنها به شاخ و بر طلایی و زمینه عاج مانند کتیبه‌ها، جان می‌بخشد. کتیبه‌هایی به خط عربی نوشته شده که با شاخ، بر و گل‌ها آمیخته است.

سنگفرش کف این بنا، بسیار با شکوه و خوش منظره است. این سنگ‌ها را از معادن مجاور دریاچه ارومیه استخراج کرده‌اند که هنوز هم آسیبی ندیده و سالم مانده‌اند.

مسجد بزر مرکزی در جنوب دهلیز واقع شده است. این مسجد به شکل

مربع و طول هر ضلع آن ۱۶/۵ متر است. گنبد فیروزه‌ای بزر و معروف مسجد کبود در بالای این قسمت قرار دارد، این گنبد بود که مسجد را به «فیروزه اسلام» مشهور ساخت.

خوشبختانه این گنبد به دست معماران سنتی و با نظارت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی به طور کامل مرمت و بازسازی شده است.

طاق جناغی در ورودی مسجد در وسط دیوار جنوبی صفحه که دو متر از کوچه مقابل بلندتر است، تعبیه شده، در هر یک از دیوارهای شرقی و غربی، طاقچه‌ای باند با طرحی بدیع و کناره مارپیچی ظریف ساخته شده است. در نغول بالای طاقچه مقابله آیه شریفه «سلام علیکم طبیتم فادخلوها خالدین» و در نغول بالای طاقچه غربی عبارت «قال الله تعالى ادخلوه السلام آمنین» با خط کوفی تزیینی زیبا، کاشیکاری شده است.

انواع گوناگونی از اسلیمی و ترنج و ختایی، این مربع را احاطه کرده است، مربع بزرگی نیز از ترکیب ده ترنج بیضی گونه به وجود آمده است:

«یا باعث یا وارث، یا مجیب یا قریب، یانور یا مدبر یا فرد، و یا مرسل یا مرشد، یا قدیم یا قدیر یا باری، یارحیم، یا عزیز، یا خلاق یا وهاب، یا قدیر یا ستار، یا غافر، یا وتر یا سبوح یا بر، یا شافی یا کافی و یا باقی. در میان ترنج‌ها هشت مربع کوچک نیز طرح شده است که نوشه آنها به خط کوفی و عبارت از این قبیل نام‌های مبارک باری تعالی است:

احد، خدا، مجید، ستار، باقی، حمید، صمد، نور، در بیرون از ردیف این مربع بزر نیز چند ترنج و چند مربع دیگر موجود است که از ردیف این مربع نیز چند ترنج و چند مربع دیگر وجود دارد که نوشه‌های آنها هم نام‌های خداست.

شش مثلث نیز در حواشی تابلو دیده می‌شود که همه خط کوفی دارند و هر یک از دو «الحمد لله» به وجود آمده است.

در بخشی دیگر از این مسجد طرح جالبتری نیز از چهار «الحمد لله» با خط کوفی دیده می‌شود، یک مثمن و یک ستاره هشت پر نیز به طور متداخل در این مربع قرار دارد. این تزیین، شیوه تخمیری دارد و کاشیها در میان آجرهای ساده قرار گرفته‌اند. نوشه چهار کاشی دیگر که هر یک در مقابل یکی از اضلاع مربع واقع شده است عبارت است از:

«يا رفيع الدرجات، يام吉ب الدعوات، يا قاضي الحاجات، يا غافر السئيات.»

طرح دل انگیزی نیز با خط کوفی از عبارت «حسبی الله و نعم الوکیل» ساخته شده است این طرح در وسط دو ترنج متداخل قرار گرفته، نوشه شکل مربع دارد، تزیین داخل ترنج عبارت از اسلیمی و ختایی چند نوع گل و بوته است.

این کاشی دل انگیزی نیز در وسط آجر معمولی جا داده شده و زیبایی شگرفی ایجاد کرده است. زیبایی و تزیینات این مسجد که انسان خوش ذوق را مبهوت و واله می‌سازد، یکی دو تا نیست، در گوشه شمال غربی این قسمت از مسجد خوبی‌خوانه تابلویی کاملاً سالم قرار دارد. در وسط این تابلو مربعی از ترکیب چهار «سبحان الله» ایجاد شده است، شکل‌های هندسی گوناگون که در درون این مربع طراحی شده، به خوبی نماینگر ذوق معماران و هنرمندان آن روزگار است.

اکنون شانزده قطعه از مرمرهای ازاره و یک قطعه از مرمرهای محراب در این مسجد باقی است ولی اغلب آنها آسیب دیده و شکسته است. نوشه حاشیه آنها، آیاتی از سوره‌های نبأ، فجر و بینه است که با ثلث جلی به رشتہ تحریر در آمده و یا اسلیمی زیبا زینت یافته است. هنر حجاری و حکاکی این سنگ‌های قیمتی دست کمی از هنر ارزنده خطاطی و نقاشی آنها ندارد، نقرآن کتبیه‌ها به اندازه‌ای دقیق صورت گرفته که انسان را بی اختیار به اعجاب و تحسین وا می‌دارد. دو تالار با شبستان شرقی و غربی مسجد که در ضمن توصیف قسمت مرکزی به آنها اشاره شد از ازاره کاشی و تزیین تخمیری داشته است، اما اکنون اغلب از بین رفته و فقط نمونه‌هایی از آنها باقی مانده است.

معماری قرون ۸ و ۹ هجری قمری در ادامه معماری گذشته این سرزمین است که برخوردار از ویژگی ممتاز و مخصوص به خود است. در این دوران، تزیینات موجب فراموش شدن معماری نمی‌شود و معماری از اهمیت تزیینات نمی‌کاهد. بی‌دلیل نیست که معماری این دوره (معماری قرون ۸ و ۹ هـق) از درخشان‌ترین دوران معماری ایران به شمار می‌رود.

آقای «دیتوس اسمیت» بحق با دیدن آن شگفت زده شد به گونه‌ای که در سال ۱۳۳۸ هـ ش وقتی از این مسجد بازدید کرد، گفت:

«شگفترا در قرنی که آمریکا کشف شده، ایرانی چه عظمتی داشته است».

حال، باید از خودمان بپرسیم تاکنون به همان اندازه که به گالری‌های نقاشی و خطاطی سرکشی کرده‌ایم و به معرفی آثار نقاشان در رسانه‌ها پرداخته‌ایم، به همان میزان به معرفی مساجد و معماری آن، که زبانزد جهانیان است، پرداخته‌ایم یا خیر؟ حال آنکه معماری مساجد شناسنامه پر ارج هنرمندان مسلمان در هر دوره است.^(۱)

۱. در این مبحث از مقاله‌های ایرج تبریزی عرضه شده به اجلاس «نظام اسلامی و احیای مساجد» در سال ۷۵، استفاده شده است. آن مقاله نیز مبتنی بوده است بر:

۱- حکیمی، محمد رضا؛ دانش مسلمین.

۲- رضا، پروفسور فضل الله: مهجوری و مشتاقی، چاپ پژوهشگاه، سال ۱۳۷۵، چاپ دوم. مقاله استاد همایی و مختلف.

۲- تجلی هنر اسلامی در مساجد

الف - تعریف هنر

هنر به لحاظ جوهری و ذاتی - البته با اندکی تسامح - به دو قسم بخش‌پذیر است:

۱- هنر شهوی؛

۲- هنر شهودی.

۱- هنر شهوی

هنری که در خدمت شهوت و هوس و نفسانیت انسان است، یعنی منشأ آن نفسانیت و باز نمایاندن هوس‌هاست و خواهش‌های نفسانی غرض اوست، هنر شهوی است.

۲- هنر شهودی

هنری که منشأ آن شهود و معرفت است، عرفان و ادراک حق است، هنر اشراقی و شهودی است؛ هنر معنوی و مینوی است، زیرا متعالی ترین نمونه‌های اثر هنری همان توصیف‌هایی است که درباره مینو و بهشت و باغ برین در قرآن کریم باز گفته شده و ما برای کشف هنر دینی و هنر اسلامی باید با این نگاه، قرآن را مطالعه کنیم.

مجموعاً درباره توصیف بهشت، آنچه بیان شده است، هنری است و معماری اسلامی هم عبارت از معماری است که بر توصیف بهشت منطبق باشد،

مسجد محل تجلی مجموعه‌ای از هنرهایی است که مصدق مسلم هنر شهودی و هنر مینوی است.

به طور کلی «هنر» از سنخ خلقت، باز آفرینی و خلق دوباره است؛ به هر اندازه که هنرمند قادر باشد در بازآفرینی معنی و شیء را کما هی بیافریند، اثرش هنرمندانه‌تر خواهد بود، زیرا هنر نسخه دوم خلقت تلقی می‌شود. نسخه اول وجود حق تعالی است.

ب - توصیف هنر

هنر را صاحب‌نظران، اشک روح، چراغ جان آدمی، مسیحای عشق و تجلی شیدایی شمرده‌اند و معتقدند آدمیان را بیش از آنچه از زبانشان می‌توان شناخت، در هنرشنان جلوه گرند؛ برای هنرمند واقعی، همه هستی بانگ توحید و نغمه آسمانی و صیقل ارواح است.

هنرمند آنگاه که برای اراضی غریزه زیبا دوستی و گرایش به جمال و کمال به هنر روی می‌آورد، در واقع به ندای فطرت پاسخ گفته است.

هنرمند عدسی بزر کننده‌ای است که حقایق حیات را بزر می‌کند.

حافظ می‌گوید:

برهنجان طریقت به نیم جو نخرند

قبای اطلس آن کس که از هنر عاری است

* * *

گر در سرت هوای وصال است حافظا باید که خاک درگه اهل هنر شوی

* * *

عشق می‌ورزم و امید که این فن شریف

چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود

از طرفی «پیام هنرمند بالذت هنری قرین است، لذت هنری، ما را از جهان خاکی می‌باید و با جلوه‌ای غنی‌تر، سرشارتر و پر هیجان‌تر از هستی آشنا می‌سازد که خود، هشیارانه یا ناهاشیارانه در هوای آنیم. لذت هنری وجود روحانی ما را پر می‌کند و توقعات آن را هم بر ملا می‌سازد. سیر و تأمل هنری داروی معجزه آفرینی است برای ملال زندگی است. نه آن ملال گذرا که خاستگاهش شناخته و مرزهاش پیدا است. ملال محض که با بهروزی و خجسته روزگاری نیز همبر می‌شود و ریشه آن در خود زندگی است».^(۱)

حافظ باز هنر را این گونه توصیف می‌کند:

عاشق و رند و نظر بازم و می‌گوییم فاش
تا بدانی که به چندین هنر آراسته‌ام

مسجد نمایشگاه آثار هنری اسلام

در مساجد، نه تنها دین با هنر ملاقات می‌کند، بلکه مهم‌ترین نمودهای هنر اسلامی، معماری مساجد و ویژگی‌های بارز آن است.

صرف نظر از نزهت معنوی، این بناهای با شکوه در چشم هر مورخ نیز در خور آن است که «گالری‌های هنر اسلامی» تلقی شود. هنرمندان بی‌نام و نشانی که تمام هستی خویش را وقف ساختمان مساجد کرده‌اند، از شوق مقدسی بهره‌مند بوده‌اند. آنان با اشتیاقی وصف ناپذیر کوشیده‌اند تا بهترین تصور خود از زیبایی را در این آثار مقدس جلوه و جلا بخشنند.

حقیقت این است که معمار مسلمان در روزگاران گذشته هر زیبایی را که در اطراف خویش می‌دیده اگر آن را در خور عظمت و شایسته جلال و جمال خدا می‌یافته، سعی می‌کرده است تا به هنگام فرست، برای آن در مسجد جایی باز کند.

۱. درباره حافظ: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۴۰.

در بنای بسیاری از مساجد، هنرهاي گوناگون با هم در آميخته است.

مجموعه‌اي از جلوه‌هاي هنري را می‌توان در مساجد مشاهده کرد که از آن باید به «هنر پرستشگاهی» یا «هنر قدسی» به تعبيری، ياد کرد.

جلوه‌هاي هنر در مساجد فراوان است، همچون معماري، مهندسي، گچبرى، آجر کاري، موزائيك سازى، کاشيکاري، سفالگری، سنگ تراشى، مقرنس ساري، آئينه کاري، کنده کاري، منبت کاري، خاتم کاري، سنگاب سازى، نگارگری، خوشنويسى، تذهيب، پرتوپردازى، آواپردازى، فضا آرایى، محوطه سازى، فرشبافى و گلیم بافي.

در طول نسل‌ها و قرون و اعصار، در فاصله آفاق گوناگون، هنر اسلامي مجلجي پاك‌تر و نمایشگاهی امن‌تر از مسجد نشناخته است و اشتراك مساعي اقوام و امم گوناگون اسلامي در تكميل و تزيين مسجد با وجود حفظ خاصیت‌های ملي و محلی، نوعی بي تعلق را در معماری اسلامی سبب شده است، که البته با تمدن و فرهنگ اصيل اسلامي مناسبت تمام و تمام دارد و از مفاخر معنوی مسلمین به شمار می‌رود.

تركيب مناسب مجموعه همين عناصر است که ابنيه اسلامي را در شام، مصر، هند، اندلس و در عراق و ايران و در همه جا، قدرت و جلالی افسانه‌آميز می‌بخشد. همين مایه تناسب و هماهنگی است که «قصر الحمراء» را در «غرناطة» از ورای غبار قرن‌ها هنوز چنان جلوه و شکوهی بخشیده است که گویي به گفته «ويكتور هوگو» شاعر فرانسوی: «آن را جني‌ها مثل رؤيائي زر اندوود و آكنده از آهنگ ساخته‌اند». يا بنای «تاج محل» را در «آگره» با چنان تناسبی از زيبايان و ظرافت سرشار کرده است که هنوز هر مورخ تيز بين امروز می‌تواند درباره اين رؤييات مرمرین که به ياد مر و زندگي يك ملکه مسلمان هند بنا شده است، بگويد: «اگر زمانه عقل و هوش می‌داشت، شاید هر چه جز تاج محل بود منهدم می‌کرد و برای تيمار دل آدمی اين نشان گرانمایه شرافت انساني را بر جاي می‌نهاد».

از آنجا که هنر با «نماد» آمیخته است و نمادها ماهیت و جوهر هنر را تشکیل می‌دهند، لذا مجموعه‌هایی از هنر که در استخدام مسجد قرار گرفته، فراوان است و به نوبه خود پیام دارد، از این رو نمادهای معنی دار به شمار می‌رود.

در هنر معماری در مساجد، خطوط عمودی، افقی و منحنی، معنی دارند، ساخت گنبد، محراب، گلdstه‌ها، ستون‌ها، منبرها و مقربن‌ها، همه و همه نوعی پیام را به مخاطب القا می‌کنند، آنهم پیامهای جاودانی، فضاهای باز نیز نمادهای دیگری هستند که در ساخت مسجد مدنظر بوده‌اند.

نوعاً رنگ‌های که در ساختمان مساجد نیز به کار رفته است، همسانی خاصی را نشان می‌دهد، از قبیل: آبی، فیروزه‌ای، لاچوردی، کبود، سبز، پرتفالی و زرین، که این رنگ‌ها بیشتر در هنر مسجد و نگارگر و تزهیب‌ها و سایر مقوله‌های هنری به استخدام در آمده‌اند و صد البته که پیام دارند.

همچنین خط نوشته‌ها، نوع آنها و نوع آنها و نوع خطوط برگزیده، خطوط کوفی، که بیشتر در مساجد کهن استفاده شده و بعدها خط نسخ و ثلت ابداع شده و سرانجام خط نستعلیق نیز به کار رفته است. از جمله نمادهای دیگر، نماد نباتات گیاهی است که در تصویر سازی مسجد به کار رفته است و البته نقش‌ها و تمثال‌های ذی روح در مساجد اسلامی خلاف کلیساها، کاربرد ندارند.

در گذشته، در اسپانیا، سبک معماری متداول در ایران و شام، به نام «سبک مراكشی» شهرت یافت. بعدها فاتحان نصاری قسمتی از مساجد اندلس را کلیسا کردند. قلعه الکازار - شکل فرنگی شده «القصر» - که در اشبيلیه به وسیله - «ابو یوسف یعقوب» بنا شده، مورد توجه و استفاده شارل پنجم و «ایزابلا» واقع شد. «قصر الحمراء» که مجموعه‌ای است زیبا از باغها، قصرها و حیاطها و استخرها و ایوان‌ها در کمال شکوه و زیبایی، در «غرناطه»، نمونه‌ای از افراط در تزیین تجمل برخی مسلمین است که عاقبت آن در کلام «شارل پنجم» که آن ایوان را دیده و با نظر عبرت نگریسته گفته بود: «بیچاره آنکه این همه را از دست داده است».

در هند، این معماری باز چنان وحدت و اصالت خود را حفظ کرد که به گفته بعضی مؤرخان، انسان وقتی بنای تاج محل را در آنجا می‌بیند، نه در ایران یا اندلس، دچار حیرت می‌شود، اما از حیرت وقتی بیرون می‌آید که متوجه می‌شود دیار اسلام است نه هند و اندلس، یعنی همه جای آن وحدت است - وحدت اسلامی - چنانکه هنوز قطع منار دهلی با ۲۵۰ پا ارتفاع بعد از هفت قرن حکایت از قدرت و عظمت اسلام دارد که چگونه با طبیعت به مقابله برخاسته است و در سرزمین هند وان عظمت خود را به رخ می‌کشد، گرچه گه گاه با خشونت و قساوت امثال «قطب الدین ایبک» همراه شده است.

هنر اسلامی در مساجد همچون فرهنگ اسلامی، هم از حیث مواد تنوع دارد، هم از حیث تکنیک، حتی نقاشی و مجسمه سازی و موسیقی هم با آنکه با کراحت، اگر نه حرمت تلقی می‌شدند، در محیط تسامح‌آمیز اسلامی، فرستی برای نشو و نمای خویش پیدا کرده‌اند.

موسیقی در هنر مذهبی و دینی کلیسا، سخن آخر را می‌گوید، اما در هنر دینی و مکتبی مسجد چنین نیست، لکن سایر هنرها و نمادها در استخدام مسجدند.

نکته مهم اینکه هنر اسلامی در همه زوایای زندگی ما ریشه دوانده است. برخلاف برخی ملت‌ها و ادیان که در گوشه موزه‌ها و زوایه گالری‌ها و نمایشگاه‌ها قرار داده شده تا برخی تماشاجی به دیدن آنها بروند.

هنر اسلامی نه تنها در مسجد بلکه در متن زندگی مردم جریان دارد، در خانه و مسکن، بازار و مدرسه و مسجد و منبر و محراب و قرآن و حدیث و در قلمرو خطاطی آیات و ادعیه و قرائت قرآن و تعزیه و سوگواری و مدح و مصیبت و کتابت و صحافی و تجلید و تذهیب و لباس و پرده و ظروف و فرش و کفش و شمشیر و زره و در و دیوار و حتی غلیان و قلمدان و سرانجام در همه جا رخنه کرده است. این امر به آن سبب است که هنر دینی از «حس اجتماعی فراگیر» تغذیه می‌شود که آن: «اسلام» است و زمینه کارش هم گسترد و گستره این حس اجتماعی است.

بديهی است اگر ما در حفظ مساجد و هنرهای به کار رفته در آنها، کوتاهی کنیم آيندگان بر ما نفرین خواهند کرد که چنین گوهرها و هنرهای گرانبهای جوشیده از متن مردم و دین را به آسانی و بدتر از آن به تقلید از غرب از دست داده‌ایم.

«نيلوفر آبي» در ساخت مساجد زياد مشاهده می‌شود، گو اينکه «نيلوفر آبي» جنبه سمبليک و نمادين جهاني دارد؛ به اين معنا که كلية مذاهب نيلوفر آبي را مقدس می‌شمارند، حتى در بودائیسم و هند وايسم نیز اين گونه است. دین‌های ساخته شده دست بشر و دینهای جعلی همچون بهائیت و بابیت (نيلوفر آبي) را مقدس می‌دانند. از اين رو بزرگترین معبدی که بهائي‌ها در جهان دارند، يك «نيلوفر آبي» در دهلی نو است.

تاك و مونيز در هنر مسجد جايگاه ويژه‌اي دارد، گل بوته‌ها و اشجار نیز که در لسان قرآن مفاهيم ويژه‌اي دارند، در هنر مسجد به کار رفته‌اند.

قدر مسلم آنجه هنرمندان مسلمان در طول تاريخ در زمينه‌های گوناگون هنر پدید آورده‌اند، نمی‌تواند هنر اسلامی تلقی شود و مهر اسلام بر پای آن حک شود، اما به طور کلی هنر مسلمین که زمینه‌اش حیات فردی و اجتماعی مردم بوده به اشكال گوناگون از جمله در معماری و ساختمان مساجد بروز کرده است.

و اما نتيجه‌ای که از اين مبحث می‌توان گرفت اين است که: تمدن اسلامی به طور اجمال هنری پدید آورده است که همواره جايگاهی مهم و مرکزی داشته چشم‌انداز و نگرش اسلام مبتنی بر بعد زيبايه در زندگی را تداعی کرده و بنابر همان حدیث مشهور: «ان الله جميل يحب الجمال»، زيبايه و نيكى را به خود ذات باري مربوط ساخته است. تأكيد بر مراعات آداب و پاكيزگي ديني و حيات روزمره و نيز دستورهای صريح قرآن به درك زيبايهای خلقت و همه آنچه خداوند آفريده است، به وضوح عنایت جدي اسلام را به زيبايه نشان می‌دهد. اگر به پدیده‌های تمدن اسلامی از معماری و شهرسازی و ساختمان مساجد تا شعر و ساير صور ادبی، توجه کنیم اهمیت هنر را در جهان اسلام خواهیم دید.

شاهکارهای بزر هنری و هنر اسلامی همچون مساجد در اسپانیا، قاهره، سمرقند، استانبول، اصفهان و سایر جاهای ناشی از روح وحی اسلامی و طینی و جوهر همان روح است. این بنایها عینی‌ترین و روشن‌ترین پیام اسلام را در هماهنگی و تناسب و صفا و آرامش خود مبتلور ساخته است.

هنر اسلامی در مساجد، در طول قرون و اعصار متمادی، محیطی فراهم آورده که در آن مسلمین با به یاد داشتن دائمی خداوند و با عنایت و تأمل در باب زیبایی که نهایتاً فقط ناشی از خداوند است که به مفهومی مطلق زیبا (الجميل) است، زندگی و کار کنند. هنر اسلامی مستقیماً با روح قرآن و وحی اسلام مرتبط است، و اجتناب آن از عرضه هرگونه صورت شمايل سازانه یا تمثال پردازانه‌ای از الوهیت به همین دلیل است.

این هنر برنا پایداری این جهان و جاودانگی ماورای آن تأکید دارد. هنری که در معماری مساجد به کار رفته در پی مربوط ساختن هنر با زندگی روزمره مردم بوده است.

raig ترین تعابیر و الفاظی که در زبان عربی برای اطلاع بر مفهوم «هنر» به کار رفته است، یعنی تعابیری همچون «صناعه» و «فن» نه تنها بر هنر به معنای غربی این اصطلاح نیز دلالت می‌کرده، بلکه معنای انجام دادن خوب و صحیح هر امری را نیز می‌رسانیده است. علاوه در این اسلام همواره بر رابطه نزدیک «هنر و دانش» تأکید ورزیده و سفارش مکرر و پر سابقه بسیاری از استادان هنر و صنایع دستی در جهان اسلام بر این که هنر ناشی از ازدواج «فن» و «حکمت» است نیز همواره مؤید این معنا بوده است.

آنچه را که هنر اسلامی از تمدن‌های گوناگون همچون «ایران باستان» و «بیزانس» وام گرفته است، در پرتو وحی قرآنی دگرگون ساخته و از آنها اشکال و صورت‌های هنری کاملاً متمایزی پدید آورده است که مظاهر و شواهد آن را می‌توان در سرزمین‌های دیگر از شرق تا غرب، دید.

متأسفانه جوان مسلمان امروز آگاهی زیادی از معماری اسلامی و هنر اسلامی در مساجد ندارد. نخستین گامی که هر جوان مسلمان در این زمینه باید بردارد، این است که با سنت هنری خاص خود که بر مراتب ارزشی و فلسفه هنر خاصی، متفاوت از مراتب ارزش‌ها و فلسفه هنر موجود در غرب مبتنى است، آشنا شود. این مهم نیز از وظایف همگانی است که در مسیر آشنا ساختن جوانان مسلمان گام‌های اساسی بردارند، چراکه جوان مسلمان باید غنای سنت هنری سرشار اسلامی در معماری مساجد را بشناسد تا بتواند اعتقدات معتقدان متجددی را که گمان می‌کنند همه تمدن‌ها باید هنرهای یکسان یا سلسله مراتبی مشابه داشته باشند و مدعی اند اسلام هیچ‌گونه هنر تجسمی و موسیقی نداشته است، پاسخ گویند.

جوان مسلمان چنانچه از مواریث هنری خود و اهمیت و غنای آن آگاه باشد، می‌تواند همواره مقابل چنان اعتقداتی بایستد و بگوید که اگر اسلام هنر پیکره‌سازی پدید نیاورده یا همان اهمیتی را برای نقاشی قائل نبوده که غرب قائل است، در عوض، هم نیل به ژرفای و شکوه هنر اسلامی و معماری مساجد قاصر نمانده است. وانگهی به استثنای پیکره سازی که در شرع اسلامی، مانند یهودیت، حرام است، اسلام در محدوده هنر غیر شمایل نگارانه‌ای که هر گونه تمثال سازی و نقاشی از صورت‌های خیالی الوهی را منع کرده است، عالی‌ترین شکل هنر را عملاً در همه مقولات متصور هنر، بخصوص در زمینه معماری و بالاخص در مساجد پدید آورده است.^(۱)

۱. در این بخش از سخنان حجۃ‌الاسلام جناب آقای رشاد در اجلاس «نظام اسلامی و احیای مساجد» و کتاب «جوان مسلمان و دنبای مسجد»، نوشته دکتر ولی الله نصر استفاده شده است.



بخش ششم

احیای مساجد

۱ - مدیریت

الف) ضرورت‌ها

ب) راهبردهای اجرایی به منظور احیای مساجد

۲ - کتاب‌شناسی مسجد

الف) ضرورت‌ها

انقلاب اسلامی ایران از مساجد شروع شد، مردم در مساجد ارزش‌ها را شناختند و وظایف خود را آموختند و با حکومت طاغوتی به مبارزه برخاستند. امام خمینی رضوان الله تعالیٰ علیه به این پایگاه عظیم اسلامی عنایات خاصی داشت و در مقاطعی ضرورت حفظ و بهره‌گیری هرچه بیشتر از این ستاد اسلام را یادآور می‌شد.

«مسجد در انقلاب اسلامی ایران، مرکز انقلاب و مرکز آشنایی مردم با اسلام و وظایف شرعی آنان در جهت پاسداری از ارزش‌های والای اسلام بوده است».^(۱)

همان‌گونه که مسجد مرکز شروع انقلاب و هدایت آن بوده است، امروز برای حفظ و تداوم انقلاب ما نیاز به حفظ مساجد داریم، هر چند از نظر امام خمینی رهبر انقلاب و پیروزی ما برای اداره مسجد است.

«مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشد. این طور نباشد که خیال کنند حالا که دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کار؟ پیروزی ما برای اداره مسجد

(۱). است».

اگر این مساجد ما قوی و جنبه‌های تبلیغی و تعلیمی در آن پر رونق و این پاییگاه معنویت و اخلاق و انقلاب جاذبه داشته باشد، هیچ نیروئی نمی‌تواند به ملت مسلمان ضربه بزند و چراغ حیات امت را خاموش کند.

«اگر این مساجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد، ترس از فانتوم‌ها نداشته باشد. ترس از آمریکا و شوروی و این‌ها نداشته باشد. آن روز باید ترس داشته باشد که شما پشت کنید به اسلام، پشت کنید به مساجد».^(۲)

مسجد همان گونه که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی اولین نقش را داشته، در حفظ و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی نیز نقش مهمی بر عهده دارد. مقام معظم رهبری انقلاب با توجه به این مطلب است که می‌فرمایند:

«مساجد از جمله عواملی است که در پیروزی انقلاب و تداوم آن نقش تعیین کننده داشته است».^(۳)

همچنین می‌فرمایند:

«این جانب همه مردم، بخصوص جوانان را، به پر کردن مساجد و حضور در نمازهای جمعه و جماعات توصیه می‌کنم».^(۴)

بنابراین نظام اسلامی و مردم مسلمان باید اهتمام خاصی به مساجد، که مرکز آزادگی از قیود و بردگی غیر از خداست، داشته باشند.

۱. صحیفه نور: ج ۱۲، ص ۲۲۸.

۲. صحیفه نور: ج ۱۲، ص ۲۲۴.

۳. از بیانات مقام معظم رهبری، ۲۴ تیرماه ۱۳۶۸.

۴. از بیانات مقام معظم رهبری، ۳ خرداد ۱۳۶۹.

۱- مدیریت

با نگرشی اجمالی به تاریخ سرگذشت مساجد درمی‌یابیم که مساجد تنها برای ادای فرایض دینی نبوده بلکه علاوه بر پایگاه تجمع طبقات گوناگون اجتماع برای ادای وظایف شرعی و دینی، همواره مهم‌ترین پایگاهی به شمار می‌رفته که مردم و بخصوص جوانان و افراد ذی‌نفوذ، از این مکان مقدس استفاده می‌کرده در آنجا جمع می‌شده‌اند تا درباره مسائلی سیاسی، اقتصادی، خدماتی و غیره به‌بحث و مذاکره بپردازنند؛ از این رو پیوسته از این مکان مقدس به صورتی مردمی به‌منظور سیاست‌گذاری‌های محلی استفاده می‌شده است. از جمله در طول تاریخ، مساجد محل تصمیم‌گیری و شروع حرکت‌های اسلامی و نهضت‌ها بوده و بر عکس روزی که ارتباط با دین و مساجد ضعیف و یا قطع شده، ضعف و ناتوانی و شکست و ناکامی نتیجه حرکت و قیامی بوده است. برای نمونه می‌توان از انقلاب شکوهمند اسلامی یاد کرد که چگونه مساجد نقش سازنده و مؤثر خود را در تقویت ایمان به هدف و همچنین گردآوری طبقات گوناگون مردم، بخصوص جوانان هر دیار ایفا کردند؛ از طرفی نقش بسیار مؤثر و کارساز مساجد در دفاع مقدس، مهم‌ترین پایگاه‌های مردمی و ارتباط با مسئولان جنگ و دفاع مقدس، انکارناپذیر است.

بر کسی پوشیده نیست که مساجد مراکزی مهم برای تعلیم و تربیت و روشن‌گری افکار و ازهان عمومی مردم، تبیین مسائل سیاسی روز و دادن آگاهی به هنگام حضور در این مکان، ضمن حفظ وحدت و انسجام آحاد مردم، به شمار

می‌روند، لذا از آخرین اخبار خاص عام مطلع می‌شوند و نهایتاً مردم همیشه با شناخت از مسائل در صحنه‌های گوناگون حضور پیدا می‌کنند و نتیجه این می‌شود که امروز مساجد بعد از اتكا به قدرت لایزال الهی، حمایت‌های مردمی، از جمله تکیه‌گاه‌های اصلی نظام مقدس جمهوری اسلامی و محل تمرکز قدرت مردمی به شمار می‌روند. در جمعیت‌بندی این مقدمه باید گفت که مسجد، هم مدرسه است، هم دانشگاه، هم مرکز تفکر و تدبیر و هم مرکز تصفیه روح، هم مرکز خلوص و مرکز اتصال بندۀ با خداست، جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل می‌کند.

و اما شک نیست که مساجد باید دارای مدیریتی قوی و توانمند باشند، یعنی ائمه جماعات باید خود اوّلین برنامه‌ریز باشند تا بتوانند مساجد را هم به منظور تقویت بنیه دینی و مذهبی و هم به منظور بهره‌برداری مسائل سیاسی، اجتماعی و ارتقای میزان آگاهی آحاد مردم مهیا سازند، بنا به تعریف علمی مدیریت: «مدیریت، علم و هنر هماهنگی، برنامه‌ریزی سازماندهی، کنترل و نظارت، ابزار، افراد و منابع، به منظور نیل به هدف است».

لذا به منظور رسیدن به اهداف مذکور نیاز به پیش‌بینی، برنامه‌ریزی سازماندهی امکانات و نیروها و نهایتاً، کنترل و نظارت بر اجرای برنامه‌ریزی‌هاست. قدر مسلم همه این‌ها اداره کننده‌ای می‌طلبد که با در نظر گرفتن شرایط مکانی و زمانی مساجد، اعمال مدیریت اصولی و اساسی کند، یعنی امکانات موجود مسجد را به خوبی و به دقت شناسایی و موقع مکانی مسجد را کاملاً تجزیه و تحلیل نماید و با در نظر گرفتن ابعاد گوناگون آن، شناخت دقیقی از آن داشته باشد و گروه‌های سنی متفاوت را که با مسجد سر و کار دارند، شناسایی کند، گرایش جوانان و میان سالانی که با مسجد سر و کار دارند شناخته شوند، آنگاه با مدنظر قرار دادن کلیه مواردی که اشاره شد، برنامه‌های فرهنگی، تبلیغی، علمی، هنری و غیره خویش را پی ریزی و در حین اجرا، نقاط ضعف و قوت را بررسی کند، لکن برای فراهم‌کردن چنین زمینه‌ای توجه به مسائل دیگری به شرح زیر ضروری است:

الف: مدیر و عوامل مؤثر در جاذبه مدیریتی

۱ - موضوعات عام

متأسفانه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شکوهمند اسلامی با اشاعه فرهنگ‌های بیگانه و کم توجهی به تفکرات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی دین مقدس اسلام و مشغول کردن جوانان به برنامه‌های گوناگون تفریحی و اشباع بازار و محله‌ها حتی کوچه‌ها از وسایل و مراکز سرگرم کننده (که بسیاری از آنان هم با شئون و شعایر مذهبی و اسلامی، سنتی نداشت)، مساجد رفته‌رفته به صورت مرکزی که صرفاً به منظور برپایی نماز و مراسم ختم و خواندن روضه‌های سنتی، کارآیی پیدا کرده و اگر در گوش و کنار، فراتر از این موارد استفاده می‌شد، عوامل رژیم، حرکت و برنامه پیش‌بینی شده را در نطفه خفه می‌کردند، ولی به‌فضل و عنایت خداوند منان و رهبری پیامبرگونه امام راحل علیه السلام و شروع انقلاب اسلامی به یکباره در همان روزهای اولیه شروع نهضت، جرقه روشنی بخش در اذهان عمومی پیدا شد و توجهات به سوی مساجد جلب شد و قدرت جذبیت و رباش ایمان و اعتقاد، آحاد گوناگون مردم را به سوی مساجد کشاند و خود به خود، مسجد به پایگاه‌هایی تبدیل شدند که محل تجمع وحدت و تصمیم‌گیری بودند و دوباره حال و هوای زمان نبی اکرم اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم و زمان حکومت حضرت علی علیه السلام را که مساجد محل تصمیم‌گیری جمع مسلمانان بود، به خود گرفت به طوری که به لطف و عنایت پروردگار امروز جمعیت مراجعه کننده به مساجد، با جمعیت‌هایی که در گذشته مراجعه می‌کردند، هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی شایان قیاس نیست و این موضوع امروزه به شایستگی مورد عنایت و توجه مسئولان مربوط، قرار گرفته است و همگی متفق‌القولند که باید به این فعالیت‌هایی که در مسجد صورت می‌گیرد جهت داد و مسجد را فعال‌تر کرد.

بنابراین در فعالیت‌های عمومی مسجد، بیان نقش مسجد در ترویج معارف اصیل اسلامی، از عوامل مؤثر است و تبیین این مسئله که مسجد چگونه مکانی

است؟ قداست و عظمت این مکان چقدر و تا کجاست؟ اقوال پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام در خصوص مسجد تا چه حد است؟ مسجد چگونه می‌تواند انسان را به سیر الى الله سوق دهد، چگونه می‌تواند انسان را از پلیدی‌ها و نامردمی‌ها و جهالت نجات بخشد و سرانجام فضای معنوی و ملکوتی مسجد چگونه می‌تواند روح انسان را صیقل دهد و زنگار هر آنچه در شأن مخلوق شایسته خدا نیست، بزداید، امروزه مطرح است.

از عوامل مؤثر دخیل در فعالیتهای عمومی، بیان نقش مسجد در تبیین موضوعات اجتماعی و فرهنگی است، امروزه اگر چه به ظاهر جبهه‌ای نظامی در سرحدات کشور اسلامی ما به چشم نمی‌خورد تا نیاز به حضور نظامی داشته باشد، لکن دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی که از وجود تفکر سیاسی اجتماعی و معنوی انقلاب اسلامی بسیار وحشت دارند ناکام از توطئه نظامی، جبهه دیگری را بر ضد نظام و انقلاب اسلامی گشوده‌اند، که آن جبهه، فرهنگی است. آنان می‌خواهند با فراهم آوردن وسایل لهو و لعب و سرگرمی‌های آنچنانی، لباس‌های نامناسب و غیره، جوانان، را از راه اصلی و از مسیری که در پیش گرفته‌اند، منحرف سازند و با سست کردن ایمان و اعتقاد آنان، بین ایشان و انقلاب جدایی، بیندازند و فاصله ایجاد کنند که مؤثرترین و کارسازترین راه مقابله با این توطئه، مسلح کردن جوانان ما به مسائل اعتقادی و آگاه کردن آنان به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است اجرای این کار در محیط مسجد گیراتر از هر محیط دیگر و تأثیرگذاری آن بیشتر است و از طرفی بین جوانان و نوجوانان و طبقات گوناگون مردم رغبت بیشتری برای حضور در مساجد که فکر می‌کنند، مرکز اطلاعات‌گیری است، پیدا می‌شود و لذا حضور افراد بیشتر می‌شود.

عوامل دیگری در فعالیتهای عمومی که مدیر مسجد می‌تواند به آن جذابیت ببخشد، بیان، تفسیر، و تجزیه و تحلیل مسائل اقتصادی، بهداشتی و کلام مسائل روز است، هر شخصی در هر گروه سنی، لحظه‌ای که به مسجد قدم

می‌گذارد، درمی‌یابد که در مسجد بعد از ادای فریضه دینی و راز و نیاز و درد دل با خالق که سرلوحه امور است، به منظور بالا بردن و ارتقای سطح طبقات گوناگون مردم مسائل روز، اعم از اقتصادی، بهداشتی، اجتماعی و فرهنگی، مردم از اوضاع و احوال کلی کشور، منطقه و حتی مسائل بین‌المللی آگاهی پیدا می‌کند، جایگاه خود و کشور خود را بیشتر می‌شناسند، در جریان فعالیت‌های کارگزاران نظام و خدمت‌گزاران به مردم قرار می‌گیرند، در هر مقطعی به وظیفه خود در قبال مسائل انقلاب و نظام بیشتر آشنا می‌شوند، روح تعاون و همکاری و از همه مهم‌تر وحدت و انسجام در همه امور بیشتر می‌شود، که هر یک در جذابیت ادره مسجد مؤثر است و بیشتر شور و شوق و هیجان را در بین جوانان و نوجوانان برمی‌انگیزد.

نکته مهم در فعالیت‌های عمومی اینکه، اجرای برنامه‌هایی که ذکر شد به گونه‌ای پیش‌بینی و طراحی می‌شوند که مخل آسایش و آرامش و اوقات فراغت همسایگان مسجد نشوند، زیرا متأسفانه در بسیار موارد، مشاهده شده که بی‌توجهی به این مسائل، به همان میزان که در خدمت کردن افراد نقش دارند، در دفع افراد نیز مؤثرند و دست کم اینکه اگر زمینه رغبت و شوکی در وجود بعضی‌ها هست بی‌توجهی به این مهم مانع از شکوفایی این شور و شوق می‌شود، اهمیت و برد این مسئله تا آنجاست که متأسفانه در بسیاری از شهرها منازل و یا اماکنی که نزدیک مسجد، یا در جوار مسجد قرار گرفته‌اند، در مقایسه با اماکن مشابهی که مسجد در کنار آنها نیست، ارزش ریالی پایین‌تر و مشتری کمتری دارند، در صورتی که با توجه به فضای ملکوتی و قداست و عظمت مسجد، قضیه دقیقاً باید بر عکس باشد، یعنی همچواری با مسجد باید به صورت افتخاری عظیم در بین مردم محسوب شود و اماکن مسکونی و تجاری هر چه به مسجد نزدیک‌تر باشد؛ ارزش مادی آن افزون‌تر باشد. بدیهی است اشاعه این حرکت کاری فرهنگی حساب شده و توأم با عمل، لازم دارد که اگر نگوییم در سطح همه عوامل مؤثر در بالا بردن جذابیت برنامه‌های مدیر «مسجد» است، تأثیر آن کمتر از سایر مسائل هم نیست.

۲- موضوعات خاص

در خصوص فعالیت عمومی مدیر مسجد که همان امام جماعت است، مختصرًا توضیحاتی داده شد، لکن در تبیین این فعالیت، موضوعات خاص دیگری هستند که اداره مسجد را به وسیله امام جماعت آسان‌تر و موفق‌تر می‌کند که در زیر به پاره‌ای از این موضوعات اشاره می‌شود:

احترام به شخصیت جوانان در جذب جماعت جوان و نوجوان به مسجد، بسیار مؤثر است، وقتی جوان و یا نوجوانی احساس کند که حضورش در مسجد موجب ارتقای شخصیتی وی است و توسط امام جماعت و اهل مسجد مورد احترام واقع می‌شود، خود به خود حضور در مسجد و روی آوردن به مسجد و مراکز دینی و تبلیغی را ارزش می‌داند و سعی می‌کند روز به روز بر این حضور و فعالیت بیفزاید و بیشتر با روحانی و مؤمنان مأнос شود، که در نهایت از میزان آسیب‌پذیری این جوان و تبلیغات سوءفرهنگی دشمنان انقلاب، کاسته خواهد شد.

تشویق جوانان و نوجوانان به شرکت در نمازهای جمعه و جماعت از عواملی است که در کامیابی برنامه‌های مدیریتی مسجد مؤثر است، بعد از اینکه به جوان و نوجوانی که در روزها و ساعات اولیه ورود به مسجد احترام و اکرام قابل شدیدم و جوان احساس کرد که در پرتو حضور در مسجد و فضای ملکوتی آن شخصیتش از گذشته شکوفاتر و بیش از گذشته مورد احترام واقع می‌شود، نهایتاً با مسجد انس می‌گیرد و ارتباط برقرار می‌سازد، آنگاه می‌توان با بر Sherman در مزیت‌های نمازهای جماعات و ارتقای روحیات معنوی ناشی از آن، جوان و نوجوان را به شرکت در نمازهای جمعه و جماعات توصیه کرد. مسلمان در چنین اوضاعی یقیناً این جوان با شناختی که در خود احساس می‌کند، با شور و شوق و رغبت درونی در صف نمازهای جماعات جای می‌گیرد.

همچنین در طول سال شمار زیادی از جوانان و نوجوانان در مراکز آموزشی،

هنری، فرهنگی، ورزشی و غیره شرکت داده شوند و در مسابقات گوناگون حضور یابند و در هر محله به افراد ممتاز جوایزی اهدا شود. چنانچه مدیریت مسجد هر منطقه با مجتمع های آموزشی، فرهنگی، ورزشی و غیره در محله خود، یا آموزش و پرورش منطقه از قبل هماهنگ کند، در پایان هر مسابقه فرهنگی، علمی، آموزشی و غیره جایزه فرد برتر و ممتاز ضمن مراسمی در مسجد محله به او اهدا شود، پر واضح است که در طول سال عده زیادی از این طریق به مسجد مراجعه می کنند و چه بسا جوان و نوجوانی در همان لحظه ورود به مسجد، دلش بیشتر متوجه خدا شود و با مسجد مأنسوس تر گردد و اگر تا قبل از آن لغزشی داشته، یا کمتر به امور دینی پرداخته است، با ورود به مسجد و تأثیرپذیری از فضای معنوی آن، منقلب شود و به اصلاح رفتاری خود بپردازد. حتی اهدای پایان نامه های تحصیلی و یا دوره های فنی و آموزشی و اهدای درجات می تواند از طریق مسجد محل صورت گیرد، با اجرای این برنامه، ضمن اینکه جوان و نوجوان و نیروی میانسال جامعه ما بیشتر با مسجد ارتباط برقرار می کنند و این حرکت نقطه عطف ارتباط می شود، از طرفی به دلیل ابہت، عظمت و قداست مسجد، چنین حرکاتی بیشتر برای افراد جلوه پیدا می کند و از سویی ارزش آن هدیه و پایان نامه و یا گواهی آموزشی که به جوان و یا نوجوان اهدا می شود، نزد گیرنده افزون خواهد شد.

اجرای خطبه عقد در مسجد نیز موردی است که می تواند در جذابیت بیشتر مؤثر باشد، مدیریت مسجد با اهل محل از قبل ارتباط هایی داشته باشد تا مراسم عقد، بخصوص خطبه عقد، در مسجد محله خوانده شود.

با توجه به اعتقاد و تدین طبقات گوناگون مردم، اجرای این امور به خوبی امکان پذیر، است زیرا مردم قرائت خطبه عقد در مسجد برای شروع زندگی جدید را تبرک می دانند و یقیناً استقبال می کنند، همچنین با این کار ضمن ارج نهادن به مسجد و سنت رسول خدا ﷺ، موضوع و مکان در قالب خاطره ای خوش و فراموش نشدنی همیشه در ذهن زوجین باقی خواهد ماند و هر لحظه که خاطرات

عقد و عروسی و ازدواج در اذهان تداعی کند، فضای مسجد، معنویت و عظمت مسجد نیز بلافاصله در ذهن خطور خواهد کرد و در تریت نسل جوان بسیار ثمر بخش خواهد بود.

در مساجد، مراسم جشن‌ها و اعياد برگزار شود همچنانی که در اعياد و جشنها بين خانواده‌ها رفت و آمد و دید و بازدید صورت می‌گيرد، امام جماعت مسجد در قالب مدیر و اداره‌کننده مسجد، قبلًا در اين زمينه با افراد مورد نظر هماهنگ و با کار فرهنگی و تبلیغی مسجد را برای دید و بازدید مؤمنان با يكديگر، اعم از زن و مرد مهيا سازد و در آنجا ساعاتی را مسلمانان در کنار هم بگذرانند و جشن‌ها و اعياد را به يكديگر تبریک بگويند که در سايه اين برنامه، وحدت، يكپارچگي و اخوت بين طبقات گوناگون مردم، به وجود می‌آيد، از كينه‌ها، کدورت‌ها، نفاق و غيره که باعث جدایی و ایجاد فاصله بين مسلمان می‌شود، جلوگيري به عمل می‌آيد و اگر خلائی هست با اين کار پر می‌شود.

از موارد ديگري که بسيار می‌تواند در جذب افراد به مسجد و کاميابي برنامه‌های مدیر مسجد، مؤثر باشد، ارتباط منظم و مستمر با نمازگزاران و سرکشی به منازل نمازگزاران است، در واقع همان برخوردي که در صدر اسلام از طرف رسول گرامي ﷺ و حضرت علي علیهم السلام صورت می‌گرفت که وقتی احدی از نمازگزاران يك يا دو جلسه نماز غيبت داشت، بلافاصله آن بزرگواران احوال او را جويا می‌شدن و اگر مطلع می‌شدند که شخص مورد نظر گرفتاري دارد یا در بستر بيماري افتاده است، بلافاصله به عيادت وي می‌رفتند و در صورتی که دچار گرفتاري بود، سعى می‌كردند با مشاركت ساير مؤمنان، به رفع گرفتاري او اقدام کنند، يا اگر بيمار بود، دعا می‌فرمودند که خداوند شفا عنایت کند، در هر حال پر واضح است که چنین برخوردي از نظر روانی روحیه مخاطب را قوت می‌بخشد، نمازگزار احساس می‌کند که مأنوس شدن با مسجد و ارتباط با مسجد علاوه بر اجر معنوی و برقراری ارتباط با خالق، نزد مخلوق و بندگان خدا هم عزّت دارد، احساس می‌کند که عزتش

در پرتو برکت ارتباط با مسجد است و پیوند او با مسجد محکمتر می‌شود و از طرفی خود این فرد هم مبلغی خواهد شد و دیگران هم با دیدن چنین بخوردهایی، یقیناً شیفته مسجد و ارتباط با روحانی و مؤمنان و مخصوصاً ارتباط با پروردگار عالم می‌شوند. ضمناً شرکت در مراسم شادی و عزای نمازگزاران نیز تأثیر مشابه دارد و بر جذبیت بیشتر مسجد می‌افزاید.

ب: برنامه‌های مدیر

۱ - مراعات اوقات نمازگزاران: سعی شود برنامه‌های اضافی، مثل سخنرانی‌ها یا دعاهای طولانی بعد از اتمام نماز باشد، تا اگر کسی فرصت مناسبی به منظور بهره‌مندی از برنامه‌ها نداشت، بتواند نمازها را به جماعت بجا بیاورد و به برنامه‌های خود برسد، زیرا بی‌توجهی به مسائل گاهی باعث کم شدن جمعیت نمازگزاران می‌شود و از کیفیت سایر برنامه‌های مسجد نیز می‌کاهد و دقیقاً عکس موضوع نیز صادق است، به هر حال، توجه به این مسائل و اجرای برنامه‌های مسجد با حساب و کتاب و براساس سیستم منظم باشد، به طوری که وقت نمازگزاران گرفته نشود و نمازهای جماعات در اول وقت شرعی بدون فوت وقت، ادا گردد، یقیناً این امر به جذبیت برنامه مسجد می‌افزاید و نمازگزاران بیشتر به حضور در مسجد رغبت می‌کنند و نگرانی این را ندارند که شرکت در نماز جماعت آن مسجد ممکن است وقت آنان را بگیرد و مانع رسیدگی به کارهای روزمره شود.

۲ - از انجام دادن و اجرای برنامه‌های اضافی در مسجد خودداری شود: یعنی علاوه بر برپایی نماز جماعت، اجرای برنامه‌هایی مثل سخنرانی و یا قرائت دعاهای طولانی که از قبل اعلام و برنامه‌ریزی شده است، از برنامه‌های اضافی دیگر که گاهی بدون پیش‌بینی در بعضی مساجد اجرا می‌شود، خودداری شود تا نمازگزاران بتوانند در برنامه‌های اعلام شده و فرصتها زمانی پیش‌بینی شده از

برنامه‌های مسجد بهره بگیرند، چه بسا در بسیاری موارد، مساجد برنامه‌های ویژه‌ای اعلام می‌کنند و جمعیت زیادی هم به منظور بهره‌برداری از برنامه اعلام شده در مسجد حضور پیدا می‌کنند، لکن پس از شروع برنامه‌ها طرح مسائل حاشیه‌ای و جانبی باعث می‌شود که پس از گذشت یک ساعت از شروع مجلس، خستگی بر اهل مجلس چیره می‌شود و شرکت کنندگان یکی پس از دیگری سعی در خروج از مسجد دارند؛ در صورتی که برنامه‌های اصلی مسجد شروع نشده است، از طرفی در چنین وضعی حالت بی‌نظمی بر مسجد و مجلس مربوطه حاکم می‌شود که از کیفیت برنامه‌ها می‌کاهد و نهایتاً اهدافی که برگزاری مراسم در پی آن بود، حاصل نمی‌شود.

۳ - اقامه نماز جماعت در سه وقت اول وقت شرعی در مسجد برگزار شود:
گاهی در بعضی مساجد که نماز جماعت ندارند، یا نماز جماعت آنان مرتب، منظم و مستمر نیست، در فکر نمازگزارانی که یک یا دو بار به مسجد مراجعه می‌کنند و با این وضع روبرو می‌شوند، این طور تداعی می‌شود که نماز جماعت در مسجد برگزار نمی‌شود، ولذا سعی می‌کنند به مسجد دیگری مراجعه کنند که این موضوع موجب کم جمعیت بودن نمازها در مسجد می‌شود و آن نشاط و پویایی که باید در مساجد باشد، کمرنگ می‌شود، در بعضی مساجد، بخصوص صبح‌ها نه تنها نماز جماعت برگزار نمی‌شود، بلکه در مسجد هم به روی نمازگزاران بسته است که این وضع آثار منفی زیادی در بر دارد و باعث می‌شود که مسجد رونقی نداشته باشد.

۴ - پذیرایی مناسب در مسجد: پذیرایی در تثبت جمعیت شرکت کننده و رفع خستگی بسیار مؤثر است، متاسفانه این مورد جز در بعضی مواقع استثنایی، در برنامه‌های مسجد مورد توجه نیست و در بسیاری موارد به مناسبت‌های گوناگون، جلسات سخنرانی و یا دعا‌های طولانی بدون هیچ تنوعی از ۲ الی ۳ ساعت به طول می‌انجامد، یا بعضاً چند استکان چای، آنهم با کیفیت‌های آنچنانی

بسندۀ می‌کنند، لکن ضرورت دارد مدیر مسجد با هماهنگی با هیأت امنا، در هر مراسمی متناسب با موضوع مجلس در فرصت مناسبی، از شرکت‌کنندگان پذیرایی شود. در این صورت جمعیت احساس خستگی نمی‌کند و مجلس هم متنوع می‌شود و شرکت کننده، حوصله بیشتری به منظور استفاده برنامه‌های پیش‌بینی شده پیدا می‌کند.

۵ - به منظور جذابیت بیشتر برنامه‌های مسجد: بویژه مراسمی که سخنرانی جزو برنامه اصلی مسجد است، ضروری به نظر می‌رسد که مدیر مسجد ترتیبی اتخاذ کند تا در مورد موضوعات خاص از افراد باصلاحیت نامی و متخصص در قالب سخنران دعوت شود که جلسه بهره بیشتری داشته باشد و مستمعین این باور را داشته باشند که مراسم منعقد شده صرفاً برای رفع تکلیف نیست، بلکه مراسمی هدف دارد و عمدۀ آن ارتقای سطح علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و غیره شرکت کنندگان است و لذا در صورت ادامه این برنامه‌ها و استفاده از وجود چنین اشخاصی یقیناً در هر مراسم در مقایسه با مراسم قبل، نه تنها جمعیت افت نمی‌کند، بلکه در هر مرحله جمعیت بیشتر در مراسم حضور می‌یابند و از طرفی بهره دهی مجلس هم بالا می‌رود.

۶ - بیان و طرح خاطرات خوب علمی، هنری و غیره: که توفیق و ناکامی را دربردارد و در قالب برنامه‌های پیش‌بینی شده مسجد به وسیله جوانان و نوجوانان بر جذابیت و بالا بردن کیفیت برنامه‌های مسجد می‌افزاید، ضمن اینکه دادن فرصت بحث و طرح مسائل به جوانان و نوجوانان تأثیری مثبت در خود مجری جوان دارد، دیگران نیز سعی می‌کنند با کار و تلاش بیشتر در مجالس مسجد حضور فعال‌تری داشته باشند و بهتر خود را معرفی کنند و به دیگران بشناسانند، از طرفی با این برنامه‌ها استعدادها سنجیده می‌شود و روحیات و برخورد افراد تا حدودی مشخص می‌گردد و در موقع لزوم، بخصوص در هنگام گزینش‌ها در بیان افراد، قضاوت ساده‌تر و راحت‌تر صورت می‌گیرد.

ج: ضرورت شورای سیاستگذاری

با توجه به او صافی که از شیوه برگزاری و اجرای برنامه‌های مساجد به میان آمد و با عنایت به اینکه امام جماعت هر مسجد در قالب شخص روحانی جایگاه ویژه‌ای دارد و مردم نیز برای این عزیزان احترام ویژه‌ای قایلند، بخصوص در وضع کنونی که هر فردی از جامعه اسلامی درباره مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و غیره کشور و منطقه تفکراتی دارد که ناشی از رشد آگاهی و بینش افراد در پرتو برکت انقلاب اسلامی است، به منظور ایجاد وحدت، انسجام و پرهیز از هر گونه تنش و جدایی و ایجاد فاصله بین افراد و تعارض آراء و موضع‌گیری‌ها و سوق جامعه اسلامی در جهت اهداف برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی و توصیه‌های مقام ولایت لازم است در هر شهرستانی شورای سیاستگذاری ائمه جماعات مساجد تشکیل شود و مسائل گوناگون منطقه را تجزیه و تحلیل کند و در خصوص مسائل متفاوت، تصمیم واحدی اتخاذ کند. در برابر موضوعات خاص و عام همگن و هماهنگ عمل نمایند.

از طرفی وجود شورای سیاستگذاری ائمه جماعات می‌تواند بعد نظراتی بر عملکرد ائمه محترم جماعات داشته باشد و در صورتی که در پاره‌ای از مسائل دربر برخوردها و موضع گیریها یا اداره مساجد، نقاط ضعفی مطرح بود، شورا بتواند تا قبل از تبدیل نقطه ضعف به مشکلات حادتر، جلوی آن را بگیرد و نواقص و نارسانی‌ها را اصلاح کند.

د: ضرورت تأمین آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ائمه محترم جماعات

با عنایت به تحولی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مساجد پیدا شده و انتظاری که مردم از امام جماعت هر مسجد دارند، توقعی که از برنامه‌های مسجد در اذهان عموم مردم موجود است، لازم است به منظور برپا کردن برنامه‌های مسجد و پویایی آن اقدام کرد.

ابتدا و قبل از هر چیز امام جماعت مسجد، مجهز به اطلاعات عمومی، حداقل در حد مراجعه نمازگزاران باشد و از سیاست‌های دولت، موضوع‌گیری‌های نظام، دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و شخصیت‌های برجسته روحانی کشور و منطقه، برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و غیره اطلاعات اجمالی داشته باشد تا بتواند هم در تحلیلها مورد استفاده قرار دهد و هم در موضوع‌گیری‌ها و اظهارنظرها صائب باشد. این کار با تهیه بولتن‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره امکان‌پذیر است و می‌توان از این طریق از ائمه محترم جماعات در مساجد پشتیبانی فکری و عقیدتی و اطلاعاتی کرد، هر چه امام جماعت یک مسجد اطلاعات بیشتری و به مسائل روز آگاهی بیشتری داشته باشد، از طرفی اظهارنظر و موضوع‌گیری وی در بین طبقات گوناگون اجتماع خریدار بیشتری دارد.

مردم احساس می‌کنند که گفته و توصیه و حرکت و مواضع او با بینش و آگاهی است و لذا جماعت، تأثیرپذیری بیشتری از وی دارند.

ه- ضرورت ارزشیابی

ارزشیابی در کار و عملکرد مساجد کار بس دشوار و سنگینی است و اجر و پاداش فعالیتهای انجام شده را تنها خداوند قادر می‌تواند عنایت کند، لکن به لحاظ اینکه نظارتی بر کار ائمه محترم جماعات باشد و مدیران مساجد هم احساس کنند علاوه بر اینکه شرعاً باید متعهد و احساس مسئولیت نمایند، عملکردهای مورد ارزیابی است، لذا سعی می‌کنند به منظور تحقق امور گوناگون، چارچوب داشته باشند، در این وضع، حالتی رقابتی بین مساجد پیش می‌آید و هر مسجد سعی می‌کند بهترین و بامحتواترین برنامه‌ها را داشته باشد، پس از جمع‌بندی عملکرد مساجد می‌توان به نقاط ضعف و قوت مساجد پی برد و همچنین هر مسجدی می‌تواند از تجربه مدیریت مسجد دیگر بهره بگیرد، خلاصه اینکه ارزشیابی عملکرد مساجد عامل بسیار مهمی در بالا بردن کیفیت

برنامه‌های مسجد، شتاب بخشیدن به فعالیت‌ها و غیره به شمار می‌رود، از مواردی که می‌تواند ارزیابی شود این است که در هر مسجد اعضای مسجد با بازار محدود، مسجد به گونه‌ای از قبل هماهنگ کرده باشند که بلافاصله پس از بلند شدن صدای ملکوتی اذان، تمام فعالیت بازار تعطیل و افراد نیز به منظور اقامه نماز به مسجد مراجعه کنند. یعنی محدوده محله‌ای مسجد به گونه‌ای باشد که به هنگام وقت شرعی نمازها یکپارچه تعطیل و از تجربیات امام و مأمورمان مسجد موفق برای سایر مساجد استفاده شود.

و: توسعه شهرها و نقشه جامع آنها با محوری بودن مسجد

با توجه به فرازهای یاد شده که به بیان شمۀ‌ای از نقش مساجد و محوریت آن در مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بخصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته شد و با عنایت به نقش مساجد در پیشبرد اهداف مورد نظر می‌طلبد که در بحث توسعه شهرها، از جمله امکانات کافی برای احداث هر منطقه مسکونی یا شرکت‌های کوچک و بزر در حاشیه شهرها به تناسب جمعیت و استعداد توسعه آن منطقه یا شهرک، مسجد وجود داشته باشد تا جماعت ساکن بتوانند علاوه بر ادای فرایض دینی سایر فعالیت‌های گروهی و جمعی خود را انجام دهند؛ عملی شدن این برنامه توجه به مواردی را می‌طلبد که ذیلاً اشاره می‌شود:

- ۱ - لازم است به کلیه دستگاه‌های اجرایی اعم از دولتی یا بخش خصوصی که در خصوص شهرک‌سازی یا ساخت اماکن مسکونی به صورت انبوہ فعالند موکداً تأکید شود که محل مناسبی با توجه به ابعاد توسعه محل، مورد نظر قرار گیرد تا در آن مسجد بنا شود و با مشارکت‌های مردمی همگام با ساخت سایر کاربری‌ها و همزمان با شروع استفاده از واحدهای مسکونی و اماکن از مسجد استفاده شود.
- ۲ - در ساخت مساجد سعی شود به منظور بالا بردن جذابیت و زیبایی فضای مسجد ضمن مراعات سبکهای معماری سنتی که مورد استفاده اماکن

مذهبی است، فضای سبز مناسب و مکان‌های مورد نیاز به تناسب فعالیت‌های مسجد مثل حسینیه، خانه خادم، خانه عالم، اتاق صوتی، پایگاه مقاومت، نمای زیبا و مناسب و غیره مد نظر قرار گیرد، به طور خلاصه شیوه ساخت مساجد طوری باشد که در بین هر منطقه جلوه خاص و زیبای خود را نمایان سازد و سنبل زیبایی هر منطقه باشد.

۳ - در خصوص وضع فعلی مساجد موجود که بسیاری از آنان قدیمی است، لازم است مدیریت هر مسجد با پیگیری و جذب مشارکت‌های مردمی، در بازسازی، ترمیم و توسعه مسجد، به تناسب منطقه اقدام شود، زیرا متأسفانه در بسیاری موارد در گوشه و کنار شهرها مشاهده می‌شود که ساخت اماکن مسکونی به طور متراکم جلو می‌رود و نهایتاً افزایش جمعیت در حد چشمگیری صورت می‌گیرد، لکن مسجد تغییری نکرده است، به این دلیل به هنگام ایام مذهبی و یا برگزاری مراسم و نمازهای جماعت، عمدتاً مساجد با کمبود فضا برای پذیرش افراد رویرو هستند که اقدام یاد شده گامی به منظور رفع این مشکل خواهد بود.

۴ - فعال کردن مراکز علمی از جمله کتابخانه در کنار مسجد، از موارد بسیار ضروری است که باید در ساختار مساجد به آنها توجه دقیق شود.

ناگفته پیداست به منظور پیاده کردن پیشنهادهای یاد شده، اولین نقش مؤثر را مدیریت و امام جماعت مسجد ایفا می‌نماید که باید با برنامه‌ریزی‌های لازم زمینه توسعه را فراهم سازد و مشارکت‌های اجرایی و مردمی را جذب و جلب نماید که در این خصوص نیز پیشنهاد می‌شود:

۱ - ۴) ائمه محترم جماعات به طور مستمر و مرتب تناسب مسجد و منطقه را با محدودیتی معین، در دست بررسی و مطالعه داشته باشند و در هر مقطعی که احساس نیاز به توسعه پیدا شود، با هماهنگی با عوامل اجرایی اقدام کنند.

۲ - ۴) به منظور هماهنگی با بافت و سیستم شهری و منطقه‌ای ائمه محترم جماعات هر شهر و دیار با مسؤولان منطقه، حداقل یک بار جلسات هماهنگی

منعقد کند؛ و مسائل و موارد اجرایی و توسعه مسجد را جمع‌بندی نمایند و درباره بخشی از مسائل که مستلزم دیدگاه فنی و اجرایی و برنامه‌ریزی اجرایی است، به بحث پردازند تا بعد از تجزیه و تحلیل به نتیجه برسند.

۳ - ۴) ائمه محترم جماعت‌ها در قالب مدیران مساجد از اعمال سلیقه‌های شخصی در تغییر نما و فضای مساجد به طور جدی خودداری نمایند و قبل از انجام دادن عملیاتی با صاحبان فن و صاحب‌نظران مشورت بکنند تا فعالیت‌های انجام شده بیشتر مورد بهره‌برداری و استفاده باشد.

امروزه ساختار مساجد بخصوص مساجد قدیمی و سنتی، از جمله مشکلاتی است که باعث می‌شود جوابگوی برنامه‌های پیش‌بینی شده فرهنگی، هنری، آموزشی و غیره نباشند. در این مساجد که محلی برای انجام دادن فعالیت‌های اجتماعی عمومی در زمینه‌های یاد شده نیست و اگر هم به ناچار از صحن مساجد در قالب محل انجام دادن کار استفاده شود، بسیاری از علاقه‌مندان به علت بعضی مسایل شرعی از حضور در صحن مسجد بهنگام اجرای برنامه، اکراه دارند و احتیاط می‌کنند، بر عکس، در مساجدی که حسینیه یا محل جدایی در کنار مسجد برای و اجرای فعالیت‌ها و برنامه دارند جمعیت چشم‌گیر‌تر است. بنابراین از جمله وظایف مدیریت مسجد توجه به این قبیل مسایل است و باید با مشورت صاحب‌نظران هر مسجد به تناسب فضایی که در اختیار دارد در این زمینه‌ها طراحی و اقدامات لازم داشته باشد، تا بتواند از این طریق بر جذابیت مساجد بیفزاید.

ز: روابط عمومی

عمدتاً بحث روابط عمومی نه تنها در مسجد، بلکه در هر تشکیلاتی در بهبود برنامه‌ها و حفظ و حراست از جایگاه‌های هر تشکیلات نقش عمدی و حیاتی دارد، هرچه روابط عمومی قوی باشد یعنی ارتباط بین مسئول و مدیر یک دستگاه با

طبقات گوناگون محکمتر باشد، به همان میزان کامیابی بیشتر می‌شود، زیرا با داشتن ارتباط عمومی بر اطلاعات مسئولان افزوده می‌شود. از این اطلاعات می‌توانند در برنامه‌ریزی‌ها استفاده کامل و وافر بکنند، بویژه اینکه مسجد نهادی مذهبی و عمومی است، متعلق به شخص و یا گروه خاص نیست، در شبانه‌روز هر کسی می‌تواند به مسجد مراجعه نماید، بنابراین مقوله ارتباط عمومی در اینجا نقش اساسی‌تر دارد، در مقایسه با سایر موارد حساس‌تر و نتیجه آن کار سازتر است، بنابراین ائمه محترم جماعات باید در این خصوص کاملاً مراقب باشند که از میزان این ارتباط نه تنها کاسته نشود، بلکه روز به روز افزون‌تر گردد و ارتباط با نمازگزاران بیشتر شود. در این راستا توجه به مسائل زیر مؤثر خواهد بود:

۱- با توجه به تمایلات روحی نمازگزاران برنامه‌ها را تنظیم نماید که در چنین اوضاعی نمازگزار احساس کند نظرش در برنامه‌ها لحظه می‌شود و احساس تعهد و مسئولیت می‌کند و در کارها مشارکت بیشتری دارد، با این کار زمینه تقسیم وظایف و امور مسجد به گروه‌های کاری گوناگون فراهم می‌شود، از قبیل بسیج، انجمن و یا گروه فرهنگی مسجد، انجمن ورزشی مسجد، انجمن خدمات اجتماعی و غیره.

۲- به گونه‌ای با نمازگزاران و مردم محله مسجد، برخورد نماید که طبقات گوناگون خود را نزدیک به او بدانند، تا حدی که حتی به خود جرات دهنده مسائل محروم‌انه شخصی خود را هم با امام‌جماعت محل در قالب مرجعی رازدار در میان بگذارند، در ایامی مثل اعیاد به خانواده‌های ساکن در محدوده مسجد سرکشی شود. به منظور جذب جمعیت بیشتر به مسجد از طریق ارتباط عاطفی با مردم در دیدارها بیشتر کسانی را مورد توجه قرار دهد که کمترین ارتباط با مساجد را دارند، به این وسیله می‌توان افراد و اشخاص بیشتری را با مسجد مانوس کرد.

۳- با نمازگزاران ابراز همدردی شود، بخصوص در گرفتاری‌ها، مساجد غمخوار و یاور آنان باشد.

۴ - حضور در بین مردم، حضور ساده و مردمی باشد، از هرگونه تجمل‌گرایی پرهیز شود، زیرا مردم احساس می‌کند صمیمیت قلبی وجود ندارد و باعث دفع مردم می‌شود.

۵ - امام جماعت مسجد باید در انتخاب و نصب نیروهای خدمتگزار مسجد بخصوص خادم مسجد نهایت دقت را به خرج دهد و از افرادی استفاده نماید که اولاً مشهور به خوش‌نامی باشند، دارای خلق خوش باشد تا بتواند با نمازگزاران آن گونه که توقع و انتظار هست، برخورد نماید، به مسایل تا حدودی آگاه باشد، از ورود نوجوانان و خردسالان به مسجد جلوگیری نکند، بلکه بالعکس جذابیت داشته باشد و دارای نیروی جسمی نسبی باشد که در تنظیف مسجد بخوبی از عهده کار برآید.

۶ - امام جماعت باید با نیروهای بارزش انقلاب شکوهمند اسلامی، از جمله ایثارگران (بسیج و رزمندگان، خانواده‌های معظم شهدا، آزادگان، جانبازان) رابطه نزدیک و تنگاتنگ برقرار سازد، هرچه در این زمینه بیشتر با این عزیزان و خانواده‌های محترم‌شان مأнос شوند، در زمینه جذب، موفق‌تر و دیگران هم از این برخورد، تأثیرپذیرتر می‌شوند.

۷ - همان‌گونه که از جایگاه امامت جماعت مسجد انتظار می‌رود باید مراعات مسائل اخلاقی، اجتماعی و معنوی بشود و امام جماعت از هر لحاظ الگو باشد. با عنایت و توجه به جایگاه شخصی امام جماعت در صورتی که خدای ناکرده رفتاری خلاف شؤون اسلامی، عرفی و اجتماعی از او سرزند که از دیدگاه عموم مردم نمود منفی داشته باشد، در دفع مردم از مسجد، بسیار مؤثر است، چه بسا در بعضی افراد این برخوردها تأثیر عمیق‌تر بگذارد و برای همیشه از دین و مقدسات بری شوند.

۸ - در ساخت مسجد دقت شود که به هر طریق ممکن محلی برای کسب درآمد ثابت و دائم برای مسجد ایجاد شود، تا از جمع‌آوری کمکهای مالی در

مسجد که از عوامل بازدارنده است، خودداری شود، در این مورد امام جماعت مسجد لازم است به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که بجز در موارد کلی و ضروری، آنهم با برنامه‌ریزی کامل و دقیق از جمع‌آوری وجه در مساجد خودداری گردد و مسجد حالت گداپروری به خود نگیرد.

۹ - در انتخاب هیئت امنای مسجد دقت لازم معمول شود تا اعضای هیئت از افراد منطقی و باسواد باشند، همچنین از افراد مطلع و آگاه به مسائل به منظور عضویت دعوت شود که هر عضوی خود مجری برنامه‌های مسجد باشد، مهمتر اینکه در برنامه‌ریزی‌های مسجد نیز خود، نقش اصولی داشته باشد.

ح: مدیریت سیاسی، اجتماعی امام جماعت مسجد

نکته مهم‌تر بحث مدیریت سیاسی اجتماعی امام جماعت مسجد این است که امام جماعت باید ارزش‌های انقلاب را پاس دارد. خدمتگزاران به انقلاب را خادم باشد. مسائل گوناگون انقلابی با برنامه‌ریزی‌های پیش‌بینی شده، برای مردم و بخصوص قشر جوان، تجزیه و تحلیل کنند، انگیزه‌ها و اهداف انقلاب را در ضمن دوره‌ای مناسب برای نمازگزاران تشریح نماید و جوانان و نوجوانان را با موضوع انقلاب آشنا سازد.

پایبندی مخلصانه وی نظام اسلامی برای همگان آشکار باشد و در تمام سختی‌ها و مباحث جایگاه عظیم ولایت فقیه را که مشروعیت نظام مقدس نظام مقدس جمهوری اسلامی در پرتو آن ممکن است، تشریح نماید، رهنمودهای رهبر عظیم‌الشأن انقلاب را نه تنها در تعریف و توضیح و تفسیر بخوبی بیان نماید، بلکه در عمل نیز از عاملان بی‌چون و چرای رهنمودها باشد که طبیعتاً در افزایش جذابیت مدیریت و مسجد تأثیری ویژه خواهد داشت.

مدیریت مسجد باید دارای بینش سیاسی و اجتماعی کافی و به مسائل آگاه باشد، زیرا مردم امام جماعت را مرجع خود می‌دانند. دیدگاه و بینش او برای مردم

اسوه و الگو باشد تا بسیاری از اوی تقليد کنند، چرا که عمل او را حساب شده می‌دانند، بنابراین مهم، او باید برخوردش را با شناخت تنظیم کند.

امام جماعت مسجد باید معتقد به اسلام ناب محمدی ﷺ باشد تا بتواند با این باور، اسلام را با همه جوانب و تفکرش به مردم بشناساند، در این صورت کلامش برای مستمع نافذ و گیراست، برخوردهایش آنگونه که لازم و کارساز باشد، تنظیم گردد، یقیناً در چنین وضعی جذایت برنامه‌ها به حد ایده‌آل خود می‌رسد و عکس این مطلب هم صادق است.

موقعیت امام جماعت در قالب مدیر مسجد باید در راستای سیاست‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی باشد که هم از تفرقه و جدایی جلوگیری شود و هم بر وحدت، انسجام و یکپارچگی بین طبقات گوناگون اجتماع مردم بیفزاید و هم از گمراه شدن افراد کم‌سواد و ناآگاه و بیگانه با مسائل پرهیز شود.

امام جماعت مسجد در قالب مدیر و اداره کننده مسجد باید قوی و امین باشد، در تصمیم‌گیری‌ها دقت شود و در تصمیم خود استوار باشد، از تأثیرپذیری‌های بی‌مورد شخصی به دور باشد، در امانتداری زبانزد خاص و عام باشد در صورت وجود این شروط، حرف و عملش نافذ است، در غیر این صورت، عame مردم او را با چشم دیگری می‌نگرند، سخشن کم‌اثر و عملش غیرصواب در بین مردم جلوه می‌دهد.

امام جماعت هر منطقه باید برخوردهای خوب و حساب شده با مردم داشته باشد در بین مردم و در واقع در دل و قلب مردم جایگاه داشته باشد، در بین طبقات گوناگون اجتماع نفوذ داشته باشد و در صورت وجود چنین اوضاعی امام جماعت مسجد رسالت مدیریتی دیگر خود را که رفع اختلاف بین نمازگزاران، رفع اختلاف خانوادگی آنان و فراتر از همه، رفع اختلاف شخصی و خانوادگی است، بخوبی انجام دهد. پس میانجی‌گری و پیشنهادهای اصلاحی وی برای مردم اهمیت دارد، زیرا مردم شناخت کلی از امام جماعت دارند، به یقین می‌دانند

که قضاوت او به منظور اصلاح و بهبود کار است، لذا با این روند، امام جماعت به راحتی می‌تواند نقش خوب و مثبتی را در حل مشکلات ایفا کند.

امام جماعت در قالب یک محور در هر منطقه در جریان‌های گروهی باید کاملاً مستقل عمل نماید و همه طبقات و گروه‌ها را زیر چتر و پوشش خود داشته باشد، در جریانات گروهی پر واضح است که امام جماعت محل و منطقه نباید از دیدگاه خاصی حمایت و دیدگاه‌های دیگر را وارد و با افراد قطع ارتباط کند، و یا در مقابل آنان موضع بگیرد، یقیناً آنها هم بفکر مقابله و موضع‌گیری خواهند افتاد. لذا در چنین اوضاعی به تجربه ثابت شده است که محوریت امام جماعت رفته‌رفته کمرنگ می‌شود و نقش اساسی خود را بخوبی نمی‌تواند ایفا نماید. مثلاً در جریان انتخابات مجلس شورای اسلامی باید نقش خود را در قالب دعوت کلی و عمومی از مردم به منظور حضور در شعب اخذ رأی و ضرورت پشتیبانی از طبقات و گروه‌های گوناگون مردمی، ایفا کند و اکیداً از جانبداری شخصی و گروهی خاص بپرهیزد، اگر هم دیدگاهش با یکی از طرفین هماهنگ بود، به گونه‌ای برخورد کند که از حرکتش، سخن‌ش و حضورش در بین مردم استنباط نشود که گروهی عمل می‌کند، چراکه اگر چنین شد، به طور طبیعی عده زیادی از مردم از دور و بر او پراکنده می‌شوند و با او به مقابله بر می‌خیزند و طبعاً این مهم در تمام امور مسجد و برنامه‌ریزی‌های تبلیغی اثر سوء می‌گذارد، از همه مهم‌تر اینکه طرفداری و جانبداری یک طرفه امام جماعت به وحدت لطمه می‌زند و موجب اختلاف و درگیری می‌شود، لذا توجه به این امر ضروری است که مقام و جایگاه ائمه محترم جماعات بسیار والاتر و برتر از این امور است و در حفظ و حراست از چنین جایگاهی باید تمام توان و تلاش را به کار برد.^(۱)

۱. بهاروند، محمد: نقش مدیریتی امام جماعت در شؤون مختلف مسجد، خردادماه ۱۳۷۶، اجلاس «نظام اسلامی و احیای مساجد» توضیح آنکه این مقاله با دو بار جرح و تعدیل و ویرایش درج شده است.

ب) راهبردهای اجرایی به منظور احیای مساجد

۱ - تقویت روحیه مشارکت مردم در فعالیتهای جمعی مساجد، که در این زمینه لازم است. تبلیغات صحیح و دامنه‌داری به منظور نشان دادن قدرت مساجد و بهره‌برداری‌های چند منظوره از آن صورت گیرد، البته سنت بهره‌برداری چند منظوره از مساجد، ابتکار حضرت رسول ﷺ در صدر اسلام بود که برای پیشبرد اهداف اسلام، مسجد را تبدیل به مرکز سیاستها و امور اجتماعی و تبلیغات اسلامی کرده بودند، چنانکه خود حضرت رسول ﷺ در فضای مسجد به حل و فصل مسائل مسلمین و تشکیل شوراهای گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و غیره اقدام می‌کردند.

امروز نیز وظیفه اسلامی مسلمین حکم می‌کند سیره حضرت رسول ﷺ را ادامه دهند و به مساجد در قالب پایگاه اسلام، اهمیت دهند.

در این باره همانگونه که بیان شد، لازم است که تبلیغات جدی‌تر و دامنه‌دارتری از سوی مسئولین ذی‌ربط با هدف نشان دادن قدرت روحی و معنوی مساجد و جایگاه این پایگاه در اسلام اتخاذ شود.

همچنین در اجرای این هدف، لازم می‌آید که مسئولین مساجد، برنامه‌های گوناگونی به منظور تقویت روحیه مشارکت مردم در مساجد به اجرا در آورند؛ از جمله تشکیل شوراهای محلی در مساجد با هدف حل و فصل مشکلات

اجتماعی - فرهنگی و سیاسی و غیره در هر محله، نظر خواهی از مردم و مشورت با آنان؛ این شوراها باید در دوران مختلف سنتی در مساجد هر محله و با اهداف و سازماندهی معین و منظم بر پا شود.

امام جماعت هر مسجد به صورتی فعال به برنامه‌ریزی امور مسجد می‌پردازد و هر روز را به امری خاص در مسجد اختصاص می‌دهد؛ در این زمینه حتی می‌توان از مشاوران امور خانوادگی نیز در مساجد بهره جست و با جذب خانواده‌ها در این مجالس و محافل و دعوت از کارشناسان امر یا خود ائمه جماعت مساجد، بسیاری از مسائل خانوادگی در هر محله را حل کرد.

امام جماعت هر مسجد باید با مردم همان محله زندگی کند و در مسائل و مشکلات آنان شریک باشد، علاوه بر این، امام جماعت مسجد باید اطلاعات کافی داشته باشد و اطلاعات خوبیش را نیز در زمینه‌های گوناگون علمی - احکام فرهنگی و سیاسی و غیره تقویت کند.

۲ - انتشار نشریه‌ای کاربردی که حاوی مطالبی به منظور شناساندن فرهنگ اصیل اسلامی، هنر اسلامی، معرفی فعالیت‌های فرهنگی - سیاسی و اجتماعی وغیره مساجدد رسطح کشور و دیگر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی جهان، باشد.

۳ - انتخاب هر ساله مسجد نمونه و مدیران نمونه مساجد و معرفی فعالیت‌های مساجد کشور از طریق رسانه‌های گروهی.

۴ - ایجاد و گسترش کلاس‌های متفاوت در مساجد در زمینه‌های گوناگون اسلامی و فرهنگی به منظور جذب جوانان به مسجد.

۵ - همکاری سازمان‌ها و ارگان‌های گوناگون کشور به منظور تأمین امکانات مورد نیاز مساجد و کمک و همکاری با مساجد.

۶ - تهیه امکانات و تجهیزات فرهنگی در مساجد از قبیل: تشکیل نوارخانه (حاوی نوارهای کاست و ویدئویی آموزشی در زمینه‌های مذهبی، احکام، فرهنگی

و اجتماعی و غیره) وسایل صوتی و نیز لزوم تشکیل کتابخانه‌های مجهز در هر مسجد به منظور تغذیه فکری، معنوی و فرهنگی همه گروه‌ها.

۶- لزوم آگاهی دادن به مردم و جوانان در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و ارائه تحلیل‌های منطقی در مساجد.

۷- برنامه‌ریزی‌های طولانی و دراز مدت به منظور تقویت و رایج کردن ایمان در نوجوانان و جوانان.

۸- تشکیل کانون‌های گوناگون دانش آموزی، دانشجویی و صنفی جوانان در مساجد و برنامه‌ریزی‌های منظم به منظور اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌های متفاوت هنری و فرهنگی و مذهبی به مناسبت‌های گوناگون.

۹- تشکیل نمایشگاه‌ها و نیز برگزاری مسابقات فرهنگی از قبیل نقاشی، طراحی، خاطره‌نویسی، خوشنویسی، مفاهیم قرآنی و غیره در زمینه‌های متفاوت و مقاطع گوناگون سنی، این مسابقات می‌توانند در چند مرحله برگزار شود. مرحله مقدماتی این مسابقات در کلیه مساجد شهرستان‌ها برگزار شود و برگزیدگان این مرحله به مرحله استانی و سپس کشوری راه یابند.

با این کار می‌توان علاوه بر جذب جوانان و نوجوانان به مساجد کشور، آنها را با آیات و مفاهیم متعالی قرآنی و اسلامی نیز آشنا کرد.

در این زمینه لازم است که تبلیغات هدفداری در سطح مساجد محله با مدیریت مدیران مساجد، صورت گیرد.

۱۰- شناساندن نقش و جایگاه مساجد به دانش آموزان در مدارس، برگزاری برنامه‌های فرهنگی در این امتداد و ترغیب دانش آموزان به شرکت در این امور.

۱۱- تشکیل کلاس‌های تقویت درسی در مساجد و استفاده از معلمان و مریبان مؤمن، متعهد و متخصص حزب الله داوطلب در این کلاس‌ها.

تعهد و ایمان معلمان در این کلاس‌ها مهمترین عامل به شمار می‌رود، زیرا از

این طریق می‌توان علاوه بر تقویت وضع علمی دانش‌آموزان، آنان را با فرهنگ اسلامی و قرآنی و ملی و فرهنگی کشورشان آشنا کرد و به حضور در مسجد ترغیب نمود.

۱۲ - توجه بیشتر به وضع امکانات رفاهی و بهداشتی مساجد.

۱۳ - تکریم از خادمان مسجد.

۱۴ - اقامه نماز صبح در مساجد.

۱۵ - برپایی اردوهای گوناگون فرهنگی و مذهبی از سوی مساجد.

۱۶ - تشکیل اردوگاههای مسجد در شهرهای گوناگون.

۱۷ - گسترش برگزاری مجالس جشن و مولودی ائمه و غیره در مساجد.

۱۸ - گسترش دفاتر قرض الحسن در مساجد.

توجه به این نکته لازم است که هیچ چیز بیشتر از خالی شدن مساجد از نسل جوان باعث شادی دشمنان اسلام و انقلاب نمی‌شود، دشمنان اسلام با هزاران ترفند در آرزوی چنین روزی به سر می‌برند که مساجد از نسل جوان خالی شود.

بیاید مسئولیت‌های خود را در قبال ترفندهای شیطانی دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب بشناسیم و بشناسانیم و در پی عمل به آنها بر آییم و ارزش‌های اسلامی را آن گونه که باید در جامعه برپا داریم؛ تا ان شاء الله روزی را شاهد باشیم که به برکت این ارزش‌های اسلامی، حاکمیت خدا بر تمام ارض مستقر شود و راه بندگی توام با امنیت تمام ملل جهان در سایه عمل به فرامین مقدس اسلام تحقق باید.

۲- کتاب‌شناسی مسجد

مجموعه پیوست، مشخصات حدود دویست عنوان کتاب و مقاله درباره «مسجد» و مباحث پیرامون آن است که به عنوان حسن ختم و برای استفاده خوانندگان و محققان محترم درج شده است.

اینجانب امیدوارم که این مجموعه آخرین راهنمای این زمینه نباشد و بتوانم در آثار بعدی مکتوب این فهرست را کامل کنم و تقدیم دانش پژوهان نمایم. کتاب‌شناسی پیوست به صورت الفبایی ساده به نظم آمده است.

بر عکس منابع و مأخذ معمول در کتاب‌ها و مقالات، این مجموعه ابتدا با عنوان کتاب یا مقاله شروع شده، سپس نام نویسنده کتاب یا مقاله آمده و سایر مشخصات به دنبال آن ذکر شده است.

□ آ - الف

- آثار باستانی جی باستان (پیگردی مسجد جی): علی اصغر میر فتاح، بررسی‌های تاریخی، ش ۶ سال ۱۳۵۵، صص ۱۹۳ - ۲۴۰.

- آشنایی با معماری مساجد کهن ایران: عباس امیری، مجله مسجد، سال چهارم، شماره ۲۱، مرداد و شهریور ۱۳۷۴، صص ۵۸ - ۶۱.

- ارک علیشاه تبریز: ...، هنر مردم، دوره یازدهم، شماره ۱۲۳، آذرماه ۱۳۵۱، صص ۴۱-۴۶.

- اسپیه مزگت یا مسجد جامع دیناچال: ...، آگاهینامه، شماره ۳۴، مهرماه ۱۳۵۷، صص ۲۲-۲۳.

- اطلاعات جدیدی راجع به اصول ساختمانی معمول در مسجد جامع اصفهان: اوژینوگالدیری، فرهنگ معماری ایران، شماره ۱، فروردین ماه ۱۳۵۴، صص ۱۹ و ۱۱.

- اطلاعاتی راجع به گنبد نظام الملک در مسجد جامع اصفهان: ...، فرهنگ معماری ایران، شماره ۲ و ۳، بهار ۱۳۵۵، صص ۳۳ و ۴۹.

□ ب

- بررسی اجمالی درباره سازه‌ها و گنبد در ایران، «مورد گنبد مسجد سپهسالار»: مهندس علی اکبر سعیدی، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران، جلد دوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴، صص ۴۰۵ و ۴۱۷.

- بهداشت مسجد: محمد مهدی اصفهانی، تهران، طرح اقامه نماز، ۱۳۷۲، یکصد صفحه.

- پراکندگی مساجد در شهر تهران، مهرالزمان نوبان: مجموعه مقالات مردم‌شناسی (۳) تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، بهار ۱۳۶۱، صص ۱۸۱ و ۲۴۴.

- بررسی اجمالی در منار مسجد جامع سمنان: محمد علی مخلصی، میراث فرهنگی، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۲، صص ۴۲ و ۴۳.

- بررسی مقدماتی مسجد جامع بروجرد: محمد مهریار، اثر شماره ۱۰ و ۱۱، بهمن ماه ۱۳۶۴، صص ۷۷ و ۱۶۵.

□ پ

- پیدایش مناره در اسلام: محمود فاضل، هنر و مردم، دوره ۷ و شماره ۷۷ و ۷۸، اسفند ماه ۱۳۴۷ و فروردین ماه ۱۳۴۸، صص ۵۵ و ۵۶.

- پیگردی در مسجد ریاط زیارت: رجیلی لباف، میراث فرهنگی، سال اول، شماره ۱، تیرماه ۱۳۶۹، صص ۱۶ و ۱۸.

- پیوند معنوی مردم مسلمان و مسجد رانگسلیم: ... منشور برادری، دوره جدید، شماره ۲۳۷، تیر ۱۳۶۳، صص ۱ و ۴.

□ ت

- تاریخ آموزش در مساجد: محمد مکی السباعی، ترجمه علی شکویی، مسجد، سال سوم، شماره ۱۶ مهر و آبان ماه ۱۳۷۳، صص ۵۴ و ۶۱.

- تاریخ مساجد، مسجد الحرام:....، مسجد، شماره ۱، بهمن ماه ۱۳۶۹، صص ۵۰ و ۵۹.

- تاریخچه معماری مساجد در ایران: احمد خوشنویس، دانشگاه انقلاب، شماره ۳۴، فروردین ۶۳، صص ۷ و ۸ ضمیمه.

- تاریخچه معماری مساجد در ایران: احمد خوشنویس، دانشگاه انقلاب، شماره ۳۵، اردیبهشت ۶۳، ص ۶ ضمیمه.

- تاریخچه معماری مساجد در ایران: احمد خوشنویس، دانشگاه انقلاب، شماره ۳۶ خرداد ۱۳۶۳، صص ۱۰ و ۱۳ ضمیمه.

- تاریخچه بنای مسجد جمکران: محمد مقدسی (بی جا) مؤلف، ۱۳۷۳، ص ۳۱.

- تاریخچه بنای مسجد جمکران: واحد فرهنگی مسجد مقدس جمکران، قم، نصایح، ۱۳۷۴، ۸۰ صفحه.

- تاریخچه مسجد عتیق شیراز: علی نقی بهروزی، شیراز، اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، سال ۱۳۴۹، صفحه ۶۸.
- تاریخچه و شرح آثار معماری و هنری مسجد جامع سلطانی وکیل: علی نقی بهروزی، شیراز، اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، سال ۱۳۵۰، صفحه ۵۹.
- تأویل معماری مسجد با تأملی در مناسک حج: سید محمد بهشتی، در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران، جلد چهارم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵، صص ۱۱ و ۳۹.
- تزئینات هنری در معماری مساجد: جواد محدثی، پیام انقلاب، سال پنجم، شماره ۱۰۹، اردیبهشت ماه ۱۳۶۳، صص ۶۰ و ۶۳ و ۶۵.
- تطور مساجد روستایی در اصفهان: سیروماکسیم، ترجمه کرامت الله افسر، اثر، شماره ۱، بهار ۱۳۵۹، صص ۵۲ و ۷۸.
- توضیح مختصر درباره تاریخ مسجد جامع گناباد: سید محمد تقی مصطفوی، هنر و مردم، دوره ۹۶ و ۹۷، مهر و آبان ۱۳۴۹، ص ۸۶.

ج

- جامع عتیق شیراز: علی نقی بهروزی، بنای تاریخی و آثار هنری، شیراز، اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، چاپ دوم، سال ۱۳۵۴، صص ۱۸۶ و ۱۹۹.
- جمعه مسجد: چون نگینی بر انگشت اردبیل، شهر عاشقان و دلاوران تاریخ، حبیب شهبازی، شیراز، اردبیل و آرتا، ۱۳۷۲، صفحه ۶۲.

ج

- چگونه مسجد شاه از انهدام نجات یافت: پرویز ورجاوند، هنر و مردم، شماره ۶۴، خرداد ۱۳۵۵، صص ۲ - ۹.

- چهل حديث مسجد: جسيين زينالي (تهران)، سازمان تبلیغات اسلامي، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۲، ۴۹ صفحه.
- چهل ستون مسجد ملا رستم مراغه: پرويز ورجاوند، بررسیهای تاریخی، شماره ۶، ۱۳۵۴، صص ۱۳-۴۳.

ح

- حریق مسجد جامع اصفهان در عصر سلجوقی: محمد حسین ریاحی، فرهنگ اصفهان، سال اول، شماره ۲ و ۳، بهار ۱۳۷۵، صص ۱۸-۲۳.
- حضور در مساجد: مسجد، شماره ۱، بهمن ماه ۱۳۶۹، صص ۲۹-۳۳.

خ

- خانه‌های خدا در ایران زمین: محمد کریم پیرنیا، هنر و مردم، دوره ۱۳، شماره ۱۴۹، اسفند ۱۳۵۳، صص ۸۲.
- خاطرات سیاسی بهلول یا فاجعه مسجد گوهر شاد: محمد تقی بهلول، تهران، مؤسسه امام صادق علیهم السلام، ۱۳۷۰، ۳۰۰ صفحه.
- خدای خانه یا دارالمصاحب در مسجد جامع عتیق شیراز: تلاش، شماره ۴۸، ۱۳۵۴، صص ۴۸ و ۴۹.

د

- در مساجد ایران نقشه سبک بدوي عرب وجود ندارد: عباس زمانی، هنر و مردم، دوره دهم، شماره ۱۱۶، خرداد ۱۳۵۱، صص ۲۲-۲۹.
- در توصیف از مسجد جمکران: سلسله تأییفات فیض، در گنجینه آثار قم، جلد دوم، قم، ۱۳۵۰، صص ۶۶۱-۶۷۲.

- در توصیف از مسجد قرمز ساوه: سلسله تألیفات فیض، در گنجینه آثار قم، جلد دوم، قم، ۱۳۵۰، صص ۱۲۸ - ۱۳۶.
- در توصیف از مناره مسجد جامع ساوه: سلسله تألیفات فیض، در گنجینه آثار قم، جلد دوم، ۱۳۵۰، صص ۱۲۸ - ۱۳۶.
- در توصیف گنبد مسجد اعظم قم: سلسله تألیفات فیض، در گنجینه آثار قم، جلد دوم، ۱۳۵۰، صص ۷۱۱ - ۷۳۴.
- در توصیف مسجد امام و تاریخچه آن: سلسله تألیفات فیض، در گنجینه آثار قم، جلد دوم، سال ۱۳۵۰، صص ۶۷۳ - ۶۸۳.
- در توصیف مسجد جامع و تاریخی ساوه: سلسله تألیفات فیض، در گنجینه آثار قم، جلد دوم، سال ۱۳۵۰، صص ۱۱۱ - ۱۲۴.
- در توصیف از مسجد بالا سر و تاریخچه تحولات آن: سلسله تألیفات فیض، گنجینه آثار قم، جلد اول، قم، ۱۳۴۹، صص ۶۲۰ - ۶۲۵.
- دو مسجد زیبا از آثار تاریخی پادشاهان مغول: شیپور، شماره ۱۸، مارس ۱۹۴۳، صص ۶ - ۷.
- دو مسجد مشهور و زیبای شهر استانبول: دنیا، شماره ۷، سال اول، ژوئن ۱۹۴۵، ص ۹.

■ ر

- رسالت مسجد در اسلام: محمد باقر مدرس، مجله مسجد، سال سوم، شماره ۱۶، مهر و آبان ۱۳۷۳، صص ۸۰ - ۸۳.
- روش مدیریت در مساجد، روشهای تحقیق و تبلیغ منابع اسلامی: مجله مسجد، شماره صفر، آذرماه ۱۳۶۹، صص ۳۵ - ۳۹.
- رهآورد مسجد در فرهنگ اسلامی: عبدالوهاب حموده، ترجمه مهدی اسفندیاری، مسجد سال سوم، شماره ۱۶، مهر و آبان ۱۳۷۳، صص ۵۰ - ۵۳.

□ س

- سپهسالار و مسجد سپهسالار: ارمغان، شماره ۳۱، صص ۳۰۵-۳۰۸.
- سند معین الدین اسفزاری درباره تاریخ عمران مسجد جامع هرات از نقاب حجاب بیرون خرامید: آریانا، ج ۲۲، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱-۵.
- سنگاب‌های تاریخی اصفهان از دوره صفویه: لطف الله هنرف، هنر و مردم، دوره پنجم، شماره ۵۲، بهمن ۱۳۴۵، صص ۱۶-۲۰.
- سنگ نوشته تاریخی مسجد جمعه اصفهان: لطف الله هنرف، وحید، جلد ۲، شماره دوم، صص ۴۴-۴۶.
- سیر تحول محراب در معماری اسلامی از آغاز تا حمله مغول: علی سجادی، جلد اول، تهران سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۰، ۲۹۱ صفحه.
- سیمای ایوان غربی مسجد جامع ساوه: مهندس عادل فرهنگی، در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معمادی و شهرسازی ایران، جلد دوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴، صص ۳۸۰-۳۹۸.
- سیمای مسجد: رحیم نوبهار، (قم) مؤلف، ۱۳۷۲-۱۳۷۳، دو جلد.
- شرایط مسجد سازی: جعفر شهری (شهری باف) در تهران قدیم، جلد دوم، تهران، معین، ۱۳۷۱، صص ۳۹-۴۱.
- صحن مسجد شاه، مسجد سپهسالار: جعفر شهری (شهری باف) در تهران قدیم، جلد سوم، تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۱، صص ۳۳۹-۳۵۰.
- سیری در معماری اسلامی ایران: مسکن و انقلاب، سال دوم، شماره ۲۰، مرداد ۶۳، صص ۴۸-۴۹.

□ ش

- شوخی بروقفاتمه امیر خمار تاش بن عبدالله عمادی در مسجد جامع فزوین: احسان الله اشراقی بررسی‌های تاریخی، شماره ۲، ۱۳۵۷، صص ۵۳-۷۶.

□ ع

- عروس الفلك و مسجد غزنه: توجی، ترجمه سرور همایون، آریانا،
جلد ۲۰، شماره ۶، صص ۱۹-۷.

□ ق

- قدیمی‌ترین سر در تاریخی مسجد جمعه اصفهان: لطف الله هنرف،
هنر و مردم، دوره سیزدهم شماره ۱۴۵، آبان ماه ۳۵۳، صص ۲۶-۳۱.

□ ک

- کاوش در جمعه مسجد اردبیل: میراث فرهنگی سال اول، شماره ۱،
تیرماه ۱۳۶۹، ص ۳۰.

- کاوش‌های هیئت باستان‌شناسی فرانسوی در شوش و مسجد سلیمان در
دو ساله اخیر: رمان گیرشمن، ترجمه مسعود رجب نیا، هنر و مردم، دوره ۶
شماره ۶۷ و ۶۸، اردیبهشت و خرداد ۱۳۴۷، صص ۷۶ و ۸۰.

- کتیبه فارسی مسجد هان چو در چین: غلامرضا ستوده، الهیات، مشهد،
شماره ۲۶ و ۲۷، بهار ۱۳۵۷، صص ۲۴۰-۲۴۴.

- کتیبه‌های منار مسجد جامع دامغان: شهریار عدل، اثر، شماره ۷ تا ۹،
بهمن ۱۳۶۱، صص ۲۹۷-۳۰۰.

- کشف تاریخ جدید نقاشی گاوچاه مسجد جامع اصفهان: خانم بهرامی،
اثر، شماره ۲۲ و ۲۳، بی‌تا، صص ۱۸۵-۱۹۵.

- کتیبه کوفی مسجد جامع قزوین: باب الله زارعی (تهران)، وزارت فرهنگ
و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳، ۴۸ صفحه.

- مجموعه شیخ صفی در اردبیل: حبیب شهبازی شیران، اردبیل، آرتا،
۱۳۷۲، ۱۹۹ صفحه.

□ گ

- گرامیداشت مسجد خندق آبادی: مجله مسجد، سال سوم، شماره ۱۴، خرداد و تیرماه ۷۳، صص ۹۲ - ۹۵.

- گزارش مقدماتی درباره بررسی‌های باستان‌شناسی در مسجد جامع اصفهان: امبرتوشراتو، فرهنگ معماری ایران، شماره ۴، تابستان ۱۳۵۵، صص ۳۹ - ۴۶.

- گزارشی کوتاه از مسجد جامع اصفهان و کتیبه نو یافته ایوان درویش: اثر، شماره ۱۵ و ۱۶، زمستان ۱۳۶۷، صص ۱۷۳ - ۱۷۹.

- گنبد و محراب، طاق و رواق: جواد محدثی، پیام انقلاب، سال پنجم، شماره ۱۱۱، خرداد ۶۳، صص ۵۸ - ۶۱ و ۶۵.

- گنبد دو پوششی تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران: عباس زمانی، هنر و مردم، دوره ۱۱، ش ۱۳۴۱، شهریور ماه ۱۳۵۲، صص ۴۳ - ۵۳.

- گوهر تابناک معماری دوران صفویه در اصفهان: لطف الله هنرف، هنر و مردم، دوره شانزدهم، شماره ۱۸۳، دی ۱۳۵۶، صص ۲ - ۱۲.

□ م

- ماهیت و رسالت مسجد: سید ابراهیم سید علوی، مسجد، سال سوم، شماره ۱۳، فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۷۳، صص ۶۶ - ۷۰.

- محراب زیبای مسجد دوره شاهزاد میرزا: مایل هروی، مسجد، سال پنجم، شماره ۲۷، مرداد و شهریور ماه ۱۳۷۵، صص ۶۸ - ۶۹.

- مروری در مسجد شاه تهران بنای ۱۷۲ ساله: آگاهینامه، شماره ۲، بهمن ماه ۱۳۵۴، صص ۹ - ۱۰.

- مساجد باید همچون گذشته قداستش حفظ شود و مرکز نماز و عبادت، تبلیغ اسلام و تبیین مسائل دینی و اخلاقی باشد، جمهوری اسلامی، ۸ مرداد ماه ۱۳۶۳، ص ۱۲.
- مساجد تاریخی یمن: سید محمد علی ابطحی، مسجد، سال پنجم، شماره ۲۶، خرداد و تیرماه ۱۳۷۵، صص ۸۲-۸۵.
- مساجد خاورمیانه: شیپور، شماره ۲۸، فوریه ۱۹۴۴، صص ۴-۵.
- مساجد مسلمانان در اروپای غربی: جورجی نیلسن ترجمه سید محمد رویین تن، مسجد، سال پنجم، شماره ۲۶، خرداد و تیرماه ۱۳۷۵، صص ۴۴-۴۹.
- مسجد استاد و شاگرد تبریز در زین المعابد فی بیان فضیله المساجد: محمد علی قراچه داغی اوانسری، مسجد، - سال ۵، ش ۲۷، مرداد و شهریور ۱۳۷۵، صص ۶۱-۶۹.
- مسجد امام خمینی تهران: سعید میر محمد صادق و مهدی رجبی: مسجد، سال ۴، ش ۲۱، مرداد و شهریور ۷۴، صص ۶۲-۶۹.
- مسجد بیرون ابرکوه: جواد ریاض کرمانی، آگاهینامه، ش ۲۷، اسفند ۱۳۵۶، صص ۱۱-۱۳.
- مسجد جاجرم: فائق توحیدی، اثر، ش ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵، اسفند ماه ۶۵، صص ۱۰۲-۱۰۶.
- مسجد جامع اردستان: باقر آیة الله زاده شیرازی، اثر، ش ۱، بهار ۵۹، صص ۵-۵۱.
- مسجد جامع اصفهان نمونه‌ای از تخریب میراثهای فرهنگی بر اثر جنگ: اثر، ش ۱۰ و ۱۱، بهمن ۶۴، صص ۳-۱۵.
- مسجد جامع افین در قهستان: حسین رایتی مقدم، آگاهینامه، ش ۳۲، مرداد ۱۳۵۷، صص ۱۹-۲۰.

- مسجد جامع امیربنده کلارچای: آگاهینامه، ش ۲۶، بهمن ۵۶، ص ۱۵.
- مسجد جامع شوستر، تهران مصور، ش ۷۲۶، ۴ مرداد ۱۳۳۶، ص ۳۹.
- مسجد جامع عتیق اصفهان: آندره کدار، ترجمه جلال ستاری، هنر و مردم دوره ۶، ش ۶۱ و ۶۲، آبان و آذرماه ۴۶، صص ۶۵-۶۷.
- مسجد جامع قاین: بقراط نادری، اثر، ش ۱، بهار ۵۹، صص ۱۰۳ و ۱۰۷.
- مسجد جامع گناباد: عباس زمانی، هنر و مردم، دوره ۸، ش ۹۲، خرداد ۴۹، صص ۱۴-۱۶.
- مسجد جامع مرتد: بقراط نادری، آگاهینامه، ش ۲۸، فروردین ۵۷، صص ۱۱.
- مسجد جامع نیریز: فصلنامه هنر، ش ۴، پاییز ۱۳۶۲، صص ۱۸۸-۱۸۹.
- مسجد جامع جمعه اردبیل: ماسکسیم سیرو، ترجمه نادیه ایمانی، اثر، شماره ۱۵ و ۱۶، زمستان ۶۷، صص ۱۸۰-۲۰۵.
- مسجد جمعه نایین: محمد تقی مصطفوی، عامری نامه، تهران، ۱۳۵۳، صص ۱۱۴-۱۱۹.
- مسجد خادم الفقرا یادبود وزیری مقتدر از دوران صفویه به نام ساروتقی: طف الله هنرفر، هنر و مردم، دوره ۷، شماره ۷۷ و ۷۸، اسفند ماه ۴۷ و فروردین ۴۸، صص ۳۴-۳۷.
- مسجد خانم در زنجان: سیامک کشاورز، آگاهینامه، ش ۳۱، تیر ۵۷، صص ۲۴-۲۵.
- مسجد رفیع البنای سلطانی: علی جواهر کلام، نگین، جلد ۱، ش ۱، صص ۲۰-۲۸.
- مسجد سپهسالار، دانشگاه روحانی: اطلاعات هفتگی، ش ۴۳۷ دی ماه ۱۳۲۸، صص ۳-۵.

- مسجد سید اصفهان: محمود ماهر النقش، موزه‌ها، سال اول، ش ۱، فروردین ماه ۱۳۶۰، صص ۲۸ - ۴۱.
- مسجد سید اصفهان و وقفاً نامه آن: سید محسن قائم فرد، میرک جاویدان، سال ۴، ش ۱، بهاره ۱۳۷۵، صص ۸۴ - ۸۹.
- مسجد شاه یا مقبره میر غیاث الدین ملکشاه: عبدالحمید مولوی، هنر و مردم، دوره ۷، ش ۷۴ و ۷۵، آذر و دی ۱۳۴۷، صص ۷۵ - ۹۳.
- مسجد عبادتگاه و پایگاه اجتماعی اسلام: پلیس انقلاب، سال ۳، ش ۳۴، آذر ۶۳، صص ۳۸ - ۴۲ - ۴۳.
- مسجد علیشاه جیلانی: محمد جواد مشکور، هنر و مردم دوره ۸، ش ۹۱، اردیبهشت ۱۳۴۹، صص ۲۳ - ۲۸.
- مسجد فرط یزد: سید کاظم مدرسی، سال ۵، ش ۲۷، مرداد و شهریور ماه ۱۳۷۵، صص ۷۰ - ۷۳.
- مسجد کبود میعادگاه زائران و هنر دوستان: مهرالزمان نوبان، گردش، ش ۱۱ و ۱۲، بی‌تا، صص ۱۵ - ۱۶.
- مسجد گالری هنرهای اسلامی: عبدالحسین زرین کوب، هنر و مردم، دوره جدید، ش ۳۰ فروردین ۴۴، صص ۳ - ۵.
- مسجد نایین: اس فلاری ترجمه کلود کرباسی، اثر، ش ۲۲ و ۲۳، بی‌تا، صص ۱۵۱ - ۱۶۷.
- مسجد نصیر الملک شیراز: آگاهینامه، شماره ۳۰، خرداد ماه ۵۷، ص ۲۵.
- مسجد و مدرسه آقا بزر (کاشان): آگاهینامه، ش ۲۲، مهر ۵۶، ص ۱۳۱۲.
- مسجد و مدرسه عالی سپهسالار: تلاش، ش ۷۱، تیرماه ۵۶، صص ۲۴ - ۲۸.
- معماری و تزیینات اسلامی در کشورهای جهان و ایران: منوچهر شبیانی، هنر و مردم دوره ۱، ش ۳، دی ۱۳۴۱، صص ۱۴ - ۱۷.

- ملکوت در رواق مساجد: جواد محدثی، پیام انقلاب، سال ۵، ش ۱۰۸، ۲۵ فروردین ماه ۱۴۶۳، صص ۴۶-۴۹.

ن □

- نقش چند کاشی از مسجد کبود: احمد دریانی، سرو، جلد ۱، ش ۱، صص ۱۷-۱۶.

- نخستین مسجد ری: دکتر حسین کریمان، ری باستان، جلد اول، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵، ص ۳۲۱.

- نقش مساجد در تبلیغات: احمد رزاقی، اعتصام، ش ۲۸، مرداد ماه ۱۴۶۳، صص ۶۰-۶۲.

- نقاشی دیواری مسجد جامع خرمشهر: ناصر پلنگی (قم)، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بخش فرهنگی هنری، ۱۳۶۴.

- نقش و نگار سقف‌های مساجد ایران: شیپور، ش ۵۸، اوت ۱۹۴۷، صص ۴۲-۴۷.

ه □

- هندسه پنهان در نمای مسجد شیخ لطف‌الله، اصفهان، مهندس کامبیز حاجی قاسمی، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران، جلد دوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴، صص ۱۶۵-۱۷۳.

و □

- وقفاًمه مسجد دارالاحسان سنتنچ: میراث جاویدان، سال سوم، ش ۲، تابستان ۱۳۷۴، صص ۱۱۷-۱۱۹.

□ ۵

- یادداشتی برزوزن و مسجد و مدرسه آن: دکتر شهریار عدل، اثر، ش ۱۵ و ۱۶، سال ۱۳۶۷، صص ۲۳۱-۲۴۸.

- یک فرمان تاریخی از شاه عباس کبیر در مسجد شاه اصفهان: وحید، جلد ۲، ش ۴، صص ۴۱-۴۳.

- یک گردش علمی (مسجد جامع «قروه»، نزدیک ابهر و مسجد جامع قریه سرآور گلپایگان): صادق صمیمی، باستان‌شناسی، جلد ۱، ش ۳ و ۴، صص ۳۷-۴۹.

- مساجد: در راهنمای قم، قم، دفتر آستانه، ۱۳۱۷، صص ۱۴-۱۶.

- مساجد: سید محمد تقی مصطفوی، در آثار تاریخی تهران، اماکن متبرکه تهران، گروس و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، صص ۳۵۱-۳۶۱، ۴۰۹-۴۱۵.

- مساجد: محمد یوسف کیانی، در معماری ایران، دوره اسلامی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱-۲۲.

- مساجد اردبیل: سید جمال ترابی طباطبایی، در آثار باستانی آذربایجان، جلد دوم، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵، صص ۴۱۳-۴۲۶.

- مساجد این شهر: ناصر نجمی، در ایران قدیم و تهران قدیم، تهران، جانزاده، ۱۳۶۲، ص ۷۷.

- مساجد تاریخی ساوه: سید محمد تقی مصطفوی، در آثار تاریخی تهران، اماکن متبرکه، تهران، گروس و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، صص ۴۱۶-۴۱۷.

- مساجد تاریخی گلپایگان: سید محمد تقی مصطفوی، در آثار تاریخی تهران، اماکن متبرکه، تهران، گروس و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، صص ۴۲۰-۴۱۹.

- مساجد تاریخی و باستانی و تکایا و مصلی‌ها و کلیساهاي تاریخی ایران: سید محمد تقی مصطفوی، در آثار تاریخی تهران، اماكن متبرکه، تهران، گروس و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، صص ۳۲۶ - ۳۳۰.
- مساجد تبریز: عبدالعلی کارنگ، در آثار باستانی آذربایجان، جلد اول، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱، صص ۲۳۲ - ۳۹۱.
- مساجد دزفول: حسنعلی پورعلی، در دزفول، تهران، انتشارات افروز، ۱۳۷۴، صص ۶۹ - ۷۱.
- مساجد سراب: سید جمال ترابی طباطبایی، در آثار باستانی آذربایجان، جلد دوم، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵، صص ۵۳۶ - ۵۵۶.
- مساجد قدیمی شیراز: علی سامی در شیراز، شهر جاویدان، شیراز، انتشارات لوکوس (نوید)، چاپ سوم، ۱۳۶۳، صص ۵۷۲ - ۵۷۳.
- مساجد مهم همدان: منصور اکبر خانزاده، در همدان، مختصری پیرامون آثار مذهبی تاریخی و دیدنیهای استان همدان، همدان، انتشارات اداره کل ارشاد اسلامی استان همدان، ۱۳۶۲، ص ۳۶.
- مساجد و مدارس تاریخی کاشان: سید محمد تقی مصطفوی، در آثار تاریخی تهران، اماكن متبرکه، تهران، گروس و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۴۱۵.
- مسجد: استاد محمد کریم پیرنیا، در آشنایی با معماری اسلامی ایران، ساختمان‌های درون شهری و برون شهری، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ سوم، ۱۳۷۴، صص ۳۷ - ۹۰.
- مسجد: حسین زینالی، (تهران)، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۳، ص ۵۶.
- مسجد: دکتر محمد علی احمدیان، در جغرافیای شهرستان بیرجند، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۴، صص ۱۶۷ - ۱۷۰.

- مسجد آقانور: ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی، در آثار ملی اصفهان، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲-۵۱۶.
- مسجد اعظم قم: محمد حسین ناصرالشريعة قمی، در تاریخ قم، قم، دارعلم، ۱۳۴۰، صص ۲۸۷-۲۹۰.
- مسجد اولیه ساوه: اسکندر مختاری طالقانی، در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴، صص ۱۵۷-۱۸۷.
- مسجد بالا سر: مدرس طباطبایی، در تربت پاکان، جلد اول، قم، ۱۳۵۲، ص ۶۱.
- مسجد پامنار: لطف الله هنرفر، در گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، کتابفروشی ثقفی، چاپ دوم، ۱۳۵۰، صص ۱۷۱-۱۷۴.
- مسجد ترکها - مسجد آذربایجانی‌های: جعفر شهری (شهری باف)، در تهران قدیم، جلد دوم، تهران، معین، ۱۳۷۱، صص ۳۷-۳۹، ۴۲-۴۴.
- مسجد جامع: یونس مروارید، در مراغه (افرازه رود)، تهران، مؤلف، چاپ دوم، ۱۳۷۲، صص ۳۸۷-۳۸۴.
- مسجد جامع: محمد علی مخلصی، در آثار تاریخی سمنان، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶، صص ۷۷-۸۸.
- مسجد جامع آمل: عباس شایان، در مازندران، جغرافیای تاریخی و اقتصادی، جلد اول، تهران، علمی، ۱۳۳۶، ص ۲۹۴.
- مسجد جامع اردبیل: دکتر محمد جواد مشکور، در نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹، صص ۳۸۴-۳۸۵.

- مسجد جامع اردستان: لطف‌الله هنرفر، در گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، کتابفروشی ثقفى، چاپ دوم، ۱۳۵۰، صص ۲۱۰ - ۲۱۹.
- مسجد جامع اشترجان: لطف‌الله هنرفر، در گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، کتابفروشی ثقفى، چاپ دوم، ۱۳۵۰، صص ۲۷۹ - ۲۶۷.
- مسجد جامع اصفهان: گالری اوژن، ترجمه عبدالله جبل عاملی، اصفهان، مرکز میراث فرهنگی اصفهان، ۱۳۷۰.
- مسجد جامع بزر قزوین: ناصر نجمی، در ایران قدیم و تهران قدیم، تهران، جانزاده، ۱۳۶۲، صص ۱۴۶ - ۱۴۹.
- مسجد جامع دزفول و تاریخچه آن: سید محمد علی امام، دزفول، ۱۳۴۸، صفحه ۶۴.
- مسجد جامع رضائیه: دکتر محمد جواد مشکور، در نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹، صص ۴۱۳ - ۴۱۴.
- مسجد جامع رضوی: محمد اسماعیل مقیمی، در جغرافیای تاریخی شیروان، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، صص ۱۸۹ - ۱۹۰.
- مسجد جامع ساری: عباس شایان، در مازندران جغرافیای تاریخی و اقتصادی، ج اول، تهران، علمی، ۱۳۳۶، ص ۳۰۵.
- مسجد جامع شهر خوانسار: حمید رضا میر محمدی، در جغرافیای خوانسار، جلد اول مشهد، مؤلف، ۱۳۷۲، صص ۹۳ - ۹۵.
- مسجد جامع عتیق: علی سامی، در شیراز شهر جاویدان، شیراز، انتشارات لوکوس (نوید)، چاپ سوم، ۱۳۶۳، صص ۵۵۸ - ۵۶۹.
- مسجد جامع عتیق: علی نقی بهروزی، در بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، شیراز، اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص ۲۷۵.

- مسجد جامع کرمان و کارکردهای مذهبی آن: علی زنگی آبادی در جغرافیا و برنامه ریزی شهری کرمان، جلد اول و دوم، کرمان، مؤلف، ۱۳۷۰، صص ۱۶۹ - ۱۶۶.
- مسجد جمعه اردبیل: بیوک جامعی، در نگاهی به آثر و ابنیه تاریخی اردبیل، تهران ع انتشارات علی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۲، صص ۱۶ - ۶۹.
- مسجد جمعه اصفهان: لطف الله هنرفر، در گنجینه آثار تاریخی اصفهان، کتابفروشی ثقفی، ۱۳۵۰، صص ۶۷ - ۶۸.
- مسجد جمعه نایین: سید محمد تقی مصطفوی، در آثار تاریخی، اماکن متبربک، تهران، گروپ و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، صص ۳۲۴ - ۳۲۳.
- مسجد جنت سرا: بابا صفری، در اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد دوم، تهران، ۱۳۵۳، صص ۲۸۵ - ۲۸۲.
- مسجد چهل ستون: علی زنگی آبادی، در جغرافیا و برنامه ریزی شهری کرمان، ج اول و دوم، مؤلف ۱۳۷۰، ص ۱۲۸.
- مسجد سپهسالار: علی نقی بهروزی، در بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، شیراز، اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص ۲۷۷.
- مسجد شیخ بابا: یونس مروارید در مراغه (افرازه رود)، تهران، مؤلف، چاپ دوم ۱۳۷۳، صص ۳۸۹ - ۳۹۳.
- مسجد شیخ لطف الله هنرفر، در گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، کتابفروشی ثقفی، چاپ دوم، ۱۳۵۰، صص ۴۰۱ - ۴۱۵.
- مسجد شیر: علی نقی بهروزی، در بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، شیراز، اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، چاپ دوم، ۱۳۵۴، صص ۱۹۹ - ۱۸۶.

- مسجد صحن موزه: محمد حسین ناصرالشرعیه، در تاریخ قم، قم، دارالعلم، ۱۳۴۰، صص ۳۰۵ - ۳۱۱.
- مسجد گنجعلی خان: علی زنگی آبادی، در جغرافیا و برنامه ریزی شهری کرمان، جلد اول و دوم، کرمان، مؤلف، ۱۳۷۰، ص ۱۵۸.
- مسجد گوهر شاد: ناصر نجفی، در ایران قدیم و تهران قدیم، تهران، خانزاده، ۱۳۶۲، ص ۱۳۰.
- مسجد مصطفی: مرتضی امین، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۴، صفحه ۲۴.
- مسجد معزالدین: یونس مروارید، در مراغه (افرازه رود)، تهران، مؤلف، چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۳۷۴ تا ۳۸۳.
- مسجد قدس جمکران: تجلی گاه صاحب الزمان روحی و ارواح العالمین لـ الفداء، جعفر میر عظیمی، قم، رسالت، ۱۳۷۲، یک جلد.
- مسجد موزه: حسین مدرسی طباطبائی، در تربیت پاکان، جلد اول، قم، ۱۳۵۵، ص ۶۱.
- مسجد مهرآباد: یونس مروارید، در مراغه (افرازه رود)، تهران، مؤلف، چاپ دوم، ۱۳۷۲، صص ۴۰۸ - ۴۱۱.
- مسجد نو: دکتر بهمن کریمی، در راهنمای آثار تاریخی شیراز، اقبال، چاپ دوم، ۱۳۴۴، صص ۸۷ - ۹۰.
- مسجد نو: علی سامی، در شیراز، شهر جاویدان، شیراز، انتشارات لوکس (نوید)، چاپ سوم، ۱۳۶۳، صص ۵۶۹ - ۵۶۱.
- مسجد نو: علی نقی بهروزی، در بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، شیراز، اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، ۱۳۴۹، صص ۱۹۹ - ۲۰۴.
- مسجد وکیل: دکتر بهمن کریمی، در راهنمای آثار تاریخی شیراز، اقبال، چاپ دوم، ۱۳۴۴، صص ۷۰ - ۷۶.

- مسجد وکیل: علی سامی، در شیراز شهر جاویدان، شیراز، انتشارات لوکس (نوید) چاپ سوم، ۱۳۶۳، صص ۵۷۹-۵۹۸.
- مسجد وکیل: علی نقی بهروزی، در بنای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، شیراز، اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، ۱۳۴۹، صص ۱۳۴-۱۳۹. ۲۷۵.
- مسجد و مدرسه آقا بزر کاشان: حسین فرخ یار، در نگاهی به بنای تاریخی (کاشان)، کاشان، اداره میراث فرهنگی کاشان، ۱۳۷۰، صص ۲۵-۲۶.
- مسجد و مناره برسیان: لطف‌الله هنرف، در گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، کتابفروشی ثقیل، چاپ دوم، ۱۳۵۰، صص ۱۷۴-۱۷۸.
- مسجد و مناره گار: لطف‌الله هنرف، در گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، کتابفروشی ثقیل، چاپ دوم، ۱۳۵۰، صص ۱۸۲-۱۸۶.
- مسجدها: ایرج افشار سیستانی، در خوزستان و تمدن دیرینه آن، جلد اول، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳، صص ۳۷۳-۳۷۵، ۳۴۱-۳۴۳.
- معماری خانه کعبه و مسجد الحرام به روایت سفرنامه حکیم ناصر خسرو قبادیانی: عقیل عابدی، در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴، صص ۱۳-۵۲.
- منار و مسجد علاء: محمد علی مخلصی، در آثار تاریخی سمنان، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶، صص ۹۰-۹۱.

▣ سایر منابع و مأخذ

- ۱- مجموعه مقالات مرکز رسیدگی به امور مساجد، خردادماه ۷۵، (تهران ۱۳۷۶). (مقالات برادران مهدی ظهیریان، ستادعالی احیای مساجد، محمد سروش محلاتی، رشاد، تبریزی، ابوالفضل عابدینی، الهیه هادیان رستمی و مهرالزمان نوبان).

- ۲- مجله مسجد، سال اول، شماره دوم، اردیبهشت ماه ۷۱.
- ۳- مجله مسجد: سال اول، شماره سوم، خرداد ماه ۷۱.
- ۴- مجله مسجد، سال اول، شماره ششم، آذرماه ۷۱.
- ۵- مجله مسجد، سال سوم، شماره چهاردهم، خرداد و تیرماه ۷۳.
- ۶- مجله مسجد، سال سوم، شماره پانزدهم، مرداد و شهریورماه ۷۳.
- ۷- مجله مسجد، سال سوم، شماره شانزدهم، مهر و آبان ماه ۷۳.
- ۸- مجله مسجد، سال سوم، شماره هفدهم، آذر و دی ماه ۷۳.
- ۹- مجله مسجد، سال سوم، شماره هیجدهم، بهمن و اسفند ماه ۷۳.
- ۱۰- مجله مسجد، سال چهارم، شماره نوزدهم، فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۷۴.
- ۱۱- مجله مسجد، سال چهارم، شماره بیست و دوم، مهر و آبان ماه ۷۴.
- ۱۲- کیهان، شماره ۱۴۴۳۹، فروردین ۷۱، ص ۶، مقاله «اهل مساجد محبوبترین بندگان نزد خداوند».



